



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الربما  
علیهما صابا

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

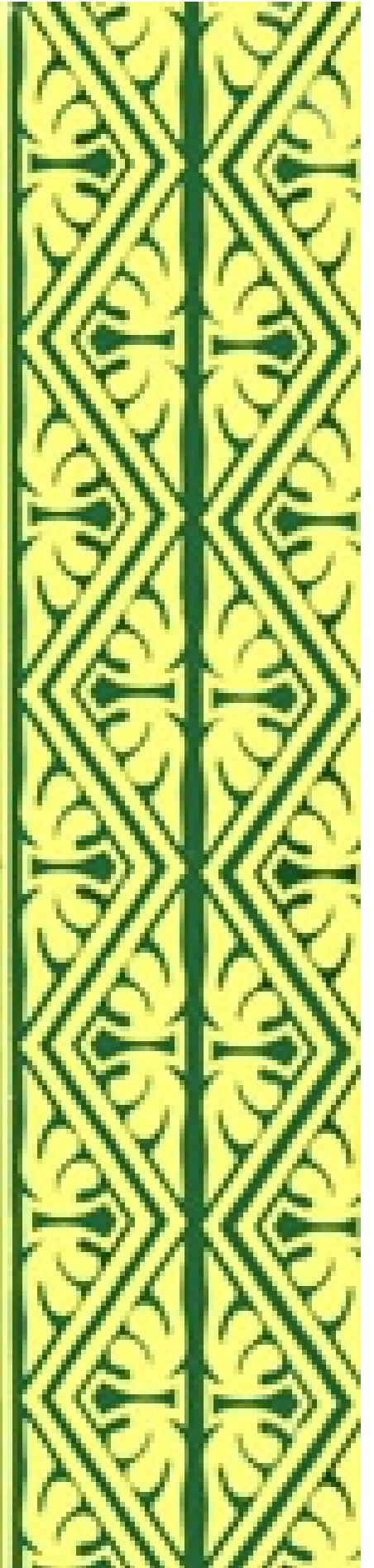


# عقاید اسلام

در قرآن کرم

جلد دوم

مؤلف: سید مرتضیٰ حسینی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# عقاید اسلام در قرآن کریم

نویسنده:

مرتضی عسکری

ناشر چاپی:

مجمع علمی اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۴	عقاید اسلام در قرآن کریم جلد ۲
۱۴	مشخصات کتاب
۱۶	مقدمه
۱۶	عقاید اسلام در قرآن کریم
۲۰	نمودار مباحث
۲۵	۱ نسخ در دوره پیامبران صاحب شریعت
۲۵	اشاره
۲۷	وحدت شرایع آدم و نوح و ابراهیم و محمد صلی الله علیه و آله و سلم
۲۷	نخست-آدم علیه السلام پدر انبای بشر
۲۸	دوم-نوح پدر انبیا علیهم السلام
۲۸	اشاره
۲۹	شرح کلمات
۳۰	تفسیر فشرده آیات
۳۱	سوم-ابراهیم خلیل الله علیه السلام
۳۱	اشاره
۳۴	شرح کلمات
۳۵	تفسیر خلاصه آیات
۳۶	نتیجه بحث
۴۰	اصطلاح نسخ و آیه و معنای آنها
۴۰	نخست-نسخ
۴۰	دوم-آیه
۴۰	اشاره
۴۱	تفسیر آیه نسخ

۴۷	تفسیر آیه تبدیل
۴۹	شرح کلمات
۵۱	نتیجه بحث در تفسیر «مُضَدَّقًا لِّمَا مَعَكُمْ»
۵۴	تفسیر آیات
۵۹	شریعت موسی علیه السلام ویژه بنی اسرائیل
۵۹	اشاره
۵۹	حقیقت نسخ در شریعت موسی علیه السلام
۵۹	نخست-تذکر بنی اسرائیل به نعمت های خدا
۶۱	دوم-تورات و برخی احکام آن
۶۴	سوم-نعمت های خدا بر بنی اسرائیل و سرکشی و نافرمانی آنان
۶۴	اشاره
۶۶	شرح کلمات
۶۷	تفسیر آیات
۷۱	نتیجه بحث
۷۴	معنای نسخ در شریعت یک پیامبر
۷۴	اشاره
۷۵	فشرده بحث نسخ و نتیجه آن
۷۹	شأن نزول آیه تبدیل
۸۸	۲ رب العالمین و پاداش اعمال انسان
۸۸	اشاره
۹۰	انسان و پاداش کار در دنیا
۹۰	اشاره
۹۳	شرح کلمات
۹۳	پاداش دنیا و آخرت
۹۵	انسان و پاداش او در آخرت
۹۵	اشاره

۹۸	شرح کلمات
۹۸	بازگشت به آغاز
۱۰۲	انسان و پاداش او به هنگام مرگ
۱۰۲	اشاره
۱۰۴	شرح کلمات
۱۰۶	انسان و پاداش او در قبر
۱۰۷	انسان و پاداش او در محشر
۱۰۷	الف-به هنگام نفخ صور
۱۰۷	اشاره
۱۰۹	شرح کلمات
۱۱۰	ب-در مشاهد روز قیامت
۱۱۰	اشاره
۱۱۳	شرح کلمات
۱۱۵	انسان و پاداش او در بهشت و جهنم
۱۱۵	اشاره
۱۱۸	شرح کلمات
۱۱۸	تفسیر آیات در روایات
۱۲۲	پاداش صبر و شکیبایی
۱۲۲	اشاره
۱۲۵	شرح کلمات
۱۲۶	پاداش صابران در روایات
۱۲۸	پاداش عمل، میراث نسلها
۱۲۸	اشاره
۱۲۹	شرح کلمات
۱۲۹	آثار عمل بعد از مرگ
۱۳۱	شایستگی شفاعت، پاداش برخی اعمال

۱۳۱	الف-تعریف شفاعت
۱۳۱	ب-شفاعت در قرآن
۱۳۱	اشاره
۱۳۳	تفسیر آیات
۱۳۳	ج-شفاعت در روایات
۱۳۳	اشاره
۱۳۵	نتیجۀ بحث
۱۳۷	تباهی پاداش، کیفر برخی اعمال
۱۳۷	الف-تعریف حبط و تباهی عمل
۱۳۷	ب-حبط عمل در قرآن کریم
۱۳۹	ج-حبط عمل در روایات
۱۳۹	اشاره
۱۴۱	خلاصه بحث
۱۴۲	جتیان در پاداش و کیفر همانند انسانند
۱۴۲	اشاره
۱۴۴	خلاصه بحث پاداش و کیفر
۱۴۶	۳ برخی از صفات و اسمای رب العالمین
۱۴۶	اشاره
۱۴۸	۱-معنای اسم
۱۴۸	۲ و ۳-معنای رحمان و رحیم
۱۵۰	۴-ذو العرش و "رب العرش"
۱۵۰	اشاره
۱۵۲	شرح کلمات
۱۵۲	تفسیر آیات
۱۶۷	نتیجه بحث
۱۷۰	۴ اسمای حسنای الهی



- ۱۷۰ ..... اشاره
- ۱۷۲ ..... ۱-الله
- ۱۷۶ ..... ۲-کرسی
- ۱۷۹ ..... عبد و عبادت:
- ۱۷۹ ..... اشاره
- ۱۷۹ ..... الف-عبودیت
- ۱۸۰ ..... ب-عبد
- ۱۸۴ ..... ۵ مشیت رب العالمین
- ۱۸۴ ..... اشاره
- ۱۸۶ ..... نخست-معنای مشیت در لغت و قرآن کریم
- ۱۸۶ ..... الف-مشیت در لغت
- ۱۸۷ ..... ب-مشیت در اصطلاح قرآنی
- ۱۸۹ ..... دوم-مشیت خدا در رزق و روزی
- ۱۸۹ ..... اشاره
- ۱۹۱ ..... مشیت خدا چگونه است؟
- ۱۹۳ ..... سوم-مشیت خدا در هدایت و راهنمایی
- ۱۹۳ ..... اشاره
- ۱۹۳ ..... الف-هدایت آموزشی
- ۱۹۵ ..... ب-انسان و گزینش هدایت یا گمراهی
- ۱۹۵ ..... اشاره
- ۱۹۶ ..... انسان هدایت جو و امداد الهی
- ۱۹۷ ..... ج-هدایت به معنای توفیق ایمان و عمل با مشیت خداوندی
- ۱۹۷ ..... اشاره
- ۱۹۸ ..... شرح کلمات
- ۲۰۰ ..... چهارم-مشیت الهی در عذاب و رحمت:
- ۲۰۴ ..... ۶ بداء یا محو و اثبات

- ۲۰۴ ..... اشاره
- ۲۰۶ ..... نخست-معنای لغوی بدهاء
- ۲۰۶ ..... دوم-معنای بدهاء در اصطلاح علمای عقاید اسلامی
- ۲۰۶ ..... سوم-بدهاء در قرآن کریم
- ۲۰۶ ..... اشاره
- ۲۰۷ ..... شرح کلمات
- ۲۰۹ ..... تفسیر آیات
- ۲۱۳ ..... شرح کلمات
- ۲۱۳ ..... تفسیر آیه
- ۲۱۵ ..... چهارم-بدهاء در روایات مکتب خلفا
- ۲۱۶ ..... پنجم-بدهاء در روایات امامان اهل بیت علیهم السلام
- ۲۱۶ ..... اشاره
- ۲۱۸ ..... اثر اعتقاد به بدهاء
- ۲۲۰ ..... ۷ جبر و تفویض و اختیار
- ۲۲۰ ..... اشاره
- ۲۲۲ ..... الف-معنای لغوی جبر
- ۲۲۲ ..... ب-جبر در اصطلاح علمای عقاید اسلامی
- ۲۲۳ ..... ج-معنای لغوی تفویض
- ۲۲۳ ..... د-"تفویض" در اصطلاح علمای عقاید اسلامی
- ۲۲۳ ..... ه-معنای لغوی اختیار
- ۲۲۳ ..... و-اختیار در اصطلاح علمای عقاید اسلامی
- ۲۲۴ ..... ۸ قضا و قدر
- ۲۲۴ ..... اشاره
- ۲۲۶ ..... معنای قضا و قدر
- ۲۲۶ ..... اشاره
- ۲۲۶ ..... الف-برخی معانی ماده قضا

- ب- برخی معانی ماده قدر ..... ۲۲۷
- ج- معنای قدر ..... ۲۲۸
- د- معنای قدر ..... ۲۲۸
- روایاتی از امامان اهل بیت علیهم السلام در قضا و قدر ..... ۲۳۰
- اشاره ..... ۲۳۰
- شرح روایات ..... ۲۳۵
- چند پرسش و پاسخ ..... ۲۳۷
- پاسخ پرسش ۱ و ۲ ..... ۲۳۷
- پاسخ پرسش سوم ..... ۲۳۸
- پاسخ پرسش چهارم ..... ۲۳۸
- ۹ پیوستها ..... ۲۴۰
- اشاره ..... ۲۴۰
- پیوست شماره ۱ ..... ۲۴۲
- اشاره ..... ۲۴۲
- اختلافات عقیدتی، ریشه و تاریخ آن ..... ۲۴۳
- اشاره ..... ۲۴۳
- الف- مکتب نقلی محض ..... ۲۴۵
- ب- مکتب عقلی محض ..... ۲۴۹
- اشاره ..... ۲۴۹
- مکتب اشعری- ما تریدی یا راه میانه در اهل تستن ..... ۲۵۱
- ج- مکتب ذوقی اشراقی ..... ۲۵۲
- د- مکتب حسی- تجربی علمی به اصطلاح روز ..... ۲۵۴
- ه- مکتب اهل بیت علیهم السلام راه فطرت ..... ۲۵۵
- اصول و مبانی مکتب اهل بیت علیهم السلام در بررسی عقاید اسلامی ..... ۲۵۷
- راه اهل بیت علیهم السلام راه قرآن ..... ۲۶۱
- اشاره ..... ۲۶۱

۲۶۱	۱-درباره توحید:
۲۶۲	۲-درباره عدل:
۲۶۲	۳-درباره نبوت:
۲۶۴	۴-درباره امامت:
۲۶۶	جایگاه «عقل» در مکتب اهل بیت علیهم السلام
۲۶۶	اشاره
۲۶۷	مناظرات کلامی و دیدگاه اهل بیت علیهم السلام
۲۶۷	اشاره
۲۶۷	۱-جدال حسن و نیکو.
۲۶۸	۲-جدال قبیح و زشت.
۲۶۹	عقل نیازمند وحی است
۲۷۰	جایگاه نقل
۲۷۱	بی اعتباری خبر واحد در عقاید
۲۷۲	پایان سیر و بررسی
۲۷۵	پیوست شماره ۲ - ابتدای آفرینش و برخی صفات آفریدگان در روایات
۲۷۵	۱-ابتدای آفرینش به روایت مسعودی:
۲۷۶	۲-ابتدای آفرینش در خطبه اول نهج البلاغه:
۲۷۶	اشاره
۲۷۸	شرح کلمات:
۲۸۱	پیوست شماره ۳ - کون و هستی یا عالم طبیعت در قرآن کریم
۲۸۱	اشاره
۲۸۳	کون و هستی در قرآن کریم:
۲۸۵	چگونگی آفرینش:
۲۹۱	فهرستها
۲۹۱	اشاره
۲۹۳	فهرست اعلام

- ۳۱۳ ..... فهرست آیات کریمه بتوالی بر حسب صفحات کتاب
- ۳۶۱ ..... ملل و نحل و شعوب و قبایل و موضوعات پراکنده
- ۳۶۵ ..... فهرست احادیث و روایاتی که در این کتاب آمده است.
- ۳۷۱ ..... فهرست اشعاری که در این کتاب آمده است
- ۳۷۲ ..... فهرست اسامی مؤلفین و مصنفین
- ۳۸۱ ..... اماکن جغرافیایی
- ۳۸۶ ..... فهرست کتب
- ۳۹۵ ..... درباره مرکز

## عقاید اسلام در قرآن کریم جلد 2

### مشخصات کتاب

سرشناسه: عسکری، مرتضی، - 1293

عنوان قراردادی: [عقاید الاسلام من القرآن الکریم. فارسی]

عنوان و نام پدیدآور: عقاید اسلام در قرآن کریم / مولف مرتضی عسکری؛ مترجم محمدجواد کرمی

مشخصات نشر: تهران: مجمع علمی اسلامی، [1375] -.

شابک: 964-5841-28-36500-28-36500 ریال (ج. 1)

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

یادداشت: جلد دوم کتاب حاضر توسط دانشکده، اصول دین منتشر می شود که نام قلبی مجمع علمی اسلامی است

یادداشت: فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا

یادداشت: ج. 2 (چاپ اول: 1376)؛ بها: 6500 ریال (ج. 2): (ISBN 964-5841-37-2) vol. 2

یادداشت: کتابنامه

عنوان دیگر: عقاید الاسلام من القرآن الکریم. فارسی

موضوع: اسلام -- عقاید -- جنبه های قرآنی

شناسه افزوده: کرمی، محمدجواد، مترجم

شناسه افزوده: مجمع علمی اسلامی

شناسه افزوده: دانشکده اصول دین

شناسه افزوده: ظ

رده بندی کنگره: 104/BP104/ع67 1375 5341

رده بندی دیویی: 297/159

شماره کتابشناسی ملی: م 76-2835



## عقاید اسلام در قرآن کریم

## عقاید اسلام در قرآن کریم (1)

علامه سید مرتضی عسکری با آنچه که بیش از نیم قرن به رشته تحریر آورده، در طرح مباحث و جهت گیری تکاملی اش ویژگی منحصر به فردی یافته است. پژوهش ها و تجربه های شخصی اش در این مدت طولانی بر صافی و خلوص آثارش افزوده، و بر اساس همین تحقیقات و بررسیهای طولانی است که برنامه های اساسی خود را در جامعه اسلامی تبیین و اجرا می نماید؛ برنامه هائی دقیق و علمی با چارچوبی استوار و متین که هر روز بر غنا و استحکامش افزوده و با گسترش دامنه مباحث، فراگیر و پربارتر می شود، و از افراط و تفریط و عقب گرد و رجوع از دیدگاههای اساسی مبرا است. این چیزی است که از محتوای مباحث و نتایج گسترده و مستمر آن کاملاً مشهود است.

برنامه علمی-فرهنگی علامه عسکری هدف گیری روشنی دارد: او می کوشد تا میراث اسلامی را بدور از پیرایه ها و تحریفات استخراج نماید-تحریفات و پیرایه هائی که در شرائط دشوار و پیچیده بعد از حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به اسلام بسته شد-او می کوشد تا به اصالت و حقیقت اسلام و ژرفای ناب و خالص آن دست یابد و پس از دست یابی و رسوب زدائی، اسلام را آنگونه که بوده و نه اینگونه که شده، خالص و ناب به امت اسلامی عرضه نماید.

ص: 2

1- - ترجمه مقاله آقای «سلیم الحسنی» در مجله عربی زبان «الوحدة» - با اندکی تلخیص - شماره 176 شوال 1415 ه ق ص 38/.



اینگونه هدف گیری در فرهنگ اسلامی، در بادی امر، چیز تازه و منحصر به فردی نمی نماید. زیرا چنین آرزو و تمنائی را بسیاری از متفکرین اسلامی در دورانهای گذشته و حال داشته و دارند؛ ولی آنچه علامه عسکری را از دیگران ممتاز و بلکه ویژگی خاص می بخشد این است که، ایشان به دنبال اصلاح جزئی و مقطعی نیست تا نظری را با نظری و فکری را با فکری دیگر سنجیده و بررسی کند، و نیز، شیوه نقد و بررسی اش را برای قانع کردن دیگران پیرامون قضیه ای محدود به کار نمی گیرد. او در پی دست یابی به مبدأ و منشأ اصلی تحریف و انحراف در اسلام و میراث اسلامی است تا پس از شناخت، آنگونه که باید به معالجه اش برخیزد؛ و چون تحریف و انحراف را همراه و به صورت قضیه ای واحد می بیند رسیدن به اسلام ناب و اصیل را هم بدون بحث و بررسی همه جانبه و شامل و جامع الأطراف بعید و ناشدنی می داند؛ بدین خاطر، در همه جوانب و شاخه های اسلام به بحث و به بررسی می نشیند و از پیش فرضهای خود ساخته و پیش داوریهای معمول اجتناب می کند، بگونه ای که با همه نصوص تاریخی مانند روایات، احادیث، رویدادها و غیر آن که به دست ما رسیده برخوردارند، نقدانه دارد، و همه را موضوعاتی قابل بررسی می داند، و هیچ يك را غیر قابل نقض و ایراد نمی داند. ایشان بحث و بررسی علمی صرف و سالم در پرتو قرآن کریم و سنت قطعی و موثق را تنها راه درمان و تشخیص سره از ناسره و در نتیجه شناخت حد و مرز اصالت از انحراف می شناسد.

علامه عسکری خود، همه یافته های علمی و تألیفات مشهور و پرآوازه اش را بر این روش بنیان نهاده و به رشته تحریر در آورده است. تألیفاتی که در عرصه های گوناگون علمی است ولی در هدف اصلی و اساسی همدیگر را یافته و در راه تحقق آن هدف سیر می کنند.

بدین خاطر است که اگر علامه عسکری را تاریخ نگار یا پژوهشگر تاریخ بنامیم سخن دقیق و درستی نگفته ایم؛ با آنکه این عنوانی است که در اذهان بسیاری از خوانندگان-پس از پیدایش کتاب او به نام عبد الله بن سبا از حدود چهل سال پیش تاکنون- رسوخ کرده و جایگزین شده است.

آری، آقای عسکری مورخ نیست، او صاحب برنامه جامع و فراگیری است که شاخه ها

و فروع آن، همه جوانب میراث اسلامی را دربرمی گیرد. او جوینده و کاوشگر انحراف و حدود آن است؛ در هر جا که باشد، تا از این راه، اسلام اصیل و ناب را شناسائی و اثبات نماید.

شاید این آن چیزی باشد که از همین کتاب: "عقاید اسلام در قرآن کریم" با اندکی دقت به دست آید، کتابی که جلد اول آن در حدود 500 صفحه به زبان عربی انتشار یافته است.

این کتاب، عقاید ناب و خالص اسلام را از زلال گوارا و مصفای قرآن کریم عرضه می دارد. چنانکه آقای عسکری خود این حقیقت را در مقدمه کتاب آورده و می گوید:

من دیدم قرآن کریم عقاید اسلام را با روانی هر چه تمامتر بیان می کند، بگونه ای که هر عاقل عرب زبانی که به سن رشد رسیده باشد آن را به خوبی فهمیده و درک می کند. علامه عسکری در این کتاب با ملایمت به دانشمندان اعتراض کرده و می گوید:

این پیچیدگی و گره کور و جنددستگی در عقاید اسلام، ناشی از آن است که علما در تفسیر قرآن به فلسفه فیلسوفان و عرفان صوفیان و کلام متکلمان و روایات اسرائیلی، و دیگر روایات بررسی نشده منسوب به رسول خدا، اعتماد نموده، و آیات قرآن کریم را با آنها تأویل و توجیه کرده اند؛ و با این کار از عقاید اسلام طلسم و معما و چیستان هائی ساخته اند که تنها دانایان به روش علمی علما در فنون بلاغت و منطق و کلام و فلسفه آنها را می فهمند، و همین کار به تفرقه مسلمین به گروههای معتزله و اشاعره و مرجئه و... انجامید.

پس، این کتاب با ویژگیهایی که برشمردیم، به یقین کتابی بسیار شایسته است که می تواند از بهترین کتب درسی دوره های علوم اسلامی باشد.

خواننده در این کتاب در می یابد که استاد ما-علامه عسکری- پیوستگی و انسجام خاصی را در عرضه عقاید در آن به کار برده است؛ به گونه ای که بحث پیشین زیر بنای بحث آینده و راه وصول و درک آن می باشد و خواننده را قادر می سازد عقاید اسلام را با پیوستگی دقیق علمی فرا بگیرد. چنانکه به زودی در می یابد مقدمات لازم را برای درک مباحث آینده پشت سر گذارده است.

در این کتاب-همچون دیگر کتب مؤلف- روی اصطلاحات لغوی تکیه خاصی شده

است. ایشان ابتدا خواننده را با تعاریف لغات مصطلح از کتابهای لغت معتبر آشنا می سازد و سپس به توضیح و شرح هر يك از لغات و کلمات مورد بحث و مواد اصلی آنها در اصطلاح اسلامی و لغوی می پردازد تا جهات و اسباب اختلاف در هر يك از دو اصطلاح اسلامی و لغوی را آشکار سازد، و همه این زحمات و تلاشها را از آن رو متحمل می شود که زمینه بحث را آماده و امکان استنتاج و بهره گیری صحیح و اساسی را فراهم نماید.

بدین خاطر، خواننده با مطالعه کتاب احساس می کند عقاید اسلام را بگونه ای کامل و فراگیر با شیوه ای علمی و جدید و روشن، به دور از پیچیدگی و ابهام، دریافته است؛ و با مطالعه آن خود را از مراجعه به دیگر کتب اعتقادی بی نیاز می بیند، و این چیزی است که به ندرت در کتابهای دیگر یافت می شود، به ویژه در دوره های اعتقادی که به پیچیدگی و ابهام و تکرار در سطوح علمی اسلامی مشهور شده اند.

همچنین خواننده، با درك همه جانبه عقاید اسلام در این کتاب، خود را در مقابل تلاش جدیدی برای فهم قرآن و روش تازه ای از تفسیر آن می بیند، و این همه مرهون شیوه و اسلوب ویژه ای است که علامه عسکری در برخورد با آیات قرآنی به کار گرفته است.

کتاب علامه سید مرتضی عسکری جایگاه ویژه ای را در تحقیقات قرآنی و عقیدتی به خود اختصاص داده است. ایشان با این کتاب، گام بلندی در اجرای برنامه های اصیل اسلامی خود برداشته اند.

1- نسخ در دوره پیامبران صاحب شریعت پس از آدم علیه السلام: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد "صلوات الله علیهم اجمعین:

الف- یکسانی شریعت آدم و نوح و ابراهیم علیهم السلام

ب- معنای اصطلاحی "نسخ و آیه".

ج- تفسیر آیه کریمه: "ما تَنسَخُ مِنْ آيَةٍ" و آیه: "وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ".

د- شریعت موسی علیه السلام ویژه بنی اسرائیل بود و با بعثت خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله و سلم به پایان رسید.

و- معنای نسخ در شریعت يك پیامبر.

2- رَبِّ الْعَالَمِينَ انسان را به آثار عمل پاداش می دهد:

الف- پاداش دنیوی.

ب- پاداش اخروی.

ج- به هنگام مرگ.

د- در قبر.

ه- در محشر و قیامت.

و- در بهشت و دوزخ.

ز- پاداش صبر.

ص: 6

پاداش عمل میراث آیندگان.

شفاعت، پاداش برخی اعمال است.

حبط عمل، کیفر برخی رفتارهاست.

جن و انس در برخورداری از پاداش عمل برابرند.

3- اسماء و صفات "ربّ العالمین":

الف- معنای اسم.

ب- رحمان.

ج- رحیم.

د- ذو العرش و ربّ العرش.

4- معنای: "و لله الأسماء الحسنی".

الف- الله.

ب- کرسی.

5- مشیّت الله "ربّ العالمین".

الف- معنای مشیّت.

ب- رزق و روزی.

ج- هدایت و راهنمایی.

د- رحمت و عذاب.

6- بدهاء یا محو و اثبات: "یمحو الله ما یشاء و یشبّه":

الف- معنای بدهاء.

ب- بدهاء در اصطلاح علمای عقاید.

ج- بدهاء در قرآن کریم.

د-بداء در روایات مکتب خلفا.

ه-بداء در روایات مکتب اهل بیت علیهم السّلام.

7-جبر و تفویض و اختیار و معنای آنها.

ص: 7

8- قضا و قدر:

الف- معنای قضا و قدر.

ب- روایات امامان اهل بیت علیهم السّلام درباره قضا و قدر.

ج- پرسش و پاسخ.

ص: 8





الف- شرایع آدم و نوح علیهما السلام.

ب- اصطلاح "نسخ" و "آیه" و معنای هر یک از آنها.

ج- تفسیر آیه کریمه: (ما نَسَخْ مِنْ آيَةٍ...) و آیه کریمه: (وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ...)

د- شریعت موسی علیه السلام ویژه بنی اسرائیل بود و با بعثت خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم پایان یافت.



در این بحث با مراجعه به قرآن کریم و روایات اسلامی، تنها به اموری می پردازیم که موضوع "نسخ" در دوره پیامبران صاحب شریعت را برای ما روشن نماید. بدین خاطر، از پیامبرانی مانند: هود و صالح و شعیب که امت هاشان از میان رفته اند یاد نمی کنیم؛ بلکه بحث و بررسی ما ویژه پیامبرانی است که شریعت آنان بعد از خودشان باقی مانده است، مانند: آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله و سلم، که به ترتیب زمان پی می گیریم.

## وحدت شرایع آدم و نوح و ابراهیم و محمد صلی الله علیه و آله و سلم

### نخست-آدم علیه السلام پدر ابنای بشر

در روایات آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

روز جمعه آقای روزها و برترین آنها نزد خداوند است. خداوند آدم علیه السلام را در این روز آفرید. او در این روز وارد آن باغ شد، و در این روز به زمین فرود آمده (1) و حجر الأسود همراه او فرستاده شد (2).

در روایات دیگری آمده است: خداوند پیامبران و امامان-اوصیای پیامبران-را در روز جمعه آفرید.

ص: 12

---

1- صحیح مسلم (ج 5 ص 5) کتاب الجمعة باب فضل الجمعة، طبقات ابن سعد چاپ اروپا (ج 1 ص 8)، مسند احمد (ج 2 ص 232 و 327 و 540)

2- اخبار مکه از رقی (ت 223 ه) چاپ 1275 ه ص 31.

در روایات صحیح آمده است که:

جبرئیل آدم علیه السّلام را به حج برد و انجام مناسک را به وی آموخت. و در برخی آمده است:

پاره ابری بر جایگاه بیت الله سایه افکند، جبرئیل هفت بار آدم علیه السّلام را پیرامون آن طواف داد، سپس او را به صفا و مروه برد و هفت بار بین آن دو سعی [رفت و آمد] کرد، پس از آن در نهم ذی الحجة او را به عرفات برد. آدم علیه السّلام در عصر عرفه به سوی خدا تضرع نمود و خداوند توبه اش را پذیرفت. بعد از آن در شب دهم او را به مشعر برد و او در آنجا تا صبح به مناجات با خدا پرداخت. روز دهم او را به منا برد و در آنجا به علامت قبولی توبه، سرش را تراشید. سپس دوباره به مکه اش بازگردانید و هفت بار پیرامون خانه طوافش داد. پس از آن برای خدا نماز خواند و بعد از نماز به "صفا و مروه" رفت و هفت بار سعی کرد. خداوند پس از قبول توبه آدم و حوا، دوباره آنان را به هم رسانید و آدم علیه السّلام را به پیامبری خویش برگزید. (1)

## دوم- نوح پدر انبیا علیهم السّلام

### اشاره

خدای سبحان در سوره نوح فرموده:

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ... قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَانْتَهُوا وَاطِيعُونَ... وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا...

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و گفتیم: قوم خود را انداز کن...

نوح گفت: ای قوم! من برای شما بیم دهنده آشکاری هستم که خدا را بندگی کنید و از مخالفت او بپرهیزید و مرا اطاعت نمایند...

و آنان گفتند: خدایان خود را رها نکنید، و از بت های "ودّ و سواع و یغوث و یعوق و نسر"...

ص: 13

---

1- طبقات ابن سعد چاپ اروپا (ج 1 ص 12 و 15 و 26)، مسند احمد (ج 5 ص 178 و 179 و 265)، مسند الطیالسی (حدیث 479). در بحار الأنوار (ج 11 ص 167-197) روایات متعدد و مختلفی در کیفیت حج آدم علیه السّلام موجود است.

از داستان نوح علیه السلام در قرآن کریم آنچه به بحث ما تعلق دارد، این سخن خدای متعال در سوره شوری است که فرموده است:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...

همان آیینی را فراروی شما قرار داد که به نوح فرمان داده بود، و آنچه بر تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی فرمودیم، این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید (2)...

### شرح کلمات

1- وُدّ و سواع و یغوث و نسر: مجلسی رحمه الله در کتاب بحار الأنوار از امام صادق علیه السلام روایتی آورده که- مضمون آن در کتاب الأصنام ابن کلبی و صحیح بخاری نیز آمده و- خلاصه آن چنین است:

وُدّ و سواع و یغوث و نسر، نیکوکاران مؤمن خداپرستی بودند که چون مردند، مرگشان بر قوم اندوهبار و توان فرسا شد. ابلیس ملعون نزد بازماندگان آمد و گفت: من بت هائی شبیه آنان برای شما تهیه می کنم تا به آنها بنگرید و انس بگیرید و خدا را عبادت نمایید. پس، بت هائی همانند آنان برای ایشان آماده کرد، آنان هم خدا را عبادت و به این بتها نظاره می کردند. زمستان و بارندگی که فرارسید بت ها را به درون خانه ها بردند و پیوسته بر عبادت خدای عزیز بودند تا دوران آنان سپری و فرزندانشان جایگزین شدند و گفتند: یقیناً پدران ما اینها را عبادت می کردند؛ پس، به جای خداوند عزّ و جل، به عبادت آنها پرداختند. و این همان است که خدای متعال از قول آنان می فرماید: (وَلَا تَدْرُسْ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا 3...)

ص: 14

1- -نوح 1-3 و 23.

2- -نوح 13/

2- وصیت: وصیت کردن انسان به دیگری یعنی: سفارش به انجام کارهای مورد پسندی که خیر و صلاحش را در آنها می بیند.

وصیت خداوند به چیزی یعنی: فرمان دادن و واجب کردن آن بر بندگانش (1).

## تفسیر فشرده آیات

خدای سبحان در آیات پیش خبر داد که، نوح علیه السلام را نزد قوم خود فرستاد تا آنان را بیم دهد، نوح به ایشان گفت: من بیم دهنده شمایم و مأموریت دارم به شما بگویم: از خدا بترسید و تنها او را بندگی کنید، و مرا در اوامر و نواهی خداوند اطاعت کنید. آنان در پاسخ به یکدیگر گفتند: عبادت بت هاتان را رها نکنید! خداوند در آیات اخیر نیز، فرمود:

ای امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم! خداوند برای شما همان دینی را قرار داد که برای نوح قرار داده بود، و آنچه بر تو-ای محمد!- وحی کردیم، همان است که بر ابراهیم و موسی و عیسی واجب نمودیم. سپس فرمود: این دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید (2).

آنچه بر این مطلب دلالت دارد سخن خدای متعال در سوره «صافات» است که می فرماید:

سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ \* إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ \* إِنَّهُ مِنَّا عَبْدُنَا الْمُؤْمِنِينَ \* ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْأَخْرِينَ \* وَإِنَّ مِن شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ \* إِذْ جَاء رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ.

در میان جهانیان، سلام بر نوح باد\* ما اینگونه نیکوکاران را پاداش می دهیم\* چرا که او از بندگان با ایمان ما بود\* سپس دیگران را غرق کردیم\* و ابراهیم از شیعیان او بود\* هنگامی که با قلب سلیم به درگاه پروردگارش آمد.

شیعه یعنی: جماعت ثابت تحت فرمان رئیس خود (3).

ص: 15

1- معجم الفاظ القرآن الکریم، ماده: وصی.

2- به تفسیر آیه در تفسیر تبیان و مجمع البیان مراجعه شود.

3- به تفسیر آیه در تفسیر "تبیان" مراجعه شود.

شیعه شخص یعنی: پیروان و یاران او (1).

بنابراین، معنای آیه: «ابراهیم از شیعیان و پیروان نوح بود»، این می شود که، ابراهیم علیه السلام نیز، همان شریعت نوح را پیروی و تبلیغ می نمود.

توضیح بیشتر را-به یاری خدا-در آینده می آوریم.

## سوم- ابراهیم خلیل الله علیه السلام

### اشاره

از آیات مربوط به بحث ما درباره ابراهیم علیه السلام آیات زیر است:

الف-در سوره حج:

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ\* وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ\* لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ .

و هنگامی که مکان خانه را برای ابراهیم آماده ساختیم و به او گفتیم: چیزی را همتای من قرار مده، و خانه ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجود کنندگان پاکیزه گردان\* و مردم را به حج فراخوان که پیاده و سواره بر مرکب های لاغر، از هر راه دوری به سوی تو آیند\* تا شاهد منافع خود باشند و نام خدا را، در روزهای معین، بر چهارپایانی که روزی شان دادیم بر زبان آورند. (2)

ب-در سوره بقره:

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ...\* وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ

ص: 16

1- -لسان العرب ماده: "شيع".

2- -حج 26/28.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ \* رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُسْلِمَةٌ لَكَ وَآرِنَا مَنَاسِكَ كُنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ .

و هنگامی که خانه کعبه را بازگشتگاه و مرکز امن و امان مردم قرار دادیم، و [فرمودیم] مقام ابراهیم را نمازگاه خویش گیرید، و ابراهیم و اسماعیل را فرمان دادیم که: خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و ساجدان پاک و پاکیزه نمایند... \* و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه را بالا می بردند. گفتند: پروردگار! از ما بپذیر که تو شنوا و دانائی \* پروردگار! ما را مسلمان و فرمانبردار خویش قرار ده، و از دودمان ما امتی فرمانبردار و تسلیم خود پدید آور، و شیوه عبادتمان را به ما نشان بده و توبه ما را بپذیر که تو، توبه پذیر و مهربانی. (1)

ج-در سوره بقره:

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ \* قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَى وَ عِيسَى وَ مَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ .

و گفتند: یهودی یا نصرانی شوید تا هدایت یابید! بگو: بلکه از آیین استوار و ناب ابراهیم پیروی کنید که هرگز از مشرکان نبود\* بگوئید: ما به خدا ایمان آوردیم، و به آنچه بر ما نازل شده، و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران نسل او نازل گردیده، و نیز، آنچه به موسی و عیسی و همه انبیاء از جانب پروردگارشان داده شده است، ما هیچ يك از آنان را از دیگری 8.

ص: 17



جدا نمی دانیم، و تنها تسلیم فرمان خداییم. (1)

د-در سوره آل عمران:

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ .

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه موحدی خالص و مسلمان بود، و هرگز از مشرکان نبود (2).

ه-و نیز در همان سوره:

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ .

بگو: خدا راست گفته است، پس آیین ناب و خدائی ابراهیم را پیروی کنید که هرگز از مشرکان نبود (3).

و-در سوره انعام:

قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ .

بگو: پروردگار من مرا به راه راست هدایت کرده است. دینی استوار؛ آیین خالص ابراهیم، او هرگز از مشرکان نبود (4).

ز-در سوره نحل:

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ .

سپس به تو وحی فرستادیم که از آیین ابراهیم که ایمانی ناب و استوار داشت و/.

ص: 18

---

1- -بقره 135/ و 136.

2- -آل عمران 68/.

3- -آل عمران 95/.

4- -انعام 161/.

## شرح کلمات

- 1- بَوَّأْنَا: هیئاًنا: آماده کردیم، تمکن دادیم، جای دادیم.
- 2- اذَّنْ: اعلام کن، فرا بخوان، دعوت نما، کلمه اذان از همین ریشه است.
- 3- رجالا: در حال پیاده، کسی که وسیله سواری ندارد، راجل یعنی پیاده.
- 4- البهیمة: هر گونه چهارپا.
- 5- ضامر: شتر کم گوشت لاغر اندام.
- 6- فحّ: درّه میان کوهها.
- 7- مَثَابَة: مکانی که مردم به آن مراجعه می کنند، (وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ) یعنی: خانه را محل مراجعه و روی آوری حجاج قرار دادیم تا گروه گروه به سوی آن بیایند.
- و نیز ممکن است جایگاه ثواب باشد، یعنی: مردم با انجام مناسک حج و عمره به ثواب و پاداش می رسند، و جایگاه امن و امان ایشان است.
- 8- مناسکنا: عباداتنا: "منسک": عبادت برای خدا، و عملی که باعث نزدیک شدن به خدا می شود، مانند: ذبح قربانی در حج که به حیوان ذبح شده "نسیکه" گویند "منسک":
- جایگاه عبادت و "مناسک": اعمال حج و زمان و مکان آن در عرفات و مشعر و منی و غیر آن است.
- 9- مقام ابراهیم: سنگی است بر روی زمین مقابل کعبه با اثر گامهای ابراهیم علیه السلام بر آن
- 10- حنیف: استوار، ناب و خالص، گراونده از گمراهی به استقامت. نام شریعت حضرت ابراهیم علیه السلام "حنیفیه" است.
- 11- قیما، قیم و قیم: ثابت مستقیم و بدور از هر گونه کژی.
- 12- ملة: دین، حق باشد یا باطل، بنابراین، هرگاه به خدا و پیامبران و مسلمانان نسبت

ص: 19

## تفسیر خلاصه آیات

خداوند می فرماید: ای پیامبر! به یاد آور هنگامی که ابراهیم را بر جایگاه خانه آگاه کردیم تا آن را بنا کند، و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل خانه را بنا می کردند و پروردگارشان را می خواندند و می گفتند: پروردگارا از ما بپذیر، و ما را تسلیم خود قرار ده، و از دودمان ما امتی تسلیم خویش پدید آر، و شیوة عبادت‌مان را به ما نشان بده، و خدای سبحان دعای آنان را پذیرفت، ابراهیم علیه السلام در خواب دید که پسرش اسماعیل را در راه خدا قربانی می کند. (1) اسماعیل در این زمان به سن رشد کافی رسیده بود و با پدر در بنای خانه همکاری داشت، ابراهیم علیه السلام اسماعیل را از آنچه دیده بود آگاه کرد، او گفت: پدر جان! هر چه بدان مأموری انجام ده که به زودی- اگر خدا بخواهد- مرا از شکیبایان می یابی، پس هنگامی که تسلیم فرمان خدا شدند، و ابراهیم فرزندش اسماعیل را بر زمین خوابانید تا او را در راه خدا قربانی کند، خداوند ندایش داد: ای ابراهیم! آن خواب را به راستی رساندی! چرا که او شروع به ذبح کردن اسماعیل نمود، و این همان چیزی بود که در خواب مشاهده می کرد، او در خواب ندیده بود که فرزند را ذبح کرده است، و در همان حال بود که خداوند در فدای اسماعیل قوچی را فراروی ابراهیم قرار داد که در منی آن را قربانی کرد.

خدای متعال ابراهیم را فرمان داد تا دعوت برای حج را اعلان دارد و به مردم خبر دهد که به زودی پیاده و سواره و از راههای دور به حج خواهند آمد، و خداوند این خانه را برای مردم جایگاه امن و تحصیل ثواب قرار داده است. و فرمان داده تا مردم نمازگاه خود را از مقام ابراهیم برگیرند.

خدای سبحان در آیات دیگر از ملت و دین ابراهیم علیه السلام خبر می دهد و می فرماید:

ابراهیم مسلمانی خالص و استوار بود، او نه مشرک بود و نه یهودی و نه نصرانی- چنانکه برخی اهل کتاب پنداشته اند- خداوند ما را فرمان داده تا آیین ابراهیم علیه السلام را پیروی نمائیم،

ص: 20

---

1- آنچه پیامبر در خواب می بیند نوعی از انواع وحی است.

و پیامبر را به این کار ویژگی بخشیده و به او فرموده تا بگوید:

پروردگرم مرا به راه راست هدایت کرده است، دین قیّم و ملت ابراهیم پاک نهاد روی گردان از شرک به اسلام! او از جمله پیرویهای خاتم انبیاء از شریعت جدش ابراهیم علیه السّلام آوردن مناسک حج به شیوه ای است که او دستور داده، امت رسول خدا نیز چنین می کنند و مناسک حج را چنان به جا می آورند که ابراهیم خلیل الرحمن آورده است.

### نتیجه بحث

روز جمعه بر آدم علیه السّلام و هر که در دوران او می زیست مبارک بود. این روز بر خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلّم و امت او نیز، تا همیشه روزگار مبارک می باشد.

حج بیت الله را آدم علیه السّلام و ابراهیم علیه السّلام و خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلّم و پیروان ایشان تا به امروز به جای آوردند، و بدین گونه تا همیشه روزگار انجام خواهند داد. همچنین برای پیروان خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلّم همان دینی را مقرر داشت که به نوح فرموده بود، و ابراهیم علیه السّلام پیرو نوح و تابع شریعت او بود، بدین خاطر نیز خدای سبحان خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلّم و امت او را فرمان داد تا پیرو شریعت ابراهیم و دین استوار او باشند.

هیچ گونه اختلافی در شرایع پیامبران از آدم تا خاتم صلی الله علیه و آله و سلّم نیست، آنچه هست تجدید شریعت سابق با شریعت لاحق و گاهی اكمال آن است. قبلا گذشت که آدم علیه السّلام حج گزارد، و ابراهیم علیه السّلام با بنای کعبه برخی نشانه های حج را تجدید کرد، و خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلّم با تعیین میقات های احرام و برگرفتن نمازگاه از مقام ابراهیم علیه السّلام و روشن ساختن سایر نشانه ها، آن را تکمیل کرد.

خدای سبحان از احکام اسلام آنچه را که انسان آن روزین نیاز داشت برای آدم علیه السّلام فرستاد، انسانی که بر زراعت و دام خود می زیست و از شهر و تمدن بدور بود.

هنگامی که نسل آدمیان فزونی گرفت و در عصر نوح آبادیها بنا کردند و در شهرهای بزرگ سکنی گزیدند و نیازمند قانونمندی گسترده تر در اندازه های انسان متمدن شدند - انسانی با نیازهای بسیار در امر تجارت و جامعه و مشکلات گوناگونی که ساکنان شهرهای بزرگ دارند - خداوند هم آنچه از احکام اسلام را که نیاز داشتند بر نوح علیه السّلام نازل فرمود تا

حاجات آنان را رفع نماید، همانند آنچه بر خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم از اینگونه احکام متناسب با نیاز زمان فرو فرستاد.

امت های گذشته معمولاً- پس از انبیای خود منحرف و به شرك روی می آوردند. چنانکه کار اولاد آدم در عصر نوح به عبادت بتها انجامید، در چنین حالتی پیامبر ابتدا همه را به توحید خدای خالق و ترك عبادت بتها دعوت می کند. چنانکه کار نوح و ابراهیم و سایر پیامبران تا خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم چنین بود و آن حضرت در بازارهای عرب و خیام حاجیان رفت و آمد کرده و می فرمود: بگوئید: "لا اله الا الله" و رستگار شوید!

در میان برخی امتهای گاهی رهبر سرکش و طاغوت آنان ادعای "ربوبیت" هم می کرد.

چنانکه نمرود سرکش با ابراهیم علیه السلام درباره پروردگارش احتجاج کرد، و فرعون سرکش "أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى" گفت. در چنین حالاتی پیامبر خدا دعوت را از توحید ربوبی آغاز می کند، چنانکه ابراهیم علیه السلام به نمرود فرمود: رَبِّي الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ پروردگار من آن است که زنده می کند و می میراند.

و موسی علیه السلام به فرعون فرمود: رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی آنچه را لازم آفرینش او بوده داده، سپس هدایت کرده است. (1) شرح این سخن موسی به فرعون، در سوره اعلی "آمده است:

سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى \* الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى \* وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى \* وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى \* فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى .

منزه شمار نام پروردگار بلندمرتبه ات را\* همان که آفرید و منظم کرد\* و همان که اندازه گیری کرد و هدایت نمود\* و آنکه چراگاه را پدید آورد\* سپس آن را خشک و تیره قرار داد. (2)

و در سوره اعراف که فرموده:

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ .5.

ص: 22

1- - طه/50.

2- - اعلی/1-5.

پروردگار شما الله است، همان که آسمان و زمین را آفرید (1).

بنابراین، برخی امتهای گذشته در اصل عقیده توحیدی منحرف می شدند، مانند قوم نوح و ابراهیم و... و برخی در عمل از اسلام منحرف می گردیدند، مانند کار قوم لوط و شعیب.

اگر آنچه را که در قرآن کریم و روایات پیامبر و آثار انبیا و اخبار آنان در مدارک اسلامی است بررسی کنیم، در می یابیم که پیامبر پسین تجدیدکننده شریعت نازلۀ خداوند بر پیامبر پیشین بوده است. شریعتی که از طرف امتها مندرس و تحریف می شده است. بدین خاطر، خداوند ما را فرمان داده تا بگوئیم:

أَمَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ مَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ .

بگوئید: ما به خدا ایمان آوردیم، و به آنچه بر ما نازل شده، و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران نسل او نازل گردیده، و نیز، آنچه به موسی و عیسی و همه انبیا از جانب پروردگارشان داده شده است. ما هیچ يك از آنان را از دیگری جدا نمی دانیم، ما تنها تسلیم فرمان خداییم (2).

ممکن است کسی پرسد: اگر شرایع پیامبران بدین گونه است که شما بیان داشتید، پس معنای "نسخ" در شرایع انبیا علیهم السلام چیست که خداوند فرموده:

مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

هر حکمی را "نسخ" و یا نسخ آن را به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا همانند آن را می آوریم. آیا نمی دانستی که خداوند بر هر چیز تواناست (3)!

و نیز معنای "تبدیل" در این سخن خدای متعال چیست که فرموده: /.

ص: 23

1- -اعراف/54.

2- -بقره/136.

3- -بقره/106.

وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ .

و هنگامی که آیه ای را به آیه دیگر مبدل کنیم [حکمی را نسخ نمائیم]- و خدا بهتر می داند چه حکمی را نازل نماید- می گویند: تو افترا می بندی، بلکه بیشترشان نمی دانند (1)!

در پاسخ می گوئیم: بحث در اینجا پیرامون دو موضوع است:

1- اصطلاح "نسخ" و اصطلاح "آیه". 2- معنای آیات مذکور. که- به یاری خدا- در مبحث آینده آن را بررسی می نمائیم:./

ص: 24

---

1- -نحل 101./

### نخست-نسخ

نسخ در لغت، از بین بردن چیزی با چیز دیگر است که پس از آن می آید. مثلاً می گویند: نسخت الشمس الظل: خورشید سایه را از بین برد.

نسخ در اصطلاح اسلامی، از بین بردن احکام يك شریعت با احکام شریعت دیگر است، مانند: نسخ برخی احکام شرایع گذشته با احکامی که در شریعت خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است. همچنین، نسخ حکم موقت با حکم دائم در شریعت خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم مانند: حکم ارث بردن از یکدیگر بر اساس عقد اخوت میان مهاجرین و انصار پیش از فتح مکه در مدینه، که با حکم ارث بردن خویشاوندان از یکدیگر پس از فتح مکه، نسخ گردید (1).

### دوم-آیه

#### اشاره

آیه در اصطلاح اسلامی لفظی است مشترك میان سه معنی:

1- به معنای معجزه انبیا، چنانکه در سوره نمل به موسی بن عمران می فرماید:

وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ يَيْضَاءً مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَى

ص: 25

---

1- -تفسیر طبری(جلد 10 ص 26 و 27)و تفسیر ابن کثیر(جلد 2 ص 328 و 221)و تفسیر الدر المنثور(جلد 2 ص 207)



دستت را در گریبان ببر تا سفید و درخشنده بی عیب بیرون آید، این در زمره معجزات نه گانه ای است که تو با آنها به سوی فرعون و قومش فرستاده می شوی (1)...

2- ترکیبی از الفاظ قرآنی که با شماره مشخص شده اند، چنانکه در سوره نمل می فرماید:

طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَ كِتَابٍ مُّبِينٍ .

ط، سین. این آیه های قرآن و کتابی مبین است.

3- بخش یا بخش هائی از کتاب خدا که حکمی از احکام شریعت را بیان می کند (2).

پس، ملاحظه شد که مقصود از نامگذاری بخشی از قرآن به "آیه مدلول و معنای آن، یعنی حکمی است که در آن بخش آمده، و "نسخ" متوجه همان حکم است، و الفاظ قرآنی در بردارنده آن حکم را شامل نمی شود.

و نیز، دانسته شد که معنی در لفظ مشترك با قرینه ای که در کلام است و بر مقصود دلالت دارد، مشخص می شود.

\*\*\*

این معنای "نسخ و آیه" در اصطلاح اسلامی بود، اما تفسیر دو آیه مورد بحث:

### تفسیر آیه نسخ

آیه نسخ در ضمن آیات (40-152) سوره بقره آمده که آنچه مربوط به بحث ماست می آوریم:

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ

ص: 26

---

1- -نمل 12/.

2- -شرح مفصل آن در بحث مصطلحات (القرآن الکریم و روایات المدرستین) جلد دوم آمده است.

بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَازْهَبُونَ\* وَآمَنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَٰ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونَ\* وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ\*... يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ\* وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ\*... وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ .

ای بنی اسرائیل! نعمت هائی را که به شما ارزانی داشتم به یاد آورید! او به پیمانی که با من بسته اید وفا کنید، تا من نیز به پیمان شما وفا کنم، و تنها از من بترسید\* و به آنچه فرستاده ام ایمان بیاورید که نشانه های آن با آنچه در کتب شماست مطابقت دارد، و شما نخستین کافر به آن نباشید، و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید، و تنها از من بترسید\* و حق را با باطل نیامیزید، و حقیقت را که می دانید کتمان نکنید\*... ای بنی اسرائیل! نعمت هائی را که ارزانی تان داشتم و شما را بر جهانیان برتری بخشیدم، به یاد آورید\* و بترسید از روزی که هیچ کس، دیگری را به کار نیاید و هیچ شفاعتی از کسی پذیرفته نشود و هیچ گرامتی از کسی قبول نگردد، و به هیچ روی یاری نخواهند شد\*... و به یاد آورید زمانی را که از شما پیمان گرفتیم، و کوه طور را بالای سر شما قرار دادیم، آنچه را به شما داده ایم، با قدرت بگیرد، و آنچه در آن است به یاد داشته باشید شاید پرهیزکار شوید (1).

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ3.

ص: 27

بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ\* وَ لَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَ كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ\* بَسَّ مَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَن يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاؤُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ\* وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا تُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَ يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ\* وَ لَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنْتُمْ ظَالِمُونَ .

ما به موسی کتاب دادیم، و از پی او پیامبران فرستادیم، و به عیسی بن مریم دلایل روشن دادیم، و او را با روح القدس تأیید کردیم. آیا چنین نیست که هرگاه پیامبری چیزی بر خلاف هوای نفس شما آورد، سرکشی کردید، گروهی را تکذیب نموده و جمعی را به قتل رساندید؟!\* و گفتند: دل‌های ما در غلاف است! نه، بلکه خداوند آنان را به خاطر کفرشان از رحمت خود دور ساخته، و خیلی کم ایمان می آورند\* و هنگامی که از طرف خداوند، کتابی بر ایشان آمد که موافق نشانه هائی بود که با خود داشتند، و پیش از این، به خود نوید پیروزی بر کافران می دادند، با این همه، آنگاه که این کتاب، و پیامبر شناخته شده نزد آنها آمد، به او کافر شدند؛ پس لعنت خدا بر کافران باد\* خیلی بد خود را فروختند که به ناروا به آیات نازل خدا کافر شدند، و از اینکه خداوند به هر کس از بندگانش که بخواهد، آیات خود را می فرستد، معترض بودند، از این رو به خشمی افزون بر خشم دیگر گرفتار آمدند، و کافران را عذابی است خوارکننده\* و چون به آنان گفته شود: به آنچه خداوند فرستاده ایمان بیاورید، می گویند: ما به آنچه بر خودمان نازل شده ایمان می آوریم، و به غیر آن کافر می شونند، در حالی که حق است، و کتابشان را هم تصدیق می کند، بگو: اگر شما

ایمان دارید پس چرا پیامبران خدا را پیش از این می کشتید؟!\* و موسی آن همه معجزات را برای شما آورد. و شما پس از او ستمکارانه گوساله را برگزیدید. (1)

... وَ لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَ مَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ\*... وَ لَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ\*... ما يودُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ لَا الْمُسَدِّقِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ اللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ\* ما نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نَسَّهَا نَأْتٍ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلِهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

... ما نشانه های روشنی برای تو فرستادیم؛ و جز فاسقان کسی به آنها کفر نمی ورزد\*... و اگر آنان ایمان آورده و پرهیزکار می شدند، پاداشی که نزد خداست برای آنان بهتر بود، اگر می دانستند\*...\*... کافران اهل کتاب و مشرکان، دوست ندارند که از سوی خداوند، خیر و برکتی بر شما نازل گردد، در حالی که خداوند، رحمت خود را به هر کس بخواهد اختصاص می دهد و خداوند صاحب فضل بزرگ است\* هر حکمی را نسخ کنیم یا نسخ آن را به تأخیر اندازیم، بهتر از آن، یا همانند آن را می آوریم. آیا نمی دانستی که خداوند بر هر چیز تواناست؟! (2)

... وَ دَكَثِيرٍ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُّدُونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ\*... وَ قَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ\* بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ\*... وَ لَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لَا

ص: 29

1- -بقره 87-92.

2- -بقره 99-106.

النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَلَئِنَّ آتِبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ .

بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد-که در جانشان ریشه کرده-آرزو دارند شما را بعد از اسلام و ایمان، به کفر بازگردانند، با اینکه حق برای آنها کاملاً روشن شده است\*... و گفتند: هیچ کس جز یهود یا نصاری، هرگز داخل بهشت نخواهد شد. این آرزوی آنهاست، بگو: اگر راست می گویند، دلیل خود را بیاورید\* آری، هر کس که روی خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش ثابت است؛ نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند\*... هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد تا از آیین آنان پیروی کنی، بگو: هدایت، تنها هدایت الهی است. و اگر از تمایلات آنان پیروی کنی-بعد از آنکه آگاه شده ای-هیچ یار و یابوری از سوی خدا نخواهی داشت. (1)

... يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ \* وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ .

... ای بنی اسرائیل! نعمت هائی را که به شما ارزانی داشتم و شما را بر جهانیان برتری بخشیدم به یاد آورید\* و بترسید از روزی که هیچ کس دیگری را به کار نیاید، و غرامتی از کسی پذیرفته نشود. و شفاعت سودش نرساند، و به هیچ روی یاری نگردند (2).

خداوند، پس از بیان این آیات، با تمهید مقدمه ای که برخی از آن را در گذشته درباره قیام ابراهیم و اسماعیل بر ساختن کعبه آوردیم، و فرمود:

الف- وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ... 3.

ص: 30

1- -بقره 109/120.

2- -بقره 122/ و 123.

و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه های کعبه را بالا می بردند (1)...

ب- وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا...

و هنگامی که خانه را محل مراجعه و مرکز امن و امان مردمان قرار دادیم (2)...

ج- وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ .

و به ابراهیم و اسماعیل فرمودیم: خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه نمایند (3).

خداوند، با چنین تمهیدی، موضوع مورد "نسخ" را معین می کند، و می فرماید:

قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ\* وَلَئِن آتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ...\* الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ .

ما نگاه های انتظار آمیز تو را به سوی آسمان می بینیم! و یقیناً تو را به سوی قبله ای که دوستش داری باز می گردانیم، پس، روی خود را به سوی مسجد الحرام بگردان، و هر جا که باشید روی خود را به سوی آن کنید، به یقین آنانی که کتاب آسمانی داده شده اند، به خوبی می دانند این فرمان حقی است که از ناحیه پروردگارشان صادر شده، و خداوند از آنچه می کنند غافل نیست\* سوگند که اگر برای اهل کتاب هر گونه آیه ای بیاوری، از قبله تو پیروی نخواهند کرد؛ و تو نیز از قبله آنها پیروی نمی کنی...\* آنان که کتاب آسمانی شان/.

ص: 31

1- -بقره 127/.

2- -بقره 125/.

3- -بقره 125/.

داده ایم، او] پیامبر[را، همچون فرزندان خود می شناسند، براستی که جمعی از ایشان حق را دانسته کتمان می کنند. (1)

خداوند از جدال اهل کتاب با مسلمانان درباره عوض شدن قبله نیز، خبر داده و می فرماید:

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَاهُمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ\*... وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ .

به زودی سفیهان مردم می گویند: چه چیز آنان را از قبله ای که بر آن بودند بازگردانید؟ بگو: مشرق و مغرب از آن خداست و خداوند هر کس را که بخواهد به راه راست هدایت می کند... ما آن قبله ای را که قبلاً بر آن بودی تنها برای این قرار دادیم تا افرادی که از پیامبر پیروی می کنند، از کسانی که به جاهلیت باز می گردند، مشخص شوند، و راستی را که این حکم-جز بر کسانی که خداوند هدایتشان کرده-دشوار بود. و خدا هرگز ایمان شما را ضایع نمی گرداند، زیرا خداوند نسبت به مردم رؤوف و مهربان است (2).

### تفسیر آیه تبدیل

آیه تبدیل در ضمن مجموعه ای از آیات (101 تا 124) سوره نحل آمده است (3) که ما آنچه را به این بحث اختصاص دارد می آوریم. خداوند می فرماید:

وَ إِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ

ص: 32

1- -بقره 144/146.

2- -بقره 142/ و 143

3- -شرح بیشتر بحث و مدارك آن را در بحث "مصطلحات اسلامی" (القرآن الکریم و روایات المدرستین) جلد اول می یابید.

أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ\* قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ، بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ\*... إِنَّمَا يَقْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ\*... فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ\* إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلِيَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ\* وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِيَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَقْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ\* وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ...\*... ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ\* إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ...\*

و هنگامی که آیه ای را به آیه دیگر مبدل کنیم [حکمی را جایگزین حکمی نمائیم] و خدا بهتر می داند چه حکمی را نازل کند، می گویند: تو افترا می بندی! نه، بلکه بیشترشان نمی دانند\* بگو: روح القدس آن را از جانب پروردگارت به حق نازل کرده، تا افراد با ایمان را ثابت قدم بدارد، و هدایت و بشارتی برای مسلمانان باشد\*... تنها کسانی افترا می بندند که به آیات خدا ایمان ندارند؛ آنها خود دروغگویان واقعی هستند\*... پس، از آنچه خدا روزی تان کرده است، حلال و پاکیزه بخورید؛ و شکر نعمت خدا را به جا آورید اگر او را می پرستید\* خداوند، تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را با نام غیر خدا سر بریده اند، بر شما حرام کرده است؛ اما کسی که ناچار شود، در حالی که تجاوز و تعدی از حد ننماید، خداوند بخشنده و مهربان است\* و به خاطر دروغی که بر زبانتان جاری می شود، نگوئید: «این حلال است و آن حرام»، تا بر خدا افترا بندید، یقیناً کسانی که بر خدا دروغ می بندند، رستگار نخواهند شد\* آنچه را پیش از این برای تو شرح دادیم، بر یهود حرام کردیم\*... سپس بر تو وحی فرستادیم که از آیین ابراهیم - که ایمانی ناب و استوار داشت و از



مشرکان نبود- پیروی کن \*روز شنبه فقط بر علیه کسانی بود که در آن اختلاف کردند... (1)

اما آنچه را خداوند در گذشته برای پیامبر حکایت کرده بود و در آیه 118 این سوره یادآوری فرموده، اینهاست:

الف- آیه 93 سوره آل عمران:

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ .

همه غذاها برای بنی اسرائیل حلال بود، جز آنچه اسرائیل [یعقوب] بر خود حرام کرده بود.

ب- آیه 146 سوره انعام:

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ .

و بر یهودان هر حیوان ناخن دار [حیواناتی که سم یکپارچه دارند] را حرام کردیم، و از گاو و گوسفند، پیه و چربی آنها را بر ایشان تحریم نمودیم؛ مگر چربیهای که بر پشت آنها قرار دارد، و یا در دو طرف پهلوهاست، و یا آنها که با استخوان آمیخته است؛ این کیفر را به خاطر ستمکاری شان به آنها دادیم؛ و ما راستگو هستیم.

### شرح کلمات

1- مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ: یعنی صفات قرآن و صفات پیامبر، اخبار تورات را درباره بعثت پیامبر و فرستادن قرآن بر او، تصدیق می کند، مانند آنچه در باب سی و سوم از سفر تثنیه تورات (چاپ ریچارد و اطس لندن 1831 میلادی به زبان عربی) آمده و ترجمه آن

ص: 34

چنین است:

این است دعای خیری که موسی مرد خدا پیش از مردن بر بنی اسرائیل خواند و گفت: خداوند از سینا برآمد و از ساعیر نورافشان شد و از کوه فاران آشکار گشت و با او هزاران نفر از پاکان، در دست راستش شریعتی آتشین است.

مردمان را دوست داشت، همه پاکان در دست او هستند. آنان که به او نزدیکترند تعلیم او را می پذیرند. موسی ما را به سنتی فرمان داد که میراث جماعت یعقوب باشد.

همین نص (در چاپ ریچارد و اطس لندن 1839 میلادی به زبان فارسی) چنین است:

باب سی و سیوم 1 و اینست دعای خیر که موسی مرد خدا قبل از مردن بر بنی اسرائیل خواند

2 و گفت که خداوند از سینای برآمد و از سعیر نمودار گشت و از کوه فاران نورافشان شد و با ده هزار مقربان ورود نمود و از دست راستش شریعتی آتشین برای ایشان رسید

3 بلکه تبائل را دوست داشت و همگی مقدّساتش در قبضه تو هستند و مقربان پای تو بوده تعلیم ترا خواهند پذیرفت

4 موسی ما را بشریعتی امر کرد که میراث بنی یعقوب باشد

همین نص در چاپ دانشگاه اکسفورد (1) لندن (بدون تاریخ چاپ) در ص 184 چنینند.

ص: 35

---

1- - این چاپ با رنگ سرخ و سیاه- فقط در بخش عهد جدید- مشخص می باشد.

CHAPTER 33 AND this is the blessing,where with Moses the man of God blessed the children of Israel before his death

And he said,The LORD came from Sinai,and rose up from Seir unto them;he shined forth from mount 2 Paran.and'he came with ten thousands of saints:from his right hand went,a fiery law for them

Yea,he loved the people;all his saints are in thy hand:and they sat down at thy feet;every one shall receive of 3 thy words

.Moses commanded us a law .even the inheritance of the congregation of Jacob 4

این نص با آنچه به زبان فارسی آوردیم یکسان است.

در این نص آمده است:(او با ده هزار از مقربان آمد)یعنی عدد هزاران را معین کرده است،چه، در نص اول بدون آنکه تعداد هزاران را معین کند آمده بود:(با او هزاران نفر از پاکان)زیرا،آنکه از غار حراء در فاران ظهور کرد و سپس با ده هزار نفر به سرزمین فاران یعنی مکه آمد،خاتم انبیا محمد صلی الله علیه و آله و سلم است،و اهل کتاب این نص را در عصر حاضر تحریف کردند تا بشارات تورات به بعثت خاتم انبیا را کتمان کنند،و ما این را در بحث تمهیدی پنجم از جلد دوم کتاب(یکصد و پنجاه صحابی ساختگی)شرح داده ایم.

### نتیجه بحث در تفسیر «مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ»

این باب تورات با صراحت می گوید:موسی بن عمران علیه السلام پیش از مرگ خود در وصیتش به بنی اسرائیل گفته است:

پروردگار عالمیان تورات را در کوه سینا فرستاد و انجیل را در کوه سعیر و قرآن را در کوه فاران-مکه-سپس ویژگیهای شریعت سوم را برشمرده و فرموده:

او به مکه در می آید در حالی که ده هزار نفر از مقربان با اویند،و این همان ده هزار نفر سپاهیان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در فتح مکه هستند.و اینکه شریعت سوم شریعت جهاد است.

و اینکه امت او تعلیماتش را می پذیرند،و در این تصریح اشاره به موضع گیری

بنی اسرائیل دارد که به انحراف افتادند و گوساله پرست شدند و با پیامبرشان موسی علیه السلام و سایر انبیای خود مجادله کردند و... که در قرآن و تورات از آن یاد شده است.

ما در اینجا به اندکی از بسیار بسنده می کنیم؛ چه، اگر بخواهیم همه بشاراتی را که درباره بعثت خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله و سلم آمده و-با همه تحریفاتی که در آن انجام داده اند-در باقی مانده کتابهای آسمانی به دست ما رسیده، و در عصر خاتم انبیا نزد اهل کتاب بوده، اگر بخواهیم همه آنها را عرضه کنیم، این بحث به درازا می کشد. آری، به سبب همین بشارات است که خدای سبحان در چند آیه بعد می فرماید:

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ .

کسانی که به آنان کتاب آسمانی داده ایم او [پیامبر] را همچون فرزندان خود می شناسد؛ برآستی که گروهی از آنان، حق را دانسته کتمان می کنند (1)!

بنابراین، مسلم است که بعثت خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم با قرآن، و صفات ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امت او، تصدیقی است بر همان چیزهایی که نزد اهل کتاب در تورات و انجیل است. و سپاس و حمد پروردگار عالمیان است.

2- لا تَلْسُؤُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ: یعنی حق و باطل را در هم نیامیزید تا حقیقت را بپوشانند، یا اینکه حق را با باطل نپوشانید تا آن را مشکوک جلوه دهید.

3- عدل: فدا، عوض دادن برای رهائی.

4- قَفَّيْنَا: پشت سر هم فرستادیم. یعنی یکی پس از دیگری را رسالت دادیم.

5- غلغ: جمع اغلف: چیزی که در غلاف و پوشش باشد.

6- یستفتحون: پیروزی می خواستند، پیروزی بر دشمن در جنگ، یعنی اهل کتاب با ذکر نام پیامبر خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم و شفیع قرار دادن آن حضرت نزد خدا پیروزی می جستند (2).

7- نَسَّهَا: نُوخَّرَهَا: آن را به تأخیر اندازیم، "نَسَّهَا" باید مخفف "نَسَّهَا" از مادَّه.

ص: 37

1- بقره 146./

2- به تفسیر آیه در تفسیر طبری مراجعه شود.

نسا باشد، یعنی: هر حکمی را نسخ کنیم یا نسخ آن را به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا همانند آن را می آوریم.

"ننسیها" نمی تواند مخفف "ننسیها" از ماده "نسی" به معنای نسیان و فراموشی باشد تا معنی چنین شود که: قرائت هر آیه از قرآن را از یاد مردم ببریم، بهتر از آن یا همانند آن را می آوریم!- چنانکه برخی آن را اینگونه تفسیر کرده اند- (1) زیرا:

الف- خدای متعال خود حفظ قرآن را از فراموشی و نسیان ضمانت کرده، و فرموده:

(سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنسَى) ما به زودی قرآن را بر تو می خوانیم و تو هرگز فراموش نخواهی کرد.

ب- هیچ گونه مصلحتی در اینکه آن را از یاد مردم ببرد نیست، خداوند آیاتی را که خود فرستاده تا مردم بخوانند چرا از یادشان ببرد؟!

8- هادوا و هادوا: یهودی شدند، هودا: جمع هائد یعنی یهودیان.

9- فَضَّلَكُم عَلَى الْعَالَمِينَ: یعنی خداوند شما را در آن زمان بر فرعونیان مصر و عمالقه و دیگر مردمان شام برتری داد.

10- شطر: شطر را چند معنی است که از جمله آنها، "جهت" و "سوی" است.

11- مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ: خداوند هرگز نمازهایی را که- پیش از تحویل قبله- به سوی بیت المقدس گزارده اید تباه نمی کند.

12- إِذَا بَدَّلْنَا: هرگاه جایگزین کنیم، حکمی را به حکم دیگر بدل کنیم.

فرق بین عوض و بدل آن است که: عوض قیمت جنس است و بدل جایگزین اصل می گردد.

13- بِرُوحِ الْقُدُسِ: فرشته ای که خداوند قرآن و احکام و تفسیر آن را به وسیله او بر پیامبر می فرستد.

14- ذِي ظُفْرِ: ناخن دار و در اینجا مقصود هر حیوانی است که سم آن شکاف ندارد، مانند: شتر و شتر مرغ و اردک و غاز- و الله اعلم.

15- الْحَوَايَا: روده هاد.

ص: 38

---

1- به تفسیر قرطبی و طبری و روایت آن دو از سعد بن ابی وقاص در تفسیر آیه، مراجعه شود.

## تفسیر آیات

نخست-آیه تبدیل، آیه ای که در ضمن آیات مکی سوره نمل آمده است:

خداوند سبحان در این آیات فرموده:

هرگاه آیه ای را جایگزین آیه دیگر کنیم، یعنی حکمی از شریعت سابق را برداشته و حکم دیگری را که در قرآن آمده به جای آن بگذاریم، به رسول ما می گویند: تو دروغزنی!

ای پیامبر! بگو: احکام قرآنی را فرشته مخصوص از جانب خدا به حق می آورد تا مؤمنان را بر ایمان خود ثابت قدم بدارد، و برای مسلمانان هدایت و بشارت باشد. تو دروغزن نیستی! دروغزن کسانی هستند که به آیات خدا ایمان نمی آورند-یعنی مشرکان- آنان خودشان دروغگویانند!

خداوند پس از این، مورد نزاع را شرح داده و می فرماید: از آنچه روزی تان داده ایم، مانند: گوشت شتر و چربی های حیوان و امثال آن را که بر بنی اسرائیل حرام کرده بودیم، حلال و پاکیزه، بخورید، زیرا خداوند آنها را بر شما حرام نکرده، بلکه تنها خوردن مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که برای غیر خدا قربانی کنند، بر شما حرام کرده- مگر برای مضطر که ناچار از خوردن باشد- اینهاست که بر شما حرام شده، شما از پیش خود نگوئید:

"این حرام و آن حلال است"، چنانکه مشرکان می گفتند و خداوند در سوره انعام (138-140) از آن خبر داده است. اینها کار مشرکان است. اما یهود، خداوند بر آنان حرامهای ویژه ای قرار داده که در آیه (146) سوره انعام آمده است.

اما تو ای پیامبر! ما به تو وحی کردیم: در حلال و حرام پیرو ملت ابراهیم باش، و از جمله اموری که در شریعت ابراهیم بود، روز جمعه روز استراحت هفته است، اما شنبه را تنها بر بنی اسرائیل تعطیل کردیم و کار در آن بر ایشان حرام بود، چنانکه در آیه (163) سوره اعراف آمده است.

بنابر آنچه آوردیم، معنای تبدیل آیه در اینجا، تنها تبدیل برخی احکام تورات با احکام قرآن، و بازگشت به شریعت ابراهیم خلیل علیه السلام است.

آنچه بیان ما را تأکید می کند، فرموده خدای سبحان است که می فرماید: **وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ... قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ.. قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ زَيْرًا، ضَمِيرِ مَذْكَرٍ** در نَزْلَه به معنای (آیه) یعنی به "حکم" باز می گردد، و اگر بحث بر محور تبدیل آیه ای بود که جزء سوره است، شایسته آن بود که خدای سبحان می فرمود: **قُلْ نَزَّلَهَا رُوحُ الْقُدُسِ** یعنی ضمیر مؤنث می آورد نه مذکر! [دقت کنید!]

دوم- آیه نسخ، آیه ای که در بین آیات مدنی سوره بقره آمده است:

خدای متعال در این آیات فرموده:

ای بنی اسرائیل! نعمت های خدا را بر خود به یاد آورید و به پیمان او وفا کنید، پیمانی که گاه فرستادن تورات به شما فرمود: "آنچه به شما دادیم پرتوان بگیرید و آنچه را در آن است یاد کنید"، و در آن بشارت بعثت خاتم انبیا بود. به پیمان خود با خدا وفا کنید تا خداوند نیز، به عهدی که با شما بسته وفا نماید، و نعمتش را در دنیا و آخرت بر شما فزونی بخشد. به آنچه بر خاتم رسولان فرستادیم ایمان آورید که او درستی آنچه را نزد شما، در کتابهای خداست، همه را اثبات می کند. حق را کتمان نکنید، و آن را دانسته با باطل نپوشانید. خداوند به موسی علیه السلام کتاب داد و پس از او نیز، رسولانی فرستاد که عیسی بن مریم از آنان بود، همو که با براهین روشن و با روح القدس تأییدش فرمود. آیا چنین نیست که هر زمان پیامبری چیزی بر خلاف هوای نفس شما آورد، تکبر ورزیدید، عده ای را دروغزن نامیدید و جمعی را به قتل رساندید؟! او گفتید: دل‌های ما در غلاف است، و این چیزها را نمی فهمیم! حالا هم که قرآن از سوی خدا برای شما آمده، و اخباری را که نزد شماست محقق می کند به آن کافر می شوید، در حالی که پیش از این، برای پیروزی بر کفار، نام او را شفیع خود قرار می دادید، حال که پیامبر آمده و شما او را شناخته اید، به او و به آنچه خدا وحی کرده کافر شدید! خود را به بهای بدی فروختید که به آنچه خدا فرستاده کافر شدید، کافر شدید که چرا خداوند پیامبری را در نسل اسماعیل قرار داده و در ذریه یعقوب نگذارده؟ پس به غضب خدا گرفتار شدند، و برای کافران عذاب خوارکننده است.

و هرگاه به یهود گفته شد: به آنچه که خداوند بر خاتم پیامبران فرستاده ایمان آورید،

گفتند: ما تنها به آنچه بر خودمان نازل شده ایمان آورده و به آنچه بر غیر ما نازل گردیده کافریم! درحالی که آن حق است و اخبار کتب انبیا را تصدیق و اثبات می کند. اخباری که درباره بعثت خاتم انبیاست و در نزد آنان می باشد.

ای پیامبر! به آنان بگو: اگر خود را مؤمن به خدا می دانید چرا انبیای الهی را که پیش از این نزد شما آمدند کشتید؟! چگونه می گوئید به آنچه بر شما فرستاده شده ایمان می آورید درحالی که موسی علیه السلام با آیات روشنی نزد شما آمد و شما به جای ایمان به خدا گوساله را پرستیدید؟! اکنون هم، خداوند همانگونه که آیات روشن خود را بر موسی علیه السلام نازل کرد، آن آیات را بر خاتم انبیای خود محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیز فرستاده است، و جز فاسقان، هیچ کس به آن کافر نخواهد شد.

اگر یهود ایمان آورند و از خدا بترسند، یقیناً خداوند پاداش آنان را خواهد داد، ولی چه سود که کافران اهل کتاب و مشرکین مکه، خوش ندارند هیچ گونه خبر و کتاب آسمانی بر شما مسلمانان نازل گردد، حال آنکه خداوند هر که را بخواهد به رحمت خود ویژگی می بخشد.

خداوند هر حکمی را نسخ کند یا آن را به تأخیر اندازد، بهتر از آن یا همانند آن را می آورد، خداوند بر هر کاری تواناست.

بسیاری از اهل کتاب، بدان سبب که وحی الهی بر غیر بنی اسرائیل نازل شده، حسودانه دوست دارند شما را از ایمانی که به خاتم انبیا دارید به سوی کفر بازگردانند، و این در حالی است که حق بودنش بر آنان آشکار شده است! به شما گفتند: هیچ کس جز یهود یا نصاری داخل بهشت نمی شود، یعنی شما با اسلامتان از بهشت محرومید! بگو: دلالتان را بیاورید.

آری، هر که اسلام آورد و کارهای شایسته انجام دهد پاداش او نزد خدا محفوظ است، و یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمی شوند مگر آنکه پیرو دینشان گردی.

پس از آن یهود را مخاطب ساخته و فرموده: ای بنی اسرائیل! نعمت هائی را که بر شما بخشیدم و شما را بر مردم عصر خودتان برتری دادم به یاد آوردید و از روز قیامت پروا کنید.



سپس مورد نزاع و سبب دشمنی میان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یهود، و چگونگی آن را بیان داشته، و می فرماید: ما نگاه های انتظارآمیز تو به سوی آسمان برای تحویل قبله از بیت المقدس را می بینیم، اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن خشنود باشی باز می گردانیم .

هر جا که هستی، تو و همه مسلمانان، روی خود را به سوی مسجد الحرام بگردانید. اهل کتاب، یهود که با تو دشمنی می کنند و نصاری، خوب می دانند که گرداندن قبله به سوی کعبه، حق، و از جانب پروردگارشان می باشد، و تو هرگاه دلیل و آیتی برای آنان آوردی سخت را نپذیرفته و از قبله ات پیروی نمی کنند.

بزودی سبک مغزان از مردم می گویند: چه چیز آنان را از بیت المقدس قبله سابق بازگردانید؟! بگو: فرمان، فرمان خداست و مشرق و مغرب از آن اوست، هر که را بخواهد به راه راست هدایت می کند، قبله قرار دادن بیت المقدس و گرداندنش به سوی مکه برای امتحان مردمان است، مردم مکه را با گرداندن قبله از کعبه به سوی بیت المقدس، در مکه، و یهود را با گرداندن قبله از بیت المقدس به سوی مکه، در مدینه، امتحان می کند تا عیان نماید که آیا پس از آنکه دانستند این موضوع حق و از جانب پروردگارشان می باشد، از عصیبت قومی قبیلگی و اسرائیلی خود دست می کشند و به سوی بیت المقدس و کعبه رو می کنند یا خیر!

امتحان این گروه و آن گروه برای آن است تا پیروان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از کسانی که به جاهلیت خویش باز می گردند مشخص شوند. چنانکه نمازهایی را که پیش از این به سوی بیت المقدس گزارده اند، نزد خدا تباه نخواهد شد.

و بدین گونه روشن می شود که، مراد از تبدیل آیه ای با آیه دیگر که در آیات مکی سوره نحل، در یادآوری مجادله قریش آمده، تبدیل حکمی با حکم دیگر از سوی خداست.

مشروح این مجادله در آیات (138-146) سوره انعام آمده است.

و نیز، روشن می شود که، مقصود از نسخ آیه و پایان مدّت آن، در داستان یهود مدینه، نسخ حکم در شریعت موسی علیه السلام یا پایان مدت حکم يك شریعت خاص- برای حکمتی که خدا می داند- بوده است.

راغب اصفهانی در تفسیر واژه (آیه) راه صواب را یافته است. او می گوید:

«هر جمله ای که دلالت بر حکمی کند "آیه" است، یک سوره کامل باشد یا بخشی از یک سوره [به اعتبار معنای آیه در سوره] یا بخش هائی چند».

پس، مقصود از تبدیل آیه ای با آیه دیگر و نسخ آیه و تأخیر انداختن آن که در دو آیه کریمه آمده است، اینها بود که گذشت. در بحث آینده جایگاه نسخ و حکمت آن در شریعت موسی علیه السلام را - به اذن خدای متعال - بررسی می کنیم.

ص: 43

شریعت موسی علیه السلام که در تورات آمده ویژه بنی اسرائیل بود، چنانکه در بخش چهارم باب سی و سوم سفر تثبیه آمده است:

«موسی ما را به سنتی فرمان داد که میراث جماعت یعقوب باشد».

یعنی موسی علیه السلام ما را به شریعتی دستور داد که ویژه جماعت یعقوب، یعنی بنی اسرائیل است، در آیاتی که گذشت نیز، بیان این ویژگی آمده بود. در بحث آینده امر نسخ را-به اذن خدای متعال-با تفصیل بیشتری بررسی می کنیم.

### حقیقت نسخ در شریعت موسی علیه السلام

ما در این بحث، ابتدا داستان بنی اسرائیل در قرآن را-بر حسب تسلسل زمان-آورده، سپس به امر نسخ در شریعت آنان می پردازیم:

### نخست-تذکر بنی اسرائیل به نعمت های خدا

1-خداوند در سوره بقره می فرماید:

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ\*... وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ\* وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ\* وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ.

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ\*... وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ\* وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ\* وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ.

ای بنی اسرائیل! نعمت هائی را که به شما ارزانی داشتم به یاد آورید و اینکه، من شما را بر جهانیان برتری بخشیدم\*... و هنگامی که شما را از چنگال فرعونیان رهانیدیم، آنان که شما را به بدترین وجه شکنجه می دادند: پسران شما را سر می بریدند و زنانتان را زنده می گذاشتند. و در اینها امتحان بزرگی از سوی پروردگارتان برای شما بود\* و هنگامی که دریا را برای شما شکافتیم و شما را نجات دادیم و فرعونیان را غرق نمودیم؛ در حالی که شما نظاره می کردید\* و هنگامی که با موسی چهل شب وعده گذاردیم، سپس شما بعد از او، گوساله را انتخاب کردید؛ در حالی که ستمگر بودید. (1)

2-در سوره اعراف می فرماید:

وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ.

و بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم، در راه به گروهی رسیدند که با خضوع و کرنش پیرامون بت های خود گرد آمده بودند. گفتند: ای موسی! برای ما معبودی قرار ده، همانگونه که آنان معبودهائی دارند! گفت: راستی را که شما قومی نادانید! (2)

وَاضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ... فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ\* فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى... وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا

ص: 44

---

1- -بقره 47، 51، 50، 49.

2- -اعراف 138/.

أَمْرِي \* قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى .

و سامری آنان را گمراه کرد... و سامری اینگونه القا کرد\* و برای آنان مجسه مه گوساله ای که صدای گوساله داشت، پدید آورد. و گفتند: این خدای شما و خدای موسی است... و پیش از آن هارون به آنان گفته بود: ای قوم من! شما با این، مورد امتحان قرار گرفته اید! پروردگار شما خداوند رحمان است. پس، از من پیروی کنید و فرمان مرا اطاعت نمایید\* گفتند: ما همچنان ملازم آن هستیم تا موسی به سوی ما بازگردد.

(1)

4- در سوره بقره می فرماید:

وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنِّي كُنْتُ مِنْكُمْ لَمَنِ طَغَيْتُمْ أَنفُسَكُمْ بَاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلِ فَتَوَبُوا إِلَى بَارئِكُمْ فَاقتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ .

و [به یاد آورید] زمانی را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! شما با انتخاب گوساله به خود ستم کردید. پس، توبه کنید و به سوی خالق خویش بازگردید. و خودها تان را بکشید. این کار برای شما در پیشگاه پروردگارتان بهتر است. سپس خداوند توبه شما را پذیرفت، که او توبه پذیر و مهربان است. (2)

## دوم- تورات و برخی احکام آن

1- خداوند در سوره بقره می فرماید:

وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ .

و [به یاد آورید] هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بالای سر شما قرار دادیم [و گفتیم]: آنچه را به شما داده ایم با قدرت بگیرید؛ و آنچه را در آن

ص: 45

1- طه 85-91.

2- بقره 54.

است به یاد داشته باشید، شاید پرهیزکار شوید. (1)

2- در سوره اسراء فرموده:

وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ...

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم و آن را وسیله هدایت بنی اسرائیل ساختیم... (2)

3- در سوره آل عمران می فرماید:

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ...

همه خوردنیها بر بنی اسرائیل حلال بود جز آنچه اسرائیل پیش از نزول تورات بر خود حرام کرده بود... (3)

4- در سوره انعام فرموده:

وَ عَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ .

و بر یهودیان، هر حیوان ناخن دار را حرام کردیم، و از گاو و گوسفند، پیه و چربی شان را بر آنان تحریم نمودیم، مگر چربیهای که بر پشت گرفته یا در پهلوها دارند و یا آنها که با استخوان آمیخته است. این را به خاطر ستمی که می کردند به آنها کیفر دادیم و ما راست می گوئیم.

(4)

5- در سوره نحل می فرماید:

وَ عَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَ مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ .

چیزهائی را که پیش از این تو شرح دادیم، بر یهود حرام کردیم؛ ما به آنها.

ص: 46

---

1- بقره 63، نزدیک به آن در آیات 93 بقره و 171 اعراف نیز آمده است.

2- اسراء 2.

3- آل عمران 93.

4- انعام 146.

ستم نکردیم. ولی آنان به خودشان ستم می کردند. (1)

6- در سوره نساء فرموده:

يَسَّ مَلِكُ أَهْلِ الْكِتَابِ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً... فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ... وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ... وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا\* فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِنْهُم مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ... وَكَفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا\* فَبَطَلْنَا مِنْ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدَدِهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا\* وَأَخَذْنَاهُمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ .

اهل کتاب از تو می خواهند کتابی از آسمان بر آنان نازل کنی؛ آنان از موسی بزرگتر از این را خواستند و گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان ده!... ولی ما از آن درگذشتیم... و به آنان گفتیم: روز شنبه تعدی نکنید و از آنان پیمان محکمی گرفتیم\* به خاطر پیمان شکنی آنان، و انکار آیات خدا، و کشتن پیامبران... و به خاطر کفرشان، و تهمت بزرگی که بر مریم زدند\* به خاطر ظلمی که از یهود صادر شد، و به خاطر جلوگیری بسیارشان از راه خدا، بخشی از پاکیزه هائی را که بر آنان حلال بود، بر ایشان حرام کردیم\* و نیز، به خاطر ربا گرفتن، در حالی که از آن نهی شده بودند، و خوردن اموال مردم به باطل. (2)

7- در سوره اعراف می فرماید:

وَسَدَّ لَهُمُ الْعَيْنَ الْقَرْيَةَ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةً الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَدِّهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا يَسْتَوُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ .

و از آنان درباره شهری که در ساحل دریا بود پرس! زمانی که در روز شنبه 1.

ص: 47

1- --نحل/118.

2- --نساء/153-161.

تجاوز می کردند، آنگاه که ماهیانشان روز شنبه آشکار می شدند، اما در غیر روز شنبه اینگونه ظاهر نمی شدند، این چنین آنان را به چیزی امتحان کردیم که نافرمانی می کردند. (1)

8-در سوره نحل فرموده:

إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ... (2)

روز شنبه تنها به عنوان يك مجازات بود، بر کسانی که در آن اختلاف کردند...

### سۆم- نعمت های خدا بر بنی اسرائیل و سرکشی و نافرمانی آنان

#### اشاره

1- خداوند در سوره اعراف می فرماید:

وَقَطَعْنَا لَهُمْ عَشْرَةَ آسَافٍ بَاطِلًا أَمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّسَدَ رَبِّهِمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّانَ وَالسَّلْوَىٰ كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ\* وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سَدِّجِدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَدِّ نَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ\* فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنْ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ .

ما بنی اسرائیل را به دوازده تیره از يك دودمان-با شاخه های جدا از هم- تقسیم کردیم. و هنگامی که قوم موسی از او آب خواستند، به او وحی کردیم که:

عصای خود را بر سنگ بزن! ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون جست، بگونه ای که هر گروه، آبشخور خود را می شناخت. و ابر را بر آنها سایه بان کردیم، و منّ و سلوی را بر آنان فرستادیم. [و گفتیم:] از روزیهای پاکیزه ای که به شما

ص: 48

1- -اعراف163، بقره 65 و نساء 47 و 154.

2- -نحل124/.



داده ایم، بخورید. آنان به ما ستم نکردند، ولی به خودشان ستم می کردند\* و هنگامی که به آنان گفته شد: در این شهر [بیت المقدس] ساکن شوید، و از هر جا خواستید از آن بخورید و بگوئید: خداوند! گناهان ما را بریز! و از آن در با تواضع وارد شوید تا گناهان شما را ببخشیم، و نیکوکاران را پاداش افزوتر بدهیم\* اما ستمگران آنها، این سخن را، به غیر آنچه به آنان گفته شده بود، تغییر دادند؛ و ما به خاطر اینکه پیوسته ستمگر بودند، بلایی از آسمان بر ایشان فرستادیم. (1)

2- در سوره مائده فرموده:

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ أذكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ \* يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ \* قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنَنُودُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ \* قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ \* قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنَنُودُهَا إِذْ دَخَلْنَاهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ \* قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ \* قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ .

و هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید آنگاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد، و شما را حاکم گردانید. و به شما چیزهایی بخشید که به هیچ يك از جهانیان نداده بود\* ای قوم من! به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته، وارد شوید و به پشت سر 2.

ص: 49

خود بازنگردید که زیانکار شوید\*گفتند: ای موسی! در آنجا گروهی ستمگرند، و ما هرگز وارد آن نمی شویم تا آنها از آن خارج شوند، اگر آنها از آنجا خارج شوند ما وارد خواهیم شد\*دو نفر از مردانی که از خدا می ترسیدند، و خداوند بر آنان نعمت داده بود، گفتند: شما از دروازه شهر بر آنان درآید که تا وارد شوید، پیروزید. و بر خدا توکل کنید اگر ایمان دارید\*گفتند: ای موسی! مادامی که آنان در آنجا هستند، ما هرگز وارد آن نخواهیم شد! تو و پروردگارت بروید و بجنگید، ما همین جا نشسته ایم\*گفت: پروردگارا! من تنها اختیار خود و برادرم را دارم، میان ما و این جماعت گنهکار، جدائی بیفکن\*فرمود:

این سرزمین تا چهل سال بر آنها ممنوع است، آنان پیوسته سرگردان خواهند بود و تو بر این قوم گنهکار، غمگین مباش. (1)

## شرح کلمات

1- اسرائیل: یعقوب فرزند اسحاق پسر ابراهیم خلیل علیه السلام، لقب او اسرائیل است. بنی اسرائیل نسل او از دوازده پسرش می باشند.

2- یسومونکم: عذابتان میگردند، عذاب خوارکننده.

3- یستحیون: زنده می گذاشتند.

4- یعکفون: خاضعانه عبادت می کردند، ملازم بودند.

5- خوار: صدای گاو و گوسفند.

6- لَنْ تَبْرَحَ: جدا نمی شویم.

7- فتنتم: امتحان شدید. فتنه خدا، برای امتحان بندگان است و فتنه ابلیس و مردم، گمراهی و به زحمت افکندن می باشد. خداوند درباره فتنه

ابلیس به مردم هشدار داده و فرموده: (يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ) ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد! او درباره فتنه مردم فرموده: (إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ

ص: 50

عَذَابُ جَهَنَّمَ وَ لَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ) کسانی که مردان و زنان با ایمان را شکنجه داده و به زحمت افکندند سپس توبه نکردند، برای آنان عذاب دوزخ و عذاب آتش سوزان است.

8- باری: هستی بخش.

9- اسباطا: اسباط در اینجا به معنای قبیله و تیره است.

10- فانجست: فوران کرد، بیرون جست.

11- المن و السلوی: المن: چیزی شبیه عسل جامد، چسبنده و شیرین. السّلموی: مرغ سمّانی، بلدرچین، از پرندگان حوزه دریای مدیترانه که در زمستان به مصر و سودان مهاجرت می کند.

12- حطّة: گناهان ما را بریز، بار ما را سبک کن.

13- رفعنا: بالا بردیم، برافراشتیم.

14- میثاقکم: پیمان شما، میثاق: پیمان مؤکّد، ملتزم شدن به عهد و پیمان.

15- الرّجز: عذاب، رجز الشیطان: وسوسه های او.

16- یتیهون: حیران می شوند، راه را گم می کنند.

17- لا تأس: غمگین مشو، افسوس مخور.

18- لا تعدوا: تجاوز نکنید، ستم ننمائید.

19- میثاقا غلیظا: عهد و پیمانی محکم و مؤکّد.

20- الحوایا: روده ها.

21- شرّعا: آشکارا و نزدیک.

22- جعل لهم: قانون گذارد و مقرر کرد برای آنان.

## تفسیر آیات

خداوند در آیات گذشته به بنی اسرائیل فرمود: نعمت هائی را که بر شما بخشیدم و در میان شما پیامبران و حاکمان قرار دادم، و نعمت "منّ و سلوی" را که به هیچ یک از جهانیان داده نشده، این نعمت ها را به یاد آورید.

خدای سبحان آنان را از ذلّت بردگی فرعون و کشته شدن فرزندان و زنده نگه داشتن



زنان برای کنیزی، نجات داد و فرعون و سپاهیان را غرق کرد و آنان را از دریا عبور داد، با این وجود، آنان همین که دیدند گروهی به عبادت بتها مشغولند. به موسی علیه السلام گفتند: برای ما نیز بتی همانند بت های اینان قرار ده تا آن را پرستش کنیم! و نیز، هنگامی که موسی علیه السلام برای دریافت تورات به کوه طور رفت، به پرستش گوساله برخاستند! موسی علیه السلام فرمانشان داد تا به آن سرزمین مقدس که خدا برای آنان تقدیر کرده بود، درآیند؛ گفتند: ای موسی! در آنجا گروهی زورگو و ستمگرند- عمالقه- ما تا آنها از آنجا بیرون نیایند وارد آن نمی شویم.

"یشوع" یا "یسع" و فرد دیگری از آنان گفتند: به شهر درآید که بزودی پیروز می شوید، سرپیچی کردند و گفتند: ای موسی! تو و پروردگارت بروید و با "عمالقه" بجنگید، ما همین جا نشسته ایم! موسی گفت: پروردگار! امن تنها بر خودم و برادرم اختیار دارم، میان ما و این قوم گنهکار جدائی بیفکن! خدای سبحان فرمود: این سرزمین مقدس چهل سال بر اینان حرام شد، در این مدت در صحرای سینا حیران و گم گشته خواهند ماند، تو بر این گنهکاران اندوهگین مباش.

خداوند در سوره اعراف درباره آنان می فرماید: بنی اسرائیل را به دوازده تیره تقسیم کردیم. و هنگامی که از موسی آب خواستند، به او وحی کردیم: عصایش را بر آن سنگ بزند، دوازده چشمه از آن جوشیدن گرفت- برای هر یک از تیره ها یک چشمه- ابر را نیز بر سر آنان گسترانید تا از حرارت خورشید در امان باشند، و شیرینی عسل گونه و گوشت پرنده را به آنان خورانید، و پس از طی مسافت به آنان گفته شد: در این شهری که روی شامست سکنی گزینید، و از محصولات آن بخورید، و در حین ورود به دروازه شهر خدا را سپاس گوئید و برای او سجده نمائید و بگوئید: "حطّة" یعنی خدایا گناهان ما را بریز.

ستمکاران این واژه را تغییر دادند و به جای "حطّة" حنطة (1) گفتند، یعنی ما به دنبال گندم هستیم! خداوند نیز، به سبب این اعمال، عذاب آسمانی را بر آنان نازل فرمود.

خداوند در سوره نساء درباره آنان فرموده: ای پیامبر! اهل کتاب از تو می خواهند تا کتابی را از آسمان بر آنان نازل کنی، اینان پیش از این بزرگتر از آن را از موسی خواستند و ت.

ص: 52

گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان ده تا با چشمان خود او را ببینیم! اما از گناهانشان درگذشتیم، و کوه طور را بر فرازشان افراشتیم.

محبوب ترین خوردنی و نوشیدنی اسرائیل علیه السلام شیر و گوشت شتر بود، یعقوب دچار نوعی از بیماری شد و خدا شفایش داد، او نیز، محبوب ترین خوردنی و نوشیدنی خود، یعنی گوشت و شیر شتر را- برای سپاس از خداوند- بر خویشتن حرام کرد. او همچنین چربی های کبد و کلیتین و پیه را- غیر از آنچه بر پشت حیوان است- بر خود حرام کرد، زیرا این چربی را در گذشته برای قربانی می بردند و آتش آن را می خورد. (1)

از جمله پیمانهای یهود با خداوند درباره عقاید آن بود که: به کسانی که موسی بن عمران علیه السلام بعثت آنان را بشارت داده است یعنی بعثت عیسی علیه السلام و بعثت خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم، ایمان بیاورند. این بشارت را قبلا- از سفر تثنیه تورات- آوردیم.

درباره احکام نیز، عهد کردند که در روز شنبه از تعطیل کار تعدی نکنند. خداوند در این باره پیمان شدید و محکمی از آنان گرفته بود.

آنان پیمانهای خود با خدا را شکستند و به آیات خدا کفر ورزیدند و به مریم علیه السلام، آن بانوی پاک و مطهر، دروغ بزرگی را نسبت دادند. خداوند نیز، برای ادب کردن آنان، پاکیزه هائی را که برایشان حلال بود، حرامشان کرد، چنانکه وقتی به پرستش گوساله برخاستند، فرمانشان داد تا خودهایشان را بکشند- یعنی هر که به گوساله ایمان نیاورده بود گوساله پرستان را بکشد- همچنین، چون از ایمان آوردن به خدا بازمی داشتند و معاملات ربوی می کردند و ربا می خوردند، با آنکه از ربا نهی شده بودند، پاکیزه های حلال بر آنان حرام گردید.

مخالفت دیگر آنان شکستن پیمانی بود که با خدا بسته و اکیدا از صید ماهی در روز شنبه ممنوع شده بودند: ماهیان در روز شنبه آشکارا به نزدیک ساحل می آمدند ولی در روزهای دیگر چنین نمی کردند، و این امتحانی ویژه آنان بود. تعطیل روز شنبه تنها بر بنید.

ص: 53

---

1- - سیره ابن هشام چاپ حجازی قاهره (168/2-169). آنچه در متن آوردیم از تفسیر طبری و سیوطی است، به نظر می رسد آنچه در سیره ابن هشام است از آنچه که در متن آوردیم درست تر باشد.

اسرائیل بود، همانها که درباره آن اختلاف کردند.

خدای متعال در سوره نساء می فرماید:

یهودیان اهل کتاب از تو می خواهند تا کتابی ویژه آنان از آسمان بیاوری، آنان بزرگتر از این را از پیامبرشان موسی علیه السلام خواستند و گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان ده تا با چشمان خود او را ببینیم! اما از این خطای بزرگ آنان درگذشتیم و کوه طور را بر فرازشان افراشتیم، و پیمانهای شدید و محکم از آنان گرفتیم که، هر چه موسی بن عمران برایشان آورد به آن عمل کنند، بخشی از پیمان ما، ایمان به انبیای خدا بویژه عیسی بن مریم علیه السلام و محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم بود. آنان به مریم عذرا تهمت زدند، به احکام تورات دروغ بستند، انبیای خدا را انکار کرده و بسیاری را کشتند، از راه خدا بازداشتند و ربا گرفتند و اموال مردم را ناروا خوردند! ما نیز، به سبب این همه ستم، پاکیزه هائی را که پیش از آن برایشان حلال بود، حرامشان کردیم. از جمله محرمات بر آنها، صید ماهی در روز شنبه برای ساحل نشینان بود، آنجا که ماهی ها در این روز آشکارا به آنان نزدیک شده و خودنمایی می کردند!

### نتیجه بحث

خداوند بنی اسرائیل را بر "فرعونیان" مصر و "عمالقه" شام و سایر ملت های معاصر آنان برتری بخشیده بود. پیامبرانی همچون موسی و هارون و عیسی و اوصیای آنان را در بین ایشان برانگیخت، و مهمتر از همه، تورات را فراروی آنان قرار داد. از ایشان پیمانهای شدید و محکم گرفت تا به آنچه در کتابهایشان آمده عمل نمایند. نعمت "منّ و سلوی" و جاری نمودن آب از سنگ و غیر آن را، ارزانی شان داد. آنان در برابر این همه نعمت، آیات خدا را انکار کردند و گوساله پرست شدند، ربا گرفتند و اموال مردمان را خوردند و هر گونه نافرمانی دیگر را به جای آوردند. چنین مردمی برای تربیت نفوس آلوده خود نیازمند آن شدند تا خداوند، کشتن خودهاشان را بر آنان واجب و کار دنیائی در روز شنبه را بر ایشان حرام نماید. آنان درباره ترك عمل در روز شنبه اختلاف کردند، چنانکه مردم آن شهر

ص: 54

ساحلی نیز، در این باره حيله کردند. (1) خداوند هر چه را اسرائيل بر خود حرام کرده بود - خوردن چربی و گوشت شتر و مانند آن را - برای پیرایش جانشان بر آنان نیز، حرام فرمود. علاوه بر آن، چون بنی اسرائیل همیشه نیازمند همبستگی و اتحاد قبیله ای خود بودند تا بتوانند با عمالقه و قبطی های سرکش که پیرامون آنها را گرفته بودند، مقابله نمایند؛ خداوند نیز - پیش از آنکه سلیمان مسجد معروف به هیکل سلیمان را بنا کند - بر آنان واجب فرمود تا برای عبادت، همگی به سوی "خیمه اجتماع" بگردند، و مراسم دینی خود را به سرپرستی فرزندان هارون به جای آورند، همانگونه که عیسی بن مریم و مادرش مریم علیهما السلام را که از نسل داود - زاده یهودای بنی اسرائیل - بودند به سوی آنان فرستاد و برخی از آنچه را که بر ایشان حرام کرده بود، حلال فرمود. چنانکه از زبان عیسی علیه السلام در سوره آل عمران می فرماید:

... أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ... وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ لِأَحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ...

... من نشانه ای از پروردگارتان برای شما آورده ام... و آنچه پیش از من در تورات بوده تصدیق و اثبات می کنم، و آمده ام تا برخی چیزها را که بر شما حرام شده بود، حلال نمایم... (2)

بنابر آنچه آوردیم، روشن شد که انبیای بنی اسرائیل، از موسی بن عمران تا عیسی بن مریم علیهم السلام، به سوی بنی اسرائیل فرستاده شده اند، و برخی احکام شرعی تورات تنها برای مصلحت بنی اسرائیل نازل شده. بنابراین، چنین احکامی موقتی است و از قبیل تحریم چیزهایی است که اسرائیل بر خود حرام کرده بود، لذا مدت برخی از آنها با بعثت عیسی بن مریم علیه السلام پایان یافت و آن حضرت پاره ای از آن حرام ها را برای آنان حلال کرد. مدت پاره ای از آنها نیز، تا بعثت خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم بود که آن حضرت آمد و سر رسید همه را بیان 0.

ص: 55

1- - به ماده "سبت" در کتاب "قاموس کتاب مقدس" و تفسیر آیه در تفسیر طبری و ابن کثیر و سیوطی و... مراجعه شود.

2- - آل عمران 49-50.



فرمود. خدای سبحان در سوره اعراف این موضوع را اینگونه بیان می دارد:

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...<sup>(1)</sup>

آنان که این رسول-بنی امی-را پیروی می کنند، پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزد خود دارند، می یابند؛ آنان را به معروف امر کرده و از منکر باز می دارد؛ پاکیزه ها را برای آنان حلال و ناپاکها را بر ایشان حرام می کند؛ بارهای سنگینشان را از آنان برداشته و زنجیرهایی را که بر آنها بوده می گشاید. (1)

اصرهم: بارهای سنگین آنها، یعنی تکالیف سختی که بر عهده شان بوده.

\*\*\*

این شأن «نسخ» در شریعت موسی علیه السلام نسبت به شرایع پیش از آن بود.

برخی از آنچه در شریعت موسی علیه السلام بود نیز، در شریعت خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم نسخ گردید.

نوع دیگری از «نسخ» آن است که تنها در شریعت يك پیامبر واقع می شود، چنانکه می آید: /.

ص: 56

برای شناخت معنای نسخ در شریعت يك پیامبر، نمونه ای از آن را که در شریعت خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله و سلم واقع شده بیان می داریم:

این نمونه، نسخ و جوب صدقه بر کسانی بود که می خواستند با پیامبر نجوا کنند، چنانکه در سوره مجادله آمده:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. أَأَشْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذ لَّمْ تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ .

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که می خواهید با رسول خدا در گوشه سخن بگوئید، پیش از آن صدقه ای بدهید؛ این برای شما بهتر و پاکیزه تر است.

و اگر نیافتید خداوند آمرزنده مهربان است. آیا ترسیدید پیش از نجوایتان صدقاتی بدهید؟ اکنون که این کار را نکردید و خداوند توبه شما را پذیرفت، نماز را برپا دارید و زکات را پردازید و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید که خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (1)

ص: 57

برخی از صحابه بیش از حد لازم به نجوای با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می پرداختند، و با این کار به نوعی خود را از نزدیکان و خاصان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جلوه می دادند. اخلاق کریمانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز بگونه ای بود که درخواست هیچ نیازمندی را رد نمی کرد. این کار گاهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در تنگنا قرار می داد ولی بر آن صبوری می کرد. حکم پرداخت صدقه برای کسی که بخواهد با پیامبر نجوا کند نازل شد. این گروه نجوای با پیامبر را رها کردند و علی بن ابی طالب علیه السلام دیناری را به ده درهم تبدیل کرد و ده مرتبه صدقه داد و به نجوای با پیامبر، در آنچه مهم می دانست، پرداخت. پس از تأمین هدف و تربیت آن گروه با این حکم، مدت آن به سر آمد، و حکم صدقه دادن برداشته شد. (1)

### فشرده بحث نسخ و نتیجه آن

روز جمعه- از زمان آدم علیه السلام تا زمان پیامبران بنی اسرائیل: موسی بن عمران تا عیسی بن مریم علیهم السلام- روزی مبارك و روز استراحت بنی آدم بود.

و نیز، آدم علیه السلام و پیامبران پس از او تا دوره ابراهیم علیه السلام، همگی مناسک حج را به جای آوردند، به عرفات و مشعر و منی رفتند و مکان بیت را هفت بار طواف کردند. سپس ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام خانه خدا را ساختند و پس از آن با پیروانشان در حج به دور خانه طواف کردند.

نوح علیه السلام نیز، پس از آدم علیه السلام شریعت او را تجدید کرد و شریعتی بسان شریعت خاتم انبیا آورد و همه انبیای بعدی از او پیروی کردند زیرا، خدای متعال می فرماید:

1- شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا...

دینی را فرا روی شما قرار داد که به نوح فرمان داده بود... (2)

2- وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِابْرَاهِيمَ .

ص: 58

---

1- به تفسیر آیه در تفسیر طبری و دیگر تفاسیری که در تفسیر آیات به روایات اعتماد می کنند، مراجعه شود.

2- شوری 13/.

و ابراهیم از پیروان او بود. (1)

3- به خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله و سلم و امت او نیز می فرماید:

الف- اِتَّبِعْ مِلَّةَ اِبْرَاهِيْمَ حَنِيفًا .

از دین ناب و استوار ابراهیم پیروی کن. (2)

ب- فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ اِبْرَاهِيْمَ حَنِيفًا .

پس، از آیین خالص و پابرجای ابراهیم پیروی کنید. (3)

بنابراین، شرایع رسولان از گزینش آدم صفی خدا علیه السلام تا انتخاب محمد خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم، همه یکی است؛ مگر آنچه در شریعت ارسالی به انبیای بنی اسرائیل از موسی بن عمران تا عیسی بن مریم علیه السلام، پدید آمد و مصلحت ویژه این قوم در آن لحاظ شده بود، و خدای متعال درباره آن می فرماید:

1- كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ... .

همه خوردنیها بر بنی اسرائیل حلال بود، جز آنچه اسرائیل بر خود حرام کرده بود. (4)

2- وَ عَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ... .

آنچه را پیش از این برای تو شرح دادیم، بر قوم یهود حرام کردیم. (5)

3- إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ... .

تعطیل روز شنبه تنها بر علیه کسانی است که در آن اختلاف کردند. (6)

در بخش چهارم باب سی و سوم سفر تثئیه تورات نیز، با صراحت آمده است که: (موسی ما را به شریعتی ویژه اولاد یعقوب، فرمان داد.)/.

ص: 59

1- -صافات/83.

2- -نحل/123.

3- -آل عمران/95.

4- -آل عمران/93.

5- -نحل/118.

6- -نحل/124.

حکمت چنین تغییری نیز آن بود که، بنی اسرائیل قومی لجوج و کینه توز بودند. با انبیای خود دشمنی می کردند و از نفس آواره بالسوء پیروی می نمودند و در مقابل دشمنان سستی و زبونی نشان می دادند. این قوم پس از آنکه خداوند دریا را برایشان شکافت و از ذلت بردگی فرعون رهائی شان داد، گوساله پرست شدند و از ورود به سرزمین مقدسی که خدا برای آنان تهیه دیده بود- از وحشت برخورد با عمالقه که در آنجا بودند- سر باز زدند .

پاکسازی و بازسازی نفوس چنین امتی نیازمند نوعی سخت گیری در شریعت بود، لذا، هم باید مؤمنانی که گوساله را پرستش نکرده بودند مرتدان گوساله پرست را می کشتند و هم، کار کردن در روز شنبه بر آنان حرام می شد و هم، چهل سال در صحرای سینا سرگردان می ماندند!

از سوی دیگر، از آن رو که آنان تنها مؤمنان عصر خود بودند، و اطراف آنان را ملت های کافر تجاوزگر نیرومندی احاطه کرده بود، نیازمند ارتباط و پیوندی قوی و تنگاتنگ در میان خود بودند تا نقاط ضعف خویش را جبران کرده و به یکدیگر یاری رسانند و از دیگران متمایز و به خویشتن پیوسته باشند؛ برای وصول به این اهداف، خداوند قبله ویژه ای برای آنان تعیین فرمود که، تابوت در بردارنده الواح تورات، کتاب شریعت ویژه آنان- و سایر ما ترك آل موسی و آل هارون- (1) در آن قرار گرفته بود، و نیز، قوانین دیگری متناسب با شرایط زمان و مکان و ظرفیت خاص آنان نازل فرمود.

در دوره عیسی بن مریم علیه السلام مدت برخی از این قوانین با از بین رفتن پاره ای از شرایط به آخر رسید و عیسی علیه السلام بعضی از آن محرمات را به فرمان خدا حلال کرد.

در عصر خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم، بنی اسرائیل در شهرها پراکنده شدند و با سایر مردمان گرد آمدند، آنان و ملت هائی که ایشان در بین آنها زندگی می کردند، از اینکه ماهیتشان مشخص شود و دیگران دریابند که اینان از جنس آنان نیستند، و ساختارشان از همسایگان و همشهری ها جداست، آزرده خاطر می شدند؛ بویژه که مردم شهرها اسرائیلی را از خود نمی دانستند و او را مشکل ساز و بلوا آفرین مجامع یکنواخت می دانستند. بدین سبب، /.

ص: 60

احکامی که آنان را از دیگر ملت ها جدا می کرد، وبال گردن ایشان شد، و اموری همچون تعطیل روز شنبه که بر خلاف سایر امت ها بود، بار دوش آنان گردید. همانگونه که شرح آن در سفر تثنیه تورات آمده است.

خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم به فرمان خدا مشکل آنان را برطرف، و هر چه خداوند در زمانهای گذشته بر آنان حرام کرده بود، همه را حلال نمود. خداوند در سوره اعراف فرموده:

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِندَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ... (1)

آنان که این رسول-بنی امی- را پیروی می کنند، پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزد خود دارند، می یابند؛ آنان را به معروف امر کرده و از منکر باز می دارد؛ پاکیزه ها را برای آنان حلال و ناپاکها را بر ایشان حرام می کند؛ بارهای سنگینشان را از آنان برداشته و زنجیرهایی را که بر آنها بوده می گشاید... (1)

خداوند بدین گونه، احکامی را که در زمانهای گذشته به سود آنان بود، و در دوره های بعدی که با دیگر مردمان در سطح جهان درآمیختند، وبال گردنشان شده بود، این احکام را از دوش آنان برداشت. اما احکامی که در شریعت موسی برای همه مردم بود و بنی اسرائیل هم از مردم بودند، این احکام، نه برداشته شد و نه نسخ گردید. مانند حکم قصاص در تورات که خداوند در سوره مائده از آن خبر داده و می فرماید:

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا... وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ./. (1)

ص: 61

ما تورات را که در آن هدایت و نور بود نازل کردیم. پیامبرانی که تسلیم خدا بودند، با آن برای یهود حکم می کردند... و بر آنان در آن مقرر داشتیم که جان در مقابل جان، و چشم در برابر چشم، و بینی با بینی، و گوش با گوش، و دندان برابر دندان باشد، و هر زخمی قصاص دارد؛ و هر کس قصاص را ببخشد کفاره ای است برای او، و هر کس به آنچه خدا نازل کرده حکم نکند، ستمگر است. (1)

حکم قصاص که در اینجا آمده، پیش از تورات و بعد از آن تا به امروز، جریان دارد؛ سایر احکامی که خداوند برای انسان از آن رو که انسان است مقرر فرموده نیز، در هیچ یک از دورانها و شرایع انبیا تغییر نکرده است.

## شأن نزول آیه تبدیل

هنگامی که خداوند برخی احکام شریعت موسی علیه السلام را به احکام دیگری در شریعت خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم تبدیل کرد- چنانکه بیان داشتیم- قریش بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شوریدند و گفتند: تو بر خدا دروغ می بندی! خداوند سخن آنان را به خودشان بازگردانید و فرمود:

وَ إِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ... إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ... فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالاً طَيِّباً.

و هنگامی که حکمی را به حکم دیگر مبدل کنیم- و خدا بهتر می داند چه حکمی را نازل کند- می گویند: تو تنها یک دروغزنی!... تنها کسانی دروغ می بندند که به آیات خدا ایمان ندارند... پس، از آنچه خدا روزی تان کرده، حلال و پاکیزه بخورید. (2)

یعنی چیزهایی مانند گوشت شتر و چربی گوشت حیوانات، بر شما حرام نیست، تنها

ص: 62

1- -مانده 44-45.

2- -نحل 101، 114، 105.

مردار و خون و گوشت خوک و آنچه برای غیر خدا ذبح شده بر شما حرام است و قربانیهایی که مشرکان مکه برای بت هاشان هدیه می کردند. خداوند پس از آن، قریش را از افترای بر خدا نهی کرد و فرمود: خودسرانه نگویند: این حرام و آن حلال است! همان گونه که شرح گفتارشان را در سوره انعام آورده و می فرماید:

وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ... وَ قَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِدُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَى أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُنْ مِثْقَالُ فَهْمٍ فِيهِ شُرَكَاءٌ سَيَجْزِيهِمْ وَصَفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ .

و گفتند: اینها چهارپایان و کشت ممنوعه است. و جز کسانی که ما بخواهیم- به گمان خودشان- نباید از آن بخورند! و اینها چهارپایانی است که سوار شدن بر آنها حرام شده است! و چهارپایانی که نام خدا را بر آن نمی بردند و بر خدا دروغ می بستند!... و گفتند: آنچه در شکم این حیوانات است ویژه مردان ماست؛ و بر زنانمان حرام است! و اگر مرده باشد همگی در آن شریکند. خداوند بزودی کیفر این توصیف آنان را می دهد؛ او حکیم و داناست. (1)

در سوره یونس نیز، به آن اشاره کرده و فرموده:

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ اللَّهُ أَدْنَىٰ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ .

بگو: آیا روزی هائی را که خداوند بر شما نازل کرده و شما برخی از آن را حلال و بخشی را حرام کرده اید؛ بگو: آیا خداوند به شما اجازه داده، یا بر خدا دروغ می بندید؟! (2)

بدین گونه، مسأله حلال و حرام میان رسول خدا و مشرکان قریش- از موضوعات خودساخته قریش گرفته تا احکام ویژه شریعت موسی که خداوند بنا بر مصلحت در/.

ص: 63

---

1- -انعام 138-139.

2- -یونس 59/.



شریعت خاتم انبیاء آن را به احکام دیگری تبدیل فرمود، همه-مورد بحث بود.

قریش در مکه با هر حلال و حرامی که رسول الله به فرمان خدا می آورد و با عرف دینی آنها و آنچه از شریعت موسی بن عمران علیه السلام می دانستند مخالف بود، به دشمنی بر می خاستند.

همین دشمنی، در مدینه نیز، از طرف یهود برپا شد. آنان با پیامبر درباره احکامی که بخشی از محتوای تورات را نسخ می کرد به ستیز برخاستند. خداوند در سوره بقره این جدال را بیان داشته و خطاب به بنی اسرائیل می فرماید:

أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ .

آیا چنین نیست که هرگاه رسولی چیزی بر خلاف هوای نفس شما آورد. تکبر ورزیدید؛ پس، عده ای را دروغزن خواندید، و جمعی را کشتار کردید؟! (1)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَنَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ...

و هنگامی که به آنها گفته شود: به آنچه خداوند نازل فرموده، ایمان بیاورید! می گویند: ما به چیزی ایمان می آوریم که بر خود ما نازل شده است، و به غیر آن کفر می ورزند... (2)

و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا...

هر حکمی را نسخ کنیم یا به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا همانندش را می آوریم... (3)

وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ...

یهود و نصاری هرگز از تو خوشنود نمی شوند تا از دین آنان پیروی کنی!... (4).

ص: 64

1- -بقره 87/.

2- -بقره 91/.

3- -بقره 106/.

4- -بقره 120/.

مجادله بنی اسرائیل با رسول خدا پیرامون احکام نسخ شده تورات بویژه نسخ قبله به سوی بیت الله بود که خداوند در سوره بقره از آن خبر داده، و فرموده:

ما نگاه های انتظار آمیز تو را به سوی آسمان می بینیم؛ اکنون تو را به سمت قبله ای که از آن خشنود باشی باز می گردانیم... هر جا که هستی روی خود را به سوی مسجد الحرام کنید.

اهل کتاب-یهود و نصاری-خوب می دانند که این حق و از جانب پروردگارشان است، و تو هر گونه آیت و نشانه ای برای اهل کتاب بیاوری آنان از قبله تو پیروی نخواهند کرد. (1)

پس، مقصود از نسخ آیه در این مورد، نسخ این حکم خاص بود. چنانکه مقصود از تبدیل آیه ای به آیه دیگر که قریش درباره آن با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مجادله می کردند، تبدیل برخی احکام حلال و حرام نزد قریش و غیر قریش در مکه بود.

بنابراین، روشن شد که مراد از کلمه (آیه) در این سخن خدای متعال که می فرماید:

«وَ إِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ» حکم است، یعنی: «اذا بدلنا حکما مکان حکم» هرگاه حکمی را جایگزین حکمی کنیم...

و در این سخن خدای متعال: «ما ننسخ من آية أو ننسها» نیز، مراد این است که: هر حکمی را نسخ کنیم یا به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا همانندش را می آوریم.

مثال به تأخیر انداختن حکم، تأخیر انداختن روی کردن به قبله در شریعت موسی علیه السلام، و تبدیل آن به حکم روی کردن به سوی بیت المقدس است که در آن زمان برای بنی اسرائیل مفید و خیرافزا بود.

مثال نسخ حکم و تبدیل آن به حکمی بهتر نیز، نسخ حکم روی کردن به بیت المقدس در شریعت خاتم انبیاست که همه مردمان تا همیشه تاریخ باید روی خود را به سوی کعبه بگردانند.

پس، مقصود از تبدیل آیه ای با آیه دیگر، تبدیل حکمی با حکم دیگر است.

همچنین آشکار شد که، احکامی را که خداوند برای مردمان مقرر می کند، گاهی مصلحت انسان از آن رو که انسان است در آن لحاظ شده است؛ چنین احکامی بی تغییر و5.

ص: 65

بی بدیل است، همانگونه که خدای سبحان در سوره روم از آن خبر داده و می فرماید:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ .

روی خود را متوجه دین ناب و خالص پروردگار کن، فطرتی که خداوند انسانها را بر آن آفریده، هیچ گونه تبدیلی در آفرینش الهی نیست، این است دین استوار؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند! (1)

یعنی، هیچ گونه تبدیلی در قوانینی که خداوند برای مردمان به تناسب فطرتشان مقرر فرموده، راه ندارد؛ همانند این سخن خدای متعال در سوره بقره:

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْمِيَ الرِّضَاعَةَ .

مادران- آنها که می خواهند دوران شیرخوارگی را به کمال رسانند- فرزندان خود را دو سال تمام شیر می دهند (2).

این مادران، هر که باشند و در هر جا زندگی کنند، تفاوتی ندارند، حوا همسر آدم علیه السلام باشد و نوزاد خود را در سایه درخت و غار شیر دهد، یا نسل پس از او در غارها و خیمه ها و کاخ ها؛ شیر دادن کامل دو سال است!

همچنین است حکم روزه و قصاص و حرمت ربا برای بنی آدم که بی تغییر است؛ چنانکه خدای سبحان در سوره بقره فرموده:

1- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ .

ای اهل ایمان! روزه بر شما نوشته شد، همان گونه که بر پیشینیان از شما نوشته شد؛ تا پرهیزگار شوید (3).

2- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ .../.

ص: 66

1- روم/30.

2- بقره/233.

3- بقره/183.

ای اهل ایمان! قصاص بر شما نوشته شد (1)...

3- أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا...

خداوند بیع را حلال و ربا را حرام کرده است (2)...

اینها و دیگر احکامی که خداوند متناسب با فطرت انسانی انسان برای او مقرر فرموده، در هیچ یک از شرایع آسمانی تغییر نمی کنند. این احکام در تعبیر قرآن به لفظ: وصی، یوصیکم، وصیة و کتب آمده است.

اما آنچه را که خداوند برای برخی مردم، متناسب با شرایط خاص آنان مقرر فرموده، مدت آنها نیز، با از بین رفتن آن شرایط به سر می رسد. مانند احکامی که در گذشته راجع به بنی اسرائیل آوردیم و متناسب با شرایط خاص آنان بود، و یا آنچه که خداوند برای مهاجرین با پیامبر از مکه مقرر فرمود، و ارث بردن از راه برادرخواندگی با انصار مدینه در ابتدای هجرت را به رسمیت شناخت، سپس مدت آن بعد از فتح مکه به سر آمد و این حکم منسوخ گردید و خداوند در آیات 72-75 سوره انفال از آن خبر داده و فرموده:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا» آنان که ایمان آوردند و-از مکه- هجرت کردند. «وَ الَّذِينَ آوُوا وَ نَصَرُوا» و آنان که پناه دادند و یاری کردند. یعنی انصار پیامبر در مدینه.

«أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» این گروه، بعضی شان اولیای بعضی دیگرند، یعنی ولایت ارث و یاری کردن دارند. «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا... وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» آنان که ایمان آوردند و هجرت نکردند، هیچ گونه ولایت و تعهدی در برابر آنان ندارید تا هجرت کنند... و آنان که کافر شدند برخی شان ولی برخی دیگرند...

خداوند، سپس نسخ این حکم را این گونه بیان می دارد:

وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ .

و خویشاوندان، در کتاب خدا، نسبت به یکدیگر سزاوارترند./.

ص: 67

1- -بقره 178./

2- -بقره 275./

یعنی، خویشاوندان در احکامی که خداوند برای همه انسانها مقرر داشته، حق تقدم دارند. (1)

خلاصه، قوم یهود هنگامی که آیات الهی قرآن را شنیدند و دیدند صفات قرآن، آنچه را که درباره بعثت رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم نزد خود دارند تصدیق و اثبات می کند، به آن کافر شدند و گفتند: ما تنها به توراتی که بر ما نازل شده ایمان می آوریم و به غیر آن مانند انجیل و قرآن باور نداریم! خداوند نیز، از ارسال آیات روشن قرآن و معجزات و احکام آن خبر داده و می فرماید: جز فاسقان هیچ کس به آن کافر نمی شود، و باز فرموده: ما هر حکمی از شریعتی را نسخ کنیم- مانند نسخ قبله بودن بیت المقدس- یا آن را به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا همانند آن را برای مردم می آوریم، خداوند خود مالک آسمانها و زمین است، هر چه را بخواهد انجام می دهد، و یهود و نصاری از رسول الله راضی نمی شوند مگر آنکه از احکامی که بر او نازل شده دست برداشته و پیرو احکام شریعت آنان گردد.

خدای سبحان این مفهوم را با بیانی دیگر در سوره "اسراء" تکرار کرده و می فرماید:

وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ...

ما به موسی کتاب دادیم و آن را وسیله هدایت بنی اسرائیل ساختیم. (2)

سپس می فرماید:

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ.

این قرآن به راهی که استوارترین راههاست، هدایت می کند. (3)

یعنی، راه قرآن از آنچه در کتاب موسی علیه السلام آمده [فراگیرتر و] استوارتر است.

\*\*\*

سخن را در مباحث ربوبیت به اینجا رساندیم که، رب العالمین برای انسان نظامی متناسب با سرشت و فطرت او مقرر فرمود، سپس او را در مسیر عمل به این مقررات/.

ص: 68

---

1- به تفسیر آیه در مجمع البیان و تفسیر طبری و سایر تفاسیر روایی مراجعه شود.

2- اسراء/2.

3- اسراء/9.

هدایت کرد. در بحث آینده-به اذن خدای متعال-چگونگی پاداش ربّ العالمین به انسان، در دنیا و آخرت را، بررسی می نمایم.

ص: 69



## 2 ربّ العالمين و پاداش اعمال انسان

### اشاره

الف و ب- در دنیا و آخرت.

ج- در هنگام مرگ.

د- در قبر.

ه- در محشر.

و- در بهشت و جهنّم.

ز- پاداش صبر و شکیبایی.

ح- پاداش عمل میراث نسلیها.

ص: 71





همه ما انسانها نتایج کار خود را در زندگی دنیا می بینیم: هر که گندم کاشت گندم بدرود، و آنکه جو کارید جو حاصل برد. بدین گونه هر انسانی نتیجه دسترنج خود را می خورد.

اینها نمونه ای از آثار مادی عملکرد ما در حیات دنیوی است. اعمال ما در زندگی دنیا علاوه بر آثار مادی، نتایج و آثار معنوی بسیاری نیز دارد. برای مثال آثار "صله رحم" در زندگی انسانهاست که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آن خبر داده، و فرموده:

«صلة الرَّحْمِ تزيد في العمر و تنفي الفقر»

رسیدگی به خویشاوندان، عمر را زیاد و فقر را می زداید.

و نیز فرموده:

صلة الرَّحْمِ تزيد في العمر، و صدقة السَّرِّ تطفئ غضب الرَّبِّ، و انَّ قطيعة الرَّحْمِ و اليمين الكاذبة لتذران الدَّيار بلاقع من اهلها و يثقلان الرَّحْم، و انَّ تثقل الرَّحْمِ انقطاع التَّسل.

رسیدگی به خویشاوند، عمر را طولانی و صدقه دادن پنهان، خشم پروردگار را خاموش می کند. راستی را که قطع پیوند با خویشاوند و سوگند دروغ، سرزمین های آباد را برهوت و رحم های بارور را عقیم می سازد. و رحم عقیم

مساوی با نابودی نسل است (1).

اینکه فرموده: (تطفئ غضب الرب) صدقه پنهانی، خشم خدا را خاموش می کند، مقصود این است که، اگر انسان با رفتار خود مستحق خشم و کیفر دنیائی خدا شده و بنابر آن باشد که به جان و مال یا مربوطین او آسیبی برسد، صدقه پنهانی این بلا را از او دور می کند.

بلاقع جمع بلقع، سرزمین خشک و بی آب و علف، کویر و برهوت است (2). و چون چنین است امیر المؤمنین علیه السلام فرموده:

... و صلة الرحم فاتها مائة في المال و منسأة في الأجل، و صدقة السر فاتها تكفر الخطيئة.

... و رسیدگی به خویشاوند که، مال را افزون و مرگ را به تأخیر اندازد، و صدقه پنهانی که، گناه را می پوشاند (3). و نیز فرموده:

... و صلة الرحم منماة للعدد

... و رسیدگی به خویشاوند فزونی افراد است (4).

از اینها در می یابیم که، خداوند به حکمت خود چنین خواسته تا فراوانی روزی و ازدیاد نسل در "صله رحم" و تنگدستی و ناباروری در "قطع رحم" باشد.

بدین سبب است که گاهی دو نفر بازرگان که نوع واحدی از جنس را به بازار عرضه می کنند، یکی زیان کرده و دیگری سود می برد و منشأ زیانکاری اول و سودمندی دوم، قطع اول و پیوند ثانی با خویشاوندان است: پاداشی برابر با عمل هر يك از سوی خدا.

پاداش چنین اعمالی وابسته به ایمان و عدم ایمان انسان به خدا نیست. زیرا خداوند برای عملکرد انسان در دنیا آثاری دنیایی و نتایجی عقبایی قرار داده است که هرگاه در حال بیداری و هوشیاری و با اراده کاری را انجام داد، پی آمد دنیائی آن در دنیا، و نتیجه آخرتی 2.

ص: 74

1- - سفينة البحار ماده "رحم".

2- - المعجم الوسيط مادة بلقع.

3- - نهج البلاغة خطبه 108.

4- - نهج البلاغة حکمت 252.

آن در عقبی به او می رسد.

همچنین خداوند برای رفتار انسان با خدا و کردارش با خلق، جزا و پاداشی برابر و متناسب با آن قرار داده است. این مخلوق انسان باشد یا حیوان یا یکی از نعمت های خدا که ارزانش داشته، برای هر يك پاداشی مناسب است. و همه آنها از خواست و حکمت الهی سرچشمه می گیرد. "رَبِّ الْعَالَمِينَ" خود به ما خبر داده که برای انسان چیزی جز نتیجه کردارش نیست:

وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى .

برای انسان بهره ای جز نتیجه تلاش او نیست (1).

همچنین خبر داده که، هر کس برای دنیا کار کند خداوند سبحان نتیجه کار او را در دنیا به او نشان دهد، و هر کس برای آخرت بکوشد پاداش کارش را در آخرت به او می نماید:

وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ .

هر کس پاداش دنیا را بخواهد، از آن به او می دهیم؛ و هر کس پاداش آخرت را بخواهد، از آن به او می دهیم؛ و به زودی سپاس گزاران را پاداش خواهیم داد (2).

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ\* أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ...

کسانی که [تنها] زندگی دنیا و زینت آن را بخواهند، نتیجه کامل اعمالشان را در همین دنیا به آنان می دهیم، و چیزی از آنان کاسته نمی شود. این گروه کسانی اند که در آخرت نصیبی جز آتش ندارند (3)...

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا...\* وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا\* كَلَّا نُمَدُّ هَؤُلَاءِ وَ6.

ص: 75

1- -نجم 39/.

2- -آل عمران 145/.

3- -هود 15-16.

هُؤْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا .

هر کس که زندگی زودگذر دنیا را بخواهد، در دنیا به او می دهیم...\* و هر کس سرای آخرت را طلب کند و کوشش مناسب آن نماید و مؤمن باشد، سعی و تلاش آنان پاداش داده خواهد شد\* هر یک از دو گروه را از عطای پروردگارت بهره مند می سازیم؛ و عطای پروردگار تو هرگز منع نشده است (1).

## شرح کلمات

نوفّ الیهیم: حق آنان را تمام و کمال می دهیم.

لا یبخسون: لا ینقصون: چیزی از حقشان کاسته نمی شود.

محظورا: ممنوعاً، حظر یعنی منع.

## پاداش دنیا و آخرت

بنابر آنچه آوردیم، پاره ای از اعمال چنان است که انسان جزای آن را در دنیا می بیند، ولی بخشی از آنها تنها در روز قیامت به انسان می رسد.

مثلاً، شهیدی که در راه خدا جنگیده تا به فیض شهادت نائل آمده، امکان دریافت پاداش دنیوی را ندارد تا از آن بهره گیرد؛ لذا خداوند پاداش او را در آخرت می دهد، چنانکه فرموده:

و لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ\* فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ\* يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ .

هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند\* آنان به خاطر نعمت هائی که خداوند

ص: 76

از فضل خود به ایشان بخشیده است، خشنودند و به خاطر کسانی که هنوز به آنان نپیوسته اند، شادمانند که نه ترسی بر ایشانست و نه اندوهی خواهند داشت\* [آنان] از نعمت خدا و بخشش او و اینکه خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند، خوش حال و مسرورند (1).

همچنین است حال انسان سلطه گر و کسی که انسان مؤمنی را با ظلم و تجاوز به قتل رسانده است؛ چنین کسی نیز، جزای خود را در آخرت می یابد، چنانکه خدای سبحان فرموده:

وَمَنْ يَمُتْ مُؤْمِنًا مَّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا .

و هر کس انسان با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند، جزای او دوزخ است، و در آن جاودانه می ماند، و خداوند بر او خشم کرده، و از رحمت خود دورش ساخته، و عذاب بزرگی برایش تهیه دیده است (2).

همچنین است حال کسی که معلول جسمی به دنیا می آید، مانند: کور و کر و ناقص الخلقه که اگر به خدا و روز قیامت ایمان آورد و دوستدار اولیای خدا باشد و بر نقص عضو خویش برای خدا شکیبائی ورزد، چنین کسی را خداوند در زندگی جاوید آخرت پاداشی می دهد که با این کمبود دنیائی و رنج و زحمتی که برای آن در راه خدا تحمل کرده، قابل قیاس نباشد. (3)

بنابر آنچه آوردیم، عدل الهی بدون دریافت پاداش عمل در آخرت، تحقق نمی یابد، خداوند برای دریافت پاداش اعمال، پس از زندگی دنیا، مراحل متعددی قرار داده که در بحث های بعدی آن را پی می گیریم. د.

ص: 77

---

1- آل عمران 169-171.

2- نساء 93.

3- به ثواب الاعمال صدوق رحمه الله باب: ثواب کسی که خدا را در حال کوری ملاقات کند و آن را برای خدا تحمل کرده باشد، حدیث 21. و نیز، به معالم المدرستین. جلد اول بحث شفاعت-روایت کوری که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و از آن حضرت خواست تا دعا کند خدا شفایش دهد-مراجعه گردد.

انسان خود در کشتزار خویش گاهی گندم و ذرت و سبزه می‌کارد و پس از چند ماه محصول آن را درو و برداشت می‌کند.

گاهی نیز، انگور و انجیر و زیتون و سیب و پرتقال می‌کارد و پس از سه یا چهار سال، محصول آن را می‌چیند.

و گاهی خرما و گردو می‌کارد و پس از هشت سال یا بیشتر، از آن بهره می‌گیرد.

بدین گونه، انسان نتیجه کار عادی و روزمره خود را به دست آورده و خانواده خویش و دیگران را از آن بهره‌مند می‌سازد؛ با این وجود خداوند سبحان می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ .

خداوند روزی دهنده است، خداوند قوی قدرتمند (1).

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ .

خداوندی که شما را آفرید سپس روزی تان داد (2).

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ .

فرزندانتان را از ترس فقر نکشید، ما شما و آنان را روزی می‌دهیم (3).

ص: 78

---

1- ذاریات 58.

2- روم 40.

3- انعام 151.

وَ كَائِنٌ مِّنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ .

چه بسا جنبنده ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند او و شما را روزی می دهد (1).

وَ اللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ .

خداوند برخی از شما را بر برخی دیگر در روزی برتری داد (2).

آری، انسان زمین را شخم می زند، دانه را می کارد، درخت را غرس می کند، همه آنها را آب می دهد، آفت هاشان را می زداید و آنها را پرورش می دهد تا دانه برگیرد و میوه بچیند و از آن بخورد و به هر که خواست بخوراند، ولی خدای سبحان می فرماید:

«نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ» ما شما و آنان را روزی می دهیم! درست هم فرموده، زیرا، آنکه در آب و خاک خواص رویاندن گیاه را قرار داده و چگونه کاشتن و غرس کردن را به ما آموخته، همو روزی دهنده ماست. مثال روزی دادن خدا و روزی خوردن انسان در دنیا، همانند غذا دادن میزبان به میهمان در غذاخوریهای خودکار امروزی [سلف سرویس ها] است که عملاً به میهمان گفته می شود: خودت را پذیرائی کن! در این غذاخوری ها، غذای میهمان را میزبان می دهد، و هر گونه خوردنی که میهمان با آزادی کامل برای خود انتخاب می کند از فرآورده های میزبان است، اما میهمانی که وارد چنین غذاخوری ها می شود اگر خود اقدام نکند و از قاشق و چنگال و بشقاب که میزبان تهیه دیده بر ندارد و با پای خود به سوی غذای آماده نرود و با دست خود هر چه خواست برنگیرد، چیزی نخواهد خورد، با این حال، آنکه میهمانان را غذا داده میزبان غذاخوری [سلف سرویس] است. در چنین حالتی زیان احتمالی بد خوردن نیز، بر عهده میهمان است که خود غذای زیانبار و غیر مفید را برگرفته است. و چه درست و صادق است آنچه خدای عظیم در سوره ابراهیم فرموده:

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الْفُلُوكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ.

ص: 79

1- - عنكبوت 60/.

2- - نحل 71/.



لَكُمْ الْأَنْهَارَ\* وَ سَحَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَ سَحَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ .

خداوند همان کسی است که آسمانها و زمین را آفرید؛ و از آسمان آبی نازل کرد و با آن میوه‌ها را برای روزی شما از زمین بیرون آورد، و کشتی‌ها را مسخر شما گردانید تا در پهنه دریا به فرمان او روان گردند، و نهرها را در اختیار شما قرار داد\* و خورشید و ماه را با گردش منظم و مستمر - مسخر شما کرد و شب و روز را به تسخیر شما در آورد (1).

و در سوره نحل می فرماید:

وَ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ\* وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ\* وَ مِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ\* وَ أَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا يَعْرِشُونَ\* ثُمَّ كُلِّي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْئَلِي رَبَّكَ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ .

خداوند از آسمانها آبی فرستاد؛ و زمین را پس از آنکه مرده بود حیات بخشید.

راستی را که در این، نشانه روشنی است برای قومی که می شنوند\* و در وجود چهارپایان، برای شما عبرتی است: از درون شکم آنها، از میان غذای جویده و خون، شیر ناب گوارای نوشندگان به شما می نوشانیم\* و از میوه‌های درخت نخل و انگور، مسکرات و روزی خوب و پاکیزه می گیرید. راستی را که در این، نشانه روشنی است برای قومی که می اندیشند\* و پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد که: از کوهها و درختان و داربست هائی که مردم بنا می کنند، 3.

ص: 80

خانه هائی برگزین\* سپس از تمام ثمرات بخور و راههایی را که پروردگارت برای تو تعیین فرموده، به راحتی بپیم، از درون شکم آنها، نوشیدنی، با رنگهای مختلف خارج می شود که در آن، شفای مردمان است. براستی که در این امر، نشانه روشنی است برای قومی که اندیشه می کنند. (1)

## شرح کلمات

1- دابین: مستمرین: یعنی همیشه در گردشند، حرکت در مسیر تعیین شده، شأن و عادت همیشگی آنها شده است.

2- فرث: غذای جویده در شکمبه و معده حیوانات.

3- مِمَّا يَعْرِشُونَ: از آنچه بالا می برند، داربست هائی که مردم بالا برده و شاخه های درخت مو را روی آن قرار می دهند، یا سققی که بر روی درختان خرما بنا می کنند و...

## بازگشت به آغاز

پروردگار روزی بخش، نعمت هائی را برای میهمانان خود، انسان، در این جهان فراهم آورده و چگونگی دست یابی و بهره وری مفید و بی ضرر برای دنیای زودگذر و آخرت جاویدان را، به وسیله انبیا و اوصیا و علما تعلیمش داده و فرموده:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ .

ای اهل ایمان! از پاکیزه هائی که روزی شما کرده ایم بخورید و خدا را شاکر باشید (2).

و نیز فرموده:

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ .

از تو می پرسند: چه چیزهائی برای آنها حلال شده است؟ بگو: همه پاکیزه ها

ص: 81

---

1- -نحل 65/69.

2- -بقره 172/.

برای شما حلال گردیده است (1).

و نیز، در وصف خاتم انبیای خود صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده:

و يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ .

او [پیامبر] پاکیزه ها را برای آنان حلال، و ناپاک ها را برایشان حرام می کند (2).

بنا بر این، پروردگار سبحان ما را آفرید، هر چه در اطرافمان بود مسخر ما گردانید و در این دنیا از پاکیزه ها که نتیجه زراعت و کشت خود ما بود، روزی مان داد. او همچنین، نتیجه اعمالمان را روزی آخرتمان می گرداند، چنانکه فرموده:

وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا .

آنان که در راه خدا هجرت کردند، سپس کشته شدند یا مردند، خداوند روزی نیکویی به آنان خواهد داد (3).

و نیز می فرماید:

...إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا \* جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا \* لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَ لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَ عُشْيًا .

... مگر آنان که توبه کنند و ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند. پس، این گروه داخل بهشت می شوند و کمترین ستمی به آنان نخواهد شد \* بهشت های جاودانی که خداوند رحمان بندگان را غیباً به آن وعده داده، مسلماً وعده خدا شدنی است \* در آنجا هرگز گفتار بیهوده نشنوند و جز سلام نیابند و روزی آنان/.

ص: 82

1- -مائده/4.

2- -اعراف/157.

3- -حج/58.

صبح و شام در آن مقرر است\* (1)

پس، ربّ حکیم جزای انسان را که نتیجه عملکرد اوست، در دنیا سریع و در آخرت پس از مدّت معلوم به او باز می گرداند؛ همانگونه که خود در سوره های بسیاری از آن خبر داده و در سوره (زلزال) فرموده:

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ\* وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ.

پس، هر که به مقدار ذره ای نیکی کند، آن را می بیند\* و هر که به اندازه ذره ای بدی نماید، آن را می بیند (2).

و در سوره یس فرموده:

فَالْيَوْمَ لَا تُظَلِّمُ نَفْسٌ سَيِّئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.

پس، در آن روز به هیچ کس ذره ای ستم نمی شود، و پاداشی جز آنچه عمل می کردید داده نمی شوید (3).

آری، آنکه در این دنیا حنظل تلخ می کارد، برداشتی جز حنظل ندارد، و کسی که درختان بارور غرس می کند، میوه های نیکو می چیند، همانگونه که خدای سبحان در سوره "نجم" می فرماید:

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى\* وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرى.

و اینکه، برای انسان بهره ای جز سعی و تلاش او نیست\* و سعی او به زودی دیده می شود (4).

انسان پاداش عملکرد خود را تنها در دنیا نمی بیند، بلکه در حالت ها و عوالم پنج گانه ذیل نیز، نتایج آن را می بیند:

1- به هنگام مرگ.

2- در قبر. 0.

ص: 83

1- -مریم 60/63.

2- -زلزال 7/ و 8.

3- -یس 54/.

4- -نجم 39/ و 40.

3-در محشر.

4-در بهشت و جهنم.

5-در بازماندگانی که پاداش عمل را برای آنان به ارث می گذارد.

\*\*\*

در این بحث، نمونه ای از پاداش گرفتن انسان در کارهای دنیائی را بیان داشتیم، در بحث آینده-به اذن خدای متعال-چگونگی پاداش خداوند به انسان در هنگام مرگ را بررسی می نمائیم.

ص: 84

اولین مرحله از مراحل آخرت، مرگ است. خدای سبحان در وصف آن فرموده:

وَ جَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ .

[ای انسان] سرانجام، سكرات از خود شدن مرگ به حق فرا رسد، این همان چیزی است که تو از آن می گریختی (1)!

یعنی، لحظه هولناک مرگ و شدتی که بر عقل آدمی چیره می شود، فرا رسد. این همان مرگی است که تو [انسان] همیشه از آن گریزان بودی!

قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ .

بگو: فرشته مرگ که بر شما مأمور شده، جان شما را می ستاند، سپس به سوی پروردگارتان بازگردانده می شوید (2).

اینکه خداوند در این سوره فرموده: فرشته مرگ جان شما را می ستاند و در سوره زمر فرموده: اَللّٰهُ يَتَوَفَّى الْاَنْفُسَ خَدَاوَنَد جَانَهَا رَا مِي گيرد

(3). و در سوره نحل فرموده: تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ فرشتگان جان آنها را می گیرند (4). و در سوره انعام فرموده: تَوَفَّاهُ رُسُلُنَا

ص: 85

---

1- -ق19/.

2- -سجده11/.

3- -زمر42/.

4- -نحل28 و 32/.

فرستادگان ما جان او را می گیرند (1). در این سخنان، هیچ گونه منافاتی نیست. زیرا:

فرشتگان رسولان خداوند و در گرفتن جانها "ملك الموت" را یاری می دهند، و همه آنان به فرمان خدا قبض روح می کنند. پس در حقیقت خدا خودش جانها را می گیرد که فرشتگان را به آن فرمان می دهد.

با شروع این مرحله از مراحل آخرت، امکان عمل در دنیا از آدمی سلب گشته و دیدار نتیجه عمل آغاز می گردد، و از جمله آثاری که در آن حال می بیند چیزی است که صدوق رحمه الله با سند خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که آن حضرت فرموده: «صوم رجب یهون سكرات الموت» روزه ماه رجب سختی های مرگ را آسان می کند. (2)

حال آدمی در این مرحله، بر حسب عملی که انجام داده، دو گونه است. چنانکه خدای سبحان خبر داده و فرموده:

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ \* فَرَوْحٌ وَرِيحَانٌ وَجَنَّةٌ نَعِيمٌ \* وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ \* فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ \* وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكذِّبِينَ الصَّالِّينَ \* فَتَزُلُّ مِنْ حَمِيمٍ \* وَتَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ .

اما اگر از مقربان باشد\* در روح و ریحان و بهشت نعیم است\* اما اگر از اصحاب یمین باشد\* [به او می گویند: سلام بر تو باد از سوی اصحاب یمین\* اما اگر از تکذیب کنندگان گمراه باشد\* با آب جوشان دوزخ پذیرائی می شود\* و در آتش جهنم جای می گیرد. (3)

خدای متعال از آنچه گروه اول-مقربان و اصحاب یمین- با آن روبرو می شوند خبر داده و می فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* اِزْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً \* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي \* وَادْخُلِي جَنَّتِي .4.

ص: 86

1- -انعام/61.

2- -ثواب الاعمال باب: ثواب روزه رجب حدیث/4.

3- -واقعه/88-94.

ای روح آرام یافته! \*به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تواز او خشنودی و هم او از تو راضی است \*پس در سلك بندگان من در آی \*و در بهشت من وارد شو. (1)

و از گروه دوم- آنان که در زندگی دنیا به خود ستم کردند- نیز خبر داده و می فرماید:

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ \* لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ .

تا آنگاه که مرگ یکی از آنان فرارسد، می گوید: پروردگار من! مرا بازگردانید! \*شاید در آنچه ترك کردم عمل صالحی انجام دهم! این چنین نیست! این سخنی است که او بر زبان می راند! و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته می شوند (2).

## شرح کلمات

1- يتوفى: تمام و کمال دریافت می کند، یعنی: خداوند یا ملك الموت جان او را کاملاً می گیرند. در هنگام خواب نیز که قوه تمیز و برخی حواس آدمی گرفته می شود مانند این است که روح او گرفته شده است.

2- حميم: آب جوشان.

3- تصليّة جحيم: سوزاندن با آب جوشان در جهنّم.

4- برزخ: مانع و مرز میان دو چیز.

\*\*\*

انسان در این مرحله، پایان زندگی دنیائی و مرگ همه اعضای خود را درک می کند، ولی ابزاری برای شناخت بعد از آن- جز آنچه انبیا خبر داده اند- ندارد. پس، اگر انبیا را تصدیق کرده و به آنان و آنچه از صفات خدا و شریعت الهی آورده اند، ایمان آورد، به عالم

ص: 87

---

1- -فجر 27/30.

2- -مؤمنون 99/100.



آخرت و مراحل مختلف آن هم ایمان می آورد. قیاس آنچه درباره آخرت گفته اند با آنچه که ما در دنیا دیده و شناخته ایم، ممکن نیست؛ زیرا، ابزارهای شناخت ما محدود و ویژه زندگی این دنیاست و برای بررسی اخبار انبیاء درباره آخرت- چنانکه در گذشته بیان داشتیم- کاربردی ندارد.

از جمله روایاتی که درباره آخرین لحظات زندگی و فرارسیدن مرگ به دست ما رسیده، روایتی است از امام صادق علیه السلام که فرموده:

من مات و لم یحجّ حجّة الإسلام دونما مانع یمنعه فلیمت ان شاء یهودیا او نصرانیّا.

هر کس مرگش فرا رسد و بدون عذر موجه حج واجب خود را نگزارده باشد، باید به خواست خود، یهودی یا نصرانی بمیرد (1)./.

ص: 88

---

1- ثواب الاعمال باب: عقاب کسی که حج را ترك کند حدیث 2/.

کتاب های روائی از آنچه میّت در قبر با آن روبرو می گردد، انباشته است: از سؤال آن دو فرشته مأمور از عقاید (1) گرفته تا دیدن آثار سوء خلق و حسن خلق و سایر رفتاری که داشته است. و اینکه، قبر برای میت، بوستانی از بوستانهای بهشت یا گودالی از گودالهای آتش است (2). و کسی که در پی سخن چینی رود یا گاه بول کردن از نجاست پروا نکند، در قبر عذاب می شود (3). و هر که اخلاق خود را نیکو گرداند از هنگام ورود در قبر تا پایان مراحل حسابرسی قیامت، پاداش می گیرد (4)، و هر که رکوع خود را به درستی انجام دهد، هیچ گونه هراسی در قبر بر او وارد نمی شود (5).

ص: 89

- 
- 1- به ماده "نکر" در سفینه البحار مراجعه شود.
  - 2- به ماده "قبر" در سفینه البحار مراجعه شود.
  - 3- ثواب الاعمال صدوق رحمه الله ص 295، حدیث 1، صحیح مسلم کتاب الطهارة، باب: الدلیل علی نجاسة البول ص 240-241، سنن دارمی کتاب الطهارة، باب الاثقاء من البول (188/1) و سنن ابی داود کتاب الطهارة، باب: الاستبراء من البول (1/34-35) و سنن ابن ماجه کتاب الطهارة، باب: التشدید فی البول (124/1-125) و مسند احمد (1/225 و 419، 417، 266/5) و صحیح بخاری کتاب الوضوء، باب: من الكبائر ان لا یستر من بوله (64/1)، و کتاب الادب، باب الغیبة (20/8)، و باب النمیمة من الكبائر (21/8).
  - 4- ثواب الاعمال ص 180 باب: ثواب ادخال سرور بر برادر مؤمن.
  - 5- سفینه البحار، ماده "رکع".

اشاره

روز محشر با دمیدن در صور برای حسابرسی آغاز می گردد. "صور" در لغت عرب چیزی همانند شاخ است که در آن می دمند تا صدا کند. خدای سبحان می فرماید:

و نُفِّخَ فِي الصُّورِ فَصَعَقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِّخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ .

در "صور" دمیده می شود، پس همه کسانی که در آسمانها و زمینها می میرند، مگر آنانی که خدا بخواهد، سپس بار دیگر در آن دمیده می شود، ناگهان همگی بپاخاسته و در انتظارند (1).

"صعق" در اینجا صوتی است با پی آمد مرگ. در حدیث برای "نفخ" تفسیری آمده که فشرده آن چنین است:

دمیدن در "صور" دو نوبت خواهد بود:

نوبت اول: اسرافیل در صور می دمند و همه موجودات آسمانها و زمین می میرند، مگر آنان که خدا بخواهد: حاملان عرش و جبرئیل و میکائیل و عزرائیل. پس از آن خداوند - در حالی که خود دانایتر است - به ملك الموت می فرماید: چه کسانی باقی مانده اند؟

ص: 90

می گوید: پروردگار! جز ملك الموت و حاملان عرش و جبرئیل و میکائیل هیچ کس باقی نمانده است. خداوند می فرماید: به جبرئیل و میکائیل بگو: باید بمیرند و روح آنان قبض گردد! پس از آن- در حالی که خود داناتر است- به ملك الموت می فرماید: که باقی مانده؟ می گوید: پروردگار! جز ملك الموت و حاملان عرش کسی باقی نمانده! می فرماید: به حاملان عرش بگو: باید بمیرند و روحشان گرفته شود! بعد می فرماید: ای ملك الموت! که مانده است؟ عرض می کند: کسی جز ملك الموت باقی نیست. می فرماید: بمیر ای ملك الموت! او نیز میمیرد و خدای ذو الجلال ندا می کند: لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ امروز حکومت از آن کیست؟ هیچ کس پاسخ نمی دهد. در این هنگام خدای جبار ذو الجلال خود پاسخ خویشتن را داده و می فرماید: لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ از آن خدای یگانه قهار است. (1)

پس از آن، هرگاه خواست دوباره در "صور" می دمدم. چنانکه خود فرمود: سپس دوباره در آن [صور] می دمدم، ناگهان همگی بپا خاسته و در انتظارند! (2)

نوبت دوم: خداوند دوباره آن می فرماید:

1- وَنُفِّخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا.

در "صور" دمیده می شود؛ و ما همه را جمع می کنیم. (3)

2- وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَنَزَعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوَّهٍ دَاخِرِينَ.

روزی که در "صور" دمیده می شود، و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند در وحشت فرو می روند، جز کسانی که خدا خواسته، و همگی با خضوع و ذلت به پیشگاه او حاضر می شوند! (4)

3- وَنُفِّخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ\* قَالُوا يَا.

ص: 91

1- مؤمن 16/.

2- در المنثور سیوطی (5/336-337)، و بحار به نقل از کافی و غیر آن (6/326-327).

3- کهف 99/.

4- نمل 87/.

وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ\* إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ\* فَالْيَوْمَ لَا تَطْلُمُ نَفْسٌ سَنِيئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ .

در "صور" دمیده می شود، بناگاه آنان از قبرها شتابان به سوی پروردگارشان می روند\* می گویند: ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! این همان است که خدای رحمان وعده داده بود، و فرستادگان او راست گفتند\* این رویداد، صیحه واحدی بیش نیست که ناگهان همگی نزد ما احضار می گردند: \*امروز به هیچ کس ذره ای ستم نمی شود، و پاداشی جز آنچه عمل می کردید داده نمی شوید. (1)

و نیز، درباره اینکه همه انسانها را جمع کرده و گرد هم می آورد، فرموده:

1- وَ حَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا .

و همه آنان را برمی انگیزیم، و احدی از ایشان را فروگذار نمی کنیم! (2)

2- يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَ نَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا .

روزی که در "صور" دمیده می شود و مجرمان را با بدنهای کبود در آن روز گرد هم می آوریم. (3)

3- يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا .

روزی که پرهیزکاران را دسته جمعی به پیشگاه خداوند رحمن می آوریم! (4)

## شرح کلمات

1- داخرین: ذلیلانه و با کرنش.

2- اجداث: قبرها.

ص: 92

1- --یس 51-54.

2- --کھف 47/.

3- --طه 102/.

4- --مریم 85/.

3-ینسلون: جدا می شوند، با سرعت از قبرها بیرون می آیند.

4-زرقا: زرق جمع زرق یا ازرق، به معنای کبودی و نیلگونی است.

5-وفدا: وفد نام هیئت و گروهی است که برای دریافت پاداش یا هر گونه نیازی نزد حاکم می روند.

## ب- در مشاهد روز قیامت

### اشاره

خداوند سبحان مشاهد روز قیامت را اینگونه معرفی می کند:

1-... أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ \* لِيَوْمٍ عَظِيمٍ \* يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ .

... آنان برانگیخته می شوند\* در روزی بزرگ\* روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان برپا می ایستند. (1)

2- يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا .

روزی که "روح" و "فرشتگان" در يك صف می ایستند و هیچ يك-جز آنکه خدای رحمن اجازه اش دهد و درست بگوید-سخن نمی گویند!

(2)

3- وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لِيُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ .

خداوند آسمانها و زمین را به حق آفریده است تا هر کس به آنچه کسب کرده پاداش داده شود، و به آنان ستم نخواهد شد. (3)

4- وَ كُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَشْهُورًا \* اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا .

و هر انسانی، کردارش را بر گردنش آویخته ایم؛ و روز قیامت کتابی برای او بیرون می آوریم که آن را فراروی خود گشوده بیند!\* به او گفته می

شود: کتابت

ص: 93

1- -مطففین 4/6.

2- -نبأ 38/.

3- -جاثیه 22/.

را بخوان! همان بس که امروز خود حسابگر خویش باشی. (1)

5-... كُلُّ أُمَّةٍ تَدْعِي إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ\* هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسَخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ\*... وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتٍ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ\* وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ\* ذَلِكَ بِمَا كُنْتُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَعَرَّتْكُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ.

هر امتی به سوی کتابش خوانده می شود، امروز پاداش آنچه را انجام می دادید به شما می دهند\* این کتاب ماست که به حق با شما سخن می گوید؛ ما هر چه را شما انجام می دادید می نوشتیم\*... و بدیهای آنچه انجام می دادند بر آنان آشکار می شود، و آنچه استهزایش می کردند، آنان را فرا می گیرد!\* و به آنان گفته می شود: امروز شما را از یاد می بریم همانگونه که شما دیدار امروزتان را از یاد بردید، و جایگاه شما دوزخ است و هیچ یآوری ندارید\* این بدان خاطر است که شما آیات خدا را به سخره گرفتید و زندگی دنیا شما را فریفت! امروز نه از دوزخ بیرون آیند و نه عذرشان پذیرفته گردد. (2)

6- فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَذَا مَا أَدْرَأُ كِتَابِيَهٗ...

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ\* وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهٗ.

پس، کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شده، می گوید: بیائید نامه مرا بخوانید!... و آنکه نامه اعمالش به دست چپش داده شده می گوید: ای کاش هرگز نامه اعمالم به دست من داده نشده بود\* و نمی دانستم حساب من 5.

ص: 94

1- - اسراء 13/ و 14.

2- - جائیه 28/ - 29 و 33-35.

7- فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ \* فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا سَيْرًا \*... وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ \* فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا .

پس، کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شده\* بزودی حساب آسانی برای او می شود\*... و اما کسی که نامه اعمالش به پشت سرش داده شده\* بزودی فریاد هلاکت و واویلا سر دهد. (2)

8- وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

کسانی که بخل می ورزند و آنچه را خدا از فضل خویش به آنان داده، انفاق نمی کنند، گمان نکنند این کار به سود آنان است؛ بلکه برای آنان شر است. به زودی در روز قیامت، آنچه را نسبت به آن بخل ورزیدند، طوق گردنشان گردانند. (3)

9-... وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ \* يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ ...

... روزی که گواهان بپا خیزند\* روزی که عذرخواهی ستمگران سودی برای آنان ندارد... (4)

10- وَ يَوْمَ تَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ .

روزی که از هر امتی، گواهی از خودشان بر آنان برانگیزیم، و تو [پیامبر] را گواه بر آنان قرار می دهیم! (5)

11- حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاؤَهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَ جُلُودُهُمْ /.

1- -حاقه 19-26.

2- -انشقاق 7-11.

3- -آل عمران 180/.

4- -غافر 51/.

5- -نحل 89/.



بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ\* وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ...

هنگامی که به آن می‌رسند، گوشها و چشم‌ها و پوستهاشان به آنچه می‌کردند گواهی دهند\* آنان به پوستهای خود می‌گویند: چرا بر ضد ما گواهی دادید؟ جواب می‌دهند: خداوندی که هر موجودی را به نطق آورده ما را گویا ساخت... (1)

### شرح کلمات

1- طائره: کنایه است از عمل خیر و شرّ او.

2- ثبور: هلاکت، یدعو ثبورا، یعنی فریاد هلاکت سر می‌دهد.

3- سیطوقون: طوق گردن بر آنان زنند، یعنی بخل آنان در ادای حقوق واجب را به صورت ماری در گردنشان مجسم نمایند.

4- الشّهید و الأشهاد: شهید گواه قاطع، و أشهاد جمع شاهد است و مقصود از آن، انبیا و همراهان آنانند که بر امت های خود گواهی می‌دهند. و نیز، هر که گواه اعمالی باشد که از انسان صادر می‌شود.

درباره آثار اعمال در روز قیامت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم روایت است که:

1- اطولکم قنوتا فی دار الدنیا اطولکم راحة یوم القيامة فی الموقف.

کسانی از شما که در خانه دنیا قنوت [نمازشان] طولانی تر است، در روز قیامت و در جایگاه حساب استراحتی افزون دارند. (2)

2- از وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم روایت است که فرمود:

إذا سجد احدکم فلیبأشر بکفیه الأرض لعلّ یصرف عنه الغلّ یوم القيامة.

ص: 96

---

1- -فصلت 20-21.

2- -ثواب الاعمال، ص 55.

هرگاه یکی از شما سجده می کند کف دستهای خود را بر زمین بچسباند تا شاید تشنگی روز قیامت را از او بگرداند. (1)

3- از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که فرمود:

من بغی علی فقیر او تطاول علیه و استحققره حشره الله یوم القیامة مثل الذرة علی صورة رجل یدخل النار.

هر کس بر فقیری ستم کرده یا فخر فروشی کند و کوچکش پندارد، خداوند در روز قیامت او را همانند مورچه در سیمای انسانی، داخل آتش می کند. (2)

4- از امام صادق علیه السلام است که فرمود:

ان المتکبرین يجعلون فی صورة الذرّ یتوطأهم الناس حتی یفرغ الله من الحساب.

متکبران در روز قیامت به صورت مورچه درآمده و مردم از روی آنها راه می روند تا خداوند از حساب فارغ گردد. (3) 5.

ص: 97

---

1- - ثواب الاعمال، ص 55-56.

2- - ثواب الاعمال، ص 335 باب: عقوبات اعمال.

3- - ثواب الاعمال، ص 265.

خداوند انسان را در آخرت، بر حسب اعمالی که در زندگی این دنیا انجام داده و در آن سرا فرارویش مجسم می شوند، با نعمت های بهشتی پاداش و با عذاب جهنم کیفر می دهد؛ همانگونه که خود از آن خبر داده و فرموده:

1- إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...

خداوند کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، در باغهایی از بهشت- که از زیر درختانش نهرها جاری است- وارد می کند... (1)

2- ... وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ .

هر کس عمل شایسته ای انجام دهد- مرد باشد یا زن- در صورتی که مؤمن باشد داخل بهشت شده و روزی بی حسابی داده می شوند. (2)

3- ... مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَ لَا- يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَ لَا- نَصِيرًا\* وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا .

ص: 98

---

1- - حج 23/.

2- - مؤمن 40/.

هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر شود؛ و ولی و یآوری جز خدا برای خویش نیابد\* و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد-چه مرد و چه زن-در صورتی که مؤمن باشد داخل بهشت شده و کمترین ستمی به آنان نخواهد شد. (1)

4- وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ\*... وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ... وَسِيَقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا... .

روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند می بینی که رویشان سیاه است. آیا در جهنم برای متکبران جایگاهی نیست؟!... و به هر کس آنچه انجام داده بی کم و کاست داده شود... و کسانی که تقوای الهی گزیدند گروه گروه به سوی بهشت برده می شوند... (2)

5- الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَ كَانُوا مُسْلِمِينَ\* أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَ أَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ .

[به] آنان که به آیات ما ایمان آورده و مسلمان بودند. [گفته می شود:] شما و همسرانتان با شادکامی وارد بهشت شوید. (3)

6- وَ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ... إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ... وَ مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ

این بهشتی است که به پاداش اعمالی که انجام می دادید وارث آن می شوید...

[اما] گناهکاران در عذاب جهنم جاویدانند... ما به آنها ستم نکردیم، آنان خود ستمکار بودند! (4)

7-... وَ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ\* يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ6.

ص: 99

1- -نساء/123-124.

2- -زمر/60 و 70 و 73.

3- -زخرف/69-70.

4- -زخرف/72 و 74 و 76.

جُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْزِبُونَ .

... کسانی که طلا و نقره را گنجینه و اندوخته کرده و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند، آنان را به عذاب دردناکی بشارت ده‌اروزی که آن را در آتش جهنم گداخته کرده و صورتها و پهلوها و پشت‌هایشان را با آن داغ کنند [و به آنها بگویند: این همان چیزی است که برای خود اندوختند! پس بچشید آنچه را می اندوختید! (1)]

شیخ صدوق رحمه الله با سند خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود:

اربعة يؤذون اهل النار على ما بهم من الأذى ينادون بالويل والشبور:

رجل عليه تابوت من حجر فآته مات وفي عنقه اموال الناس لم يجد لها في نفسه اداء ولا مخلصا ورجل يجزّ امعاءه، فآته كان لا يبالي اين اصاب البول جسده ورجل يسيل فوه قيحا و دما، فآته كان يحاكي فينظر كل كلمة خبيثة فيفسد بها و يحاكي بها ورجل يأكل لحمه، فآته كان يأكل لحوم الناس بالغيبة و يمشى بالنميمة.

چهار گروهند که با عذابی که می بینند و نعره های هلاکت خواهی و وا و یلائی که سر می دهند، جهنمیان را به ستوه می آورند: 1- کسی که صندوقی از سنگ بر روی اوست، زیرا وی در حالتی از دنیا رفته که حقوق مالی مردم بر عهده اش بوده و قصد پرداخت و خلاصی از آن را نداشته است. 2- کسی که روده های خود را با خود می کشد، او کسی بوده که از رسیدن بول به هر جای بدنش باکی نداشته است. 3- کسی که از دهانش چرک و خون فوران می کند، زیرا او سخنان زشت را از دهان این و آن گرفته و برای دیگران بازگو نموده و فساد و فتنه ایجاد می کرده است. 4- کسی که گوشت خود را می خورد. او کسی است که گوشت مردم را با غیبت و سخن چینی می خورده است. (2) 6.

ص: 100

1- -توبه 34/35.

2- -عقاب الاعمال ص 295-296.

خدای سبحان از درهای متعدد بهشت و جهنم نیز خبر داده و فرموده:

...وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ \* جَنَّاتٍ عَدْنٍ مُمْتَحَةً لَهُمُ الْأُبْوَابُ .

... برای پرهیزکاران فرجام نیکویی است \* باغهای جاویدان بهشتی که درهایش به روی آنان گشوده است. (1)

و خطاب به ابلیس که لعنت خدا بر او باد، فرموده:

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ \* وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ \* لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ .

تو هرگز بر بندگان من تسلط نخواهی یافت، مگر گمراهانی که از تو پیروی کنند \* و جهنم، میعادگاه همه آنهاست! \* هفت در دارد و برای هر دری گروه معینی از آنان تقسیم شده اند! (2)

### شرح کلمات

1- تقیرا: تقیر، خال یا فرورفتگی کوچکی در پشت هسته خرماست که اشیاء سبک و بی ارزش را به آن مثل می زنند.

2- مثنوی: جایگاه، محل اقامت و استقرار.

3- زمرا: گروه گروه، زمر جمع زمره، به معنای فوج و گروه است.

4- مآب: بازگشت، فرجام، عاقبت.

5- جنات عدن: بهشت های ثبات و آرامش.

### تفسیر آیات در روایات

در تفسیر آیات مذکور از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایتی است که فرموده:

بهشت هشت در دارد و جهنم هفت در، برخی از درها بهتر از برخی دیگر است. (3)

ص: 101

1- ص 49-50.

2- حجر 42-44.

3- تفسیر سیوطی، الدر المنثور، جلد 4 ص 99-100.

و از امام علی علیه السلام روایتی است که فرموده:

آیا می دانید درهای جهنم چگونه اند؟ راوی می گوید گفتیم: مانند همین درهاست، فرمود: نه، بلکه چنین است: دستش را روی دستش نهاد و آن را گشود، یعنی درهای جهنم مانند خود جهنم روی هم سوارند. و در تفسیر قرطبی بعد از آن آمده است: برخی از درها روی برخی دیگر است، و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که: اهل هر طبقه در همان طبقه هستند. (1)

و باز از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که در تفسیر (جزء مقسوم) فرموده:

برای هر دری از درهای جهنم، گروه معینی از اهل آتش تقسیم شده اند که هر گروهی به مقدار اعمالی که انجام داده اند عذاب می شوند. (2)

در خاتمه، با آوردن پاره ای از احادیثی که آیات گذشته را شرح کرده و نتایج اعمال را به اجمال و تفصیل بیان می دارد، این بحث را به پایان می بریم:

1- در اصول کافی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

هر کس مؤمنی را خشنود کند خدای عزّ و جلّ از این خشنودی موجودی را بیافریند که به هنگام مرگ ملاقاتش کرده و به او می گوید: ای ولیّ خدا! مژده باد تو را که در کرامت و رضوان خدا هستی، پس از آن پیوسته با اوست تا به گور رفته و همین مژده را به او بدهد.

پس از برانگیخته شدن نیز به دیدارش رفته و همان بشارت را به او می دهد و در کنار او می ماند تا در مراحل سخت و هولناک پیوسته نویدش داده و دلشادش دارد. آن شخص به او می گوید: رحمت خدا بر تو باد، تو که هستی؟ می گوید: من همان خشنودی و سروری هستم که بر فلان کس وارد آوردی. (3)

2- در کتاب بحار به نقل از معانی الأخبار صدوق از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: 2.

ص: 102

---

1- به تفسیر آیه در مجمع البیان و تفسیر قرطبی و سیوطی مراجعه شود.

2- تفسیر سیوطی، الدر المنثور، جلد 4 ص 99-100.

3- اصول کافی جلد 2 ص 191 حدیث 12.

هر کس اندوهی را از مؤمنی بزداید خداوند غمهای آخرت را از او می زداید و او با دلی خنک و خجسته از قبر بیرون می آید. و هر کس مؤمنی را از گرسنگی برهاند خداوند از میوه های بهشتش بخوراند، و هر کس شربتی به او بنوشاند خداوند از جام سر به مهر بهشتی سیرابش گرداند. (1)

3- در اصول کافی از امام ابی الحسن علیه السلام است که فرموده:

خدا را در زمین بندگانی است که همیشه در پی برآوردن نیاز نیازمندان هستند. آنان آسوده خاطران روز قیامت اند، آری، هر کس مؤمنی را خشنود کند خداوند در روز قیامت دلش را شادمان گرداند. (2)

4- در اصول کافی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

هیچ مسلمانی نیاز مسلمان دیگری را برآورده نمی کند مگر آنکه خدای متعال ندایش دهد: پاداشت بر من است، و به چیزی غیر از بهشت برای تو خشنود نمی شوم. (3)

5- صدوق در ثواب الاعمال از قول معروف بن خزربوذ آورده که گفت، شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود:

هر مؤمنی که در دنیا به مصیبتی دچار شود و در حال مصیبت بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» ما از خدائیم و به سوی او بازمی گردیم! خداوند همه گناهان گذشته اش را می آمرزد، مگر گناهان کبیره ای را که مستوجب آتش باشد! و فرمود: و هرگاه در آینده عمر خود به یاد مصیبت افتد و استرجاع نماید [«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»] بگوید [و حمد خدا به جای آورد، خداوند همه گناهانی را که در فاصله استرجاع اول و استرجاع ثانی انجام داده می آمرزد، مگر گناهان کبیره را! (4)]

6- در بحار الأنوار از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده که خدای متعال فرموده: هیچ بنده ای را وارد بهشت نکنم مگر آنکه به آسیب جسمانی مبتلایش کنم، پس، 4.

ص: 103

1- -بحار جلد 6 ص 355.

2- -اصول کافی جلد 2 ص 197 حدیث 2.

3- -اصول کافی جلد 1 ص 194 حدیث 7.

4- -بحار جلد 82 ص 127-128 به نقل از ثواب الاعمال ص 234.



اگر این بلا در حد کفاره گناهانش بود که بود، وگرنه سلطه گری را بر او چیره گردانم که اگر با آن کفاره گناهانش را پس داد به همان بسنده شود، وگرنه روزی او را در تنگنا قرار دهم تا اگر گناهانش با آن شسته شد که شد، وگرنه به هنگام مرگ چنان بر او سخت بگیرم که پاک و بی گناه نزد من آید و آنگاه او را وارد بهشت گردانم... (1)

7- در صحیح بخاری است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هیچ مسلمانی نیست که دچار مصیبت گردد مگر آنکه خداوند گناهانش را بریزد، همان گونه که برگ درخت می ریزد. (2)

8- در روایت دیگری است که:

هیچ مصیبتی به شخص مسلمان نمی رسد مگر آنکه خداوند آن را کفاره گناهش قرار می دهد، حتی اگر خاری بدن او را بخراشد. (3)

9- در صحیح بخاری و صحیح مسلم است که رسول خدا فرمود:

هیچ مسلمانی نیست که خراش خاری یا سخت تر از آن به او برسد مگر آنکه خداوند با آن گناهانش را می ریزد، همان گونه که درخت برگ خود را می ریزد. (4)

10- در صحیح بخاری و مسند احمد است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هیچ گونه رنج و سختی، درد و مرض، مصیبت و اندوه، آزار و آسیب و حتی خراش خاری به مسلمانی نمی رسد مگر آنکه خداوند آن را کفاره گناهانش گرداند. (5)0.

ص: 104

---

1- بحار جلد 6 ص 172 به نقل از کتاب التمهیح.

2- صحیح بخاری جلد 3 ص 2-3 کتاب المرضی باب: شدة المرض.

3- صحیح بخاری کتاب المرضی باب: ما جاء فی کفارة المرض.

4- صحیح بخاری جلد 3 ص 3 کتاب المرضی باب: شدة المرض، صحیح مسلم کتاب البرّ و الصلة و الادب باب: ثواب المؤمن فیما یصیبه.

5- صحیح بخاری جلد 3 ص 2 کتاب المرضی باب: ما جاء فی کفارة المرض، و مسند احمد ج 3 ص 180.

خداوند همان گونه که برای هر يك از اعمال انسان پاداش دنیوی و جزای اخروی قرار داده، همچنین برای صبر و شکیبائی انسان بر ناخوشیها و مصائب نیز، جزای دنیائی و پاداش آخرتی مقرر داشته است. امام علی علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که آن حضرت فرمود:

الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمَصِيبَةِ، وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ، وَ صَبْرٌ عِنْدَ الْمَعْصِيَةِ.

صبر و شکیبائی سه گونه است: خویشتن داری به هنگام مصیبت، استقامت و پایداری در اطاعت، شکیبیدن و بردباری در برابر معصیت. [\(1\)](#)

خداوند در سوره اعراف فرموده: بنی اسرائیل را به خاطر آنکه در زندگی دنیا صبر و استقامت نشان دادند، پاداش داده است:

وَأَوْزَنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَمَرْنَا مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرِشُونَ .

مشرق ها و مغرب های سرزمینی را که برکت داده بودیم، به آن قوم به ضعف کشیده شده [بنی اسرائیل] به میراث دادیم، و وعده نیک پروردگارت بر

ص: 105

بنی اسرائیل به خاطر صبر و استقامتی که نشان دادند، تحقق یافت، و آنچه فرعون و فرعونیان می ساختند و می افراشتند، در هم کوبیدیم! (1)

و نیز، درباره پاداش انواع سه کانه صبر و شکیبائی می فرماید:

1- وَ لَنْبَلُونَكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ تَقْصِصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ \* الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ \* أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ .

یقیناً همه شما را با چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در مالها و جانها و ثمرات امتحان می کنیم، و بشارت ده شکیبایان را! \* آنان که هرگاه مصیبتی به ایشان رسید گفتند: ما از خدائیم و به سوی او باز می گردیم! \* آنان، مشمول صلوات و رحمت پروردگار خود هستند، آنان، همان هدایت یافتگانند! (2)

2- لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّنَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ .

نیکی [تنها] این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکی و نیکوکردار آن است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب و پیامبران، ایمان آورده و مال خود را، با آنکه دوستش دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان و سائلان و بردگان، انفاق می کند، و نماز را برپا می دارد، و زکات را می پردازد، و نیز، آنانی که - هرگاه عهد بستند - به عهد 7.

ص: 106

1- - اعراف 137/.

2- - بقره 155-157.

خود وفا می کنند، و در برابر محرومیت ها و بیماریها و زمان جنگ صبر و استقامت نشان می دهند، اینان کسانی اند که راست می گویند و ایشان همان پرهیزکارانند! (1)

خلاصه این آیات که از سوره بقره آوردیم این شد که: پرهیزکاران و هدایت یافتگان و نیکوکاران کسانی اند که کارهای شایسته انجام داده و به انواع سه گانه صبر و شکیبائی آراسته اند.

از جمله نمونه ها و مصادیق صبر بر طاعت و مصیبت، صبر و شکیبائی مؤمنان بر اذیت و آزار و سخریه و ریشخندی است که برای ایمانشان به خدا تحمل می کنند، چنانکه خدای متعال از آن خبر داده و فرموده:

1- إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ \* فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّى أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ \* إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا إِنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ .

آری، گروهی از بندگام می گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم، ما را بیمارز و بر ما رحم کن که تو بهترین رحم کنندگانی! \* و شما آنان را به باد مسخره گرفتید تا یاد مرا از خاطرتان زدودند، و شما همچنان به آنها می خندیدید \* من امروز آنان را به خاطر صبر و استقامتشان پاداش دادم، راستی را که آنان رستگاراند! (2)

2- الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ \* وَإِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِذَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ \* أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرُهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرُؤْنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ \* وَإِذَا سَأَلَ لُغْوًا عَرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ . 1.

ص: 107

1- -بقره 177/.

2- - مؤنون 109/ -111.

آنان که پیش از قرآن، کتاب آسمانی به آنها داده ایم، به آن ایمان می آورند\* و هنگامی که بر آنان تلاوت شود می گویند: به آن ایمان آوردیم. اینها همه حق است و از جانب پروردگار ماست. ما پیش از این هم مسلمان بودیم\* آنان به خاطر شکیبائی و صبرشان، پاداش خود را دوبار دریافت می دارند، و با نیکی ها بدی ها را دفع می کنند، و از آنچه روزی شان داده ایم انفاق می کنند\* و هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند از آن روی می گردانند و می گویند: اعمال ما از آن ماست و اعمال شما از آن خودتان، سلام بر شما، ما خواهان جاهلان نیستیم!

(1)

3- خداوند در سوره رعد صابران و برپا دارندگان نماز را بشارت داده و فرموده:

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُؤْنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ \* جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ \* سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ .

و آنان که به خاطر پروردگارشان شکیبائی ورزیده، و نماز را برپا می دارند، و از آنچه روزی شان داده ایم، در نهان و آشکار، انفاق کرده و با حسنات سیئات را دفع می کنند؛ فرجام نیک آن سراء، ویژه آنان است: \*بهشت های جاویدان که- با پدران و همسران و فرزندان صالح خود- در آنها جایگزین می گردند و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد شده\* [و گویند: ]سلام بر شما که صبوری کردید! او که چه نیکوست فرجام آن سراء! (2)

### شرح کلمات

1- یعرشون: بالا می برند. در اینجا مراد بناهای مستحکمی است که فرعونیان در

ص: 108

1- -قصص 52-55.

2- -رعد 22-24.

املاك خود می ساختند.

2- البأس و البأساء: سختی و ناخوشی و جنگ که در اینجا، مراد از "بأساء" سختی و ناخوشی و مراد از "بأس" زمان جنگ است.

3- پدروءن: یدفعون: دفع می کنند، از خود می رانند.

### پاداش صابران در روایات

در بحار با سند خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده:

هنگامی که پرونده های اعمال گشوده و ترازوهای سنجش برقرار گردد، برای بلا دیدگان صابر، نه ترازوی سنجش نهند و نه پرونده عمل گشایند! و این آیه را تلاوت فرمود: (إِنَّمَا يُؤَفِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ) صابران پاداش خود را بی حساب دریافت می دارند! (1)

و باز در بحار با سند خود از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده که فرمود:

هنگامی که خداوند همه اولین و آخرین را گرد آورد، جاززننده ای فریاد می زند: کجایند صابران تا بی حساب وارد بهشت شوند؟ افرمود: افرادی سرفراز پیاپی می خیزند، فرشتگان نزد آنان رفته و می گویند: ای فرزندان آدم به کجا می روید؟ می گویند: به سوی بهشت! می گویند: پیش از حساب؟ می گویند: آری، می گویند: مگر شما که هستید؟ می گویند:

صابران! می گویند: صبر شما چگونه بوده؟ می گویند: در طاعت خدا استقامت کردیم و از معصیت او خویشتن داری نمودیم تا خدای عز و جل ما را میرانید و روحمان را دریافت کرد. فرشتگان می گویند: شما همانگونه اید که گفتید، وارد بهشت شوید که پاداش عمل کنندگان بسیار نیکوست! (2)

و نیز، صدوق رحمه الله در ثواب الاعمال با سند خود از امام باقر علیه السلام آورده است که فرمود:

هر کس نابینا از دنیا رود، در حالی که برای خدا صبوری کرده و دوستدار آل

ص: 109

1- بحار جلد 82 ص 145، و زمزم 10/.

2- بحار جلد 82 ص 138.

محمد صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم باشد، بی حساب به ملاقات خدا نائل گردد. (1)

\*\*\*

اینها نمونه هائی از پاداش هاست که انسان برای عمل یا صبر بر ناخوشی ها دریافت می دارد. در بحث آینده-به یاری خدا-چگونگی به ارث ماندن نتایج اعمال را بررسی می نمائیم. 4.

ص: 110

---

1- - ثواب الاعمال، ص 61 و 234.

خداوند سبحان خبر داده که پاداش و نتیجه عمل برای نسل های بعدی نیز، باقی می ماند. چنانکه در سوره نساء می فرماید:

وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا \* إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا .

کسانی که اگر فرزندان صغیر و ناتوانی از خود بر جای گذارند از آینده آنان بیمناکند، باید بترسند و از خدا بپرهیزند و سخنی سنجیده و استوار گویند\* آنان که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می خورند، تنها در اندرون خود آتش می خورند و بزودی در شعله های آتش بریان می شوند.

در سوره کهف می فرماید:

فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّقُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا \*...  
وَ أَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَ كَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَ كَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَ يَسْرِتَّخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ... .

[خضر و موسی] به راه خود ادامه دادند تا به مردم قریه ای رسیدند و از آنان خواستند که به ایشان غذا دهند؛ ولی آنان از مهمان کردنشان خودداری نمودند؛



در آنجا دیواری یافتند که می خواست فرو ریزد، [خضر] آن را برپا داشت.

موسی گفت: می خواستی در برابر این کار مزدی بگیری! \*...\* اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود؛ وزیر آن، گنجی بود متعلق به آن دو؛ و پدرشان مرد صالحی بود؛ و پروردگار تو می خواست آنان به حد بلوغ برسند و گنجشان را استخراج نمایند؛ این رحمتی از پروردگارت بود (1)...

## شرح کلمات

1- سدید: درست، قول سدید یعنی سخن درست و استوار که موافق عدل و شرع باشد.

2- سعیر: آتش برافروخته سرکش که مراد از آن جهنم است.

3- ینقص: فرو ریزد، یعنی آن دیوار در حال فرو ریختن و انهدام بود.

4- اشدهما: قوت و توانشان، و (یلغا اشدهما) یعنی به سن رشد و توانمندی برسند.

## آثار عمل بعد از مرگ

آثار برخی از اعمال پس از مرگ انسان نیز، باقی مانده و سود و زیان آن به صاحب عمل برمی گردد. صدوق در کتاب خصال از امام صادق علیه السلام آورده است که فرمود:

انسان پس از مرگ هیچ گونه ثواب و پاداشی به دنبال خود ندارد مگر پاداش سه کار نیک را: 1- صدقه جاریه، صدقه ای که در حال حیات به راه انداخته باشد، مانند موقوفه ای که ارث برده نشود، این جریان، پس از مرگ او تا روز قیامت ادامه می یابد. 2- سنت هدایت و راهنمایی که خود به آن عمل کرده و پس از او مورد عمل دیگران قرار گیرد.

3- فرزند شایسته ای که برای او آموزش بخواند. (2)

شرح این حدیث در روایت دیگری چنین است که امام علیه السلام فرموده:

ص: 112

1- -کهف/77-82.

2- -خصال صدوق ج 1 ص 153.

شش چیز است که مؤمن پس از مرگ خود از آنها سود می برد: 1- فرزند شایسته ای که برایش آموزش بخواهد 2- کتاب و قرآنی که خوانده شود 3- چاه آبی که حفر کند 4- درختی که بکارد 5- جریان آبی که برای صدقه وقف نماید 6- سنت پسندیده ای که پس از وی به کار آید.

(1)

\*\*\*

تا اینجا، آثار عمل در دنیا و آخرت و به ارث ماندن آن را بیان داشتیم، از جمله آثار و نتایج اعمال نیک "حق شفاعت" است که پروردگار عالمیان آن را به برخی از بندگان خود عطا می کند و ما در بحث آینده- به یاری خدا- آن را بررسی می نمایم. 3.

ص: 113

---

1- - خصال صدوق ج 1 ص 323.

## الف- تعریف شفاعت

شفاعت در زبان عرب به معنای ضمیمه کردن دو چیز همانند و درخواست عفو و بخشش برای گناهکار است؛ شفیع و شافع کسی است که برای یاری رساندن به گناهکار با او همراه شده و در حق وی شفاعت می کند.

## ب- شفاعت در قرآن

### اشاره

خدای متعال در سوره طه می فرماید:

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ... \*... يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا .

روزی که در صور دمیده شود... \*... در آن روز شفاعت هیچ کس سودی نبخشد مگر کسی که خدای رحمان به او اجازه داده و به گفتار او راضی است. (1)

و در سوره مریم می فرماید:

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا .

آنان هرگز حق شفاعت ندارند، مگر کسی که نزد خدای رحمان عهد و پیمانی

ص: 114

و در سوره اسراء فرموده:

...عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا .

...امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش [مقام شفاعت] برانگیزد. (2)

و در سوره انبیا فرموده:

...لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرْضَىٰ وَ هُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ .

...آنان [بندگان شایسته] جز برای کسی که خدا راضی است شفاعت نمی کنند. آنان از ترس خدا بیمناکند . (3)

و در سوره اعراف می فرماید:

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَ لَعِبًا وَ غَرَّتُهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا... \*... \*... يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفْعَاءٍ فَيَشْفَعُوا لَنَا...

آنان که دین خود را بیهودگی و بازیچه گرفتند؛ و زندگانی دنیا مغرورشان ساخت؛ امروز [قیامت] فراموششان می کنیم، همان گونه که دیدار این روزشان را فراموش کردند... \*... \*... روزی که حقیقت امر فرارسد، کسانی که در گذشته آن را فراموش کرده بودند می گویند: راستی را که رسولان پروردگار ما حق را آوردند؛ آیا شفیعانی برای ما وجود دارد که شفاعتشان کنند؟ (4)3.

ص: 115

1- -مریم 87/.

2- -اسراء 179/.

3- -انبیا 28/.

4- -اعراف 51-53.

روزی که در صور دمیده شود شفاعت هیچ کس کارساز نیست مگر شفاعت بندگان صالح خدا که اجازه شان داده و از گفتارشان راضی است.

و نیز، هیچ کس مالك شفاعت نیست مگر کسانی که نزد خدای رحمان عهد و پیمان دارند، یعنی انبیا و اوصیا و بندگان شایسته خدا که با ایشانند.

شفاعت، همان مقام محمودی است که خداوند به خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم وعده داده است، و انبیا علیهم السلام تنها از کسانی شفاعت می کنند که خداوند از شفاعت برای آنان راضی باشد؛ و در همین روز است که مغروران و کسانی که زندگانی دنیا فریشان داده در حالی که هیچ شفاعت کننده ای ندارند، می گویند: آیا برای ما شفیعانی هست که شفاعتمان کند؟

### ج- شفاعت در روایات

#### اشاره

در بحار به نقل از کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام آورده است که امام رضا علیه السلام از قول پدرش امام کاظم علیه السلام و او از پدرش تا امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده:

من لم يؤمن بحوضي - الحوض: الكوثر - فلا آورده الله حوضي و من لم يؤمن بشفاعتي فلا اناله الله شفاعتي...

هر کس به حوض من ایمان نیاورد - حوض کوثر - خداوند او را بر حوض من وارد نسازد، و هر کس به شفاعت من ایمان نیاورد، خداوند شفاعت مرا به او نرساند...

راوی در پایان روایت از امام رضا علیه السلام می پرسد: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! پس معنای فرموده خدای عز و جل چیست که می فرماید: "وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى" شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که خدا راضی است. فرمود: معنای آیه این است که:

شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که خداوند دینش را پسندیده است. (1)

در مسند احمد آورده است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده:

الصَّيَامُ وَالْقُرْآنُ يَشْفَعَانِ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَقُولُ الصَّيَامُ: اٰی رَبِّ مَنَعْتَهُ الطَّعَامَ وَالشَّهَوَاتِ بِالنَّهَارِ فَشَفَّعْنِي (1) فِيهِ، وَيَقُولُ الْقُرْآنُ: مَنَعْتَهُ التَّوَمَّ بِاللَّيْلِ فَشَفَّعْنِي فِيهِ، قَالَ: فَيُشْفَعَانِ.

روزه و قرآن در روز قیامت برای بنده خدا شفاعت می کنند، روزه گوید:

پروردگارا! من او را در طول روز از همه غذاها و شهوات بازداشتی، حال، مرا شفیع او گردان. و قرآن گوید: من او را از خواب شب بازداشتی، اکنون مرا شفیع او قرار ده. فرمود: و بدین گونه او را شفاعت می کنند. (2)

در روایت دیگری از امام علی علیه السلام است که فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده است:

ثَلَاثَةٌ يَشْفَعُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيُشْفَعُونَ: الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ الشُّهَدَاءُ.

سه گروه اند که نزد خدای عزّ و جلّ شفاعت کرده و شفاعتشان پذیرفته می شود:

انبیا و علما و شهدا. (3)

در سنن ابن ماجه آورده است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

يُشْفَعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَلَاثَةٌ: الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ الشُّهَدَاءُ.

سه گروه در روز قیامت شفاعت می کنند: انبیا و علما و شهدا. (4)

در بحار از امام صادق علیه السلام درباره شفاعت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در روز قیامت حدیثی آورده که در آخر آن آمده است:

... إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَوْمَئِذٍ يَخْرُجُ سَاجِدًا فَيَمُكِّثُ مَا شَاءَ اللَّهُ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: اِرْفَعِ رَأْسَكَ وَاشْفَعْ تَشْفَعُ، وَسَلْ تَعْطُ. وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى:

"عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا". 3.

ص: 117

1- در متن کتاب "فیشفعنی" آمده که اشتباه است.

2- مسند احمد ج 2 ص 174.

3- بحار ج 8 ص 34.

4- سنن ابن ماجه باب ذکر شفاعت حدیث 4313.

...رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن روز به سجده می افتد و تا هنگامی که خدا بخواهد درنگ می کند، پس از آن خدای عز و جل می فرماید: سر خود را بردار و شفاعت کن تا شفاعتت پذیرفته گردد، و درخواست کن تا خواسته ات عطا شود. و این همان سخن خدای متعال است که فرموده: امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد. (1)

مشروح این خبر در تفسیر ابن کثیر و طبری و دیگران با عباراتی متفاوت نیز، آمده است. (2)

ترمذی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

شفاعتی لاهل الكبائر من امتی.

شفاعت من برای صاحبان کبائر از امتم می باشد. (3)

### نتیجه بحث

از مجموع آیات و احادیث وارد درباره شفاعت دانسته می شود که، شفاعت در روز قیامت برای هر کس هر گونه بخواهد نیست؛ بلکه شفاعت برابر با مشیت خدای حکیم، پاداش اعمالی است که خداوند آنها را اسباب شفاعت قرار داده است؛ مانند اینکه، بنده مسلمانی در واجبی از واجباتش کوتاهی کرده و در مقابل آن در زندگی دنیائی اش از صمیم قلب دوستدار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او علیهم السلام بوده، و آنان را از آن رو که اولیای خدا بوده اند دوست داشته است؛ یا آنکه عالمی را بدان سبب که عالم اسلامی بوده گرامی داشته، یا به مؤمن صالحی که بعدها به شهادت رسیده نیکوئی نموده است. خداوند نیز او را به خاطر آن حبّ قلبی و این اقدام علمی اش پاداشی می دهد که تقصیر و کوتاهی اش در آن واجب را جبران نماید.

ص: 118

- 
- 1- بحار ج 8 ص 36، و اسراء 79/.
  - 2- به تفسیر آیه در تفسیر طبری و قرطبی و ابن کثیر و صحیح بخاری کتاب تفسیر ج 3 ص 102 و سنن ابن ماجه حدیث (4312) و سنن ترمذی ج 9 ص 267 مراجعه شود.
  - 3- سنن ترمذی کتاب «صفة يوم القيامة».

در نقطه مقابل نیز، آثار اعمال زشت و گناهان است که پاداش اعمال نیک را تباه و نابود می کند و ما در بحث آینده-به یاری خدا-آن را بررسی می نمائیم.

ص: 119



## تباهی پاداش، کیفر برخی اعمال

### الف-تعریف حبط و تباهی عمل

حبط عمل و کار، بطلان و تباه شدن نتیجه آن است. نتیجه اعمال آدمی در آخرت به دلایل زیر تباه می گردد:

- 1-اینکه به خدا و روز قیامت ایمان نیاورد یا مشرک باشد و با خدا و رسول بستیزد.
- 2-اینکه عمل را به قصد نفع دنیائی انجام داده باشد که پاداش آن را نیز همان گونه که خواسته در دنیا دریافت می کند.
- 3-اینکه بی تقوا باشد و آداب اسلامی را سبک بشمارد و ریا کند و...

### ب-حبط عمل در قرآن کریم

خدای سبحان در قرآن کریم چگونگی حبط و تباهی اعمال نیک آدمیان را، از هر صنف و گروهی که باشند، همراه با دلایل آن بیان داشته و در سوره اعراف درباره کافران به آیات خدا و قیامت می فرماید:

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ .

آنان که آیات خدا و دیدار قیامت را تکذیب می کنند، اعمالشان تباه می گردد.

آیا جز آنچه عمل می کردند پاداش داده می شوند؟! (1)

در سوره توبه درباره مشرکان می فرماید:

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ\* إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ .

مشرکان را نشاید که مساجد خدا را آباد کنند در حالی که به کفر خویش گواهی می دهند! این گروه اعمالشان تباه گردیده و در آتش دوزخ جاودانند.\* مساجد خدا را تنها آن کسی آباد می کند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز را برپا دارد و زکات را بپردازد و جز از خدا نترسد. امید است این گروه از راه یافتگان باشند. (2)

در سوره بقره درباره مرتدین و از دین برگشته ها می فرماید:

...وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ .

... هر کس از شما که از دینش برگردد و در حال کفر بمیرد. چنین کسانی همه اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شده و اهل دوزخند و همیشه در آن خواهند بود. (3)

در سوره محمد صلی الله علیه و آله و سلم درباره کافران و ستیزه جویان با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحْبِطُ أَعْمَالُهُمْ\* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ./.

ص: 121

1- -اعراف/147.

2- -توبه/17 و 18.

3- -بقره/217.

آنان که کافر شدند و [مردمان] را از راه خدا بازداشتند و بعد از آنکه راه هدایت برایشان روشن شد [باز هم] با رسول خدا ستیزه جوئی کردند، هرگز زبانی به خدا نمی رسانند [بلکه خداوند] بزودی اعمالشان را تباه و نابود می کند\* ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول خدا را و اعمال خود را تباه نسازید!

حبط و تباهی اعمال- چنانکه گذشت و می آید- تنها دامن کافران را نمی گیرد بلکه مسلمانان را نیز شامل می گردد، خداوند در سوره حجرات می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ .

ای کسانی که ایمان آورده اید! صدای خود را فراتر از صدای پیامبر نکنید، و با او به آواز بلند-بدان گونه که با یکدیگر سخن می گوئید- سخن مگوئید که اعمالتان تباه گردد و شما ندانید!

در سوره بقره می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَ...

ای کسانی که ایمان آورده اید! صدقات و بخشوده های خود را با منت و آزار تباه و باطل مسازید، همانند کسی که مال خود را برای ریا و خودنمایی انفاق می کند و...

## ج- حبط عمل در روایات

### اشاره

در روایات اسلامی به بسیاری از دلایل و اسباب حبط اعمال اشاره شده است که در زیر نمونه هائی از آنها را می آوریم:

شیخ صدوق در کتاب ثواب الاعمال از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایتی آورده که آن حضرت فرموده:

هر کس بگوید: "سبحان الله" خداوند برای او در بهشت درختی را غرس می کند.

و هر کس بگوید: "الحمد لله" خداوند برای او در بهشت درختی را می‌کارد.

و هر کس بگوید: "لا اله الا الله" خداوند برای او در بهشت درختی را می‌نشانند.

و هر کس بگوید: "الله اكبر" خداوند برای او در بهشت درختی را برآورد.

یکی از مردان قریش گفت: ای رسول خدا! بنابراین، درختان ما در بهشت بسیار است! فرمود: آری، ولی بر حذر باشید که آتشی بر آنها نفرستید تا همه را بسوزاند، زیرا خدای عزّ و جلّ می‌فرماید: "يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ" ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول خدا را و اعمال خود را [با نافرمانی] باطل نکنید! (1)

در صحیح مسلم و غیر آن از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده اند که فرموده:

انّ فرطکم علیّ الحوض، من ورد شرب، و من شرب لم یظمأ بعد، و لیردنّ علیّ اقوام اعرفهم و یعرفونی ثمّ یحال بینی و بینهم.

به سوی من بر حوض کوثر سبقت جوئید که هر کس رسید می‌نوشد و هر که نوشید بعد از آن تشنه نگردد، در آنجا گروه هائی بر من وارد می‌شوند که آنان را شناخته و آنان نیز مرا می‌شناسند سپس میان من و آنان جدائی می‌افتد!

در روایت دیگری است که فرموده:

لیردنّ علیّ الحوض رجال ممّن صاحبنی حتّی اذا رأیتهم اختلجوا دونی، فلاقولنّ أی ربّ اصحابی اصحابی، فیقالنّ لی: انّک لا تدری ما احدثوا بعدک.

مردانی از اصحابم بر حوض کوثر نزد من می‌آیند، ولی تا آنان را می‌بینم از من جداشان می‌کنند، من [با شتاب] می‌گویم: خدای من! یارانم! یارانم! به من گفته می‌شود: تو نمیدانی اینان بعد از تو چه کردند! (2)

در حدیث دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: 0.

ص: 123

---

1- - ثواب الاعمال ص 32، و سورة محمّد صلی الله علیه و آله و سلم آیه 33.

2- - صحیح مسلم، کتاب الفضائل، حدیث 26 و 27 و 28 و 32 و 40.

انّ المرأى يدعى به يوم القيامة بأربعة اسماء: يا كافر! يا فاجر! يا غادر! يا خاسر! حبط عملك و بطل اجرک و لا خلاق لك اليوم، فالتمس اجرک ممّن كنت تعمل له.

روز قیامت شخص ریاکار را با چهار نام صدا می زنند و می گویند: ای کافر! ای فاجر! ای مکار! ای زیانکار! کردارت تباه و پاداشت باطل گردید، امروز بهره ای نداری، اکنون پاداش خود را از کسی درخواست کن که برایش کار می کردی! [\(1\)](#)

### خلاصه بحث

تا اینجا، نمونه هائی از پاداش "ربّ العالمین" به انسان را بیان داشتیم. در بحث آینده - به یاری خدا - شرکت جن و انس در پاداش و کیفر الهی را بیان می داریم.

ص: 124

---

1- - بحار ج 72 ص 295 به نقل از أمالی صدوق ص 346.

در بحث خلقت آدم علیه السلام آوردیم که خداوند همه فرشتگان را فرمان داد تا برای آدم سجده کنند، آنان همه سجده کردند جز ابلیس که از جنیان بود، خدای سبحان نیز او را کیفری در خور داده و از درگاه خود بیرونش راند. آنچه در اینجا می آوریم بیان خداوند از سرانجام او و همزادان جنی اش در روز قیامت خواهد بود.

1- خداوند در سوره انعام می فرماید:

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ... يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَ يُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَ غَرَّبْتَهُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ شَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ .

روزی که خداوند همه آنان را گرد هم آورد [می گوید: ای جماعت جنیان! شما بسیاری از انسانها را گمراه ساختید... ای گروه جن و انس! آیا رسولانی از خود شما به سویتان نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو می کردند و شما را از دیدار چنین روزی بیم می دادند؟! آنان می گویند: ما بر ضد خودمان گواهی می دهیم! آری [زندگی دنیا آنان را فریفت و به زیان خود گواهی دهند که کافر بودند. (1)]

ص: 125

2- در سوره جن از زبان خود جنیان برای قوم خویش می فرماید:

وَ أَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا\* وَ أَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا .

[آنان گفتند: گروهی از ما مسلمان و گروهی ستمگرند. و هر کس اسلام آورد راه رشد و هدایت را برگزیده است\* اما ستمگران هیزم و آتشگیره دوزخند! (1)]

3- در سوره اعراف می فرماید:

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضْدَلُّونَا فَآتَيْهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَعَفْ وَ لَكِن لَّا تَعْلَمُونَ\* وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فذوقوا العذاب بما كُنتُمْ تَكْسِبُونَ .

[خداوند به ستمگران] می فرماید: در ردیف گروه های مشابه خود، از جن و انس، در آتش درآید! هرگاه دسته ای وارد می شود همتای خود را لعن می کند تا چون همگی در آنجا به هم رسند، گروه دنباله رو درباره پیشوایان خود می گویند: پروردگار! اینان بودند که ما را گمراه ساختند. پس کیفر دوزخی آنان را مضاعف کن! خداوند می فرماید: عذاب همه مضاعف است ولی شما نمی دانید\* پیشوایان به دنباله روان گویند: شما بهتر از ما نبودید، پس بچشید عذاب را که محصول کار خودتان است! (2)]

4- در سوره هود می فرماید:

... وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ .

... و فرمان پروردگارت قطعی شده که: جهنم را از همه جن و انس 9.

ص: 126

1- -جن 14/ و 15.

2- -اعراف 38/ و 39.

اینها برخی از آیات قرآن کریم درباره رفتار جنیان و مجازات آنان در دنیا و آخرت بود. قرآن کریم شرح و تفصیل حالات ویژه جن در قیامت را-بدان گونه که درباره انسان آورده-نیآورده است.

### خلاصه بحث پاداش و کیفر

گفتیم: انسان خود گندم و جو و حبوبات را می‌کارد و پس از چند ماه که بگذرد محصول آن را برداشت می‌کند. و نیز، انواع درختان میوه را می‌نشانند و پس از چند سال که گذشت میوه آن را برمی‌گیرد. یعنی انسان محصول دسترنج خود را می‌خورد، با این حال، خدای سبحان می‌فرماید: "كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ" از آنچه خداوند روزی تان داده بخورید! (2) و نیز می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ" ای کسانی که ایمان آورده اید! از پاکیزه های آنچه روزی تان دادیم بخورید. (3) و می‌فرماید: "وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ" فرزندان تان را از ترس فقر و گرسنگی نکشید! ما آنها و شما را روزی می‌دهیم! (4)

و گفتیم: این برای آن است که انسان در این مجموعه هستی همانند کسی است که به "سلف سرویس" می‌رود و باید با دست خود از خویشتن پذیرائی کند، در چنین مکان ها آن کسی که میهمانان را اطعام کرده و انواع خوردنی ها را برای آنان فراهم می‌نماید میزبان است، ولی میهمان نیز در انتخاب غذا و آماده کردن آن برای خویشتن آزاد است و اگر اقدام نکند و بشقاب و قاشق بر ندارد و نزدیک دیگ غذا نشود و هر چه خواست برنگیرد گرسنه می‌ماند و حق اعتراض هم ندارد، همچنانکه اگر پر خوری کند یا غذای ناباب بخورد نیز، تبعات آن بر خود اوست که چنین کرده است.

ص: 127

1- -هود 119./

2- -مائده 88/ و نحل 114./

3- -بقره 172./

4- -اسراء 31./



انسان در بهره‌گیری از نتایج اعمال معنوی خویش نیز بگونه‌ای است که برخی از نتایج کردار خود را تمام و کمال در همین دنیا دریافت می‌کند، مانند آثار صلۀ رحم کافر که برای او پاداش دنیائی دارد. برخی را نیز تنها در آخرت می‌یابد، مانند آثار شهادت که ویژه مؤمنین است. برخی از اعمال نیز بهره‌هر دو سرائی دارد مانند صلۀ رحم مؤمن که پاداش دنیائی و آخرتی آن را تماماً دریافت می‌دارد.

بنا بر آنچه آوردیم، انسان نتیجه رفتار معنوی خود را، بدان‌گونه که نتیجه رفتار مادی اش را می‌گیرد، تماماً دریافت می‌دارد، یا در دنیا و یا در آخرت، و یا در دنیا و آخرت هر دو، همچنین است نتایج اعمال سوء و زشت!

حق شفاعت در روز قیامت و اینکه خدای رحمان به برخی از انسانها چنین کرامتی را عطا می‌فرماید، نیز، محصول اعمالی است که انسان در دنیا انجام می‌دهد. همچنین است حبط و تباهی اعمال انسانها در روز قیامت که نتیجه برخی کردار دنیائی آنان است، زیرا:

"لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى" برای انسان پاداشی جز آنچه خود کرده نیست! (1)

قرآن کریم همچنین خبر داده که جنیان هم بمانند انسیان پاداش اعمالشان را در آخرت تماماً دریافت می‌دارند.

همه آنچه را آوردیم بر اساس تقدیر "رَبِّ الْعَالَمِينَ" و به اقتضای برخی از صفات پروردگاری اوست، در بحث آینده-به یاری خدا-صفات دیگری از ربِّ العالمین را بررسی خواهیم کرد./

ص: 128

### 3 برخی از صفات و اسمای ربّ العالمین

#### اشاره

1- معنای اسم.

2 و 3- الرَّحْمَنُ وَالرَّحِيمُ.

4- ذُو الْعَرْشِ وَرَبُّ الْعَرْشِ.

ص: 129



"اسم" در اصطلاح قرآنی به معنای صفات و خواصّ اشیاء و بیان کننده حقیقت آنها است. بنابراین، آنجا که خدای متعال می فرماید: "وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا" خداوند علم اسماء را همگی به آدم آموخت. (1) معنایش این می شود که: خداوند علم خواصّ اشیاء و سایر علوم را همگی به آدم علیه السلام آموخت- جز علم غیب را که هیچ کس در آن با خدا شرکت نمی کند مگر کسی که او بخواهد و بخشی از اخبار نهان را در اختیارش بگذارد.

## 2 و 3- معنای رحمان و رحیم

در قرآن کریم برای خداوند متعال نام ها و صفات ویژه ای آمده که برخی از آنها آثار دنیائی، برخی آثار اخروی و برخی آثار هر دو سرائی دارند. از جمله این نام ها و صفات واژه های "رحمان و رحیم" اند که معنای آنها را بررسی می نمائیم:

در کتاب های لغت "رحم و رحمت و مرحمت" به معنای "مهربانی و نرمی و رقت قلب" آمده است. راغب در کتاب "مفردات الفاظ القرآن" در ماده "رحم" سخنی دارد که فشرده آن چنین است:

رحمت: رقت قلب و مهربانی است بگونه ای که باعث احسان به رحمت شده گردد.

این واژه گاهی در معنای رقت صرف، و گاهی در معنای احسان بدون رقت استعمال

ص: 131

شده است: هنگامی که از رحمت خدای متعال سخن می گوئیم مقصود تنها احسان مجرد بی رقت است، و بدین خاطر در روایت آمده است: رحمتی که از سوی خدا باشد بخشش و بخشودن، و رحمتی که از سوی آدمیان باشد رقت و مهربانی است.

واژه "رحمان" ویژه خدای متعال است و معنای آن جز بر خدا راست نیاید، زیرا تنها اوست که رحمتش همه چیز را فراگرفته است.

واژه "رحیم" درباره خدا و غیر خدا استعمال می شود. خداوند درباره خود فرموده: "إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ" خداوند آمرزنده مهربان است. و درباره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده: "لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ" برآستی رسولی از شما بسویتان آمد که رنجهای شما بر او گران است. بر هدایت شما پای فشار و با مؤمنان رؤف و مهربان است. (1)

و نیز، گفته شده: خدای متعال رحمان دنیا و رحیم آخرت است. زیرا، احسان خداوند در دنیا عام است و شامل مؤمنان و کافران، و در آخرت مخصوص مؤمنان است. خداوند در سوره اعراف فرموده: "وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ".

رحمت من همه چیز را فراگرفته، و بزودی آن را ویژه کسانی می گردانم که تقوا پیشه کنند. (2) یعنی: رحمت من در دنیا برای مؤمنان و کافران هر دو است و در آخرت ویژه مؤمنان است.

صاحب کتاب "تاج العروس" نیز در این باره سخنی دارد که فشرده آن چنین است:

"رحمان" نامی است مخصوص خداوند که به غیر او راست نیاید. زیرا، رحمت او همه موجودات را از طریق "خلق و رزق و سودرسانی" شامل است.

"رحیم" نامی است عام برای هر که به صفت رحمت متصف گردد. بعد گوید: این همان معنای سخن [امام] جعفر صادق علیه السلام است که فرموده: "رحمان" اسمی خاص برای صفتی عام است و "رحیم" اسمی عام برای صفتی خاص. /.

ص: 132

1- -توبه 128/.

2- -اعراف 156/.

مؤید آنچه گفته اند این است که، "رحیم" در چهل و هفت مورد از قرآن کریم با "غفور" و "بر" و "رئوف" و "ودود" قرین و همراه آمده است. (1)

واژه "رحمان" در سوره "الرَّحْمَن" اسم و صفت کسی آمده که انسان را پس از خلقت و آموزش بیان، با نعمت هدایت قرآنی گرامی داشته، و زمین را با هر چه در آن است از میوه ها و نخل ها و دانه ها و ریاحین برای بهره وری او آفریده است. سپس جن و انس را مخاطب ساخته و فرموده: "فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ" پس کدامین نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید! و پس از ارشاد به برخی نعمت های دنیائی، پاره ای از نعمت های آخرت را یادآور شده و می فرماید: "وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ" و برای آن کس که از مقام پروردگارش بترسد، دو باغ بهشتی خواهد بود. تا پایان سوره که می فرماید:

"تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ" خجسته و زوال ناپذیر است نام پروردگار صاحب جلال و بزرگواری تو!

#### 4- ذوالعرش و "رب العرش"

##### اشاره

از جمله آیاتی که در قرآن کریم از "عرش خدا" سخن گفته آیات زیر است:

1- در سوره هود می فرماید:

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...

اوست خدائی که آسمانها و زمین را در شش روز [دوران] آفرید و "عرش" او بر آب قرار داشت، تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید...

(2)

2- در سوره یونس فرموده:

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأُمْرَ...

ص: 133

1- به معجم المفهرس ماده "رحم" مراجعه شود.

2- هود/7.

پروردگار شما "الله" است همان که آسمانها و زمین را در شش روز [دوران] آفرید، سپس بر عرش قرار گرفت و به تدبیر کار پرداخت... (1)

3- در سوره فرقان فرموده:

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسَأَلُ بِهِ خَيْرًا .

خداوندی که آسمانها و زمین و هر چه را میان آنهاست در شش روز [دوران] آفرید، سپس بر عرش قرار گرفت، خدای رحمان، از او بخواه که از همه چیز آگاه است. (2)

4- در سوره غافر فرموده:

...الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ .

... آنان که عرش خدا را حمل می کنند و آنان که پیرامون آنند، پروردگارشان را تسبیح و ستایش کرده و به او ایمان دارند و برای مؤمنان [بدین گونه] آمرزش خواهند: پروردگار! رحمت و علم تو همه چیز را فرا گرفته است، پس کسانی را که توبه کرده و به راه تو آمده اند بیامرزد و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار! (3)

4- در سوره زمر می فرماید:

و تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

و فرشتگان را می بینی که برگرد عرش خدا حلقه زده اند و به ستایش /

ص: 134

1- - یونس 3/.

2- - فرقان 59/.

3- - غافر 17/.

پروردگارشان تسبیح گویند. میان آنان به حق داوری گردد و گفته شود: ستایش ویژه "الله" پروردگار جهانیان است! (1)

5- در سوره حاقه می فرماید:

... وَ يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةً .

... آن روز عرش پروردگارت را هشت فرشته بر فراز آنها حمل می کنند. (2)

### شرح کلمات

العرش: عرش در لغت جای سقف دار و جمع آن عروش است. تخت حکومت را به اعتبار بلندی جایگاه و عزت و شوکت حاکم عرش نامیده اند. عرش به معنای ملك و مملکت نیز آمده است. در کتاب لسان العرب گوید: «ثَلَّ اللهُ عَرْشَهُمْ» یعنی: خداوند ملك و سلطنت آنان را نابود کرد. (3) شاعر عرب زبانی در این باره گفته است:

إذا ما بنو مروان ثلَّتْ عروشهم " و أودت كما أودت إياد و حمير

چونابود شد ملك مروانیان فرو ریخت چون حمیر و ایدیان (4)

2- استوی: الف- در کتاب "التحقیق فی کلمات القرآن" ماده "سوی" آمده است:

معنای "استواء" به اقتضای محل، تغییر می کند؛ یعنی در هر جائی بر حسب حال و اقتضای آنجاست.

ب- در کتاب "مفردات راغب" آمده است: "استواء" هرگاه با "علی" متعدی شود معنای "استیلا" یعنی: چیرگی و استقرار یافتن می دهد، مانند: "الرَّحْمَنُ عَلِيُّ الْعَرْشِ" استوی خدای رحمان بر عرش تسلط و چیرگی دارد.

ج- در کتاب "المعجم الوسیط" آمده است: اینکه گفته می شود: "استوی علی سریر الملك او علی العرش"، بر تخت حکومت قرار گرفت یا بر کرسی سلطنت نشست، مقصود

ص: 135

1- - زمر 75.

2- - حاقه 17.

3- - به مفردات راغب و المعجم الوسیط ماده: عرش، و لسان العرب ماده: ثلثل مراجعه شود.

4- - بحار (جلد 58 ص 7).



آن است که: اختیار مملکت را به دست گرفت.

اخطل شاعر در مدح بشر بن مروان اموی گفته است:

قد استوی بشر علی العراق من غیر سیف او دم مهراق

بشر مملکت عراق را بدون شمشیر و خون ریزی در اختیار گرفت. (1)

### تفسیر آیات

پس از آنکه دانستیم "رحمان و رحیم" در اسمای الهی از صفات "رب العالمین" است و هر يك را در دنیا و آخرت آثاری است، و دانستیم که "اسم" در اصطلاح قرآنی به معنای صفات و خواصّ اشیاء و بیان کننده حقیقت آنهاست و "عرش" در لغت عرب کنایه از حکومت و قدرت است، و نیز، دانستیم که "استواء" هرگاه با "علی" متعدی شود معنای "استیلا و چیرگی" می دهد، و اینکه گفته می شود: "استوی علی سریر الملك او علی العرش" بر تخت سلطنت یا بر عرش حکومت نشست، یعنی: "تولّى الملك" اختیار مملکت و حکومت را در دست گرفت.

اکنون اگر به موارد هفت گانه ای که قرآن کریم از "استوای بر عرش" یاد کرده مراجعه کنیم می بینیم در همه آنها "استواء" با "علی" متعدی شده است، مانند:

"اِسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ"، بر عرش قرار گرفت و به تدبیر کار پرداخت (2)

"ثُمَّ اِسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ... يُدَبِّرُ الْأَمْرَ"، سپس بر عرش قرار گرفت... به تدبیر کار پرداخت. (3)

در این آیات [بدون اشاره به نوع تدبیر] با صراحت می فرماید: بر عرش قرار گرفت و به تدبیر امر پرداخت. در سوره اعراف (54) به انواعی از تدبیر نیز اشاره کرده و می فرماید:

"اِسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُعْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ..." بر عرش قرار گرفت، با شب روز را

ص: 136

1- بشر بن مروان برادر عبد الملك مروان خلیفه اموی است که در سال 74 هجری در بصره درگذشت. سرگذشت او را در تاریخ دمشق ابن عساکر می یابید.

2- یونس 3/.

3- سجده 4 و 5 و رعد 2.

می پوشانند... و در سوره حدید(4) تدبیر کار را با کنایه آورده و می فرماید: "إِنَّ تَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا" بر عرش قرار گرفت، آنچه در زمین فرو می رود و آنچه از آن خارج می شود همه را می داند. یعنی خداوند به هر چه در مملکتش جریان یابد آگاه است و همه با تدبیر خود او می گردند.

از اینجا معنای آیه(59)سوره فرقان را نیز درمی یابیم، آنجا که می فرماید: "إِنَّ تَوَى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسَلِّ بِهِ خَبِيرًا" بر عرش قدرت قرار گرفت، خدای رحمان، تنها از او بخواه که از همه چیز آگاه است! یعنی: آنکه بر عرش قدرت قرار گرفته همان خدای رحمان است که همه عالمیان را با رحمت گسترده خویش پرورش داده و هر که در مملکت او کاری انجام می دهد به اقتضای رحمت و رحمانیت اوست.

این موضوع در سوره طه(5) با تأکید بیشتری آمده، می فرماید: "الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى" خدای رحمان است که بر عرش قدرت قرار گرفته و تسلط دارد.

بنابراین، از آنچه که در سوره هود(7) می فرماید: "خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ" آسمانها و زمین را در شش روز [دوران] آفرید و عرش قدرت او بر آب قرار داشت. از آن دانسته می شود که در مملکت خداوندی پیش از خلقت آسمانها و زمین، جز همان آبی که تنها خدا حقیقتش را می داند، چیز دیگری وجود نداشته است.

و از آنچه که در سوره غافر(7) می فرماید: "الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ" آنان که عرش را حمل می کنند، دانسته می شود که مقصود فرشتگان کارگزار درگاه الهی اند که برخی را رسولان قرار داده و برخی را به امداد پیامبران فرستاده است، برخی حاملان عذاب بر امت هائی مانند قوم لوط اند و برخی آدمیان را قبض روح می کنند، و خلاصه، هر يك به کاری ویژه و متناسب با آنچه مقتضای ربوبیت خدای متعال در عالم ماست مشغولند.

و نیز، از آنچه در سوره حاقه(17) می فرماید: "وَ يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَّةٌ" و عرش قدرت پروردگارت را در آن روز هشت فرشته حمل می کنند، دانسته می شود که مقصود این است که فرشتگان اجراکننده فرمان خداوند در روز قیامت هشت



سواری ساخت تا بر پشت آن سوار شوید\* و چون بر آن استقرار یافتید نعمت پروردگارتان را یاد کنید و بگوئید: منزّه است خداوندی که این را مسخّر و رام ما گردانید وگرنه ما را توان تسخیر آن نبود.

آری، همان خداوندی که روش بهره‌گیری از آنچه در این آیات آمده را به ما آموزش داده و به مقتضای "ربوبیت" خود آنها را مسخّر و رام ما ساخته است، هموزنبور عسل را الهام کرد تا در کوهها و داربست‌ها خانه‌گیرد و از گلها و شکوفه‌ها بمکد و عسل بسازد، و هموزنبور را در اختیار ماهیان قرار داد و با الهام غریزی روش بهره‌وری از آن را به آنها آموخت و... و بدین گونه، با رحمت و وسعه خویش نیاز هر یک از مخلوقات را به وسیله موجودات دیگر در اختیار او نهاد و خواصّ اشیاء مورد نیازش را به او آموخت تا از آن بهره‌گیرد. به عبارت دیگر، به زنبور عسل اسامی و خواصّ آنچه را برای ادامه زندگی نیاز داشت بیاموخت، و به ماهیان نیز اسامی و خواصّ اشیاء مورد نیازشان را آموزش داد تا در زندگی به کار گیرند و...

اما انسان که خداوند پس از تکمیل خلقش در معرفی او فرمود: "فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ" بزرگ و خجسته است خدائی که بهترین آفرینندگان است! خداوند همه اسامی و خواصّ اشیاء را به او آموخت. چنانکه در سوره جاثیه (13) فرموده:

"وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ".

خداوند هر چه در آسمانها و زمین است همه را خود مسخّر شما ساخته است.

و در سوره لقمان (20) فرموده:

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ .

آیا ندیدید خداوند آنچه در آسمانها و زمین است همه را مسخّر شما کرده است؟

بنا بر این، پروردگار رحمان هر یک از اصناف مخلوقاتش را در بهره‌گیری از سایر مخلوقات، در حد نیاز هدایت فرموده، و مخلوقی را که مورد نیاز مخلوق دیگر بوده تکویناً مسخّر او ساخته است.

انسان نیز، با استعداد خدادادی و عقل کاوشگری که توان درک خواصّ همه اشیاء را

داراست، اگر بکوشد و در فراگیری علوم مجاهده نماید، خواهد دید که همه مخلوقات برای به کارگیری در اختیار او نهاده شده اند، مثلاً اگر بکوشد تا خواص "اتم" را دریابد یقیناً به آن خواهد رسید، و چون "اتم" از اشیائی است که مسخر انسان گردیده، مسلماً توان شکافتن و به کارگیری آن را در مسیر اهداف خود دارد، همان گونه که خداوند خواص آتش و الکتریسیته و دیگر شاخه های علوم فیزیک و شیمی را در اختیارش نهاد و آنها را مسخر او ساخت تا از فلزات مختلف سفینه فضائی بسازد و آن را در اطراف زمین به گردش در آورد و...

اما این انسان [از آن رو که سرکش و سیری ناپذیر است] نیازمند کسی است که به راه صحیح بهره وری از مسخرات هدایتش نماید تا آنچه را آموخته و در اختیار گرفته در راه زیان خود و دیگران به کار نگیرد، و "حرث و نسل" را با آن به نابودی نکشاند، "ربّ رحمان" انبیای و الامقام را برای هدایت او فرستاده تا روش درست به کارگیری و بهره وری از مسخرات را به او نشان دهند. پس، از جمله آثار رحمت "ربّ رحمان"، فرستادن پیامبران و انزال کتابهای آسمانی و تعلیم مردمان است. بیان این موضوع در سوره "الرّحمن" با تفسیر لفظ "رحمان" چنین است:

"الرّحمن\* عَلَّمَ الْقُرْآنَ". خداوند رحمان، قرآن را تعلیم فرمود.

"خَلَقَ الْإِنْسَانَ\* عَلَّمَهُ الْبَيَانَ". انسان را آفرید، و به او سخن گفتن آموخت.

"الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ" خورشید و ماه با حساب منظمی می گردند.

"وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ" و گیاه و درخت برای او سجده و فروتنی می کنند.

"وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ" آسمان را برافراشت و میزان و قانون بر نهاد.

"وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنْبَاءِ" و زمین را برای خلائق آفرید.

"فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ" در آن میوه ها و نخلهای پرشکوفه است.

"وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ" و دانه های همراه با کاه و گیاهان خوشبو.

"فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ" پس کدام يك از نعمت های "ربّ" تان را تکذیب می کنید؟

"تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ" بزرگ و خجسته است اسم "رب" تو، آن صاحب جلال و اکرام.

و نیز "رب" است که: "يَسْطُرُ الرُّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ" روزی را برای هر که بخواهد گسترش داده و تنگ گرداند. (1)

آنچه از آثار رحمت "رب" در دنیا آوردیم، همه مردمان از مؤمن و کافر را در بر می گیرد. بنابراین، "رحمان" از صفات "رب العالمین" در دنیاست و رحمت او همه خلائق و از جمله مؤمنان و کافران را شامل می گردد.

و چون "رب العالمین" مردمان را به وسیله "وحی" بر پیامبران هدایت می کند، قرآن کریم "وحی" را به نام "رب" که از اسمای حسناى الهی است نسبت داده و می فرماید:

...ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ .

این، از حکمت هائی است که "رب" تو به تو وحی کرده است. (2)

و فرموده:

اتَّبِعْ مَا أَوْحَى إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ .

از آنچه که از سوی "رب" تو بر تو وحی شده پیروی کن. (3)

قرآن همچنین، فرستادن رسولان و انزال کتابهای آسمانی را به "رب العالمین" نسبت می دهد و در شرح حال هود علیه السلام می فرماید: او به قومش گفت:

يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* أَلْبِغْكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي ...

ای قوم من! هیچ گونه سفاهتی در من نیست، ولی من فرستاده ای از سوی "رب العالمین" ام\* [که] رسالت های پروردگارم را به شما می رسانم. (4)

و درباره نوح علیه السلام می فرماید: او به قومش گفت: 8.

ص: 141

1- -سبأ 36/ و 39.

2- -اسراء 39/.

3- -انعام 106/.

4- -اعراف 67 و 68.

يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَ لَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ \* أَلْبَلَّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي ... (1)

ای قوم من! هیچ گونه گمراهی در من نیست، ولی من فرستاده ای از سوی "رب العالمین" ام\* [که] رسالت های پروردگارم را به شما می رسانم.

و درباره موسی علیه السلام می فرماید: او به فرعون گفت:

يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ .

ای فرعون! من فرستاده ای از سوی "رب العالمین" هستم. (2)

و درباره انزال کتابهای آسمانی فرموده:

وَ اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِّن كِتَابِ رَبِّكَ .

آنچه را از کتاب "رب" تو به تو وحی شده تلاوت کن! (3)

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ .

نازل شدن این کتاب، که شك و تردیدی در آن نیست، از سوی "رب العالمین" است. (4)

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ... تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ .

براستی که آن، قرآن کریمی است... نازل شده از سوی "رب العالمین" (5)

و نیز، امر و فرمان را به "رب" نسبت داده و می فرماید:

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ .

بگو: "رب" من به عدالت فرمان داده است، و اینکه، روی خود را در هر مسجد به سوی او بدارید. (6).

ص: 142

1- -اعراف 61/ و 62.

2- -اعراف 104/.

3- -کهف 27/.

4- -سجده 2/.

5- -واقعه 77 و 80.

6- -اعراف 29/.

بدین سبب باید تنها از فرمان "رَبِّ اطاعت کرد، چنانکه از قول خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم و مؤمنان می فرماید:

أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ... وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا...

پیامبر به آنچه از سوی "رَبِّ ش" بر او نازل شده ایمان آورده است، و همه مؤمنان نیز ایمان آورده اند... و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا! آمرزش تو را... (1)

پیامبران نیز، بدان سبب که اوامر "رَبِّ العالمین" را تبلیغ می کنند، خدای متعال اطاعت آنان را در ردیف اطاعت خود قرار داده و فرموده:

...أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ.

...اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید رسول را، و اعمال خویش را تباه نسازید! (2)

همچنین است گناه و معصیت که از هر کس سرزند "رَبِّ العالمین" را نافرمانی کرده است، چنانکه فرموده:

...فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ.

...فرشتگان همگی سجده کردند جز ابلیس - که از جن بود - و از فرمان "رَبِّ ش" بیرون شد. (3)

و نیز فرموده:

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ.

[قوم ثمود] "ناقه" را پی کردند، و از فرمان "رَبِّ شان سرباز زدند! (4)

گاهی نیز لفظ "امر" و فرمان از جمله حذف شده ولی معنای آن باقی است، چنانکه/.

ص: 143

1- -بقره 285/.

2- -محمد 33/.

3- -کهف 50/.

4- -اعراف 77/.



درباره آدم علیه السلام فرموده:

وَ عَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ .

آدم "رب"ش را نافرمانی کرد، و از پاداش محروم شد! (1)

یعنی آدم علیه السلام "امر" ربش را نافرمانی کرد.

پیامبران نیز چون او امر "رب" را به مردم می رسانند، نافرمانی آنان سرپیچی از فرمان "رب" به حساب آید، چنانکه خداوند درباره فرعون و قوم او و کسانی که پیش از آنان بوده اند می فرماید:

وَ جَاءَ فِرْعَوْنُ وَ مَنْ قَبْلَهُ... فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ...

فرعون و کسانی که پیش از او بودند... با فرستاده "رب"شان مخالفت کردند. (2)

انسان پس از نافرمانی نیز، هرگاه توبه می کند از "رب" خویش آمرزش می خواهد، چنانکه فرموده:

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّا أَمَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا .

آنان که می گویند: "پروردگارا! ما ایمان آوردیم، پس گناهان ما را ببامرز! (3)

وَ مَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا .

و سخنشان تنها این بود که: "پروردگارا! گناهان ما را ببامرز! (4)

رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا .

"پروردگارا! گناهان ما را ببامرز، و بدیهای ما را بپوشان! (5)

در سوره قصص از قول موسی علیه السلام می فرماید:

... رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ .

ص: 144

1- طه 121/.

2- حاقة 9/ و 10.

3- آل عمران 16/.

4- آل عمران 147/.



... پروردگار! من به خویشتم ستم کردم، مرا ببخش! او خداوند او را بخشید. (1)

بدین سبب "غفور و غفار" نیز، از صفات "رب" است چنانکه فرموده:

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ .

آنان که گناه کردند و بعد از آن توبه نموده و ایمان آوردند، [بدانند که] "پروردگار" تو پس از آن، "غفور و مهربان" است. (2)

و از قول نوح به قومش می فرماید:

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا .

[نوح گفت به آنان] گفتم: از "پروردگار" تان "آمرزش" بخواهید که او بسیار "آمرزنده و غفار" است. (3)

در سوره بقره فرموده:

فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ .

پس آدم از "پروردگار"ش کلماتی را دریافت، و خداوند توبه او را پذیرفت، زیرا او "توبه پذیر و مهربان" است. (4)

و کسانی که گناه را با توبه جبران نکنند، کیفر کردارشان با "رب العالمین" است، چنانکه فرموده:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ... وَانْبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ .

بگو: ای بندگان من که بر خویشتم اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خدا نومید نشوید... به سوی "پروردگار" تان بازگردید و سر به فرمان او گزارید، پیش!.

ص: 145

1- -قصص 16/.

2- -اعراف 153/.

3- -نوح 10/.

4- -بقره 37/.

از آنکه عذاب به سراغتان آید، سپس یاری نگردید! (1)

پاداش "رب" در برابر اعمال نیز، گاهی در دنیاست، گاهی در آخرت و گاهی در دنیا و آخرت، که قرآن کریم همه را به "رب" نسبت داده و می فرماید:

لَقَدْ كَانَ لِسَ بَاءِ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةً جَنَّاتٍ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ \* فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ \* ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ . (2)

برای قوم "سبا" در محل سکونتشان نشانه ای بود: دو باغ از راست و چپ. [به آنان گفتیم:] از روزی "پروردگار" تان بخورید و سپاس او بگزارید. شهری پاکیزه و "پروردگار"ی آمرزنده! \* آنان روی گرداندند، و ما سیل ویرانگر را بر سرشان فرستادیم و دو باغ [پربار]شان را به دو باغ با میوه های تلخ و شور گز و اندکی از درخت سدر مبدل ساختیم \* این کیفر را به خاطر کفرانشان به آنان دادیم. و آیا جز کفران کننده را کیفر می دهیم!؟

اما پاداش نهائی در قیامت پس از برانگیختن و حسابرسی است. قرآن کریم برانگیختن و حسابرسی را نیز به "رب" نسبت داده و می فرماید:

وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ .

"پروردگار" تو، همو آنان را برمی انگیزد. (3)

و می فرماید:

مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ .

هیچ چیز را در "این کتاب" فروگذار نکردیم. سپس همگی به سوی "پروردگار" شان گردآورده می شوند. (4).

ص: 146

1-- زممر 53/ و 54.

2-- سبا 15/.

3-- حجر 25/.

4-- انعام 38/.

و می فرماید:

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ .

[نوح گفت: حساب آنان تنها با پروردگار من است اگر درک کنید! (1)]

مردم پس از حسابرسی یا مؤمنند که به هر حال مشمول "رحمت" خدا قرار می گیرند و یا غیر مؤمن که از رحمت خدائی بدورند. خداوند درباره مؤمنان فرموده:

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا .

روزی که پرهیزکاران را دسته جمعی به سوی خدای "رحمان" برمی انگیزیم. (2)

آری، رحمت "رب العالمین" در آن روز ویژه مؤمنان است، بدین خاطر نیز خداوند، "رحیم" آخرت نامیده می شود و واژه "رحیم" پس از "رحمان" می آید، چنانکه فرموده:

"الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" .

ستایش ویژه "الله" پروردگار جهانیان است \* آن خدای "رحمان" و "رحیم".

زیرا رحمت «رحمان» در این دنیا همه عالمیان را در بر می گیرد، ولی رحمت «رحیم» ویژه مؤمنان است.

و درباره غیر مؤمنان و کافران فرموده:

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا \* لِلطَّاغِينَ مَبَآءًا ... جَزَاءً وَفَاقًا .

راستی را که جهنم کمینگاهی است سخت \* و بازگشتگاهی برای نافرمانان ...

کیفری برابر [با آنچه می کردند] (3)

به همین سبب نیز، "رب العالمین" مالک روز جزا نامیده شده، چنانکه فرموده:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ .

بنا بر آنچه آوردیم، "رب" هم "رحمان" است و هم "رازق"، هم "رحیم" است و هم "تواب" و هم "غفور" و هم واجد دیگر اسمای حسناست. 6.

ص: 147

1- شعراء 113/.

2- مریم 85/.



خداوند در سوره "اعلی" فرمود: "ربّ" مخلوقات همان است که آنان را به بهترین وجه آفرید، سپس آماده پذیرش هدایتشان فرمود، پس از آن حدود و اندازه زندگی هر يك را معین و آنها را هدایت نمود. در آیات بعدی چراگاه حیوان را مثال زد و فرمود: "ربّ" همان است که چراگاه حیوانات را بیرون آورد و آن را پرورش داد تا پس از سبزی شدید به پایان رشد خود یعنی "گیاه خشکیده" برسد.

همچنین در سوره "رحمان" که آیات آن را آوردیم و همه در وصف "ربوبیت" بود در ابتدای آن به پرورش انسان - از راه آموزش بیان - اشاره کرد و فرمود:

"خَلَقَ الْإِنْسَانَ. عَلَّمَهُ الْبَيَانَ"

انسان را آفرید و او را سخن گفتن آموخت. یعنی او را برای پذیرش هدایت آماده کرد.

و در سوره "علق" به گوشه دیگری از صفات "ربوبیت" در پرورش انسان اشاره کرد و فرمود:

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ... الَّذِي عَلَّمَهُ بِالْقَلَمِ \* عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ .

انسان را از خون بسته آفرید... همان کسی که به وسیله قلم آموزش داد\* و به انسان آنچه را نمی دانست تعلیم فرمود.

یعنی او را برای پذیرش هدایت آماده ساخت.

هر دو مورد مذکور [آموزش بیان و تعلیم با قلم] شرح کلمه "سوی" است که در سوره "اعلی" آمده است.

در سوره "شوری و نساء و آل عمران" چگونگی هدایت انسان به وسیله "ربّ العالمین" را شرح و بسط داده و فرمود: برای انسان دین "اسلام" را مقرر داشت و آن را در کتاب های خود به سوی پیامبرانش فرستاد و...

در سوره "یونس و اعراف" فرمود: پروردگار شما همان خداوندی است که آسمانها و زمین را آفرید و آنها را هدایت تسخیری فرمود.

در سوره "انعام" پس از یادآوری انواع مخلوقات در آیات (95-101) در آیه (102) فرمود:

ذِكْرُ اللَّهِ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ .

این است پروردگار شما، هیچ الهی جز او نیست، آفریننده همه چیز اوست.

پس، تنها او را عبادت کنید.

\*\*\*

آنچه تا اینجا در بحث های ربوبیت از صفات "رب" و اسمای او آوردیم، همگی از صفات "الله" و اسمای حسناى اوست. در بحث از اسمای حسناى الهی - "به یاری خدا- اسمای دیگری را که ویژه "الله" است می آوریم.

ص: 149





## 4 اسمای حسناى الهى

### اشاره

1-الله 2-كرسى

ص: 151



برخی از دانشمندان لغت شناس گفته اند: "اللّه" در اصل "اله" بوده که اسم جنس "آلهه" است، الف و لام تعریف بر سر آن آمده و "الإله" گردیده، سپس الف را حذف کرده و دو لام را در هم ادغام کرده اند تا "الله" شده است. یعنی: "اله" و "الله" مانند: "رجل" و "الرجل" اند، دوتای اول: "اله ورجل" اسم جنس "آلهه" و "رجال" اند، و دوتای دوم: "الله و الرجل" با الف و لام تعریف معرفه شده و "رجل" و "اله" مورد نظر را مشخص کرده اند. بنابراین، معنای "لا اله الا الله" می شود: هیچ الهی نیست مگر آن الهی که مورد نظر و قصد گوینده است.

و این پنداری اشتباه است، زیرا:

لفظ "الله" - به اصطلاح نحویان - "علم مرتجل" [منحصر به فرد] است و مخصوص ذات باری تعالی است؛ آنکه صفاتش جامع جمیع اسمای حسناست و هیچ کس در این نام با او شریک و انباز نمی شود، چنانکه هیچ کس در "الوہیّت و ربوبیّت" با او شریک نگردد.

پس، "الله" در اصطلاح اسلامی اسمی است مخصوص برای ذاتی که در بردارنده جمیع صفات کمال است، چنانکه خود سبحانه و تعالی فرموده: "وَلِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی" همه اسمای حسنی از آن "الله" است (1) و فرموده:

ص: 153

"اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى"

خداوندی که معبودی جز او نیست، همه اسمای حسنی از آن اوست. (1)

بنابراین، "لا اله الا الله" یعنی: هیچ خالق و مؤثری در هستی وجود ندارد، و جز ذات دربردارنده همه صفات کمال و صاحب همه اسمای حسنی، معبود دیگری نیست.

یکی از اسمای حسنی الهی "قیوم" است. "قیوم" یعنی: پاینده، کسی که قائم به ذات خویشتن است، نگهدارنده هر چیز و کسی که مایه قوام موجودات را به آنها می دهد. این معنی در آیه (50) سوره طه آمده است:

رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى

پروردگار ما آن کسی است که به هر موجودی آنچه لازمه آفرینش و قوام او بوده داده، سپس هدایت کرده است!

پس، همان "الله" جامع جمیع صفات کمال و اسمای حسناست که "رب" است و "رحمان" است و "رزاق" است و "تواب" است و "غفار" است و "رحیم" است و "مالک یوم الدین" است و... بدین خاطر نیز، لفظ "الله" در قرآن کریم گاهی به جای ربّ نشسته یعنی آنجا که شایسته ذکر نام "رب" بوده به جای "رب" آمده و صفات "رب" را بر خود گرفته است مانند: "رزاق و تواب و غفور و رحیم" و کسی که به انسان پاداش کارش را می دهد، چنانکه فرموده:

1- اللَّهُ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ .

"الله" است که روزی را برای هر کس بخواهد گسترش داده و تنگ می گرداند. (2)

2- وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ .

و برآستی که "الله" همو توبه پذیر و مهربان است. (3)

3- إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ .

ص: 154

1- -طه 8/.

2- -رعد 26/.

3- -توبه 104/.

راستی را که "الله" آمرزنده و مهربان است. (1)

4- لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ .

تا "الله" پاداششان دهد، پاداش بهترین کاری که می کرده اند. (2)

در آیاتی که گذشت، چنانکه دیدیم، صفات "رزاق و غفور و رحیم" و پاداش دهنده که ویژه «رب العالمین» است به "الله" داده شده، زیرا "الله" جامع جمیع صفات کمال و خود «رب العالمین» است.

برخی اسماء و صفات آمده در قرآن کریم نیز، صفت ویژه "الله" است مانند:

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ  
وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ .

هیچ معبودی نیست جز "الله" که "حیّ و قیوم" و پاینده است. هرگز خواب سبک و سنگینی او را فراموشی گیرد، هر چه در آسمانها و زمین است از آن اوست. چه کسی است که نزد او، جز به فرمانش، شفاعت کند؟ آنچه را که پیش رو و آنچه را که پشت سرشان است می داند، و به چیزی از علم او آگاه نمی گردند، جز آنچه خود بخواهد. "کرسی" حکومت او آسمانها و زمین را در بر گرفته، و نگاهداری آنها خسته اش نمی کند، و اوست که "علیّ و عظیم" [بلند مرتبه و با عظمت] است. (3)

همه اسماء و صفات وارد در این آیه ویژه "الله" است و از صفات "اله" خالق و "رب" پرورشگر جهانیان نیست.

و نیز، صفاتی مانند: "عزیز، حکیم، قدیر، سمیع، بصیر، خبیر، غنی، حمید، /.

ص: 155

1- -بقره 182./

2- -توبه 121./

3- -بقره 255./

ذو الفضل العظيم، واسع علیم، فعّال ما یشاء و... "از صفات مخصوص "اللّه" است.

بنابراین، "اللّه" نامی است برای هر يك از این صفات و حقیقت "اللّه" همین صفات و اسمای حسناست.

در زبان عبری نیز، "یهوه" را به جای "اللّه" و "الوهیم" را به جای "الإله" می آورند.

یکی از صفات "اللّه" این است که "کرسی حکومت" او آسمانها و زمین را در برگرفته است. اکنون به بررسی معنای "کرسی" می پردازیم:

ص: 156

کرسی در لغت به معنای "تخت و علم" است.

طبری و قرطبی و ابن کثیر از ابن عباس روایت کرده اند که گفته است: «کرسی خدا علم اوست.»

طبری گوید: «خداوند همان گونه که از سخن فرشتگان خبر داده که در دعای خود گفتند:

"رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا" پروردگارا! علم تو همه چیز را فراگرفته، در این آیه، نیز، خبر داده که: "وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ" علم او آسمان و زمین را فراگرفته است. زیرا، "کرسی" در اصل به معنای علم است، و اینکه عرب به جزوه علمی "کراسه" گوید از همین باب است، چنانکه به علما و دانشمندان هم گفته می شود "کراسی" و...» - پایان سخن طبری.

اضافه بر آنچه طبری گفته، ما نیز - به یاری خدا - می گوئیم: خداوند متعال سخن ابراهیم علیه السلام به قوم خود را آورده که به ایشان گفته است:

وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ .

علم پروردگار من همه چیز را در بر گرفته، آیا پند نمی گیرید؟ (1)

و سخن شعیب علیه السلام به قوم خود را که گفته است:

ص: 157



وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا .

علم پروردگار ما همه چیز را دربرگرفته است. (1)

و سخن موسی علیه السلام به سامری را که گفته است:

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا .

معبود شما تنها "الله" است، همان که جز او معبودی نیست، علم او همه چیز را فراگرفته است. (2)

ششمین وصی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یعنی امام جعفر صادق علیه السلام نیز، در پاسخ کسی که پرسید: معنای "کرسی" در جمله: "وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ" چیست؟ فرمود: علم خداست. (3)

"کرسی" در قرآن کریم به هر دو معنای: "تخت و علم" آمده است. خداوند در داستان سلیمان علیه السلام در سوره: "ص" فرموده:

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا...

ما سلیمان را آزمودیم و بر کرسی [تخت] او جسدی افکندیم... (4)

و در این آیه می فرماید:

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ...

خداوند، پیشروى آنان و پشت سرشان را می داند، و به چیزی از «علم» او آگاه نگردند، جز آنچه خود بخواهد. کرسی [علم] او آسمانها و زمین را فراگرفته است. (5)

«کرسی» چنانکه در آیه شریفه مشهود است پس از «علمه» آمده که با این قرینه معنای/.

ص: 158

1- -اعراف/89.

2- -طه/98.

3- -توحید صدوق ص 327 باب معنی قول الله عز و جل: "وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ".

4- -ص/34.

5- -بقره/255.

آن می شود: به چیزی از "علم خدا" - جز آنچه خود بخواند - آگاه نگردند، "علم او" آسمانها و زمین را دربرگرفته است.

بنابراین، معنای برخی از روایات که می گوید: "کلّ شیء فی الکرسیّ" همه چیز در "کرسی" است، این می شود که: همه چیز در علم خداوند است.

در اینجا بحث "اسمای حسناى الهی" را پایان می دهیم و بحث «عبودیت» را که با آن مرتبط است بررسی می نمائیم.

ص: 159

"عبد" یعنی: اطاعت کرد، "عبودیت" یعنی: اطاعت با خضوع و فروتنی و "عبادت" یعنی: اطاعت با نهایت خضوع و فروتنی که از "عبودیت" رساتر است.

### الف-عبودیت

در جمله «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» در سوره "حمد" که پس از ذکر «رَبِّ الْعَالَمِينَ» آمده، "عبودیت" به معنای اطاعت است، یعنی: تنها تو را اطاعت می کنیم.

در حدیث امام صادق علیه السلام نیز که فرموده: "من اطاع رجلا في معصية فقد عبده" هر کس انسانی را در گناهی اطاعت کند او را عبادت کرده. (1) چنانکه مشهود است، "عبادت و اطاعت" قرین هم و به یک معنی آمده اند.

در سخن امام رضا علیه السلام نیز، گوش فرادادن به سخن دیگران که نوعی اطاعت و پیروی از آنان است "عبادت" دانسته شده، چنانکه فرموده:

من اصغى الى ناطق فقد عبده، فإن كان الناطق عن الله عزّ وجلّ فقد عبد الله، وإن كان الناطق عن ابليس فقد عبد ابليس.

هر کس به گوینده ای گوش بسپارد او را "عبادت" کرده است، حال اگر گوینده از خدای عزّ و جلّ سخن گوید، خدا را "عبادت" کرده و اگر از ابلیس سخن گوید،

ص: 160

ابلیس را "عبادت" کرده است. (1)

"عبادت" برای موجودات با شعور، اختیاری، و برای دیگران با تسخیر است. چنانکه خدای سبحان به انسانها فرموده:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ...

ای مردم! پروردگارتان را "عبادت" کنید، همان که شما و پیشینیان شما را آفرید... (2)

و درباره دیگر موجودات فرموده:

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ.

تمام آنچه در آسمانها و زمین است از جنبنندگان و فرشتگان برای خدا سجده [فروتنی] می کنند و تکبر نمی ورزند. (3)

## ب- عبد

برای "عبد" چهار معنی است:

1- "عبد" به معنای "برده" مانند آنچه خدای متعال در سوره نحل فرموده:

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ .

خداوند مثالی زده: برده مملوکی را که قادر بر هیچ چیز نیست. (4)

جمع این عبد "عیید" است، چنانکه از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده اند که فرموده:

من خرج الينا من العیید فهو حرّ.

هر يك از "بردگان" که به سوی ما [اسلام] بیاید آزاد است. (5)

ص: 161

1- عیون اخبار الرضا علیه السلام جلد 1 ص 303 حدیث 63، وسائل الشیعة جلد 18 ص 92 حدیث 13.

2- بقره 21.

3- نحل 49.

4- نحل 75.

5- مسند احمد جلد 1 ص 248.

2- "عبد" به معنای "بنده شدن"، روشن ترین مثال آن در سخن خدای متعال است که فرموده:

إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا.

هیچ کس در آسمانها و زمین نیست مگر آنکه به حال "بندگی" نزد خدای رحمان آید. (1)

در این معنی نیز جمع عبد "عبید" [بندگان] است مانند: "وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ" خداوند نسبت به بندگان ستم نمی کند. (2)

3 و 4- "عبد" به معنای بنده عبادتگر و خدمت کننده که تعبیر "عابد" درباره آن رساتر است، و این بر دو قسم است:

الف- "عبد" و بنده خالص و حقیقی خدا بودن که جمع آن "عباد" است، مانند سخن خدای متعال در حکایت از موسی و جوان همراهش که می فرماید:

فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا .

در آنجا "بنده" ای از "بندگان" ما را یافتند که از نزد خود رحمتی به او داده بودیم. (3)

ب- "عبد" و بنده دنیا بودن یعنی کسی که همه توان خود را وقف دنیا و دنیاخواهی کند، در اینجا نیز جمع عبد "عبید" است، چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده: "تعبس عبد الدرهم و عبد الدینار" بنده درهم و دینار [طلا و نقره] هلاک شده است. (4)

و چون پروردگار عالمیان برای هدایت مردمان "امر و نهی" دارد به کسی که فرمان خدا را اطاعت می کند می گویند: "عبد الرب" بندگی پروردگار نمود، او "عابد" است، یعنی:

اطاعت خدا کرده و مطیع پروردگار است.

و نیز، چون "اله" به معنای معبود است، و برای او مراسم دینی برگزار می شود،).

ص: 162

1- -مریم/93.

2- -انفال/51.

3- -کهف/65.

4- -سنن ابن ماجه(ص1386).

می گویند: "عبد فلان الإله فلانی خدا را عبادت [پرستش] کرد، او عابد [پرستنده] است، یعنی: او مراسم دینی را برای خدا به جا می آورد.

(1)

همه آنچه را که در بحث های "الوهیت" از صفات "اله" برشمردیم، و در بحث های "ربوبیت" از صفات "رب" دانستیم، همگی از صفات "الله" ربّ العالمین است. یکی دیگر از صفات «ربّ العالمین» اینست که: جریان هر چیزی به مشیت و خواست اوست، و ما - به یاری خدا - در بحث آینده آن را توضیح می دهیم. م.

ص: 163

---

1- آنچه درباره "عبد" آوردیم فشرده ای است از مطالب ماده "عبد" در کتاب صحاح جوهری، مفردات القرآن راغب، قاموس اللغة فیروزآبادی و معجم الفاظ القرآن الکریم چاپ مصر که عبارات آنها را ممزوج کرده و با سیاق یکسان بیان داشتیم.



الف- معنای مشیت.

ب- مشیت خدا در رزق ج- مشیت خدا در هدایت د- مشیت خدا در رحمت و عذاب

ص: 165





## الف-مشیت در لغت

"مشیت" در لغت به معنای "اراده و خواستن" است و به این معنی، مردم نیز دارای مشیت اند، خداوند در قرآن کریم فرموده:

"إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا"

این هشدار و تذکری است، پس هر کس "بخواهد" راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند! (1)

یعنی: انسان اگر "بخواهد و اراده" کند که راهی به سوی پروردگارش برگزیند با کمال آزادی و به اختیار خود بر آن قادر است، مانند این آیه، در سوره های مدثر (55)، عبس (12)، تکویر (28)، کهف (29)، و غیر آنها نیز آمده است.

خداوند مشیت به معنای لغوی را به خود نیز نسبت داده و فرموده:

1- أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظُّلَّ وَ لَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا .

آیا ندیدی چگونه پروردگارت سایه را گسترده ساخت؟ و اگر "می خواست" آن را ساکن قرار می داد. (2)

2- فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فِی النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَ شَهِيقٌ \* خَالِدِينَ فِيهَا

ص: 167

---

1- -مزمل 19 و انسان 29.

2- -فرقان 45.

مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ\* وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْذُودٍ .

اما آنان که بدبخت شدند، در آتشند و برای آنان در آنجا "زفیر و شهیق" [ ناله های بلند دم و بازدم] است\* و تا آسمانها و زمین برپاست جاودانه در آن می ماند، مگر آنچه پروردگارت "بخواهد" که پروردگار تو هر چه را بخواهد انجام می دهد\* و اما آنان که خوشبخت شدند، در بهشت اند و تا آسمانها و زمین برپاست جاودانه در آن می ماند، مگر آنچه پروردگارت "بخواهد"، بخششی است پیوسته. (1)

همانند این دو آیه در سوره های اسراء(86) و فرقان(51) نیز آمده است.

اما معنای آیات گذشته چنین است:

1- خداوند سبحان در مورد اول فرمود: "أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ" آیا ندیدی خداوند چگونه-بعد از ظهر-به تناسب نزدیکی خورشید به مغرب، سایه را به سوی مشرق گسترش داد تا آنگاه که غروب کرد به حدّ نهائی اش در شب رسانید و اگر "می خواست" سایه را همیشه ساکن قرار می داد، یعنی: گسترش سایه و حرکت آن به "مشیت و اراده" الهی است و از خواست خدا بیرون نیست.

2- خداوند در مورد دوم فرمود: اهل جهنم برای همیشه در آتشند، و اهل بهشت برای همیشه در بهشت، و این با قدرت و "مشیت" خداوندی است و از خواست خدا بیرون نیست.

## ب- مشیت در اصطلاح قرآنی

هرگاه پس از واژه های: رزق، هدایت، عذاب، رحمت و مشتقات آنها در قرآن کریم، بحث از "مشیت خدا" آمده، مقصود آن است که جریان رزق و روزی و هدایت و امثال

ص: 168

آنها بر اساس سنت هائی است که خداوند به مقتضای حکمت خویش مقرر داشته است، و سنت خداوندی در این امور تغییرناپذیر است و آنها از مصادیق این آیه شریفه اند که می فرماید: "سُنَّةَ اللَّهِ... وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا" این سنت الهی است... و در سنت الهی هیچ گونه تبدیلی نخواهی یافت! (1) چنانکه در سوره فاطر نیز می فرماید:

فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا .

هرگز در سنت خدا تبدیلی نخواهی یافت، و هرگز در سنت الهی تغییری نمی یابی!.

ص: 169

---

1- - احزاب 62 / و فتح 23.

1- خداوند در سوره شوری می فرماید:

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ .

کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست. "روزی" را برای هر کس "بخواهد" گسترش می دهد یا تنگ می گرداند. او به همه چیز آگاه است. (1)

2- در سوره عنکبوت فرموده:

وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ\* وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ\* اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ\* وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ .

چه بسا جنبنده ای که قدرت حمل "روزی" خود را ندارد، خداوند او و شما را "روزی" می دهد و او شنوا و داناست\* و هرگاه از آنان بپرسی: چه کسی آسمانها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را مسخر کرده است؟ می گویند:

ص: 170

"الله! پس با این حال، چگونه به انحراف کشیده می شوند؟! خداوند "روزی" را برای هر کس از بندگانش که "بخواهد" گسترش داده و تنگ می گرداند، خداوند به همه چیز آگاه است\* و اگر از آنان پرسسی: چه کسی از آسمان آبی فرستاد و با آن زمین را، پس از مردنش، زنده کرد؟ می گویند:

"الله" بگو: حمد و ستایش ویژه خداست، اما بیشتر آنان نمی دانند. (1)

3- در سوره سبأ فرموده:

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ .

بگو: پروردگار من "روزی" را برای هر يك از بندگانش که "بخواهد" وسعت داده و یا تنگ می گرداند. و هر چه را انفاق کنید، جای آن را پر می کند و او بهترین "روزی دهندگان است. (2)

4- در سوره اسراء می فرماید:

وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا\* إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا\* وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيرًا... وَ لَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا\* وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا .

نه دست خود را بسته و آویزه گردن کن [تا از انفاق بازمانی] و نه به یکباره آن را بگشای که سرزنش دیده و حسرت بار گردی\* مسلماً پروردگارت "روزی" را برای هر کس "بخواهد" گشاده یا تنگ می گرداند، او به حال بندگانش آگاه است\* فرزندان خود را از بیم فقر نکشید! اما آنان و شما را "روزی" می دهیم./.

ص: 171

1- - عنكبوت 60/63.

2- - سبأ 39/.

یقیناً کشتن آنان گناه بزرگی است... و به مال یتیم، جز به نیکوترین وجه، نزدیک نشوید تا آنگاه که به حد بلوغش رسد، و به عهد خویش وفا کنید که از عهد و پیمان سؤال می گردد! \* و چون چیزی را پیمانہ کنید، حق پیمانہ را ادا نمائید، و با ترازوی درست وزن کنید که این بهتر و نیک فرجامتر است. (1)

5- در سوره آل عمران فرموده:

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ \* تُؤَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ .

بگو: بار خدایا! مالک حکومتها توئی؛ به هر کس "بخواهی" حکومت می بخشی، و از هر کس "بخواهی" حکومت می گیری؛ هر کس را "بخواهی" عزت بخشیده و هر کس را "بخواهی" خوار گردانی. خوبی ها همه به دست توست و تو بر هر چیزی توانائی. شب را در روز داخل کرده و روز را در شب می بری، و زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده، و به هر کس "بخواهی" بدون حساب "روزی" می دهی. (2)

### مشیت خدا چگونه است؟

در بحث پاداش اعمال آوردیم که خداوند متعال وسعت روزی را در «صله رحم» قرار داده، و اولاد آدمی آثار صلاح و درستی پدرش را به ارث می برد، چنانکه در داستان موسی علیه السلام و عبد صالح خدا [خضر علیه السلام] گذشت که دیوار در حال فرو ریختن را برپا داشت تا گنج مدفون زیر آن برای دو یتیمی که پدرشان مرد صالحی بود، باقی بماند و آن دو پس از رسیدن به سن بلوغ و رشد خود، آن را بیرون آورند. این دو، نمونه ای از

ص: 172

1- - اسراء 29-35.

2- - آل عمران 26-27.

"مشیت" و خواست خدا در امر روزی دادن است که بر اساس "سنت های ثابت الهی" جریان می یابد.

ص: 173



### اشاره

هدایت انسان در قرآن کریم دو گونه است:

1- هدایت به معنای آموزش عقاید و احکام اسلام.

2- هدایت به معنای توفیق در ایمان و عمل صالح.

قرآن کریم هدایت نوع اول را بیشتر به پیامبرانی نسبت می‌دهد که خداوند برای تبلیغ و رساندن عقاید و احکام اسلام به انسانها فرستاده است. گاهی نیز، آن را به خود خدا که پیامبران را با دین اسلام فرستاده نسبت می‌دهد.

قرآن کریم هدایت نوع دوم را تنها به خدا نسبت می‌دهد، گاهی با ذکر "مشیت" و اینکه این هدایت خواسته خداوند است، و گاهی بدون ذکر "مشیت".

خداوند شرط بهره‌گیری از هر دو نوع هدایت را، پسند و گزینش مردم و اقدام عملی آنان برای رسیدن به آن قرار داده است. بیان آن در مباحث سه‌گانه زیر می‌آید:

### الف-هدایت آموزشی

قرآن هدایت آموزشی مردمان به معنای تبلیغ اسلام را گاهی به انبیا نسبت داده و می‌فرماید:

وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ \* صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ .

براستی که تو به سوی راه راست هدایت می‌کنی\* راه خداوندی که هر چه در

آسمانها و زمین است از آن اوست. آگاه باشید! همه کارها به سوی خدا بازمی گردد. (1)

گاهی نیز، هدایت انبیا را به خدا نسبت داده و می فرماید:

1- وَ جَعَلْنَا لَهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا .

آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند. (2)

2- هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ .

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند. (3)

به همین معنی، هدایت را به کتابهای آسمانی نیز، نسبت داده و فرموده:

1- شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الْفُرْقَانِ .

ماه رمضان ماهی که قرآن هدایتگر مردمان، و نشانه هایی از ره یافت و جدائی حق و باطل، در آن ماه نازل گردیده است. (4)

2- وَ أَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ \* مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ .

و تورات و انجیل را، از پیش، برای هدایت مردم فرستاده است. (5)

گاهی نیز، هدایت آموزشی را مستقیماً به خدای ذو الجلال نسبت داده و فرموده:

1- أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ، وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ \* وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ .

آیا برای انسان دو چشم قرار ندادیم؟ و یک زبان و دو لب؟ و او را به راه خیر و شر هدایت نکردیم؟! (6)0.

ص: 175

1- -شوری 52/ و 53.

2- -انبیاء 73/.

3- -توبه 33/.

4- -بقره 185/.

5- -آل عمران 3/ و 4.

6- -بلد 8-10.

2- وَأَمَّا تُمُودٌ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى .

اما قوم ثمود را هدایت کردیم، ولی آنان بی بصری را بر هدایت ترجیح دادند! (1)

بنابراین، خدای متعال هدایت تعلیمی و آموزش اسلام را گاهی به پیامبران و کتاب های خویش نسبت می دهد، و گاهی به ذات پاك خویشان! و این از آن روست که خود او پیامبران را با این کتاب ها برای آموزش مردم فرستاده است.

در بحث آینده چگونگی برخورد انسان با پذیرش یا ردّ این هدایت را- به یاری خدا- بررسی می نمایم.

## ب- انسان و گزینش هدایت یا گمراهی

### اشاره

با دقت در آیات قرآن درمی یابیم که مردم همیشه پس از آمدن انبیا و کتابهای آسمانی، به دو گروه تقسیم شده اند: دسته ای هدایت را بر گمراهی برمی گردیدند، و دسته ای گمراهی را بر هدایت ترجیح می دادند، به آیات زیر توجه فرمائید:

1- إِنَّمَا أَمْرُهُ أَنْ عَبَدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ... وَأَنْ أَتْلُوا الْقُرْآنَ فَمَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ .

[بگو: من مأمور شده ام پروردگار این شهر را عبادت کنم... و اینکه قرآن را تلاوت نمایم، پس هر کس هدایت یافت به سود خود هدایت شده، و هر کس گمراه شد، بگو: من تنها از بیم دهندگانم! (2)]

2- قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ .

بگو: ای مردم! حق از سوی پروردگارتان به سراغ شما آمده، هر کس هدایت یابد، به سود خویش هدایت یافته، و هر کس گمراه شود، تنها به زیان خود گمراه می گردد، و من وکیل بر شما نیستم. (3)

ص: 176

1- -فصلت 17/.

2- -نمل 91/ و 92/.

3- -یونس 108/.

3- مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا .

هر کس هدایت یابد، به سود خویش هدایت یافته، و هر کس گمراه شود، تنها به زیان خود گمراه می گردد؛ و هیچ کس بار گناه دیگری را بر نمی دارد؛ و ما هرگز [کسی را] مجازات نمی کنیم مگر آنکه پیامبری برانگیخته باشیم. (1)

### انسان هدایت جو و امداد الهی

خداوند در سوره مریم درباره هدایت خواهان هدایت جو می فرماید:

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى .

آنان که در مسیر هدایت افتاده اند، خداوند بر هدایتشان می افزاید. (2)

و در سوره "محمد" صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ .

آنان که هدایت یافتند، خداوند بر هدایتشان افزود و به ایشان روح تقوی بخشید. (3)

آنان که بعد از آمدن رسولان الهی هدایت را برگزیده و در راه خدا به تلاش بر می خیزند، سزاوار توفیق خداوندی می گردند. ولی کسانی که پیامبران را تکذیب کرده و از هوای نفس پیروی کنند، گمراهی آنان حتمی و یقینی است. خدای سبحان از هر دو گروه خبر داده و فرموده:

1- وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ .

آنان که در راه ما به تلاش برخیزند، یقیناً به راههای خود، هدایتشان می کنیم. و خداوند با نیکوکاران است. (4)

ص: 177

1- اسراء/15.

2- مریم/76.

3- محمد/17.

4- عنكبوت/69.

2- وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ\* إِنَّ تَحْرِيصَ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَن يُضِلُّ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ .

ما در بین هر امتی رسولی برانگیختیم که: خدای را عبادت کنید و از طاغوت دوری گزینید! برخی را خداوند هدایت کرد، و برخی گمراهی شان به اثبات رسید. پس، در روی زمین بگردید و بنگرید سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بود! \* اگر بر هدایتشان اصرار بورزی [بدان که] خداوند هر کس را گمراه ساخت هدایت نمی کند، و آنان هیچ یآوری ندارند. (1)

3- فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ .

خداوند، گروهی را هدایت کرده، و گروهی گمراهی شان به اثبات رسیده، آنان شیاطین را به جای خداوند اولیای خود برگزیدند، و می پندارند که هدایت یافته گانند: (2)

این نوع از «هدایت»، هدایتی است با «مشیت» الهی. شرح آن چنان است که می آید:

### ج- هدایت به معنای توفیق ایمان و عمل با مشیت خداوندی

#### اشاره

هدایت به معنای امداد الهی در ایمان و عمل با اشاره به مشیت الهی در آیات زیر در سوره های بقره، نور و یونس، چنین آمده است:

وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ .

خداوند هر کس را "بخواهد" به راه راست هدایت می کند. (3)

در سوره انعام آمده است:

ص: 178

1- -نحل 36/37.

2- -اعراف 30/.

3- -بقره 142/ و 213 و نور 46/ و یونس 25/.

مَنْ يَشَأْ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَ مَنْ يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ .

خداوند هر کس را "بخواهد" گمراه می کند، و هر کس را "بخواهد" بر صراط مستقیم قرار می دهد. (1)

در سوره قصص آمده است:

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ .

تو نمی توانی هر که را دوست داری هدایت کنی، ولی خداوند هر که را "بخواهد" هدایت می کند، و او به هدایت یافتگان آگاهتر است. (2)

### شرح کلمات

1- صراط مستقیم: صراط، راه آشکار، و مستقیم، راست و بدون کژی است.

"صراط مستقیم" دین را خداوند در سوره فاتحه چنین بیان داشته است:

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ .

راه آشکار کسانی که نعمتشان دادی، نه کسانی که بر آنان غضب کرده ای، و نه گمراهان. (3)

خداوند در سوره مریم کسانی را که نعمت داده بیان داشته و پس از ذکر داستان زکریا و یحیی و مریم و عیسی علیه السلام می فرماید: "وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ...". در این کتاب [قرآن] ابراهیم را یاد کن... "وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى" ... در این کتاب موسی را یاد کن... وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيلَ" ... "وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِدْرِيسَ" ...

سپس می فرماید:

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ... وَ مِمَّنْ هَدَيْنَا وَ اجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا .

آنان پیامبرانی بودند که خداوند نعمتشان داده بود، از فرزندان آدم... و از

ص: 179

1- -انعام/39.

2- -قصص/56.

3- -فاتحه/7.

کسانی که هدایت کردیم و برگزیدیم. کسانی که هرگاه آیات خدای رحمان بر آنان تلاوت می شد، سجده کنان و اشک ریزان به خاک می افتادند. (1)

صراط و راه اینان دین اسلام، و سیره و روش زندگی شان عمل به آن بود، همان که مردم را به آن فرا می خواندند.

2- الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ: کسانی که بر آنان غضب شده، اینان تنها قوم یهود بودند که خدای متعال در سوره بقره آنان را معرفی کرده و فرموده: وَضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةَ وَالْمَسْكَنَةَ وَبَأُوْ بَغْضٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ.

ذلت و خواری و بیچارگی بر آنان مقرر شد، و با خشم خدا قرین آمدند، و این بدان سبب بود که به آیات الهی کفر می ورزیدند، و پیامبران را به ناروا می کشتند، و این برای آن بود که نافرمانی کرده و تجاوز می نمودند. (2)

همانند این تعبیرات درباره آنان، در سوره آل عمران (112)، نیز، آمده است.

3- وَلَا الضَّالِّينَ: ضالین: گمراهان، همه کسانی که از اسلام روی گردانند، چنانکه در سوره آل عمران (85-90) با صراحت فرموده:

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ... وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ.

هر کس جز اسلام دینی را برگزیند از او پذیرفته نخواهد شد... و آنان همان گمراهانند.

4- یهدی: هدایت می کند، شرح آن را در بحث هدایت «رب العالمین» بجویید./

ص: 180

1- -مریم/58.

2- -بقره/61.

## چهارم- مشیت الهی در عذاب و رحمت:

بیان مشیت الهی در عذاب و رحمت، در مواردی از قرآن کریم از جمله در سوره اعراف آمده است. خداوند با اشاره به دعای موسی علیه السلام می فرماید:

وَ اَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ اِنَّا هُدْنَا اِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي اُصِيبُ بِهِ مَنْ اَشَاءُ وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَاكُنْهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ\* الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الَّذِي يَحْدُوهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْاِنْجِيلِ يَا اُمَّرُؤهُم بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحْرِمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ اِصْرَهُمْ وَ الْاَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّوْهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي اُنزِلَ مَعَهُ اُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ .

[موسی گفت:] و برای ما در این دنیا و در آخرت، نیکی مقرر فرما، ما به سوی تو بازگشته ایم. فرمود: عذاب خود را به هر کس «بخوام» می رسانم، و رحمت من همه چیز را فراگرفته است. آن را برای کسانی که تقوا پیشه کنند و زکات پردازند، و آنان که به آیات ما ایمان می آورند، مقرر خواهم داشت\* آنان که از این پیامبر و نبی "امی" پیروی می کنند. پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیل نزد خود می یابند. آنان را به معروف فرمان داده و از منکر بازمی دارد، پاکیزه ها را بر آنان حلال شمرده و ناپاکها را حرام می کند و بارهای



سنگین و زنجیرهایی را که بر آنان بود برمی دارد. پس، کسانی که به او ایمان آوردند و گرمی اش داشتند و یاریش کردند و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان همان رستگارانند. (1)

در سوره انبیاء می فرماید:

اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ\* مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ\* لَا هِيَ تَقُوبُهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَانْتُمْ تُبْصِرُونَ\* قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ\* بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلْ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ\* مَا آمَنَّا قَبْلَهُمْ مِنْ قُرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ\* وَ مَا أُرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رَجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْتَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ\* وَ مَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَ مَا كَانُوا خَالِدِينَ\* ثُمَّ صَدَقْنَاَهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَ أَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ\* لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ .

[روز] حساب مردم به آنان نزدیک شد و آنان همچنان در غفلت و بی خبری روی گردانند! \*هیچ یادآور تازه ای از سوی پروردگارشان برای آنان نمی آید مگر آنکه آن را شنیده و به بازی می گیرند \*دلهاشان در لهو و بی خبری فرورفته، و آنان که ستم کردند پنهان و در گوشی گفتند: آیا او جز بشری همانند شماست؟! آیا با آنکه می بینید از پی سحر می روید؟! \* [پیامبر] گفت: پروردگرم همه سخنان آسمان و زمین را می داند، و او شنوا و داناست \* گفتند: [اینها وحی نیست] بلکه خوابهای آشفته است، یا آن را به دروغ به خدا نسبت داده، نه، بلکه او یک شاعر است! باید برای ما معجزه ای بیاورد، همان گونه که پیامبران پیشین فرستاده شدند \* هیچ يك از آبادیهای پیش از 7.

ص: 182

اینان-که نابودشان کردیم-ایمان نیاوردند. آیا اینان ایمان می آورند؟\* ما پیش از تو، جز مردانی که به آنان وحی می کردیم [موجود دیگری] نفرستادیم.

اگر نمی دانید از آگاهان پرسید\* ما پیامبران را کالدهایی که غذا نخورند قرار نداده بودیم، آنان عمر جاویدان هم نداشتند! \*سپس وعده ای را که به آنان داده بودیم راست گردانیدیم، و مسرفان را هلاک نمودیم! \* ما بر شما کتابی نازل کردیم که مایه تذکر و اعتلای شما در آن است، آیا درک نمی کنید؟! (1)

در سوره "اسراء" فرموده:

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَدْمُومًا مَدْحُورًا\* وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا\* كَلَّا نُمَدُّ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا.

هر کس که زندگی زودگذر دنیا را بخواهد، هر چه "بخواهیم" و به هر کس "اراده" کنیم در دنیا به او می دهیم، سپس جهنم را برایش مقرر داریم تا نکوهیده و رانده شده ملازم آن گردد\* و هر کس خواهان آخرت باشد و برای آن بکوشد- در حالی که مؤمن باشد- پاداش سعی او داده خواهد شد\* هر يك از دو گروه را از عطای پروردگارت افزونی دهیم که عطای پروردگارت هیچ گاه [از کسی] دریغ نشده است. (2)

در سوره "انسان" می فرماید:

إِنَّ هَؤُلَاءِ يُجِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا\*... \* إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا\* وَ مَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا\* يَدْخُلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَ الظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. 0.

ص: 183

1- - انبیاء/1-10.

2- - اسراء/18-20.

اینان زندگی زودگذر دنیا را دوست داشته و روز سختی را پشت سر خود رها می کنند! \*...\* این يك یادآوری است، پس هر که خواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند\* و شما چیزی نمی خواهید مگر آنکه خدا "بخواهد"، خداوند دانا و حکیم است\* هر کس را "بخواهد" در رحمت خود وارد می کند.

و برای ستمکاران عذابی دردناک آماده کرده است. (1)

\*\*\*

این معنای "مشیت" و اراده «رب العالمین» بود. از جمله صفات خداوند متعال این است که هر چه را بخواهد "محو یا اثبات" می کند که معنای آن را - به یاری خدا - در بحث آینده می آوریم. 1.

ص: 184

اشاره

الف- معنای بداء.

ب- بداء در اصطلاح علمای عقاید اسلامی.

ج- بداء در قرآن کریم.

د- روایات مکتب خلفا درباره بداء.

ه- روایات امامان اهل بیت علیهم السّلام درباره بداء.

ص: 185



## نخست-معنای لغوی بداء

بداء در لغت دو معنی دارد:

1- "بدا الأمر بدواً و بداء"، یعنی: این موضوع آشکار و واضح شد. پس، یکی از معانی "بداء" آشکار شدن و وضوح است.

2- "بدا له فی الأمر کذا، یعنی: در این موضوع چنین رأیی برایش پیدا شد، رأی تازه ای پیدا کرد.

## دوم-معنای بداء در اصطلاح علمای عقاید اسلامی

علمای "عقاید اسلامی" گفته اند: "بداء" درباره خداوند، آشکار کردن چیزی است که بر بندگان مخفی بوده و ظهورش برای آنان تازگی دارد. بنابراین، کسانی که پنداشته اند مقصود از "بداء" درباره خداوند این است که برای حق تعالی نیز، همانند مخلوقات، رأی تازه ای-غیر از آنچه پیش از "بداء" داشته-پیدا می شود سخت در اشتباهند، راستی را که خداوند برتر و بالاتر از آن است که می پندارند.

## سوم-بداء در قرآن کریم

### اشاره

الف-خدای متعال در سوره "رعد" آیات (7 و 27) می فرماید:

و يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ...

کسانی که کافر شدند می گویند: چرا آیت و معجزه ای از پروردگارش بر او نازل

ص: 187

سپس در آیات (38-40) همان سوره می فرماید:

... وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ \* يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ \* وَإِنْ مَا نُرِيكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَ عَلَيْنَا الْحِسَابُ .

هیچ پیامبری را شاید که آیت و معجزه ای بیاورد مگر به فرمان خدا. هر دورانی را سرنوشتی است\* خداوند هر چه را بخواهد محو و نابود، و هر چه را بخواهد اثبات و بر جای می گذارد، و ام الكتاب [ لوح محفوظ] نزد اوست\* و اگر پاره ای از آنچه را که به آنان وعده می دهیم به تو نشان دهیم، یا تو را [پیش از موعد] بمیرانیم، در هر حال، آنچه بر عهده توست تنها تبلیغ و رساندن است، حساب [آنان] بر ماست.

### شرح کلمات

1- آیه: آیه در لغت علامت و نشان آشکار است، چنانکه این شاعر گفته است:

و فی کلّ شیء له آیه تدلّ علی أنّه واحد

در هر چه که بنگری نشانه آشکار وجود و دلیل روشن یکتائی خداوند است.

معجزات انبیا از آن رو "آیت" نام گرفته که نشان درستی آنان، و دلیلی بر قدرت الهی است، همان پروردگاری که ایشان را توان آوردن چنان معجزاتی مانند عصای موسی و ناقه صالح بخشیده است. همان گونه که در آیات (67) سوره شعرا و (73) سوره اعراف گذشت.

قرآن کریم همچنین انواع عذاب هائی را که خداوند بر امت های کافر نازل فرموده، "آیت" نامیده است، چنانکه در سوره شعراء درباره قوم نوح می فرماید:

ثُمَّ أَعْرَفْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ \* إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً .

سپس بر جای ماندگان را غرق کردیم\* راستی را که در آن "آیت" و نشانه ای

است. (1)

و درباره قوم هود می فرماید:

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً .

آنان پیامبرشان [هود] را تکذیب کردند، ما هم نابودشان کردیم. راستی را که در آن "آیت" و نشانه ای است [برای خردمندان]. (2)

و درباره قوم فرعون در سوره اعراف فرموده:

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ .

پس، طوفان و ملخ و آفت گیاهی و قورباغه و خون را- که آیات و نشانه های جدا جدا بودند- بر آنان فرستادیم. (3)

2-اجل: مدت، وقت و زمان محدود، سرانجام و پایان.

اینکه گفته می شود: فلان کس اجلس فرا رسید، یعنی: مرد و مدت عمرش به سر آمد.

و اینکه گفته می شود: برای آن اجلی تعیین شده، یعنی: برای آن وقت محدودی قرار داده اند.

3-کتاب: برای کتاب معانی متعددی است و مقصود از آن در اینجا "مقدار نوشته شده یا مقدر" است، و معنای: "لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ" که در آیه آمده این است که:

زمان آوردن معجزه به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از پیش تعیین شده است، یعنی: هر دورانی را سرنوشتی معین است.

4-محو: محو می کند، زایل می گرداند، "محو" در لغت به معنای باطل کردن و از بین بردن است، همان گونه که خدای متعال در سوره اسراء (12) می فرماید:

فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً . /.

ص: 189

1- - شعرا 120-121.

2- - شعراء 139/.

3- - اعراف 133/.



پس، نشانه شب را محو کرده و نشانه روز را روشنی بخش قرار دادیم.

و در سوره شوری (24) می فرماید:

وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ .

خداوند باطل را محو و نابود و حق را به فرمان خود ثابت و استوار می دارد.

یعنی آثار باطل را از بین می برد.

## تفسیر آیات

خدای سبحان در این آیات می فرماید: کفار قریش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درخواست کردند تا برای آنان معجزاتی بیاورد، خداوند نوع درخواست آنان را نیز در سوره اسراء بیان داشته و فرموده:

وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا... أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِيَنَا بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا .

و گفتند: ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا آنکه چشمه جوشانی از این سرزمین برای ما بیرون آوری... یا قطعات آسمان را-آن گونه که می پنداری- بر سر ما فرود آوری، یا خداوند و فرشتگان را در برابر ما بیاوری. (1)

و در آیه (38) سوره رعد می فرماید: "وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ هِيَ كَمَا زَعَمْتُمْ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ" مگر به فرمان خدا، زیرا هر کاری در تقدیر مکتوب الهی زمان ویژه ای دارد.

خداوند در آیه بعد بدون فاصله، استثنای از تقدیر مکتوب را بیان داشته و می فرماید:

"يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ" خداوند هر چه را بخواهد محو می کند، یعنی: دست خدا بسته نیست و هر جا که خواست رزق و اجل و سعادت و شقاوت را در این مکتوب مقدر، تغییر می دهد، "و یثبت ما یشاء" و هر چه را بخواهد-از نانوشته ها- در آن جای می دهد، زیرا "وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ" اصل کتاب تقدیر و سرنوشت یعنی "لوح محفوظ" که هیچ گونه تغییر و تبدیلی

ص: 190

در آن نیست، نزد خداست.

بدین خاطر بعد از آن می فرماید: "وَإِنْ مَا نُرِيكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ" اگر پاره ای از مجازات ها را که به آنان وعده می دهیم [در زمان حیات] به تو نشان دهیم، "أَوْ نَتَوَفِّيَنَّكَ" یا تو را [پیش از آن] بمیرانم، "فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاءُ" در هر حال تو تنها ابلاغ کننده ای و بس.

طبری و قرطبی و ابن کثیر در تفسیر این آیه روایتی آورده اند که مؤید گفتار ماست و فشرده آن چنین است:

خلیفه دوم عمر بن خطاب پیرامون خانه خدا طواف می کرد و می گفت:

اللَّهِمَّ ان كنت كتبتني في اهل السعادة فأثبتني فيها، وان كنت كتبتني في اهل الشقاوة والذنب فامحني واثبتني في اهل السعادة و المغفرة، فانك تمحو ما تشاء و تثبت و عندك ام الكتاب.

خدایا! اگر مرا در زمره سعادت‌مندان قرار داده ای، در بین آنان استوارم دار، و اگر در زمره شقاوت‌مندانم نوشته ای، از میان اشقیایم محو و در بین سعادت‌مندانم جای گزین فرما، زیرا تو هر چه را بخواهی محو یا برقرار می داری، و کتاب اصلی نزد توست.

و از قول "ابی وائل" آورده اند که بارها می گفت:

اللَّهِمَّ ان كنت كتبتنا اشقياء فامح و اكتبنا سعداء، و ان كنت كتبتنا سعداء فأثبتنا، فانك تمحو ما تشاء و تثبت و عندك ام الكتاب.

خدایا! اگر ما را در زمره بدبختان قرار داده ای، از بین آنان محو و در زمره نیک بختانمان جای گزین فرما، و اگر در زمره نیک بختان قرارمان داده ای در آن استوارمان دار، زیرا تو هر چه را بخواهی محو یا برقرار می داری، و کتاب اصلی نزد توست. (1)ت.

ص: 191

---

1- هر دو حدیث را طبری در تفسیر آیه آورده است. ابو وائل شقیق بن سلمه اسدی کوفی است، شرح حال او در تهذیب التهذیب (354/10) چنین است که: ثقه است و مخضرم [جاهلیت و اسلام را درک کرده است] در زمان صحابه و تابعین حضور داشته و در خلافت عمر بن عبد العزیز در سن یکصد سالگی از دنیا رفته است.

در بحار الانوار آمده است:

و ان كنت من الاشقياء فامحني من الاشقياء و اکتبني من السعداء، فانك قلت في كتابك المنزل على نبيك صلواتك عليه و آله: «يمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده ام الكتاب».

و اگر از بدبختانم مرا از زمره آنان محو و در بین نیک بختان جایگزین فرما، زیرا تو در کتاب خود که بر پیامبرت صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده فرموده ای: خداوند هر چه را بخواهد محو یا برقرار می دارد و کتاب اصلی نزد اوست. (1)

قرطبی نیز، در ذیل روایتی که از صحیح بخاری و مسلم آورده، بر این معنی استدلال کرده است، روایت می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

من سرّه ان يبسط له في رزقه و ينسأ له في اثره-اجله-فليصل رحمه.

کسی که از وسعت روزی و زیادتی عمر خشنود می گردد، باید به خویشاوند خود نیکی نماید. (2)

و از ابن عباس نقل کرده که او در جواب کسی که پرسید: چگونه در عمر و اجل زیادتی می شود؟ گفت: خدای عزّ و جلّ فرموده:

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ .

او کسی است که شما را از گل آفرید، سپس مدتی مقرر داشت، و اجل حتمی نزد اوست. (3)

ابن عباس گفت: اجل اول در آیه اجل بنده از تولد تا مرگ است، و اجل دوم-یعنی آنچه نزد خداست-از زمان مرگ تا قیامت است که در برزخ به سر می برد، و کسی جز خدا آن را نمی داند، پس اگر بنده ای از خدا بترسد و "صله رحم" به جا آورد، خداوند هر چه را/.

ص: 192

1- -بحار ج 98 ص 162.

2- -صحیح بخاری(جلد 3 ص 34) کتاب الادب باب(12 و 13)، و صحیح مسلم ص 1982 حدیث (20 و 21) از باب صله رحم و مسند احمد(جلد 3 ص 247 و 266 و جلد 5 ص 76).

3- -انعام/2.

بخواهد از عمر برزخی او کاسته و به عمر اولش می افزاید، و اگر نافرمانی کند و "قطع رحم" نماید، خداوند هر چه بخواهد از عمر دنیائی اش کاسته و به عمر برزخی اش می افزاید... (1)

ابن کثیر بر این استدلال افزوده و سخنی گفته که فشرده آن چنین است:

«این سخن با روایتی که احمد و نسائی و ابن ماجه آورده اند هماهنگ می نماید، آنان آورده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

انَّ الرَّجُلَ لِيَحْرَمَ الرَّزْقَ بِالذَّنْبِ يَصِيبُهُ وَلَا يَرِدُ الْقَدْرَ إِلَّا الدَّعَاءَ وَلَا يَزِيدُ فِي الْعَمْرِ إِلَّا الْبِرَّ.

انسان گاهی به خاطر گناه از روزی محروم می گردد، و چیزی جز دعا بلا و سرنوشت را باز نمی گرداند، و چیزی جز نیکی عمر را نمی افزاید. (2)

و در حدیث دیگری فرموده:

انَّ الدَّعَاءَ وَالْقَضَاءَ لِيَعْتَلِجَانِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ.

دعا و سرنوشت در میان آسمان و زمین با هم مبارزه می کنند. (3)

آنچه آوردیم یکی از چند وجهی بود که در معنای این آیه گفته اند، و جوه دیگری نیز در معنای آیه آورده اند، مانند این سخن که: مراد از "محو و اثبات" در آیه: محو حکمی و اثبات حکم دیگر است، یعنی نسخ احکام شریعت، و درست تر آنست که بگوئیم: مقصود در آیه همه را شامل است، چنانکه قرطبی نیز این را برگزیده و گفته است:

«... این آیه عام است و شامل همه چیز می گردد، و این اظهر است و خدا داناتر. (4)

طبری و سیوطی از ابن عباس آورده اند که او درباره این آیه: "يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ" گفته است: خداوند امور هر سال را در شب قدر تقدیر و برنامه می کند جز نیک بختی و بدبختی را... (5) ت.

ص: 193

1- - تفسیر قرطبی (جلد 9 ص 329-331).

2- - مقدمه سنن ابن ماجه باب (10 حدیث 90).

3- - تفسیر ابن کثیر (جلد 2 ص 519).

4- - تفسیر قرطبی (جلد 2 ص 329).

5- - تفسیر طبری (جلد 13 ص 111) و تفسیر سیوطی (جلد 4 ص 65) عبارت از طبری است.

ب-خدای سبحان در سوره یونس می فرماید:

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةً آمَنَتْ فَتَنَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ .

چرا هیچ يك از مردم شهرها و آبادی ها ایمان نیاوردند تا ایمانشان سودشان دهد؟ مگر قوم یونس که چون ایمان آوردند، عذاب ذلت و خواری را در زندگی دنیا از آنان برداشتیم، و تا مدتی آنان را برخوردار ساختیم. (1)

### شرح کلمات

1- کشفنا: زایل کردیم، از بین بردیم، برداشتیم.

2- خزی: خواری، رسوائی.

3- حین: وقت و زمان نامعلوم که بیش و کم آن مشخص نیست.

### تفسیر آیه

فشرده داستان یونس علیه السلام آن گونه که در تفسیر طبری و قرطبی و مجمع البیان آمده، چنین است:

قوم یونس علیه السلام در نینوا از اراضی موصل می زیستند و بت می پرستیدند، خداوند یونس علیه السلام را به سوی ایشان فرستاد تا آنان را به اسلام فراخوانده و از بت پرستی بازدارد، ایشان سرباز زدند، دو نفر از آنان یکی عابد و دیگری عالم، یونس علیه السلام را پیروی کردند، عابد از یونس علیه السلام خواست تا بر علیه آن قوم نفرین کند و عالم او را از این کار نهی کرد و گفت: بر اینان نفرین مکن، زیرا خدا دعایت را مستجاب می کند ولی هلاکت بندگانش را دوست ندارد! یونس علیه السلام سخن عابد را پذیرفت و نفرین کرد، خداوند فرمود: عذاب در فلان روز نازل می گردد. یونس علیه السلام آن را به آنان خبر داد، وقت عذاب که نزدیک شد یونس علیه السلام به همراه آن عابد از میان ایشان بیرون رفت ولی آن عالم در میانشان باقی ماند،

ص: 194

قوم یونس علیه السلام با خود گفتند:

ما تا به حال از یونس دروغی را ندیده ایم، مواظب باشید اگر او امشب در بین شما باقی ماند که عذابی در کار نیست، ولی اگر بیرون رفت بدانید که صبح فردا عذابتان قطعی است شب که به نیمه رسید یونس علیه السلام آشکارا از بینشان بیرون رفت، آنان که این را دانستند و آثار عذاب را مشاهده و به هلاکت خود یقین کردند به نزد آن عالم رفتند، او به ایشان گفت: به سوی خدا زاری کنید که او به شما رحم می کند و عذاب را از شما برمی دارد: به سوی بیابان بیرون شوید و زنان و کودکان را از هم جدا کنید و بین حیوانات و بچه هاتان جدائی افکنید، سپس دعا کنید و بگریید! آنان چنین کردند؛ با زنان و کودکان و چهارپایان خویش سر به صحرا نهادند، لباس پشمینه پوشیدند و اظهار ایمان و توبه کردند و نیت خود را خالص نمودند و میان همه مادران و بچه هاشان از آدمی و حیوانات جدائی افکندند سپس نالیدند و فریاد زاری سر دادند، صداها که درهم پیچید و فریادها که آمیخته شد، با ناله و اندوه به سوی خدای عزّ و جلّ توجه نموده و گفتند:

[پروردگارا] ما به آنچه یونس آورده بود ایمان آوردیم، خداوند آنان را بخشید و دعایشان را پذیرفت و عذابی را که بر سرشان سایه گسترده بود از ایشان برطرف ساخت و...

خداوند بدین گونه عذاب را از قوم یونس - بعد از آنکه توبه کردند - محو و برطرف کرد، آری، خداوند هر چه را بخواهد محو کرده یا برقرار می دارد.

ج- خداوند سبحان در سوره اعراف می فرماید:

وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ لَيْلَةَ الْثُلَاثِينَ لَيْلَةً وَأْتَمَمْنَا بَعْشَرًا مِّمَّاتِ رَبِّهِ أَزْبَعِينَ لَيْلَةً .

ما با موسی سی شب وعده گذاشتیم، و آن را با ده شب دیگر تکمیل کردیم تا میقات پروردگارش چهل شب تمام شد. (1)

و در سوره بقره فرموده:

وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَزْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ .

ص: 195

و هنگامی که با موسی چهل شب وعده گذاردیم، و شما بعد از او- در حالی که ستمکار بودید-گوساله را برگزیدید. (1)

### چهارم-بدهاء در روایات مکتب خلفا

طیالسی و احمد و ابن سعد و ترمذی روایتی دارند که فشرده آن با عبارت طیالسی چنین است:

قال رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم: انَّ الله ارى آدم ذرّيته فرأى رجلا ازهر ساطعا نوره، قال: يا ربّ من هذا؟ قال: هذا ابنك داود! قال: يا ربّ فما عمره؟ قال: ستون سنة! قال: يا ربّ زد في عمره! قال: لا الاّ تزيد من عمرك! قال و ما عمري؟ قال: الف سنة! قال آدم! فقد وهبت له اربعين سنة من عمري... فلما حضره الموت و جاءته الملائكة قال: قد بقي من عمري اربعون سنة. قالوا: انك قد وهبتها لداود.

رسول خدا صَلَّى الله عليه وآله وسلم فرمود: خداوند نسل آدم علیه السلام را به او نشان داد، آدم در میان آنان مردی را دید با چهره ای نورافشان، عرض کرد: خدایا! این کیست؟ فرمود: این فرزند تو داود است! عرض کرد: خدایا عمر او چقدر است؟ فرمود: شصت سال! عرض داشت: خدایا در عمر او بیفزای! فرمود: نمی شود مگر آنکه از عمر خودت به او بیفزائی! عرض کرد: عمر من چقدر است؟ فرمود: هزار سال! آدم گفت: من چهل سال از عمرم را به او بخشیدم... هنگام وفات او که فرا رسید و فرشتگان قبض روح به بالینش آمدند گفت: هنوز چهل سال از عمر من باقی است! گفتند: تو خودت آن را به داود بخشیدی! (2)

ص: 196

1- -بقره 51/.

2- -مسند طیالسی (ص 350 حدیث 2692)، مسند احمد (جلد 1 ص 251 و 298 و 371)، طبقات ابن سعد چاپ اروپا (جلد 1 قسمت اول ص 7-9)، سنن ترمذی (جلد 11 ص 196/197) در تفسیر

این روایت به اضافه آنچه در گذشته، درباره آثار "صله رحم" و همانند آن، از روایات مکتب خلفا آوردیم از مصادیق "يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ" است.

امامان اهل بیت علیهم السّلام "محو و اثبات" را بداء نام نهاده اند که -به یاری خدای متعال- در بخش پنجم آن را بررسی می نمائیم.

## پنجم - بداء در روایات امامان اهل بیت علیهم السّلام

### اشاره

در "بحار" از امام صادق علیه السّلام آورده است که فرمود:

ما بعث الله عزّ و جلّ نبیّاً حتّی يأخذ علیه ثلاث خصال: الإقرار بالعبودیّة، و خلع الأنداد، و انّ الله یقدّم ما یشاء و يؤخّر ما یشاء.

خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر آنکه سه چیز را از او خواسته است:

اقرار به بندگی خدا، نفی هر گونه شریک و هم‌تا برای او، و اینکه خداوند هر چه را بخواهد مقدم داشته و هر چه را بخواهد واپس می دارد. (1)

امام صادق علیه السّلام همین معنی را در بیان دیگری با لفظ "محو و اثبات" آورده و فرموده:

ما بعث الله نبیّاً قطّ حتّی يأخذ علیه ثلاثاً: الإقرار بالعبودیّة، و خلع الأنداد، و انّ الله یمحو ما یشاء و یثبت ما یشاء.

خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر آنکه سه چیز را از او خواسته است:

اقرار به عبودیت خدا، نفی هر گونه شریک و هم‌تا برای او، و اینکه خداوند هر چه را بخواهد محو کرده و هر چه را بخواهد برقرار می دارد.

### (2)

و در روایت سوّمی "محو و اثبات" را "بداء" نامیده که فشرده آن چنین است:

ما تتبأ نبیّ قطّ حتّی یقرّ لله تعالی... بالبداء...

هیچ پیامبری هرگز نشان پیامبری نگیرد مگر آنکه برای خدای متعال به این

ص: 197

1- -بحار (جلد 4 ص 108) به نقل از توحید صدوق.

2- سوره اعراف. در کتاب بحار الانوار (جلد 4 ص 102-103) نیز با اختلافی اندک آن را از امام باقر علیه السّلام آورده است.



امور اعتراف نماید... یکی از آنها اعتراف به "بداء" است... (1)

از امام رضا علیه السلام روایت کرده اند که فرمود:

ما بعث نبياً قطّ الاّ بتحريم الخمر، و ان یقرّ له بالبداء (2).

خداوند هرگز پیامبری را نفرستاده مگر با حرمت شراب و اینکه به "بداء" [محو و اثبات] در حق خدا اعتراف نماید.

در روایت دیگری، امام صادق علیه السلام از زمان "محو و اثبات" نیز خبر داده و فرموده:

إذا كان ليلة القدر نزلت الملائكة و الرّوح و الكتبة الى سماء الدّنيا فيكتبون ما يكون من قضاء الله تعالى في تلك السنّة فإذا اراد الله ان یقدّم شیئا او يؤخّره او ینقص شیئا امر الملك ان یمحو ما یشاء ثمّ اثبت الّذی اراد.

شب قدر که می شود فرشتگان و روح و نویسندگان به آسمان دنیا فرود می آیند و هر چه را خدای متعال در آن سال مقرر فرموده می نویسند، و اگر خدا بخواهد چیزی را پیش انداخته یا واپس بدارد، یا چیزی را بکاهد، به فرشته مأمور فرمان می دهد آن را همان گونه که خواسته "محو و نابود" یا "برقرار" دارد. (3)

امام باقر علیه السلام نیز در بیان دیگری از آن خبر داده که فشرده آن چنین است:

تنزل فیها الملائكة و الكتبة الى السّماء فيكتبون ما هو کائن في امر السنّة و ما یصیب العباد فیها. قال: و امر موقوف لله تعالى فيه المشیئة یقدّم منه ما یشاء و يؤخّر ما یشاء و هو قوله تعالى: یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده امّ الكتاب.

در شب قدر فرشتگان و نویسندگان به آسمان دنیا فرود می آیند و هر چه را که در آن سال شدنی است و هر چه در آن به بندگان می رسد، همه را می نویسند. م.

ص: 198

1- -همان مدرک.

2- -همان مدرک.

3- -بحار (جلد 4 ص 99) به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم.

فرمود: و کارهایی است که وابسته به مشیت الهی است، هر چه را بخواهد مقدم داشته و هر چه بخواهد واپس می‌دارد، و این معنای سخن خدای متعال است که فرموده: "يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ". (1)

امام باقر علیه السلام در حدیث دیگری درباره این آیه: "وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجْلُهَا"، خداوند هرگز مرگ کسی را-هنگامی که اجالش فرا رسد-به تأخیر نمی‌اندازد. فرمود:

زمانی که اجل فرود آید و نویسندگان آسمان آن را بنویسند، این اجل را خداوند به تأخیر نمی‌اندازد. (2)

علامه مجلسی رحمه الله در این باب از بحار همان داستانی را که آدم علیه السلام چهل سال از عمر خود را به داود بخشید و ما آن را در روایات مکتب خلفا آوردیم، آورده است. (3)

این معنای "بداء" در روایات امامان اهل بیت علیهم السلام بود، اما "بداء" به این معنی که، "برای خداوند رأی جدید و تازه ای در کار پیدا شود که پیش تر آن را نمیدانسته" -معاذ الله- این دیدگاه در مکتب اهل بیت منکر و مردود است، و ما از آن به خدا پناه می‌بریم. دیدگاه امامان اهل بیت علیهم السلام در این باره همان است که مجلسی از امام صادق آورده، امام علیه السلام فرموده:

من زعم ان الله عز وجل يبدو له في شيء لم يعلمه امس فأبروا منه.

هر کس گمان کند که برای خدای عز و جل در چیزی، رأی تازه و جدیدی پیدا می‌شود که پیش تر آن را نمی‌دانسته، از او بیزارى بجوئید. (4)

### اثر اعتقاد به بداء

اگر کسی معتقد گردد که، برخی از انسانها که در زمره نیک بختان قرار گرفته اند هرگز حالشان عوض نگردد و هیچ گاه در ردیف بدبختان قرار نمی‌گیرند، و برخی از انسانها که در

ص: 199

- 1- -بحار (جلد 4 ص 102) به نقل از امالی شیخ مفید.
- 2- -همان به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم.
- 3- -همان به نقل از علل الشرايع.
- 4- -بحار (جلد 4 ص 111) به نقل از اکمال الدین صدوق.

زمره بدبختان قرار گرفته اند هرگز حالشان عوض نشده و در ردیف نیک بختان در نمی آیند، و قلم از تغییر سرنوشت انسانها خشکیده و بازمانده است؛ اگر چنین تصویری در کار باشد یقیناً گناهکار از گناه خویش توبه نمی کند که هیچ، بلکه به کار خود ادامه می دهد، زیرا می پندارد که شقاوت و بدبختی سرنوشت حتمی اوست و امکان تغییر در آن نیست! از طرف دیگر، شیطان بنده نیکوکار را وسوسه می کند که، تو از نیک بختانی و در زمره اشقیای بدبخت نخواهی رفت، و همین وسوسه کافی است که او را به سستی در عبادت و اطاعت بکشاند و با او آن کند که نباید.

برخی از مسلمانان که معانی آیات و روایات وارد درباره "مشیت" را به وضوح و کمال در نیافته اند به دو گروه تقسیم شده اند: گروهی چنین پنداشته اند که، "انسان بر آنچه می کند مجبور است"، و گروه دیگر معتقد شده اند: همه کارها به انسان تفویض و واگذار شده است. ما در بحث آینده-به یاری خدا-این موضوع را بررسی کرده و راه حق و صواب در این باره را بازمی شناسیم .

ص: 200





## الف-معنای لغوی جبر

"جبر" در لغت واداشتن به کاری با زور است و "مجبور" یعنی کسی که با زور به کاری وادار شده است.

## ب-جبر در اصطلاح علمای عقاید اسلامی

"جبر" در این اصطلاح یعنی: خدای متعال بندگان را بر آنچه می کنند مجبور کرده است، در کار نیک باشد یا بد، زشت باشد یا زیبا، بگونه ای که بنده در این باره اراده و اختیار ترك فعل و سرپیچی از آن را ندارد.

پیروان مکتب "جبر" را عقیده بر آن است که، هر چه برای انسان پدید آید همان سرنوشت از پیش تعیین شده اوست، انسان را آنجا که باید می برند، او اختیاری ندارد، این سخن، سخن اشاعره است. (1)

ص: 203

---

1- -به معرفی "اشاعره" در کتاب ملل و نحل شهرستانی در حاشیه (الفصل فی الملل و الاهواء و النحل) ابن حزم (جلد 1 ص 119-153) مراجعه شود.

## ج-معنای لغوی تفویض

"تفویض" در لغت به معنای واگذار کردن و اختیار دادن است.

## د- "تفویض" در اصطلاح علمای عقاید اسلامی

"تفویض" در این اصطلاح یعنی: خداوند متعال کارهای بندگان را به خود آنان واگذار کرده است. هر چه بخواهند آزاد و رها انجام می دهند و خداوند قدرتی بر افعال آنان ندارد، این سخن، سخن "معتزله" است. (1)

## ه-معنای لغوی اختیار

"اختیار" در لغت به معنای حق انتخاب و گزینش است. برگزیدن و پسندیدن و آزاد بودن در انتخاب را اختیار گویند.

## و- اختیار در اصطلاح علمای عقاید اسلامی

خدای متعال بندگانش را به وسیله انبیا و رسولان خود بر برخی از کارها مکلف و از برخی نهی فرموده است. خداوند پس از آنکه قدرت و اراده انجام کار و ترك آن را به بندگانش بخشیده و برای آنان در آنچه می کنند، حق انتخاب و گزینش قرار داده، و هیچ کس را در این راه مجبور نکرده، از آنان خواسته است تا در آنچه که به آن فرمان داده یا از آن بازداشته، او را اطاعت نمایند. استدلال بر این موضوع -به یاری خدا- در بحث آینده می آید.

ص: 204

---

1- به معرفی "معتزله" در کتاب ملل و نحل شهرستانی در حاشیه (الفصل فی الملل و الاهواء و النحل) ابن حزم (جلد 1 ص 55-57) مراجعه شود.

## 8 قضا و قدر

### اشاره

الف- معنای قضا و قدر.

ب- روایاتی از امامان اهل بیت علیهم السّلام درباره قضا و قدر.

ج- پرسش و پاسخ.

ص: 205





ماده "قضا و قدر" در معانی متعددی استعمال شده که آنچه مربوط به این بحث است می آوریم:

### الف- برخی معانی ماده قضا

1- "قضا" به معنای داوری میان دو طرف درگیر، مانند:

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ .

پروردگار تو روز قیامت، در آنچه اختلاف می کردند، میان آنان داوری می کند. (1)

2- "قضا" به معنای آگاه کردن، مانند سخن خدای متعال در داستان لوط و آگاه کردن او از سرانجام قومش که می فرماید:

وَ قَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هُوْلَاءِ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ .

ما لوط را از این موضوع آگاه کردیم که صبحگاهان، همه آنان ریشه کن خواهند شد. (2)

3- "قضا" به معنای واجب کردن و فرمان دادن، مانند:

وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ .

ص: 207

---

1- -یونس 93/.

2- -حجر 66/.

پروردگار تو فرمان داده که جز او را نپرستید. (1)

4- "قضا" به معنای "اراده و تقدیر"، مانند:

وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ .

و هرگاه چیزی را "اراده" کند، تنها می گوید: موجود باش! او می شود. (2)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا .

او خداوندی است که شما را از گل آفرید، سپس [برای هر يك] مدتی "مقدر" فرمود. (3)

یعنی برای زنده بودن انسان اندازه و مقدار معینی قرار داد.

### ب- برخی معانی ماده قدر

1- "قدر" یعنی قدرت یافت، توان اقدام پیدا کرد، "قادر" یعنی توانا و "قدیر" یعنی توانمند، خدای متعال در سوره یس (81) می فرماید:

أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ .

آیا کسی که آسمانها و زمین را آفرید، "قادر" نیست همانند آنها را بیافریند؟

در سوره بقره (20) می فرماید:

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

اگر خدا بخواهد، گوش و چشم آنان را از بین می برد، زیرا خداوند بر هر چیز "توانمند" است.

یعنی خداوند بر انجام هر کاری به هر گونه که حکمتش اقتضا کند قدرت دارد.

2- "قدر" یعنی در تنگنا قرار داد، "قدر الرزق علیه و يقدر" یعنی او را در تنگنای معیشت قرار داده و می دهد. خداوند در سوره سبأ (36) می

فرماید:

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ .

ص: 208

1- اسراء/23.

2- بقره/117.

3- انعام/2.

بگو: پروردگار من روزی را برای هر کس بخواهد وسعت داده یا "تنگ" می کند.

3- "قدر" یعنی تدبیر و اندازه کرد، "قدر الله الأمر بقدره" یعنی خداوند آن را تدبیر کرد یا خواستار وقوع آن شد، چنانکه در سوره قمر (12) می فرماید:

وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدَرٍ .

وزمین را شکافتیم و چشمه هائی بیرون فرستادیم؛ و این دو آب [باران و چشمه] به اندازه ای که تدبیر و خواسته شده بود" با هم درآمیختند.

### ج- معنای قدر

1- "قدر" یعنی حکم کرد، فرمان داد، "قدر الله الأمر" یعنی خداوند حکم و فرمان داد که کار، اینگونه باشد، چنانکه در سوره نمل (58) درباره زن لوط می فرماید:

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا مِنَ الْغَابِرِينَ .

ما او [لوط] و خانواده اش را نجات دادیم، جز زنش که فرمودیم: او از بازماندگان باشد.

یعنی حکم و فرمان ما این بود که آن زن از هلاک شدگان باشد.

2- "قدر" یعنی مدارا نمود، درنگ کرد، "قدر فی الأمر" یعنی در انجام کار درنگ کرد و با آن مدارا نمود، چنانکه خدای متعال در سوره سبا (11) به داود علیه السلام می فرماید:

أَنْ اِعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ .

زره های کامل و فراخ بساز و در بافتن آنها با تأمل و مدارا عمل کن.

یعنی در ساختن زره عجله مکن بلکه با دقت و زمان کافی اقدام کن تا نتیجه کارت محکم و استوار باشد.

### د- معنای قدر

1- "قدر" به معنای کمیّت و مقدار و اندازه، چنانکه در سوره حجر (21) می فرماید:

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ .

هر چه هست خزاین آن نزد ماست، و ما جز به مقدار و اندازه معین آن را نازل نمی کنیم.

2- "قدر" به معنای زمان و مکان، چنانکه در سوره مرسلات (20-22) می فرماید:

أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ \* فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ \* إِلَى قَدَرٍ مَعْلُومٍ .

آیا شما را از آبی پست نیافریدیم \* سپس آن را در قرارگاه محفوظ و آماده قرار دادیم \* تا "زمانی معین و معلوم"؟!

3- "قدر" به معنای حکم قطعی و نافذ، "قدر الله" یعنی حکم نافذ و قطعی و محکم خدا، چنانکه در سوره احزاب (38) می فرماید:

سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا .

این سنت الهی در پیشینیان نیز جاری بوده، و فرمان خدا "قطعی و نافذ و شدنی" است.

مؤلف گوید: شاید تعدد معانی ماده "قضا و قدر" و نسبت آن به خدای متعال باعث شده تا برخی از مسلمانان به اشتباه افتاده و چنان پندارند که معنای "قضا و قدر" در قرآن و حدیث این است که، انسان در زندگی خویش هر چه را می کند، نیک یا بد، بر اساس "قضا و قدر" و سرنوشتی است که خداوند، پیش از آفرینش او، برایش مقرر داشته است! چنانکه در روایات ما واژه "قدری"، به "جبری" و "تقویضی" هر دو اطلاق شده است.

و بنابر چنین اطلاقی، واژه "قدر" نام شیء و ضد آن می گردد، مانند واژه "قرء" که نامی است برای "حیض" و "پاکی" هر دو.

در پایان از بیان اقوال "قدری" ها و پاسخ آن برای پرهیز از طول بحث در می گذریم و تنها به آوردن احادیثی که پاسخ این اقوال را در آن یافته ایم بسنده می کنیم تا- به یاری خدا- علاوه بر پاسخ، توضیح و شرح موضوع نیز باشد.

روایت نخست: صدوق در کتاب توحید با سند خود تا امام حسن علیه السلام و ابن عساکر در تاریخ با سند خود تا ابن عباس آورده اند:  
[عبارت از صدوق است]

دخل رجل من اهل العراق على امير المؤمنين عليه السلام فقال: اخبرنا عن خروجنا الى اهل الشام أبقضاء من الله وقدر؟ فقال له امير المؤمنين عليه السلام اجل يا شيخ، فوالله ما علوتم تلعة ولا هبطتم بطن واد الأبقضاء من الله وقدر، فقال الشيخ: عند الله احتسب عنائي يا امير المؤمنين، فقال عليه السلام مهلا يا شيخ! العلك تظن قضاء حتما وقدر لازما، لو كان كذلك لبطل الثواب والعقاب والأمر والتّهي والزّجر، ولسقط معنى الوعيد والوعد، ولم يكن على مسيء لائمة ولا لمحسن محمّدة، وكان المحسن اولى باللائمة من المذنب والمذنب اولى بالاحسان من المحسن تلك مقالة عبدة الأوثان وخصماء الرحمن وقدرية هذه الامة ومجوسها. يا شيخ! انّ الله عزّ وجلّ كلّف تخييرا، ونهى تحذيرا، واعطى على القليل كثيرا ولم يعص مغلوبا. ولم يطع مكرها، ولم يخلق السموات والأرض وما بينهما باطلا ذلك ظنّ الذين كفروا فويل للذين كفروا من النار.

مردی عراقی بر امیر مؤمنان علیه السلام وارد شد و گفت: آیا خروج ما بر شامیان به "قضا و قدر" الهی است؟ امام به او فرمود: آری یا شیخ! به خدا سوگند از

هیچ بلندی بالا نرفتید و در هیچ پستی فرود نیامدید مگر به "قضا و قدری" از خداوند! آن مرد گفت: امیدوارم رنج من نزد خدا به حساب آید!  
[\(1\)](#)

امام علیه السلام به او فرمود: آهسته ای شیخ! شاید پنداشتی "قضای حتمی و قدر قطعی" را می گویم! اگر چنین باشد که ثواب و عقاب و امر و نهی و پیش گیری باطل شده، و ترساندن و مزده دادن بی معنی است، نه ملامتی بر گناهکار بجاست و نه ستایشی از نیکوکار رواست، بلکه نیکوکار به ملامت سزاوارتر از بدکار بوده و گناهکار به نیکی شایسته تر از نیک رفتار است! [\(2\)](#) این گفتار بت پرستان و دشمنان خدای رحمان و "قدری مسلکان" و مجوسان این امت است! ای شیخ! خدای عزّ و جلّ بندگان را مکلف ساخت تا به اختیار خود عمل کنند و آنان را نهی کرد تا خود بازایستند، و بر کار اندک پاداش بسیار دهد، شکست خورده نافرمانی نشده و ناخواسته اطاعت نگردیده، "او آسمانها و زمین و موجودات میان آن دورا به باطل نیافریده، این گمان کسانی است که کافر شدند، پس وای بر کسانی که کافر شدند از عذاب آتش!" [\(3\)](#)

راوی گوید: آن شیخ برخاست و سرود:

انت الإمام الّذی نرجو بطاعته یوم التّجاة من الرّحمن غفرانا

او وضحت من دیننا ما کان ملتبسا جزاک ربّک عتّا فیه إحسانا.

ص: 212

---

1- یعنی اگر خروج و جهاد ما به "قضا و قدر" الهی است که سزاوار پاداش نیستیم، پس امیدوارم رنج من در این راه نزد خدا به حساب آید و در ردیف اعمال کسانی قرار گیرد که روز قیامت مورد فضل و رحمت خدا قرار می گیرند.

2- زیرا هر دو در اصل مساویند، چون عمل به اراده و اختیار آنان نبوده، از طرفی چون نیکوکار مورد ستایش مردم قرار می گیرد و این را حق خود می داند در حالی که چنین نیست، به خاطر همین پندار، او به ملامت سزاوارتر است از گناهکار، زیرا گناهکار مورد ملامت مردم است و او خود را سزاوار این ملامت می داند، در حالی که چنین نیست، پس باید به او احسان شود تا تحمّل آزار و ملامت مردم را با آن جبران کند، نه به نیکوکار!

3- اقتباسی است از آیه 27 سوره ص.

فليس معذرة في فعل فاحشة قد كنت راكبها فسقا و عصيانا

تو همان امام حقی که به یمن طاعت او

به قیامت آرزویم کرم خدات باشد

توز دین ما به يك دم همه شبهه را زدودی

مگر از خدات خواهم که بر او جزات باشد

پس از این بیان روشن نسزد گناه بر من

که نه معذرت توانم نه مرا نجات باشد

"روایت دوم": روایت دوم را از ششمین امام از امامان اهل بیت علیهم السلام، امام ابو عبد الله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام می آوریم که فرموده:

إِنَّ النَّاسَ فِي الْقَدْرِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجِهٍ: رَجُلٌ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ اجْبَرَ النَّاسَ عَلَى الْمَعَاصِي فَهَذَا قَدْ ظَلَمَ اللَّهَ فِي حُكْمِهِ فَهُوَ كَافِرٌ. وَرَجُلٌ يَزْعُمُ أَنَّ الْأَمْرَ مَفْوُضٌ إِلَيْهِمْ فَهَذَا قَدْ أَوْهَنَ اللَّهَ فِي سُلْطَانِهِ فَهُوَ كَافِرٌ. وَرَجُلٌ يَزْعُمُ أَنَّ اللَّهَ كَلَّفَ الْعِبَادَ مَا يَطِيقُونَ وَ لَمْ يَكْلِفْهُمْ مَا لَا يَطِيقُونَ وَ إِذَا أَحْسَنَ حَمْدَ اللَّهِ وَ إِذَا أَسَاءَ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ فَهَذَا مُسْلِمٌ بِالْغَيْبِ.

مردم درباره "قدر" بر سه راه رفته اند: 1- کسی که عقیده دارد خدای عزّ و جلّ مردم را بر گناهان مجبور کرده است، او درباره فرمان [بازدارنده] الهی به خدا ستم کرده، پس او کافر است.

2- کسی که معتقد است همه کارها به مردم واگذار شده، او خدا را در قدرت و سلطنت خویش ضعیف و ناتوان پنداشته، پس او [نیز] کافر است.

3- کسی که عقیده دارد خداوند بندگانش را به آنچه می توانند مکلف کرده، و آنچه را در توانشان نیست از آنان نخواسته است، او هرگاه کار نیکی انجام دهد خدا را سپاس گوید و اگر کار بدی از او سرزند از خدا آمرزش می خواهد، این همان



روایت سوم: از هشتمین امام از ائمه اهل بیت، امام علی بن موسی الرضا علیه السلام است که فرموده:

1- انّ الله عزّ و جلّ لم يطع باكراه، و لم يعص بغلبة و لم يهمل العباد في ملكه، هو المالك لما ملكهم و القادر على ما اقدرهم عليه فان ائتمروا بطاعته لم يكن الله منها صادًا، و لا منها مانعًا، و ان ائتمروا بمعصيته فشاء ان يحول بينهم و بين ذلك فعل و ان لم يحل و فعلوه فليس هو الذي ادخلهم فيه.

خدای عزّ و جلّ از روی اجبار اطاعت نشده، و از ضعف و شکست نافرمانی نگردیده، و بندگان را در مملکت خویش بیهوده نگذاشته، او بر همه آنچه که در اختیارشان نهاده مالک، و بر همه اموری که توانشان داده توانمند است. اگر بندگان در پی طاعتش باشند خداوند راه آنان را نمی بندد و از طاعت بازشان نمی دارد، و اگر به دنبال نافرمانی اش باشند و او بخواهد میان آنان و گناه فاصله شود، خواهد کرد، و اگر مانع از گناه نشد و آنان انجامش دادند، او نیست که آنان را در آن راه انداخته است. (2)

یعنی: انسانی که خدا را پیروی می کند مجبور بر این پیروی نیست و انسانی که خدا را نافرمانی می کند بر اراده و خواست خدا چیره نشده بلکه این خود خداست که می خواهد بنده در کارش مختار و آزاد باشد.

2- و فرموده: خدای متعال می فرماید:

يا ابن آدم بمشيئتي كنت انت الذي تشاء لنفسك ما تشاء، و بقوتي ادّيت التي فرائضني، و بنعمتي قويت على معصيتي، جعلتك سميعا بصيرا قويا، " ما أصابك من حسنة فمن الله و ما أصابك من سيئة فمن".

ص: 214

---

1- - توحید صدوق (ص 360-361).

2- - توحید صدوق (ص 361).

ای فرزند آدم! با خواست من است که تو گزینشگر شده و هر چه را بخواهی برای خود اختیار می کنی، و با نیروی من است که واجباتم را به جا می آوری، و با نعمت های من است که بر نافرمانی ام توانمند شده ای، من تو را شنوا و بینا و توانا ساختم، [پس این را بدان که] "هر چه از نیکوئی به تو می رسد از خداست، و هر چه از بدی به تو رسید از خودت می باشد." (1)

در روایت دیگری آمده است:

"عملت بالمعاصی بقوّتی الّتی جعلتها فیک"،

با نیرویی که در تو نهاده بودم به گناهان اقدام کردی! (2)

از امام صادق علیه السّلام روایت است که فرموده:

1- لا جبر و لا تقویض و لکن امر بین امرین، قال قلت: و ما امر بین امرین؟ قال علیه السّلام: مثل ذلك رجل رأیته علی معصیة فنهیته فلم ینته فترکتہ ففعل تلك المعصیة، فلیس حیث لم یقبل منك فترکتہ کنت انت الّذی امرته بالمعصیة.

نه جبر است و نه تقویض، بلکه چیزی میان این دوست. راوی گوید: گفتم:

چیزی میان این دو یعنی چه؟ فرمود: مثال آن مثال کسی است که در حال گناه است و تو او را نهی می کنی و او نمی پذیرد پس از آن رهاش می کنی و او آن گناه را انجام می دهد، پس چنان نیست که چون از تو نپذیرفت و تو به حال خود رهاش کردی، این تو بوده ای که به گناه فرمانش دادی! (3)

2- ما استطعت ان تلوم العبد علیه فهو منه و ما لم تستطع ان تلوم العبد علیه فهو من فعل الله، يقول الله للعبد: لم عصیت؟ لم فسقت؟ لم).

ص: 215

1- - توحید صدوق (ص 362، 344، 340، 327) و کافی (جلد 1 ص 160) و سوره نساء آیه 79.

2- - توحید صدوق (ص 362).

3- - کافی (جلد 1 ص 160) و توحید صدوق (ص 362).

شربت الخمر؟ لم زینت؟ فهذا فعل العبد و لا يقول له لم مرضت؟ لم قصرت؟ لم ایضضت؟ لم اسوددت؟ لانه من فعل الله تعالى.

هر کاری را که بتوانی بنده را بر آن سرزنش کنی، از آن اوست، و هر چه را که نتوانی بنده را بر آن سرزنش نمائی، از آن خداست. خداوند به بنده اش می فرماید: چرا سرکشی کردی؟ چرا نافرمانی نمودی؟ چرا شراب خوردی؟ چرا زنا کردی؟ زیرا، اینها کار بنده است، خداوند از بنده اش نمی پرسد: چرا مریض شدی؟ چرا قَدّت کوتاه است؟ چرا سفید رنگی؟ چرا سیاه رویی؟ چون اینها کار خداوند است. (1)

## شرح روایات

"جبر" و "تقویض" دو طرف دارد:

1- طرفی که به خدا و صفات خدا بازمی گردد .

2- طرفی که به انسان و صفات او مربوط می شود.

آنچه از "جبر" و "تقویض" به خدا و صفات خدا مربوط است، سزاوار آن است که آن را از خدا و انبیای خدا و اوصیای ایشان بگیریم، و آنچه به انسان و صفات و افعال او مربوط می شود، همین مقدار که می گوئیم: من این کار را می کنم، و من آن کار را نمی کنم، کافی است تا بدانیم که هر چه می کنیم به اختیار خویش است. در بحث های گذشته نیز دانستیم که سیر زندگی انسان با سیر ذره و اتم و سیارات و کهکشانها و دیگر مسخّرات به فرمان خدا، در حرکات و نتایج، یکسان نیست. این از يك طرف، از طرف دیگر، خداوند انسان را به حال خود رها نکرده و او را به خود واگذار ننموده تا هر چه را بخواهد، همان گونه که دوست دارد و هوای نفس او فرمائش می دهد، همان را انجام دهد، بلکه خداوند به وسیله انبیای خود راهنمایی اش کرده: هم راه ایمان قلبی به حق را به او نشان داده و هم روش عمل شایسته سودمند جسمانی را به او نموده و هم از اعمال زیانبار آگاهش ساخته است. او اگر از

ص: 216

هدایت خدا پیروی کند و يك گام در صراط مستقیم الهی به پیش رود، خداوند دستش را گرفته و ده گام جلوترش می برد، سپس به خاطر آثار عملش در دنیا و آخرت هفتصد برابر پاداشش می دهد، و خداوند به مقتضای حکمت و سنت خویش برای هر کس بخواهد می افزاید.

ما در گذشته مثالی زدیم و گفتیم: خداوند این دنیا را همانند مهانسرائی از نوع "سلف سرویس" برای مؤمن و کافر هر دو آماده کرده است، چنانکه در سوره اسراء (20) می فرماید:

كُلًّا نَّمُدُّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا .

هر دو گروه، اینان و آنان را، از عطای پروردگارت افزون می دهیم، زیرا عطای پروردگارت هرگز از کسی دریغ نشده است.

براستی اگر امداد الهی نبود، و بندگان خدا توان جسمی و فکری خویش و امکانات آماده و مسخر این عالم را از خدای سبحان نداشتند، نه مؤمن ره یافته می توانست عمل صالح و شایسته انجام دهد، و نه کافر گمراه توان اقدام زیانبار فاسد را داشت، راستی اگر خداوند يك لحظه عطای خود را از انسان سلب کند، حتی اگر جزء کوچکی از آن باشد:

بینائی، سلامت، عقل و اندیشه و... و... چه می تواند بکند؟ بنابراین، انسان هر چه می کند به اختیار خود و به وسیله ابزاری است که خداوند به او بخشیده است. پس انسان در انتخاب مختار و در اکتساب و امدار است.

آری، انسان در این عالم خودکار محض نیست چنان که مجبور صرف هم نیست، نه همه کار این عالم به او واگذار شده و نه بر کاری که انتخاب می کند مجبور است، بلکه امری است میان دو امر [امر بین امرین]، و این همان مشیت خدا و سنت و قانون او درباره افعال بندگان است. "وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا" و هرگز در سنت الهی تغییر و تبدیلی نیابی!

## چند پرسش و پاسخ

در این بخش پرسش های چهارگانه زیر می آید:

- 1- چگونه انسان در آنچه می کند مختار است، با آنکه شیطان بر او چیرگی دارد و در حالی که دیده نمی شود به اغوای آدمی پرداخته و در قلب او وسوسه می کند و به کار شرّش فرا می خواند؟
- 2- انسان در محیط فاسد نیز اینچنین است، او که جز فساد و شر چیزی نمی بیند چگونه به اختیار خود عمل می کند؟
- 3- انسانی که دعوت پیامبران به او نرسیده و در نقاط دوردست سکونت دارد چه باید بکند؟
- 4- گناه "زنازاده" چیست؟ چرا او به خاطر رفتار دیگران دوستدار شرّ می شود و شرارت می کند؟

## پاسخ پرسش 1 و 2

پاسخ این دو پرسش را در آنچه که در بحث میثاق در ابتدای کتاب آوردیم بجوئید. (1)

در آنجا گفتیم که خدای متعال حجت را بر انسان تمام کرده، و با ودیعت نهادن عزیزه بحث و کاوش از سبب پدیده ها که او را به سبب ساز اصلی می رساند، راه عذر او را بسته است، و برای همین است که در سوره اعراف (172) درباره میثاق الهی فرموده:

"أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ".

تا روز قیامت نگوئید ما از این [پیمان] ناآگاه بودیم.

انسان همان گونه که در هر حالی از غریزه گرسنگی غافل نمی شود تا اندرون خود را از طعام سیر کند، همچنین از غریزه معرفت خواهی نیز غافل نمی گردد تا سبب ساز حقیقی را بشناسد.

ص: 218

در پاسخ به این پرسش می‌گوئیم: خدای سبحان در سوره بقره (286) فرموده:

"لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا" خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانش تکلیف نمی‌کند.

#### پاسخ پرسش چهارم

"زنزاده" نیز، مجبور بر انجام کار شرّ نیست، آنچه که هست این است که حالت روحی مرد و زن بدکار در حال ارتکاب بگونه ای است که چون خود را نسبت به قوانین جامعه خائن می‌بینند، و می‌دانند که جامعه کار آنان را آلوده و کثیف می‌داند و اگر بر رفتارشان آگاه شود و آنان را در حال ارتکاب این پستی ببیند با آنان دشمنی کرده و مطرودشان می‌دارد، و می‌دانند همه نیکان و پاکان و صاحبان اخلاق کریمه از چنین کاری بیزار می‌جویند، این حالت روحی و کابوس درونی بر نطفه اثر می‌گذارد و از راه وراثت به نوزاد منتقل می‌گردد و او را شرّ دوست و دشمن نیکوها بار می‌آورد می‌سازد و با نیکان و معروفان جامعه به ستیزش می‌خواند. نمونه بارز این سیرت "زیاد بن ابیه" و فرزندش "ابن زیاد" بودند که در دوران حکومتشان در عراق همه آنچه را که نباید، کردند؛ بویژه ابن زیاد که به دستور او پس از شهادت امام حسین علیه السلام جسم شریف آن حضرت و یاران پاکش را مثله کردند، و سرهای ایشان را در شهرها گرداندند، و حرم رسول الله را اسیرانه به کوفه و شام روانه کردند، و دیگر کارها که به دستور او انجام شد، و این در حالی بود که پس از شهادت امام حسین علیه السلام هیچ فرد دیگری نمانده بود تا در برابر حکومت آنان مقاومت نماید، و هیچ گونه توجیهی برای اینگونه کارهای او وجود نداشت، جز اینکه او دوستدار شرّ بود و می‌خواست شوکت و عظمت شریف ترین خانواده عرب و اسلام را در هم بشکند، و آنان را بی اعتبار نماید، آری، او ذاتاً شرّ دوست و دشمن نیکی‌ها بود و با کریمان و شریفان جامعه سر ستیز داشت. [\(1\)](#)

ص: 219

---

1- به بحث ملحق کردن زیاد در جلد اول کتاب "عبد الله بن سبا"، و بحث شهادت امام حسین علیه السلام در جلد سوم "معالم المدرستین" مراجعه شود.

بنابراین [درست است و می پذیریم که]، شر دوستی و نیک ستیزی و آزار نیکان و پاکان جامعه در زنازاده-بر خلاف حلال زاده- [تقریباً] ذاتی او شده است، ولی با وجود همه اینها، هیچ يك از آن دو بر کارهای خیر و شری که می کنند یا نمی کنند مجبور نیستند، مثال آن دو، مثال جوان رشید تنومند و پیرمرد ناتوان خمیده است: اولی غرق در شهوت جسمانی و دوستدار وصول به خواهش نفسانی بوده و دومی، فاقد نیروی جوانی و تارك شهوت جسمانی است! روشن است که در چنین حالی که پیرمرد خمیده نمیتواند "زنا" کند و جوان رسیده در اوج توان جنسی است، این جوان مجبور بر زنا کردن نیست تا اگر چنین گناه زشتی را مرتکب شد معذور باشد، بلکه اگر زمینه زنا برایش فراهم شد و او "خاف مقام ربّه" از مقام پروردگارش ترسید "و نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى" و نفس خویش را از خواسته نابجایش بازداشت "فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى" یقیناً جایگاه او بهشت است. (1)

بدین گونه، هر يك از ابعاد زندگی انسان را که بررسی کرده و در آن بیندیشیم، او را در کارهای خود صاحب اختیار می یابیم، مگر آنچه از روی غفلت و عدم آگاهی باشد که آن هم آثار اخروی ندارد.

\*\*\*

تا اینجا اساس بحث ها بر بیان "عقاید اسلام" در آیات قرآن کریم بود، در بحث های آینده-به اذن خدای متعال-به بررسی "سیره مبلغان الهی" در قرآن کریم می پردازیم و هر چه از "تورات و انجیل و کتب سیره" در شرح و بیان آیات کریمه قرآن سودمند یافتیم می آوریم.

و الحمد لله رب العالمین..

ص: 220

9 پیوستها

اشاره

ص: 221





راههای بحث و بررسی در عقاید اسلامی و برتری راه اهل بیت علیهم السلام (1)

«عقاید اسلامی» همیشه مورد بحث و بررسی مسلمانان و پژوهشگران اسلام بوده و هست، و با آنکه همه مسلمانان بر اینکه مرجع عقاید اسلام قرآن و حدیث است، اتفاق نظر دارند، با این حال، در طول سالیان و قرون گذشته- بنا به دلایل و انگیزه های مختلف- (2) دیدگاهها و آرای متفاوتی درباره «عقاید اسلامی» پدیدار گشته که به برخی از اسباب آنها اشاره می کنیم:

1- اختلاف در راه و روش بحث و بررسی و استنباط.

2- نفوذ و رخنه «أخبار و رهبان» علمای یهود و نصاری، در صفوف مسلمانان و آمیختن روایات اسلامی با «اسرائیلیات» و داستانهای ساختگی.

3- بدعتها و تأویل و تفسیرهای نادرست از نصوص اسلامی.

4- درگیریهای قبیله ای و تمایلات سیاسی.

5- جهل و نادانی و بی اعتنائی به نصوص اسلامی.

ما در این مقاله به بررسی سبب اول (اختلاف در راهها و روشها) پرداخته و راهها و

ص: 223

1- ترجمه مقاله آقا شیخ عباسعلی براتی در مجله «رسالة الثقلین»، نشریه مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام تهران، شماره دهم، سال سوم، 1415 ه.ق.

2- دکتر احمد محمود صبحی در مقدمه کتاب: «فی علم الکلام» جلد 1 ص 46 چاپ پنجم، بیروت 1405 ه/1985 م.

روشهای موجود در بررسی «عقاید اسلامی» را با راه و روش اهل بیت علیهم السّلام مقایسه، فراروی خوانندگان قرار داده و برتری راه اخیر را روشن و بیان می‌داریم.

## اختلافات عقیدتی، ریشه و تاریخ آن

### اشاره

اختلافات فکری و عقیدتی مسلمانان از همان دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نمودار شد ولی به اندازه ای نبود که به پیدایش مذاهب کلامی، و مکاتب فکری بیانجامد. زیرا، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم خود شخصا به درمان آن پرداخته و مجال گسترش به آن نمی‌دادند؛ به ویژه که روح صداقت و برادری و محبت بگونه ای بر جامعه اسلامی آن روز حاکم بود که در تاریخ بی بدیل یا کم نظیر است.

برای نمونه، موضوع «قدر» و سرنوشت انسانها بود که ذهن و فکر صحابه و یاران پیامبر را به خود مشغول داشته و آنان را به بحث و گفتگو در اطراف آن وامی داشت تا آنجا که در نهایت به مراء و خودنمائی و جدال کشید و صدای درگیری آنان به گوش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم رسید و آن حضرت - چنانکه در کتابهای حدیث آمده - بدین گونه آنان را از ادامه آن بر حذر داشت:

احمد بن حنبل از عمرو بن شعیب از پدرش از جدش روایت کرده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم روزی از منزل بیرون آمد و مردم را در حال گفتگو درباره «قدر» دید - راوی گوید: - رنگ چهره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم از شدت خشم بگونه ای سرخ شد که گویا دانه انار بر رخسار مبارکش پراکنده اند! فرمود: «شما را چه شده که به [جرح و تعدیل و تجزیه و تحلیل] کتاب خدا پرداخته و بخشی از آن را با بخش دیگر مقایسه [و نفی و اثبات] می‌کنید؟ پیشینیان شما به خاطر این کارها نابود شدند!» (1)

قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم اصول عقاید اسلامی و مبانی اساسی آن را - به نحو کلی - برای امت اسلامی بیان داشته اند؛ برخی پرسشهای بعدی از آن رو مطرح شد که [در ظاهر] پاسخ صریحی در قرآن و سنت برای آنها نبود و مسلمانان نیازمند استنباط و اجتهاد

ص: 224

شدند و این مسئولیت بر دوش فقها و مجتهدان در عقاید و احکام قرار گرفت. بدین خاطر، صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز، گاهی در مسائل اعتقادی با یکدیگر اختلاف داشتند؛ اگر چه اختلافشان در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با اختلاف آنان در دوره های بعد نتایج و آثار متفاوتی داشت. زیرا، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حیات خود شخصا در بین آنان داوری می فرمود و با رهنمودهای خود ریشه اختلاف را می خشکانید (1)؛ ولی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مردم مجبور شدند به اجتهاد یکی از صحابه یا گروهی از آنان- که برگزیده خلفا و حاکمان بودند- روی آورند و از آنان داوری بخواهند، در حالی که صحابه دیگر، دیدگاهها و آرای خود را حفظ می کردند. [و این خود بر اختلاف می افزود]. نمونه بارز آن اختلاف در موارد زیر است:

1- اختلاف درباره خلافت یا امامت امت پس از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم (2)

2- کشتن کسانی که زکات نمی دادند، و اینکه آیا ندادن زکات باعث ارتداد و بیرون شدن از دین می شود یا خیر؟

بدین گونه، هر اختلافی مبدأ پیدایش دیدگاهها و گروهها و مکتبهای کلامی و اعتقادی ویژه ای گردید که هر یک نیز به طور طبیعی با روشی که در استدلال و استنباط برگزیده بودند، به تدوین آراء و عقاید خویش پرداختند. مهمترین این مکتبها- بنابر تحقیق ما- مکتبهای زیر است:

1- مکتب نقلی محض.

2- مکتب عقلی محض.

3- مکتب ذوقی و اشراقی.

4- مکتب حسّی و تجربی.

5- مکتب فطری.».».

ص: 225

1- «سیره ابن هشام» ج 1 ص 341-342، و دکتر محمد حمید الله، «مجموعه الوثائق السياسية»، ج 1 ص 7.

2- اشعری: «مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلّین» ج 1 ص 34 و 39، و ابن حزم: «الفصل فی الملل و الاهواء و النحل» ج 2 ص

111، و احمد امین: «فجر الاسلام».

«احمد بن حنبل» امام مذهب حنبلی ها [متوفای: 241 ه] در عصر خود پیشوا و پیشروترین شخصیت این مکتب به شمار آمده است. این مکتب همانند مکتب اهل حدیث [ اخباریان عامه ] است: آنان که کاری جز پاسداری از روایات و نقل آن نداشته و با تدبیر و اندیشه در عمق و محتوا، و جداسازی سره از ناسره بیگانه اند. این گونه جهت گیری را در دوره های اخیر «سلفیه» نامند و حنبلی مذهببان اهل سنت در فقه، از این روش پیروی می کنند. آنان رأی و نظر در مسائل دینی را حرام، پرسش [از سبب و علت] را بدعت و کندوکاو و استدلال را بدعت گرائی و عقب نشینی در برابر هواپرستان می دانند. این گروه همه توان خویش را وقف درس و بحث بی اندیشه سنت کرده و آن را «پیروی کردن» و غیر آن را «بدعت گرائی» می نامند.

بالاترین و برترین تلاش آنان این است که احادیث وارد در مسائل اعتقادی را تدوین و دسته بندی نموده و به شرح الفاظ و واژه ها و اسناد آن پردازند؛ چنانکه امام بخاری و احمد بن حنبل و ابن خزیمه و بیهقی و ابن بطله کرده اند. اینها کارشان بدانجا رسیده که علم کلام و دیدگاه عقلی در مسائل عقیدتی را حرام شمرده اند. برخی از آنان در این باره رساله ویژه ای نیز، تدوین کرده اند، مانند ابن قدامه در نوشته ای به نام: «رسالة تحريم النظر في علم الکلام».

احمد بن حنبل گفته است: «اهل کلام هرگز رستگار نمی شوند. ممکن نیست کسی را در پی کلام و دیدگاه کلامی ببینی مگر آن که در دل او مکر و حیلت باشد.» او بدگویی از متکلمان را بدانجا رسانید که از حارث محاسبی «زاهد و با ورع» نیز، دوری گزید، چرا که او کتابی در رد بدعت گرایان تصنیف کرده بود. احمد به او گفت: «وای بر تو! آیا تو نخست بدعتهای آنان را بازگو نمی کنی تا پس از آن به رد آنها پردازی؟ آیا با این نوشته ات مردم را به مطالعه بدعتها و اندیشه در شبها وادار نمی کنی؟ این خود، آنان را به رأی و نظر و کندوکاو فرا می خواند.» احمد همچنین گفته است: «علمای کلام زندیق و خرابکارند.»

زعفرانی گوید: شافعی گفته است: «حکم من درباره اهل کلام این است که باید آنان را با

خوشه خرما زده و در میان قبایل و عشایر بگردانند و بگویند: این کیفر کسی است که کتاب و سنت را رها کرده و به کلام گرویده است!»

همه سلفی های اهل حدیث [اخباریان عامه] در این باره اتفاق نظر داشته و شدت عمل آنان در مقابله با متکلمین بیش از آن است که نقل کرده اند. اینان می گویند: «صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم - با آنکه به حقایق داناتر و در گفتار رساتر از دیگران بوده اند - از سخن گفتن درباره عقاید خودداری نکردند مگر بدان خاطر که می دانستند از کلام شرّ می زاید، و بدین سبب است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده: «هلك المتعمقون، هلك المتعمقون، هلك المتعمقون» کنجکاوان هلاک شدند، کنجکاوان هلاک شدند، کنجکاوان هلاک شدند.»

یعنی غورکنندگان در عمق و ریشه مسائل [دینی] هلاک می گردند!

این گروه [اخباریان عامه] در عقیده به راه تجسیم و تشبیه رفته و به «قدر» و سرنوشت تغییرناپذیر، و مسلوب الاراده بودن انسان معتقد شده اند. (1)

آنان تقلید در عقاید را جایز دانسته و رأی و نظر در آن را - چنانکه گذشت - حرام می دانند.

دکتر احمد محمود صبحی گوید:

«با وجود آنکه تقلید در عقاید - بر خلاف نظر عبید الله بن حسن عنبری و حشویه و تعلیمیه (2) - نه ممکن است و نه جایز، همان گونه که رأی فخر رازی در محصل (3) است، و رأی جمهور بر آن است که تقلید در عقاید جایز نیست، و استاد ابو اسحاق در «شرح الترتیب» آن را به اجماع اهل حق و غیر آن نسبت داده، و امام الحرمین در کتاب «الشامل» گفته است: هیچ کس جز حنبلی ها در عقاید قائل به تقلید نیست؛ با این وجود، امام شوکانی، مکلف دانستن مردم به وجوب اندیشه و نظر در عقاید را، «تکلیف بما لا یطاق» و وظیفه بیش از توان دانسته است. او پس از آوردن اقوال و دیدگاههای پیشوایان [درباره وجوب 7.

ص: 227

1- -صابونی، ابو عثمان اسماعیل: «رسالة عقيدة السلف و اصحاب الحديث»، (في الرسائل المنيرة).

2- -آمری: «الاحكام في اصول الاحكام»، ج 4 ص 300.

3- -شوکانی، «ارشاد الفحول»، ص 266-267.

اندیشه در عقاید] می گوید: «پناه بر خدا! چه عجیب و شگفت آور است این سخنان!...»

براستی که این جنایتی بزرگ بر عامه مردم و این امت مرحومه است، و تکلیف بر چیزی است که در توان ندارند و تحمّلش را نیارند. [مگر نه آنست که] همان ایمان حملی و تقلیدی صحابه ای که به درجه نظر و اجتهاد نرسیده و به آن نزدیک هم نشدند، آنان را کفایت کرد؟!...»

او نظر دادن در این باره را بر بسیاری از مردم حرام و از گمراهی و نادانی شمرده است. (1)

از این رو، علم منطق نیز نزد ایشان حرام است، و از روشهای رسیدن به شناخت و معرفت بشری به حساب نیاید. با آنکه علم منطق از مشهورترین مقیاس ها و قدیم ترین آنهاست، این علمی است که «ارسطو» در کتابی به نام «ارغنون» تدوین کرده و نام آن را علم سنجش و میزان نهاده است.

علم منطق از دیدگاه صاحبان این روش به تنهایی برای نگهداری ذهن از خطا و اشتباه در فکر کافی نیست. آنان می گویند: «بسیاری از اندیشمندان اسلام مانند: کندی و فارابی و ابن سینا و امام غزالی و ابن ماجه و ابن طفیل و ابن رشد، در منطق به برتری رسیدند، ولی در افکار و آراء و دیدگاهها با یکدیگر اختلافات عمیق و بنیادین پیدا کردند. پس، منطق میزان سنجش حق و باطل نیست.»

البته جهت گیری این گروه در دوره های اخیر، در برابر علم منطق و کلام، بسیار نرم تر گردیده. مثلاً ابن تیمیه را در موضعگیری اش مقابل علم کلام آشفته می بینیم: او علم کلام را به کلی تحریم نمی کند بلکه اگر ضرورت اقتضا کند و کلام مستند به دلایل عقلی و شرعی بوده و وسیله مرزبندی و جداسازی شبهات ملحدان و زندیقان و خرابکاران باشد، آن را جایز می داند. (2)

او در عین حال، منطق را تحریم و در ردّ آن رساله ای به نام: «رسالة الرد علی 7».

ص: 228

---

1- امام جوینی: «الارشاد الی قواطع الأدلة»، ص 25؛ غزالی: «إلجام العوام عن علم الکلام»، ص 66-67؛ دکتر احمد محمود صبحی: «فی علم الکلام» مقدمه جلد اول.

2- ابن تیمیه: «مجموع الفتاوی»، ج 3 ص 306-307.

المنطقيين» می نویسد، و پیروانش می گویند: «دکارت فرانسوی (1596-1650 م) برای تشخیص خطا و صواب، به جای منطق ارسطاطاليس، مقیاس و میزان جدیدی اختراع کرد و تأکید نمود: «اگر انسان در تفکر خویش مقیاس اختراعی او را گام به گام دنبال کند راهی جز رسیدن به صواب ندارد، و نتیجه به کارگیری روش دکارتی یقین آور است.» ولی چنین نشد و امیدهای برخاسته از روش دکارت در دوره معاصر، به سرنوشت آمال مورد نظر در منطق ارسطو دچار آمد، و مسائل مورد بحث - از پیش از میلاد مسیح تا به حال - همچنان که بود بر جای ماند. (1)

این همان چیزی است که بسیاری از اندیشمندان مسلمان پیشین از جمله امام غزالی (450-505 ه) را به سوی ترك و طرد روش عقلی راند، غزالی در کتاب خود: «تهافت الفلاسفة» با دلایل عقلی آرای فیلسوفان را ردّ و باطل می کند. دقت در این کتاب غزالی گواه آن است که: آن عقلی که مبنای دلایل است، همان عقلی است که آنها را بر باد می دهد!

غزالی اثبات می کند که از عقل انسانی در عالم الهیات و اخلاق، جز ظن و گمان دور از یقین چیز دیگری تراوش نمی کند.

فیلسوف اسلامی ابن رشد اندلسی (متوفای: 595 ه) نیز در کتاب خود: «تهافت التهاافت» آرای غزالی را رد کرده است. ابن رشد کسی است که اثبات می کند بین عقل صریح با نقل صحیح هیچ گونه تعارضی نیست، و این از کتاب او: «فصل المقال بین الحكمة و الشريعة من الاتصال» روشن می گردد. و شگفت آنکه او در این موضع گیری با «ابن تیمیه» در کتابش: «موافقت عقل صریح با نقل صحیح» به يك نتیجه می رسند.

حال، چگونه می توان میان این دو موضع گیری ابن تیمیه [ضدیتش با روشهای عقلی و موافقتش با حکم عقل صریح] را جمع کرد نمی دانیم؟!

روش «اهل حدیث» مکتب خلفا، و «اخباریان» مکتب اهل بیت علیهم السلام، پیروی از ظواهر نصوص شرعی، آیات و روایات، و تلاش در پرهیز از «رأی و قیاس» - در حد امکان - 0.

ص: 229



است. (1) پایگاه «مکتب سلفی» یا مذهب اهل حدیث در عصر ما، جزیره العرب [منطقه نجد] می باشد. گروههای اندکی از آنان نیز در عراق و شام و مصر یافت می شوند. (2)

## ب- مکتب عقلی محض

### اشاره

پیروان این مکتب با تکیه بر شأن و مقام عقل بشری، بمانند ابزاری برای شناخت و معرفت، از دیگران متمایزند. اینان را در دیدگاه اسلامی، پیروان «مکتب رأی»، و در عقیده «معتزله» نامند. پیدایش این مکتب به دوران نخستین تاریخ اسلام بازمی گردد.

پدیدآورندگان اولیه مکتب اعتزال «واصل بن عطا» (80-131 ه) و همدرس او «عمر و بن عبید» (80-144 ه) معاصر منصور دوانیقی بودند که پس از آنان پیشوایانی، مانند: «ابی دؤاد» وزیر مأمون عباسی و «قاضی عبد الجبار بن احمد همدانی» (متوفای: 415 ه) پیدا کرد. از بزرگان ابن طایفه می توان از «نظام» و «ابو هذیل علاّف» و «جاحظ» و «جائیان» نام برد.

این دیدگاه به عقل بشری بهای بسیار داده و در شناخت خدای سبحان و صفات او آن را قویاً کارا و مهم می شمارد. ادراک و تطبیق شریعت اسلامی از نظر این گروه، جز با عقل انسانی به انجام نمی رسد.

این مکتب [معتزله] در زمان ما پیروان و یارانی به این نام ندارد و تنها بخشی از افکار آنان در مذهب «زیدیه» و «اباضیه» داخل شده است، و می توان گفت که اینان با «معتزله» در بخشی از دیدگاههای فکری شریک اند «معتزله» همچنین با شیعه اثناعشریه و اسماعیلیه در برخی جوانب همسوئی دارد اهل حدیث، [اخباریان عامه] «معتزله» را از آن رو که به آزادی اراده و انتخاب در انسان معتقدند، «قدریه» لقب داده اند.

ص: 230

- 
- 1- - شیخ مفید: «اوائل المقالات»، سیوطی: «صون المنطق و الکلام عن علمی المنطق و الکلام»، ص 252؛ شوکانی: «ارشاد الفحول» ص 202؛ علی سامی النشار: «مناهج البحث عند مفکرى الاسلام» ص 194-195؛ علی حسین الجابری: «الفکر السلفی عند الاثنی عشریه»، ص 154 و 167 و 204 و 240 و 424 و 439.
  - 2- - قاسمی: «تاریخ الجهمیه و المعتزله»، ص 56-57.

از مهمترین کتابهای آنان در عقاید کتاب «شرح الاصول الخمسه» تألیف قاضی عبد الجبار معتزلی و «رسائل العدل و التوحید» تألیف گروهی از رهبران معتزله مانند: حسن بصری و قاسم رسی و عبد الجبار بن احمد است.

معتزله چنان بودند که هرگاه با آیات قرآنی یا سنت روایت شده ای مواجه می شدند که بر خلاف عقایدشان بود، آن را تأویل می کردند. بدین خاطر آنان از پیروان «مکتب تأویل» به شمار آمده اند. آنان در عین حال، خدمات بزرگی نیز به اسلام ارائه کردند و در ابتدای دوره عباسی که هجوم فکری-فرهنگی شدیدی بر ضد اسلام برپا شده بود به مقابله با آن پرداختند.

برخی از خلفا مانند «مأمون و معتصم» به آنان گرویدند، ولی اندکی بعد در دوره «متوکل» جریان امر به زیان ایشان دگرگون شد و احکام کفر و ضلال و تفسیق یکی پس از دیگری بر علیه آنان صادر گردید؛ درست همان گونه که خود ایشان در دوره سیطره بر کاخها و درباریان عباسی، با مخالفان خود می کردند و هر کس نظر ایشان را نمی پذیرفت آزارش می دادند!

شرح بیشتر را در تألیفات جدید و قدیم درباره معتزله می یابید. (1)

معتزله با این اصول پنج گانه مشهورند:

1- توحید، به معنای منزه دانستن خداوند از صفات مخلوقین، و عدم امکان رؤیت خدا با دیدگان به طور مطلق.

2- عدل، یعنی خدای سبحان به بندگان ظلم نکرده و مخلوقاتش را به انجام گناه مجبور نمی کند.

3- المنزلة بین المنزلتین، یعنی کسی که گناه کبیره انجام می دهد نه مؤمن است و نه کافر بلکه فاسق است.

4- وعد و وعید، یعنی بر خدا واجب است به وعده [مژده بهشت] و وعید [ترساندن از جهنم] خود که به مؤمنان و کافران داده وفا نماید.

5- امر به معروف و نهی از منکر، یعنی مخالفت با حاکمان ظالم که از ظلم خویش باز نایستند، واجب است. (2) 5.

ص: 231

---

1- زهدی حسن جار الله: «المعتزله»، چاپ بیروت، دار الاهلیة للنشر و التوزیع (1974 م).

2- قاسم رسی: «رسائل العدل و التوحید و نفی التشبیه عن الله الواحد الصمد» ج 1 ص 105.

«مکتب اشعری» که امروزه بیشتر اهل سنت با آن همسوئی دارند، تعدیل شده «مکتب معتزله» و روش اهل حدیث است. زیرا، بنیانگذار آن یعنی شیخ ابو الحسن اشعری [متوفای: 324 هـ] خود ابتدا- در حدود چهل سال- مذهب معتزلی داشت و در حوالی سال [300 هـ] بر فراز منبر جامع بصره، بیزاری خود از مذهب اعتزال و بازگشت به مذهب سنت و جماعت را اعلام کرد و درصدد برآمد تا راه و روش معتدل و میانه ای مرکب از روش عقلی معتزله و سیره نقلی اهل حدیث را در میان عامه مردم رواج دهد. او در پی بی آن شد تا مکتب اهل حدیث را تقویت و یاری نماید ولی این کار را با همان روش معتزله، یعنی با استدلال عقلی و برهانی انجام می داد. بدین خاطر نیز، رانده معتزله و مانده اهل حدیث شد، و هر دو گروه تا به حال، با ایراد اشکالات مهم و اساسی، روش او را انحراف و واپس گرایایی دانسته اند، حتی برخی از تندروهای آنان او را تکفیر کرده اند.

دانشمند دیگری که معاصر اشعری بود نیز- بدون آنکه رابطه و پیوندی با وی داشته باشد- درصدد برآمد تا همان راه و روش را گزیده و ادامه دهد. او ابو منصور ما تریدی سمرقندی [متوفای: 333 هـ] است، وی نیز پیشوای عقیدتی گروهی از اهل سنت است.

این دو رهبر در مجموعه آراء و دیدگاهها با هم اختلافاتی نیز دارند که برخی مهمترین آنها را تا یازده مورد برشمرده اند. (1)

ص: 232

---

1- -مراجعه کنید: محمد ابو زهره: «تاریخ المذاهب الاسلامیه»، قسم الاشاعره و الماتریدیة. آیت الله

مهمترین ویژگیهای «مکتب اشعری» این است که از يك طرف شدیداً از تأویل معنای ظاهر آیات و روایات پرهیز می کند، و از طرف دیگر می کوشد تا با قول «بلا کیف»، یعنی اینکه کیفیت در صفات باری تعالی راه ندارد، از در افتادن به مهلکه «تشبیه و تجسیم» فرار نماید، و با قول «بالکسب»، یعنی اینکه انسان در کردار خود آنچه می کند از راه کسب است نه اقدام، از فروشدن در ورطه «جبر» دوری گزیند؛ اگر چه این روش نیز در دید گروهی دیگر از دانشمندان، ناتوانی و کوتاهی در حلّ مسائل فکری و اعتقادی به حساب آمده است. «مکتب اشعری» به تدریج بر ثبات خود افزود و در مقابل اهل حدیث [ اخباریان عامه ] ایستادگی کرد و در جهان اسلام گسترش یافت. (1)

### ج- مکتب ذوقی اشراقی

سخن را به سمت و سوی دیگر می بریم، راه و روشی متفاوت که مسائل کلامی متکی بر چرخه بحث و مناقشه را رها کرده و مسلک رمزی عشقی صوفیان را می پیماید. این مسلک در همه ابعاد با روش فیلسوفان و متکلمان که بر پایه عقل و نقل بنا شده، اختلاف دارد.

«منصور حلاج» [متوفای: 309 هـ] را مؤسس این مکتب در بغداد، و «امام غزالی» را از بزرگترین رهبران آن شمرده اند. غزالی در کتاب خود: «إلجام العوام عن علم الکلام» می گوید: «این راه، راه «خواص» و برگزیدگان است و غیر این راه [ کلام و فلسفه و... ] راه «عوام» و دون پایگان و راه کسانی است که تفاوتشان با عوام تنها در دانستن ادله است، و دانستن ادله استدلال نیست.» (2)

برخی از پژوهشگران درباره روش امام غزالی و صوفیان، در دریافت عقاید اسلامی،

ص: 233

---

1- شیخ جعفر سبحانی: «الملل و النحل»، ج 1 و 2 و 4. آلفرد بل: «الفرق الاسلامیه فی الشمال الإفريقي»، ص 118-130، احمد محمود صبحی: «فی علم الکلام».

2- «إلجام العوام عن علم الکلام»، ص 66-67.

دکتر صبحی با درک صحیح راه و روش غزالی می گوید:

«گرچه غزالی نظر و کاوش در حقیقت ذات الهی را بر عوام حرام می داند، و این سخنی است که هیچ کس بر او انکار نمی کند، ولی او، ادیبان و نحویان و محدثان و فقیهان و متکلمان را در ردیف عوام آورده، و تأویل را منحصر و محدود بر راسخان در علم دانسته، و آنان در دید وی اولیائی هستند که در دریای معرفت غرق و از شهوتها بریده اند، و این عبارت خود قرینه است بر درستی ادعای برخی محققین که می گویند: «غزالی در حکمت اشراقی و ذوقی و... اعتقاد ویژه [و مرموزی] دارد که با اعتقاد عام و آشکارش که با آن در دید مردمان به مقام حجة الاسلامی رسیده، مغایر است.»

دکتر صبحی می پرسد:

«آیا براستی راسخان در علم تنها صوفیاند و فقیهان و مفسران و متکلمان خارجند؟! اگر چنان است که شرّ با ظهور و پیدایش فن کلام گسترش یافته، آیا این استثناء [تنها صوفیان را راسخان در علم دانستن] فرصت و مجال ویژه ای در اختیار آنان نمی گذارد تا به تنهایی جولان داده و به ادعاهای ناروا و گستاخیهای بی پروا پردازند؟!»

دیدگاههای تصوّف فلسفی مانند: فیض و اشراق و اصول بیگانه [از شرع] آن بسیار روشن است، و شرّ و زیان آن بر عقاید اسلامی به هیچ روی کمتر از شرور متکلمان نیست.» (2)

ولی به هر حال، این طایفه آثار فراوانی در عقاید اسلامی به روش صوفیانه بر جای گذارده اند که از نمونه های آن کتاب «فتوحات مکیّه» است. (3) م.

ص: 234

1- -دکتر سلیمان دنیا: «الحقیقة فی نظر الغزالی».

2- -دکتر احمد محمود صبحی: «فی علم الکلام» ج 2 ص 604-606.

3- -مراجعه کنید: شعرانی، عبد الوهاب بن احمد: «الیواقیت و الجواهر فی بیان عقاید الاکابر»، و سمیع عاطف الزین: «الصوفیة فی نظر الاسلام»، چاپ سوم، دار الكتاب اللبنانی: 1405 هـ، 1985 م.

این روش در اندیشه اسلامی، روشی تازه و پدیده‌ای نوظهور است که برخی از دانشمندان مسلمان در سده اخیر، به پیروی از رهبران فکری اروپای معاصر، آن را دنبال کرده‌اند. پیروان این روش در مصر جدید، هند، عراق و دیگر بلاد اسلامی که از فرهنگ استعماری غرب و امواج فکری وارداتی آن به جهان اسلام منفعل و متأثر شده‌اند، یافت می‌شوند.

آنان درباره «ابزار شناخت و معرفت» بشری دیدگاه ویژه‌ای دارند. اعتماد تام و تمام بر روشهای حسّی و تجربی و رها کردن کامل راه و روش عقلی قدیم و منطق ارسطوئی از مشخصه‌های بارز آنان است. ایشان می‌کوشند تا بحث از «معارف الهی» و مسائل ماورای طبیعی را با روشهای «علوم تجربی» و در میدان حسّ و عمل دنبال کنند. (1)

از جمله آثار این مکتب کلامی جدید، تفسیر معجزات به علل مادی این جهانی، و تفسیر نبوت به نبوغ و ویژگیهای فردی بشری است. برخی از پژوهشگران برای بحث و بررسی این دیدگاه کتابی مستقل تألیف کرده‌اند. (2)

نمونه‌هایی از این دیدگاه را در نوشته‌های «سید احمد خان هندی» می‌یابیم. او را اگر نتوانیم از پیروان این مکتب بشماریم، از کسانی خواهد بود که با این دیدگاه همسوئی و نزدیکی دارد. سبب این نزدیکی نیز آن است که او با مطرح کردن آرای دانشمندان جدید غربی در تفسیر قرآن و پر کردن تفسیرش از این دیدگاهها، می‌کوشد تا اثبات کند که قرآن با همه کشفیات جدید موافق است. احمد خان هندی - بدون آنکه برای دیدگاه خود حدّ و مرزی بشناسد و موضوع و روش و هدف را در مسائل دینی و مباحث علمی جدید روشن کند - در يك کلام می‌گوید: «همه قرآن با داده‌های علوم تجربی منطبق و هماهنگ است.» (3)

ص: 235

---

1- دکتر عبد الحلیم محمود: «التوحید الخالص، او الاسلام و العقل»، مقدمه.

2- دکتر عبد الرزاق نوفل: «المسلمون و العلم الحديث»، فرید و جدی: «الاسلام فی عصر العلم».

3- مراجعه کنید: محمود شلتوت: «تفسیر القرآن الکریم، الا-جزء العشرة الاولى» ص 11-14. اقبال لاهوری: «احیای تفکر دینی در اسلام»، ترجمه احمد آرام ص 147-151؛ سید جمال الدین اسدآبادی: «العروة الوثقی» شماره 7 ص 383، رم، ایتالیا.

خمیرمایه این مکتب یعنی راه فطرت، در تعلیمات و آموزشهای اهل بیت علیهم السلام موجود است. آنان برای مردم بیان داشته اند که: «فهم صحیح عقاید اسلام بدون تطبیق و هماهنگی با فطرت انسانی ممکن نیست.» این بیانی است که ریشه در کتاب و سنت دارد. زیرا، در قرآن کریم که باطل به هیچ روی در آن راهی ندارد، آمده است:

...فَطَّرَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ .

...فطرت الهی، سرشتی که خداوند انسانها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند! (1)

پروردگار گرامی در این آیه اشاره فرموده که: «بهترین راه برای رسیدن به معارف دینی، راه فطرت سلیم انسانی است. فطرتی که در جوامع فاسد و تربیت های بد هم دگرگون نمی شود و هوسها و درگیریها آن را محو و نابود نمی کند، و علت اینکه بیشتر مردم نمی توانند حق و حقیقت را به درستی دریابند آن است که خودخواهی و عصبیت، نور فطرتشان را خاموش کرده، و طغیان و سرکشی، میان آنان و راه یابی فطرتشان به حقایق و علوم واقعی الهی، فاصله شده است.»

این معنی در سنت پاک احمدی صلی الله علیه و آله و سلم نیز تأکید شده و در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است:

كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَبُوهَا يَهُودًا أَوْ نَصْرَانًا أَوْ مَجَسَّانًا.

هر نوزادی بر فطرت پاک الهی به دنیا می آید و این پدر و مادر هستند که او را [با تربیت خود] یهودی یا نصرانی یا مجوسی می کنند. (2)

راه فطرت به هیچ روی با بهره گیری از عقل و نقل و شهود و اشراق و روش

ص: 236

1- -روم/30.

2- -«صحیح بخاری»، کتاب جنائز و کتاب تفسیر، «صحیح مسلم» کتاب قدر حدیث 22، 23، 24. و «مسند احمد» ج 2 ص 233، 275، 393، 410، 481، و جلد 3 ص 353 و «صراط الحق» آصف محسنی.

علمی-تجربی مخالفتی ندارد. مهم آن است که این راه منحصر و محدود به هیچ يك از ابزارهای شناخت نیست بلکه هر يك را در جای خود، برابر با هدایت خدای سبحان، به کار می گیرد؛ هدایتی که قرآن کریم از آن خبر داده و می فرماید:

يَمُنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ .

[ای پیامبر!] آنان بر تو منت می نهند که اسلام آورده اند؛ بگو: اسلام آوردن خود را بر من منت نگذارید، بلکه خداوند بر شما منت می نهد که شما را به سوی ایمان هدایت کرده است، اگر [در ادعای ایمان] راستگو باشید! (1)

در جای دیگر می فرماید:

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا .

و اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود، هرگز احدی از شما پاک نمی شد. (2)

از امتیازات این راه آن است که پیروانش از ورود در مناظرات کلامی و شکوک و شبهات پیچیده دوری می کنند، و در این باره به احادیث اهل بیت علیهم السلام در نهی از دشمنی و جدال در دین استناد می نمایند. از دید آنان متکلمانی که توفیق هدایت به این راه را نیافته اند، اختلافشان در مسائل عقیدتی يك مذهب گاهی به یکصد مسأله هم می رسد. (3)

این «فطرت» پاک که خداوند انسان را بر آن آفریده، در روایات اهل بیت علیهم السلام گاهی به «طینت و سرشت» و زمانی به «عقل طبعی» تعبیر شده است. برای آشنائی بیشتر با این موضوع می توانید به جوامع و کتب حدیثی پیروان و پاسداران میراث گرانهای اهل بیت علیهم السلام مراجعه نمایید. (4)

ص: 237

1- -حجرات 17/.

2- -نور 21/.

3- -علی بن طاووس: «کشف المحجّة لثمرة الحجة» ص 11-20 چاپ کتابخانه دآوری قم.

4- -کافی کلینی، ترجمه، جلد 3 ص 2 باب طینة المؤمن و الکافر، چاپ چهارم، اسلامیه، تهران 1392 ه.



یکی از مهمترین مباحث در عقاید، بحث و بررسی از مدارك آن است. مدارك عقاید اسلامی - همان گونه که در گذشته آوردیم - تنها کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. لکن تفاوت اساسی بین مکتب اهل بیت علیهم السلام و راه دیگران در آن است که، مکتب اهل بیت علیهم السلام قویاً خود را تابع این مدارك دانسته و هیچ گونه خواسته دل و هوای نفس و عصبیتی را بر آنها مقدم نمی دارد، و در پی جوئی و دریافت عقاید از این دو مرجع، تنها اصول عامه اجتهاد در قرآن کریم و روایات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را ملحوظ می دارد. از جمله آنکه:

1- در برابر نصوص و تصریحاتی که خالی از معارض باشد، یا معارض توان ایستادگی در برابر نص را نداشته باشد، هرگز اجتهاد را بر نص مقدم نمی دارند. این در حالی است که برخی هواپرستان و مکتب تراشان در پی آنند تا با تأویلات واهی و توجیحات سست، خود را از قید نصوص برهانند - بزودی نمونه هائی از آن را نشان خواهیم داد.

امام امیر المؤمنین علی علیه السلام در پاسخش به «حارث بن حوط» می فرماید:

... اِنَّكَ لَمْ تَعْرِفَ الْحَقَّ فَتَعْرِفَ مِنَ الْاِثْمِ وَلَمْ تَعْرِفَ الْبَاطِلَ فَتَعْرِفَ مِنَ الْاِثْمِ.

... تو حق را نشناخته ای تا عمل کننده به آن را بشناسی و باطل را نشناخته ای تا عاملش را بشناسی. (1)

ص: 238

2- به بیان دیگر ممکن است بگوییم: پیروان مکتب اهل بیت علیهم السّلام هیچ چیز را بر نصّ و روایتی که قطعی و متواتر باشد مقدم نمی‌دارند، و این در عقیده اسلامی اصلی بسیار مهم است. زیرا، ظن و گمان و اوهام در عقاید جائی ندارند. این چیزی است که باید مورد توجه و تنبّه دیدگاه «سلفی» و آنانی قرار گیرد که روایات ضعیف و اخبار آحاد را در عقاید پذیرفته و شدیداً از آن دفاع می‌کنند و مسلمانان را بر اساس آن تکفیر می‌نمایند.

«سلفی‌ها» و اخباریان عامه باید توجه کنند که در روایات، «راست و دروغ، عام و خاص، محکم و متشابه و حفظ و وهم» (1) در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. بزودی شرح و بیان بیشتر این موضوع را می‌آوریم.

3- عقاید اسلامی شامل دو بخش است: ضروری و نظری:

ضروری آن است که هیچ مسلمانی آن را انکار نمی‌کند مگر آنکه از دین بیرون رود.

زیرا، از بدیهیات دین است مانند: توحید، نبوت و معاد.

نظری آن است که نیازمند تحقیق و برهان و شاهد و دلیل بوده و اختلاف صاحبان آراء و مذاهب در آن ممکن باشد. منکر ضروری تکفیر می‌شود ولی تکفیر منکر نظری ممنوع است.

4- قیاس و استحسان در عقیده را بی‌ارزش می‌دانند.

5- به موافقت حکم صریح عقلی با حکم صحیح نقلی - به شرط مراعات همه اوصاف لازم در آن دو - ایمان دارند و هیچ‌گاه ظن و گمان را جایگزین یقین نمی‌کنند. آنان هرگز به خبر ضعیف استناد نکرده و خبر واحد را به جای صحیح متواتر نمی‌گیرند.

6- از گمانه زنی و اجتهادات شخصی در عقاید پرهیز کرده و از به کارگیری تعابیری که «بدعت» به شمار آمده اند دوری می‌نمایند.

7- همه انبیای الهی و امامان دوازده گانه - صلوات الله علیهم اجمعین - را معصوم می‌دانند و معتقدند ایمان به آثار و روایات صحیح آنان واجب است و مجتهد در این آثار گاهی صواب و گاهی خطا می‌کند، ولی هرگاه شروط اجتهاد را مراعات نموده و همه توان و 0.

ص: 239

1- نهج البلاغه، خطبه: 210.

تلاش خود را به کار برده باشد، معذور خواهد بود.

8- در بین امت کسانی هستند که آنان را «محدّث» و «ملهم» گویند، و نیز، کسانی که خوابهای صحیح می بینند و از راه آن به حقایق می رسند، ولی همه اینها نیازمند اثبات است و کاربرد آن در حدّ عقیده شخصی است و عمل بدان از محدوده فردی فراتر نمی رود.

9- مناظره و مناقشه در عقاید اگر برای فهمیدن و فهماندن همراه با رعایت ادب و تقوا باشد پسندیده است. ولی بر انسان است که آنچه را نمی داند نگوید. بحث و مناظره هرگاه به مرز لجاجت و خودنمائی با سخنان زشت و خلیقات سوء رسید، امری قبیح و ناپسند و اجتناب از آن برای حفظ عقیده واجب است.

10- «بدعت» چیزی است اختراعی و ساختگی به اسم دین که از دین نیست و ریشه شرعی ندارد. گاهی نیز چیزی را «بدعت» نامند که اگر با دقت نظر به آن توجه شود، «بدعت» نیست؛ چنانکه گاهی چیزی را که «سنّت» نیست «سنّت» نامند. پس، تأمل و اندیشه قبل از فتوی ضروری است. (1)

11- وجوب دقت نظر و تعمّق در «تکفیر»، زیرا تا کفر کسی با اقرار خود او یا بیّنه قطعی اثبات نگردیده، حکم کفر درباره وی جایز نیست. چه، «تکفیر» موجب حدّ شرعی می گردد و قاعده فقهی در حدّ شرعی این است که: «انّ الحدود تدرأ بالشّبهات» حدود با شبهات برطرف می گردند. و کافر شمردن دیگران از بزرگترین گناهان است مگر آنکه به حق باشد.

12- وجوب ردّ موارد خلاف به «کتاب و سنّت و عترت» همان گونه که رسول خدا صلیّ الله علیه و آله و سلّم فرمان داده، و خدای متعال درباره آن فرموده:

وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا .

اگر [حوادث و پیش آمدها را] به پیامبر و رهبران خودشان - که قدرت - .

ص: 240

---

1- - سید مرتضی، علی بن الحسین الموسوی [متوفای: 436 ه]: «رسائل الشریف المرتضی، رسالة الحدود و الحقایق».

تشخیص کافی دارند- بازگردانند، از ریشه مسائل آگاه می گردند. و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عده کمی، همگی از شیطان پیروی می کردید. (1)

13- دیدگاه اهل بیت علیهم السّلام درباره صفات خداوند نیز، چنین است:

خدای عزّ و جلّ حیّ و قدیر و علیم بالذات است؛ یعنی زنده بودن و قدرت و علم، عین ذات باری تعالی است. خدای سبحان- بر خلاف آنچه مشبّه و بدعت گذارانی همچون ابو هاشم جبائی گفته اند- از صفات و احوال زائد بر ذات منزّه و مبرّاست. این دیدگاهی است که همه امامیه و معتزله- مگر آنان که نام بردیم- و بیشتر مرجئه و همه زیدیه و گروهی از اصحاب حدیث و حکمت بر آن اتفاق دارند. (2) دیدگاهی میان اثبات و تعطیل، یعنی در عین حال که خدای سبحان را از داشتن صفات زائد بر ذات منزّه می دانند، بحث درباره صفات و اسمای حسنی الهی را ممنوع و بی ثمر نمی دانند.

14- آنان به «حسن و قبح» عقلی معتقد بوده و می گویند: درك «حسن و قبح» برخی اشیاء نزد عقل بدیهی و آشکار است. 8.

ص: 241

---

1- -نساء/83.

2- -شیخ مفید: «اوائل المقالات» ص 18.

## اشاره

برتری مکتب اهل بیت علیهم السلام در عقاید اسلامی هنگامی که با معلومات بدیهی و داده های یقینی با ارزش مقایسه گردد، تجلی بیشتری می یابد. به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

### 1- درباره توحید:

مکتب اهل بیت علیهم السلام در توحید، تنزیه مطلق خداوند از هر گونه تشبیه و تنظیر و همانندی با مخلوقات بر اساس تعالیم قرآن است. چنانکه فرموده:

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ .

هیچ چیز همانند او [خداوند] نیست و او شنوای بیناست. (1)

همچنین رؤیت خداوند با دیدگان را با الهام از قرآن کریم مردود می داند، چنانکه فرموده:

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ .

چشم ها او را نمی بیند ولی او همه چشم ها را می بیند و او لطیف و آگاه است. (2)

و نیز، توصیف خداوند به صفات مخلوقین از سوی آفریدگان را ناممکن می داند.

چنانکه فرموده:

ص: 242

---

1- -شوری 11/.

2- -انعام 103/.

الف- سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ .

منزه است خدا و برتر است از آنچه توصیف می کنند. (1)

ب- سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ .

منزه است پروردگار تو، پروردگار عزت، از آنچه توصیف می کنند. (2)

## 2- درباره عدل:

مکتب اهل بیت علیهم السلام هر گونه ظلم و ستم را از خدای متعال نفی کرده و ذات اقدس باری تعالی را عدل مطلق می داند. چنانکه خود فرموده:

الف- إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ .

خداوند به اندازه ذره ای [هم] ستم نمی کند.

ب- إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئاً وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ .

خداوند به مردم هیچ ستم نمی کند ولی این مردم به خودشان ستم می کنند. (3)

## 3- درباره نبوت:

دیدگاه مکتب اهل بیت علیهم السلام درباره نبوت، قول به عصمت مطلق انبیا علیهم السلام است.

زیرا خدای متعال فرموده:

الف- وَ مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يُغْلَ وَ مَنْ يُغْلَلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

هیچ پیامبری خیانت نمی کند، و هر کس خیانت کند، روز قیامت آنچه را که در آن خیانت کرده با خود می آورد. (4)

ب- قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ .

[ای پیامبر!] بگو: من [نیز] اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روزی

ص: 243

1- -انعام/100.

2- -صافات/180.

3- - يونس 44./

4- - آل عمران 161./

بزرگ بیمناکم! (1)

ج- وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ \* لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ \* ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ .

اگر او [پیامبر] سخنی دروغ بر ما می بست \* ما او را با قدرت می گرفتیم \* سپس رگ قلبش را قطع می کردیم! (2)

مکتب اهل بیت علیهم السلام همچین، همه فرشتگان را معصوم می داند. زیرا، خدای متعال فرموده:

عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ .

فرشتگانی بر آن [جهنم] گمارده شده اند که بسیار خشن و سختگیرند و هرگز خدا را در آنچه فرمانشان داده نافرمانی نکنند و بدانچه مأمورند عمل می کنند. (3)

#### 4- درباره امامت:

مکتب اهل بیت علیهم السلام می گوید: امامت یعنی، نیابت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در امور دنیا و دین، عهد و پیمانی الهی است که به غیر معصوم نمی رسد. زیرا، خدای متعال فرموده:

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ .

و هنگامی که پروردگار ابراهیم او را بگونه ای چند پیامزد و او به خوبی از عهده آنها برآمد، خداوند فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم! ابراهیم عرض کرد: از دودمان من نیز [امامانی قرار ده] فرمود: عهد و پیمان من به ستمکاران نمی رسد! (4)

از محتوای آیه شریفه [و کیفیت امتحان شدن ابراهیم علیه السلام] نتیجه می گیریم که: خوابهای

ص: 244

1- -انعام/15.

2- -حاقه/44-46.

3- -تحریم/6.

4- -بقره/124.



رسولان و انبیا و امامان علیهم السّلام همگی، رؤیاهای صادق مصون از دروغ است، و خدای متعال آنان را از اشتباه در خواب نیز، نگه می دارد. (1)

آنچه آوردیم نمونه ای از مطابقت و همگونی راه اهل بیت علیهم السّلام با قرآن کریم در عقاید اسلامی بود. 1.

ص: 245

---

1- - شیخ مفید، اوائل المقالات ص 41.

دیدگاه مکتب اهل بیت علیهم السلام در ارزش و کاربری عقل، دیدگاهی است متوسط، که از تندروی و یکسونگری معتزله، و کندروی و جمود ظاهر بینان اهل حدیث، در امان است.

شیخ مفید [متوفای: 413 ه] می گوید:

«اینکه مخالفان امامیه بگویند: «اخبار صریح بر امامت امامان شما به حدّ تواتر نمی رسد و اخبار آحاد حجّت نیست»، مکتب ما را زیان نرساند و حجّت ما را بی اعتبار نکند. زیرا، اخبار ما همراه و قرین با «دلایل عقلی» است، دلایلی که در گذشته مشروح آن را در وجوب امامت و صفات امامان آورده ایم؛ دلایلی که اگر - چنانکه مخالف ما پنداشته - باطل باشند، «دلایل عقلی» و وجوب نصّ بر امامان نیز باطل خواهد بود (1)».

و نیز، می گوید: «من به خواست خدا و توفیق او، در این کتاب، تفاوت های مکتب شیعه و مکتب معتزله و مایه های جدائی میان عدلیّه شیعه و گروه عدلیّه معتزله را اثبات می کنم.» (2)

شیخ صدوق، محمد بن بابویه [متوفای: 381 ه] می گوید: «... خداوند به سوی هیچ سببی فرا نمی خواند مگر بعد از آنکه حقانیتش را در عقول تصویر کرده باشد، و اگر آن را تصویر نکرده باشد دعوت و فراخوانی ناروا و حجت ناتمام است. زیرا اشیاء، گرد آمده

ص: 246

1- شیخ مفید: «المسائل الجارودیه» ص 46 چاپ کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم 1413 ه.

2- شیخ مفید: «اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات».

اشکال و خبر دهنده از ضدّ خویشند. پس، اگر در عقل [زمینه] انکار رسولان بود، خداوند هرگز هیچ پیامبری را مبعوث نمی فرمود.» (1)

و نیز، می گوید: «سخن درست در این باره آن است که گفته شود: خدا را به یاری خدا شناختیم. زیرا، اگر خدا را به وسیله عقل خود شناختیم، همو بخشنده عقول است، و اگر به وسیله انبیا و رسولان و حجّتهای او شناختیم، همه رسولان و انبیا و امامان را او برگزیده است، و اگر با جان و روان شناختیم، پدیدآورنده آن خدای ذو الجلال است، پس، با اوست که او را شناختیم.» (2)

اینگونه بهره گیری و کاربری عقل، یعنی همراه کردن آن با کتاب و سنت و امامان معصوم علیهم السّلام را در هیچ يك از روشهای اسلامی، جز روش اهل بیت علیهم السّلام نمی یابیم. امام صادق علیه السّلام در این باره می فرماید:

لولا الله ما عرفنا، ولولا نحن ما عرف الله.

اگر خدا نبود ما شناخته نمی شدیم، و اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی شد. (3)

ابن بابویه در شرح این حدیث می گوید: «یعنی اگر حجّتهای خدا نبودند، خداوند آنگونه که سزاوار است شناخته نمی شد، و اگر خدا نبود حجّتهای خدا شناخته نمی شدند.» (4)

## مناظرات کلامی و دیدگاه اهل بیت علیهم السّلام

### اشاره

در مباحث گذشته با دیدگاه کسانی که هر گونه بحث و جدال و مناظره در دین را مطلقاً ممنوع می دانستند آشنا شدیم؛ و نیز، با دیدگاه کسانی که معتدل بوده و میان اقسام مناظره، قائل به تفصیل و جدائی بودند. روش اهل بیت علیهم السّلام در این باره نیز، راهی میانه است. آنان به پیروی از کتاب خدا جدال را دو گونه می دانند:

### 1- جدال حسن و نیکو.

ص: 247

1- ابن بابویه: «کمال الدین و تمام النعمه»، چاپ سنگی، تهران، 1301 ه.

2- توحید صدوق، ص 290.

3- همان مرجع.

4- همان مرجع.

خدای متعال می فرماید:

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ .

[مردم را] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با آنان به روشی که نیکوتر است مجادله و مناظره کن. پروردگار توبه [حال] کسی که از راه او گمراه شده داناتر است؛ و همو هدایت یافتگان را بهتر می شناسد. (1)

شیخ مفید رحمه الله در این باره می گوید:

«پیشوایان صادق ما علیهم السلام به گروهی از شیعیانشان دستور می فرمودند تا از اظهار حق بازایستند و خویشان داری نمایند، و حق را در درون خود از دشمنان دین مستور داشته و در برخورد با آنان بگونه ای رفتار کنند که شبهه مخالف بودن را از ذهنشان بزدايند؛ زیرا، این روش به حال آن گروه مفیدتر بود. و در همان حال، به گروه دیگری از شیعیان فرمان می دادند تا با مخالفین به جدال و مناظره پرداخته و آنان را به سوی حق فراخوانند؛ زیرا، امامان ما علیهم السلام می دانستند که از این راه زبانی به آنان نخواهد رسید.» (2)

مقصود شیخ مفید رحمه الله از «صادقان» در سخن خود، «امامان منصوب» از عترت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هستند که خداوند در کتاب خود به طهارتشان گواهی داده و آنان را از گناه و معصیت پاک دانسته و آنان را مورد خطاب قرار داده و فرموده:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا .

خداوند تنها می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاک و پاکیزه گرداند. (3)

خداوند امت اسلامی را نیز به تقوای الهی و همراهی با آنان در عقیده و عمل فرا خوانده و

ص: 248

1- -نحل 125/.

2- -شیخ مفید: «تصحیح الاعتقاد»، ص 66.

3- -احزاب 33/.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ .

ای اهل ایمان، تقوای الهی پیشه کنید و با صادقان باشید. (1)

آری، آنان امامانی هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نامشان را با صراحت بیان فرموده و هر يك از امامان نیز، امام بعدی را-تا دوازده امام-صریح و روشن معرفی کرده اند. نص و اشاره بر نام و عدد و نام اولین [و آخرین] آنان در سنت پاك محمدی صلی الله علیه و آله و سلم موجود است.

هر که خواهد رجوع نماید. (2)

### عقل نیازمند وحی است

از جمله سخنانی که به همراهی و ملازمت عقل و شرع در مکتب اهل بیت علیهم السلام تأکید دارد، سخن صدوق رحمه الله است. او می گوید: [عقل نیازمند وحی است] «اما استدلال ابراهیم خلیل علیه السلام که با نظر به زهره، بعد از آن به ماه و سپس به خورشید و غروب آنان گفت: «یا قوم ائی بری ممّا تشرکون» ای قوم! من از شریک هائی که [برای خدا] می سازید بیزارم (3). از آن رو بود که او نبی ملهم و پیامبر مبعوث به الهام خدائی بود. زیرا، خدای متعال خود فرموده: «وَ تِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ» اینها دلایل ما بود که به ابراهیم در برابر قومش دادیم (4)» و همه مردم بمانند ابراهیم [از الهام غیبی برخوردار] نیستند. اگر ما در شناخت توحید از مساعدت و شناساندن خدا بی نیاز بودیم و شناخت عقلی ما را بس بود، خدای سبحان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمی فرمود: «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» پس بدان که

ص: 249

1- -توبه 119/.

2- -ابن عباس جوهری: «مقتضب الاثر فی النص علی عدد الائمه الاثنی عشر»، ابن طولون دمشقی: «الشذرات الذهبية فی ائمه الاثنا عشرية». المفید: «المسائل الجارودية»، ص 45-46 چاپ کنگره هزاره شیخ مفید، قم 1413 ه. و نیز به: «اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات» شیخ حرّ عاملی تحقیق: ابو طالب تجلیل چاپ قم، 1401 ه، مراجعه نمائید.

3- -انعام 78/.

4- -انعام 83/.

مقصود ابن بابویه این است که: عقل بدون مساعدت وحی نمی تواند خدا را آنگونه که باید بشناسد، نه آنکه نتایج عقلی بی اعتبار است!

همچنین است سخن شیخ مفید که می گوید: «عقل در مقدمات و نتایج نیازمند وحی است. (2)» ولی در همان حال، خود او کاربری عقل را در فهم عقاید اسلامی تقویت می کند و می گوید: «اما نهی از کلام و سخن درباره خداوند، تنها برای آن است که از تشبیه خدا به خلق و نسبت ستمکاری به خالق دادن بازایستند. (3)»

او در احتجاج با مخالفین برای کاربرد عقل و نظر دلیل آورده و در حالی که آنان را به ناتوانی در رأی توصیف می کند، می گوید: روی گردانی از کاربرد عقل و نظر، چرخش به سوی تقلید است که به اتفاق امت، مذموم و ناپسند می باشد (4).

### جایگاه نقل

در گذشته یادآور شدیم که «عقل» در مکتب اهل بیت علیهم السلام با همه ارزشی که در «معرفت دینی» دارد، از نور وحی بی نیاز نیست. و این را هیچ يك از مکتبهای فکری کلامی اسلامی انکار نمی کند. آنچه که هست حدود اعتماد بر نقل است. زیرا، نقل [در اینجا مقصود حدیث است. چه، قرآن کریم نقل متواتر و قطعی است] گاهی به صورت متواتر به ما می رسد، یعنی به دلیل کثرت راویان و ناقلان هر گونه شک و شبهه را می زداید. بگونه ای که انسان به صدور حدیث از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یا عترت طاهره علیهم السلام یا صحابه گرامی آن حضرت اطمینان پیدا می کند. اما گاهی به این حد نمی رسد، بلکه تنها ظن و گمان قوی یا ضعیف را به دست می دهد، و گاهی نیز، به حدی می رسد که آن را خبر واحد گویند، یعنی خبری که يك نفر روایت کرده و يك نفر مدعی صدور آن از معصوم است که در این حالت

ص: 250

1- - محمد 19/.

2- - اوائل المقالات، ص 11-12.

3- - تصحیح الاعتقاد بصواب الانتقاد، ص 26-27.

4- - تصحیح الاعتقاد بصواب الانتقاد، ص 28، چاپ شده با اوائل المقالات، تبریز، 1370 هـ.

نیز، در بسیاری از موارد موجب ظنّ و گمان متمایل به شك و جهل است.

روش مکتب اهل بیت علیهم السّلام در حالت اخیر آن است که: «اینگونه روایات تا هنگامی که قرینه صدق و درستی همراه ندارند، قابل اعتماد و استناد نیستند.»

### بی اعتباری خبر واحد در عقاید

بی اعتمادی به خبر واحد در مکتب اهل بیت علیهم السّلام هنگامی که به مسائل عقیدتی می رسد، از آنچه گفتیم شدیدتر می شود. زیرا، عقاید به خاطر اهمیتی که دارند با دلایل ضعیف و براهین واهی اثبات نگردند، بویژه که زمان ما از زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم و سلف صالح بسیار فاصله گرفته و بر ماست تا با تلاش و کوشش بسیار، از گفتار مشکوک و گمانه زنی دوری نموده و به یقینیات و باور کردنی ها، یا آنچه نزدیک به آنهاست، روی آوریم؛ تا از فروشدن در فتنه ها و اختلافات جدلی و جنجالی که بزرگترین خطر را برای دین و وحدت امت در پی می آورد، در امان بمانیم.

شیخ مفید رحمه الله در این باره می گوید:

«می گویم: حق آن است که آگاهی و عمل به چیزی از اخبار آحاد واجب نیست، و برای هیچ کس روا نیست تا در دین خود، از راه خبر واحد به قطع و یقین برسد مگر آنکه همراه خبر قرینه ای باشد که بر صدق گفتار راوی آن دلالت کند. این مذهب همه شیعیان و بسیاری از معتزله و محکمه و گروهی از مرجئه است که با آنچه فقیه نمایان عامّه و اصحاب رأی بر آنند مخالف است.» (1)

آری، پیروان مکتب اهل بیت علیهم السّلام در مسائل عقیدتی با احتیاطند. زیرا، اهل بیت علیهم السّلام پیروانشان را به احتیاط دستور داده و فرموده اند: «پرهیزکارترین مردمان کسی است که نزد شبهات بایستد.»

ص: 251

با آنچه آوردیم به پایان سیر خود در روش مکتب اهل بیت علیهم السّلام درباره عقاید اسلامی رسیدیم. راه اهل بیت علیهم السّلام چنانکه در صفحات گذشته بیان شد، راهی متکامل است که از همه ابزارهای شناخت، در جای خود، بهره می گیرد. مثلاً مسائل الهیات و صفات باری تعالی را از راه تجربی نمی کاود. زیرا، این مسائل از دسترس چنین ابزاری بدور است.

همچنین، جمود و پای فشردن بر يك ابزار واحد، مانند: اشراق باطنی و عشق و ذوق صوفی را نیز، روا نمی دارد. همان گونه که درباره عقل نیز، غلو و زیاده روی نکرده و آن را مستقل و مدرک همه امور- از جمله غیب و نهان و جزئیات معاد- نمی داند؛ و درباره وحی می گوید:

درک وحی بدون بهره گیری از نور عقل ناشدنی است.

مکتب اهل بیت علیهم السّلام هر چه را به صورت روایت و سنت و نقل باشد- تا هنگامی که درستی نسبت آن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم و صحابه و امامان علیهم السّلام ثابت نباشد، و تا هنگامی که آن را با سایر نصوص و تصریحات کتاب الله مقابله ننماید، و عام و خاص و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و حقیقت و مجاز آن را نشناسد- مبادرت به قبول آن نخواهد کرد. و در يك کلام، این مکتب متمرکز بر «اجتهاد» به معنای بذل جهد و توان است، و تلاش در به کارگیری همه توان برای فهم مقصود شرعی از نصوص را، و جبهه همت خود نموده است. در عین حال، از نقد و بررسی و مناظره و مناقشه علمی- تا هنگامی که از برانگیختن عواطف یا ایجاد دشمنی بدور باشد- نه تنها سرباز نمی زند، بلکه آن را فراخوانی و دعوت به راه پروردگار و جدال احسن و حکمت و موعظه حسنه می داند. همان گونه که خدای متعال فرموده:

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ\* وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رَبَّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تِلْكَمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ .



آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کردند- ما هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کنیم- آنان اهل بهشتند و در آن جاویدان\* آنچه در دلها از کینه دارند، بر می کنیم، از زیر آنان نهرها جاری است. می گویند: "سپاس و ستایش خدای راست که ما را به این مسیر رهنمون شد؛ [راستی را که] اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، راه نمی یافتیم! مسلما فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند!" [در این هنگام] به آنان گفته می شود: این بهشت را در برابر اعمالی که انجام می دادید به ارث بردید! (1)3.

ص: 253



1- ابتدای آفرینش به روایت مسعودی:

مسعودی با سند خود از امام علی علیه السلام روایت کند که آن حضرت ابتدای آفرینش را در سخنی فشرده چنین بیان فرموده است:

...فسح الارض على ظهر الماء، وأخرج من الماء دخانا فجعله السماء، ثم استجلبهما الى الطاعة فأذعنتا بالاستجابة، ثم أنشأ الله الملائكة من أنوار أبداعها، وأرواح اخترعها، وقرن بتوحيده نبوة محمد صلى الله عليه وسلم فشهرت في السماء قبل بعثته في الارض، فلما خلق الله آدم أبان فضله الملائكة، وأراهم ما خصه به من سابق العلم من حيث عرفه عند استنبائه إياه أسماء الأشياء، فجعل الله آدم محرابا و كعبة و بابا و قبلة أسجد إليها الأبرار و الروحانيين الأنوار، ثم نبه آدم على مستودعه، وكشف له عن خطر ما ائتمنه عليه، بعد ما سماه إماما عند الملائكة.

...زمین را بر پشت آب گسترانید، و از آب، دود و دخانی بیرون کشید و آن را سماء و آسمان گردانید. سپس آن دورا به اطاعت فراخواند. آنها نیز فروتنانه پاسخ دادند و اجابت کردند. پس از آن، فرشته ها را از نوری که

خود ابداع کرده و روحی که خود اختراع نموده بود، پدید آورد. با توحید و یگانگی خویش نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را قرین و همراه فرمود. از این رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیش از بعثت در زمین، در آسمانها مشهور و بلند آوازه بود. هنگامی که خداوند آدم را آفرید برتری اش را برای فرشتگان آشکار ساخت، و ویژگی اش را در علم و دانشی که از پیش به او داده بود- از راه خبر دادن از حقیقت اشیاء- به فرشتگان نشان داد. آری، خداوند آدم را محراب و کعبه و باب و قبله ای قرار داد تا ابرار روحانی و روحانیان نورانی به سوی او سجده آرند، سپس او را- پس از آنکه نزد فرشتگان امامش نامید- بر امانتدار بودنش آگاه کرد و خطرات و لغزشگاههای آن را فرارویش نمایان ساخت. (1)

## 2- ابتدای آفرینش در خطبه اول نهج البلاغه:

### اشاره

... أنشأ الخلق إنشاء، و ابتداء ابتداء، بلا روية أجالها، و لا تجربة استفادها، و لا حركة أحدثها، و لا همامة نفس اضطرب فيها. أحال الاشیاء لأوقاتها، و لاءم بين مختلفاتها، و غرز غرائزها، و الزمها اشباحها؛ عالما بها قبل ابتدائها، محيطا بحدودها و انتهائها، عارفا بقرائنها و أحنائها.

ثم أنشأ سبحانه فتح الأجواء، و شق الأرجاء، و سكائك الهواء، فاجرى فيها ماء متلاطما تياره، متراكما زخاره، حمله على متن الريح العاصفة، و الزرع القاصفة، فأمرها بردّه، و سلطها على شده، و قرننها إلى حده؛ الهواء من تحتها فتيق، و الماء من فوقها دفيق. ثم أنشأ سبحانه ريحا اعتقم مهبّتها، و أدام مربّتها، و أعصف مجراها، و أبعده منشأها، فأمرها بتصفيق الماء الزّخار، و إثارة

ص: 256

موج البحار، فمخضته مخض السقاء، وعصفت به عصفها بالفضاء، تردّ أوله الى آخره و ساجيه إلى مائره، حتّى عبّ عبابه، ورمى بالزبد ركامه، فرفعه في هواء منفق، و جوّ منفق، فسوّى منه سبع سماوات جعل سفلاهنّ موجا مكفوفاً، و علياهنّ سقفا محفوظاً، و سمكا مرفوعاً، بغير عمد يدعمها، و لا دسار ينظمها.

ثم زينها بزينة الكواكب، و ضياء الثواقب، و أجرى فيها سراجا مستطيرا، و قمرا منيرا، في فلك دائر، و سقف سائر، و رقيم مائر.

... مخلوقات را به دور از هر گونه اندیشه قبلی و تجربه پیشین، و جدای از هر گونه تأثیر پذیری و انفعال و اضطراب درونی پدید آورد، و موجودات را در ظرف زمانی شان ایجاد و مستقر کرد. تفاوت هاشان را پیوندی بهنجار و سرشتشان را ترکیبی خوشگوار بخشید، و در حالی که قبل از پیدایش، چگونگی شان را می دانست و به ابتدا و انتها و حدود و ماهیت و ژرفای آنها احاطه داشت، سرشت و فطرت هر يك را ملازم و همراه آن قرار داد.

سپس فضا را گسترانید و پیرامون و بالای آن را وسعت بخشید. آب موج آفرین و سرکش و انباشته و ناآرام را بر پهنه آن روان کرد، و آن را در حوزه اقتدار باد دمنده کوبنده پرصلابت قرار داد و فرمانش داد تا از فرو ریختن و گسستن بازش داشته و محکم و فشرده در محدوده خویش نگهدارش باشد. در حالی که هوای زیرینش گسترده و باز، و آب روئینش جهنده و در پرواز بود.

آنگاه باد دیگری، عقیم و نابارور آفرید تا همواره ملازم و همراه آب باشد. فرمانش داد تا بر آن بتازد و آب انباشته و انبوه را به جنبش آورد و آن دریای متراکم را به موج آفرینی وادارد. آن باد نیز، آن دریای انباشته را همچون مشک آب، به جنبش آورد، و چنان بر آن وزید که اول و آخر و

ساکن و متحرکش را در هم نوردید تا انبوه و انبوه بر فراز آمد و کف ها پدید آورد. پس، کفها را در فضای باز و جو گسترده بالا برد و هفت آسمان استوار از آن پدیدار ساخت؛ آسمانهائی که [طبقه] زیرینشان را موجی ثابت و بی کار و روئیشان را سقفی بلند و محفوظ و بی ستون و بی مسمار قرار داد. سپس آنها را با ستارگان و شهاب های نورانی آراست و خورشید نورافشان و ماه تابنده را در آنها و در گردونه ای چرخان و سقفی گردان و صفحه ای تابان، به جریان داد...

## شرح کلمات:

1- الرّویة: تفکر و اندیشه

2- همامة النفس: انفعال و تأثیر پذیری جان.

3- احوال الأشياء لأوقاتها: موجودات را در ظرف زمانشان از نیستی به هستی آورد.

4- لأم: التیام بخشید: ناهمگونی شان را بهنجار کرد، چنانکه از پیوند جسم و روح ترکیب دل آرای انسان را پدید آورد: فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ .

5- غرّز الغرائز: غرائز جمع غریزه به معنای سرشت و طبیعت است، یعنی: در هر موجودی سرشتی ویژه قرار داد.

6- الزمها اشباحها: شبح، سایه و تصویر وهمی اشیاء است و در اینجا مقصود آن است که، صاحب هر خوی و طبیعتی را با همان سرشت جدانشدنی از او، ملازم و همراه قرار داد. مثلاً شخص شجاع و دلیر بیمناک نیست و...

7- عارفا بقرائنها و احنائها: قرائن جمع قرین به معنای مصاحب و همراه است و احناء جمع حنوبه معنای پهلو و هر چیز کج و منحنی است، جثه باشد یا غیر جثه، و در اینجا کنایه از امور پنهان اشیاء است، یعنی: خداوند به همه طبایع و خصلتها و صفات موجودات عارف و آگاه است.

8- أنشأ سبحانه فتق الأجواء و شقّ الأرجاء و سكاك الهواء:

فتق الأجواء: شکاف جوّها و فضاها.

ص: 258

شَقُّ الأَرْجاء: گشودن پیرامون و اطراف.

سكائك الهواء: بالا‌های هوا و فضا.

یعنی: خداوند فضای پهناور و هوای مافوق آن را در همه اطراف هستی آفرید و گسترش داد.

9- متلاطم: ناآرام، موج، خروشان.

10- تیار: موج و جنبش و چین خوردگی.

11- متراکم: انباشته و انبوه.

12- زخّار: سوار بر هم، لبریز.

13- الرّیح العاصفة: باد تند و شدید و طوفان زا.

14- الزعزع القاصفة: باد تند و غرّان و رعدآسا.

15- دَفیق: جهنده و در پرواز.

16- اعتقم مهبّها: جهت وزیدنش را عقیم و نابارور نمود، یعنی این باد تنها خاصیتش تحریک و جنبش آب بود.

17- اِدام مرَبّها: ملازم و همراه آن شد.

18- أمرها بتصفیق الماء الرّخار و اثاره موج الجار: فرمانش داد تا بر آن آب انبوه و لبریز بتازد و آن دریای انباشته رای به جنبش و هیجان آورد.

19- مَخض السّقاء: مشکی که با جنباندن آن از ماست درونش کره می گیرند. یعنی:

آن باد این آب رای همچون مشکی که دوغ و کره از آن می گیرند می جنبانید.

20- عصفت به عصفا بالفضاء: آن رای با شدت هر چه تمامتر به این طرف و آن طرف می راند.

21- حتّی عبّ عبا به و رمی بالزبد ركامه: تا آنجا که روی هم انباشته شد و از جنبش و انبوهی اش کفها پدید آمد.

22- منفثق: باز و گشوده.

23- منفهق: وسیع و گسترده.

24- سفلی: پائین و زیرین.

25- علیا: بالا و روین.

26- مکفوف: بازداشته و بی کار.

27- سمک: سقف بلند.

28- دسار: مسمار، میخ یا ریسمان و بست.

29- ثواقب: جمع ثاقب به معنای نور افکن یا شهاب نورانی.

30- فلک: گردونه.

31- رقیم: لوح و صفحه متحرک.

ص: 260



کون و هستی یا عالم طبیعت در قرآن کریم (1)

واژه «کون» و «هستی» بیانگر موجودات خارجی و ظواهر طبیعی است. یعنی: همه آفریدگان اعم از انسان و حیوان و ستارگان و سیارات و کهکشانها و دیگر موجودات رای در بر می گیرد.

«کون» و «هستی» بنابر آنچه در دائرة المعارف «مک میلان» (2) آمده، تألیفی است از مجموعه اجسامی که قابل شناختن است، مانند: زمین و ماه و خورشید و اجرام منظومه شمسی و کهکشانها و دیگر اشیای مابین آنها. همچنانکه صخره ها و معادن و خاکها و گازها و حیوانات و انسانها و دیگر اجسام ثابت و متحرک رای نیز شامل است.

منجّمان و ستاره شناسان از روی ناچاری واژه «کون» را برای اشاره به فضا و اجرام آسمانی به کار می گیرند، در حالی که وسعت و گستردگی مجموعه هستی چنان است که زمین و ماه و خورشید و دیگر سیارات، نقطه های ریز این پهنشت بی کرانند، و خورشید، تنها يك ستاره از کهکشانی است که نزدیک به یکصد میلیون ستاره دارد! و همین زمین ما و دیگر سیاراتی که دور خورشید می گردند و نظم این جهانی رای پدید می آورند، در دید ما انسانها بسیار عظیم و گسترده می نمایند.

ص: 261

---

1- برگرفته از مقاله آقای «حافظ محمد سلیم» در نشریه فرهنگی سفارت پاکستان در دمشق شماره 26 (شباط-آذار 1991/

م) اسفند، فروردین 1370-

2- . MACMILLAN ENCICLOPEDIA

فاصله زمین ما با خورشید نزدیک به 93 میلیون مایل است، و این به نظر انسان مسافتی بسیار بعید و دور است، ولی همین مسافت رای اگر با مسافتی که خورشید با دورترین سیاره منظومه شمسی دارد مقایسه کنیم، بسیار اندک و کوتاه می نماید. برای مثال، مسافت سیاره «پلوتون» با زمین تقریباً چهل برابر مسافت زمین و خورشید یعنی سه میلیارد و ششصد و بیست میلیون (3,620,000,000) مایل است.

درباره اصل «کون و هستی» دیدگاه‌های بسیاری است؛ تازه ترین آنها تئوری «بیگ بانگ» (1) است که در سال (1920 م) توسط «جورج لامیتر» ارائه شد و صریحاً می گوید:

همه «مواد و پرتوها» در هستی از یک انفجار عظیم پدید آمده است؛ و این شکل گسترده طبیعت نتیجه آن است و همچنان نیز، توسعه و گسترش می یابد.

این نظریه می گوید: انفجار مذکور در حدود 10 تا 20 هزار میلیون سال پیش به وقوع پیوسته است؛ و با توجه به اینکه درجه حرارت ابتدائی و بسیار بالای «هیدروژن» و «هلیوم» برای چنین گسترش ناگهانی و تشکیل یکباره هستی از گاز هلیوم کافی بوده، این نظریه با داده های عملی نیز، به خوبی، دمساز است.

در این باره، کشف شگفت آور و قابل توجه دیگری است که به قانون «هابل» (2) درباره گسترش هستی معروف است. بر اساس این تئوری، گسترش «کون و هستی» امری همیشگی است، و این گسترده شدن در همه جهات هستی یکسان و یکنواخت است. این تئوری می گوید: رنگ نور صادره از اختران موجود در کهکشانهای دور، به سوی انتهای سرخ طیف حرکت می کند، (جا به جایی سرخ) یعنی: خطوط طیفی آنها به سمت طول موجهای بلندتر، تغییر مکان می یابند، و این یعنی: دور شدن کهکشانها از ما و کهکشان ما (راه شیری) و افزوده شدن بر فواصل میان کهکشانها در عالم وجود.

اخیراً دانشمندان کیهان شناس از کهکشانهای عظیمی خبر می دهند که چندین برابر).

ص: 262

---

1- BIGBANG THEORY

2- ادوین پاول هابل دانشمند اخترشناس امریکائی (1889-1953 م).

کهکشانشان راه شیری (1) هستند و فاصله آنها با زمین ما به ده میلیون سال نوری می رسد.

شناخت این کهکشانشانها در مرحله اول پایان یافته و بسیاری از دانشمندان رای به این نتیجه رسانده که «کون و هستی» یا به سوی توسعه و گسترش بی نهایت پر می گشاید و یا به ناچار باید به سوی درون [و فشرده‌گی] کشیده شود.

## کون و هستی در قرآن کریم:

قرآن کریم که آخرین کتاب آسمانی است، با روشنی هر چه تمامتر، از حقایق اساسی عالم هستی و آفرینش آن پرده برمی دارد و توضیح می دهد که: هر چه در «کون و هستی» است نشان آفرینش «خدای خالق و ربّ العالمین» است.

خداوند، ماه و خورشید و آسمانها و زمین و ما بین آنها رای در اندازه متناسب آفریده است.

قرآن کریم در این باره می فرماید:

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ .

هستی بخش آسمانها و زمین اوست. و هرگاه فرمان شدن چیزی را صادر کند، تنها می گوید: موجود باش! و آن چیز، فوری موجود می شود.

(2)

واژه «بدیع» در آیه دلیل آن است که خداوند اشیاء را از نیستی به هستی آورده است.

علامه راغب اصفهانی در کتاب «مفردات» می گوید: «واژه «بدع» به معنای آن است که چیزی بدون نیاز به «ماده» و نمونه و «الگو» پدید آورده شود. این واژه هرگاه درباره خداوند و در ردیف یکی از صفات و اسمای حسنی الهی به کار می رود، معنایش آن است که خدای عزّ و جلّ اشیاء را از نیستی آفریده است.» قرآن کریم در جای دیگری می فرماید:

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ يَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ .

اوست خدائی که آسمانها و زمین را به حق آفرید، و روزی که [به هر چیز] می گوید: موجود باش! فوری موجود می شود. (3)

ص: 263

1 -- MILKYWAY .

2 -- بقره 117.

3 -- انعام 73.

راغب می گوید: «به کار رفتن واژه «حق» برای اشاره به چیز جدید بی مانند است، که هرگاه با صفت آفریدگار مرتبط گردد، مقصود آن است که چیز جدیدی را از نیستی به هستی آورده است. یعنی: اوست خدائی که آسمانها و زمین را از نیستی به هستی آورد.»

در جای دیگر درباره مظاهر طبیعی و فیزیکی عالم خلقت می فرماید:

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ .

اوست خدائی که خورشید را نورانی و ماه را تابنده قرار داد و برای آن [ماه] ایستگاههایی تقدیر نمود تا شمار سالها و حساب [کارها] را بدانید، خداوند این را جز به حق نیافریده، او آیات [خود] را برای کسانی که می فهمند، شرح می دهد. (1)

خداوند در جای دیگری از قرآن کریم به عظمت آفرینش اشاره کرده و می فرماید:

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْصِي بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

آیا نمی دانند خداوندی که آسمانها و زمین را آفریده و از آفرینش آنها عاجز و ناتوان نشده است، می تواند مردگان را زنده نماید؟ آری، او بر هر چیزی تواناست. (2)

آیات کریمه ای که گذشت به روشنی می گویند: تنها خدای عزّ و جلّ است که این جهان محسوس را در اندازه های دقیق و موزون آفریده و توان دوباره آفریدن و بازگرداندن موجودات آن را دارد، و اصل اصیل در آفرینش ماده و نیرو و همه قوانین فیزیکی عالم هستی و نیروهای جنباننده آن، فرمان خداوندی است. /.

ص: 264

1- - یونس 5/.

2- - احقاف 33/.

قرآن کریم چگونه آفریدن «هستی» را بارها و بارها بیان فرموده است؛ آیات زیر فشرده ای از شیوه بنیادین آفرینش را بدین گونه فراروی ما قرار می دهد:

الف- أَوْ لَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا .

آیا کسانی که کافر شدند ندیدند که آسمانها و زمین بسته و پیوسته بودند و ما آنها را گشوده و گسترده کردیم و هر چیزی را از آب، حیات بخشیدیم؟! (1)

در آیه دیگر به شیوه شکل گیری آسمانها پس از آفریدن زمین و تأثیر متقابل و پی در پی بودن کار خلقت اشاره کرده و می فرماید:

ب- ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ .

سپس، به آسمان پرداخت- در حالی که دود بود- پس به آن و به زمین گفت:

خواستگاری و سرخوش یا ناخواستگاری و ناخوش پیش آید! گفتند: ما خواسته و سرسپرده می آئیم. (2)

آیه اول از حقایق زیر پرده برداشته است:

1- ماده ی مؤثر در پیدایش «هستی» ماهیت واحدی دارد.

2- همه «هستی» بمانند قطعه ای واحد به هم پیوسته است.

3- گسترش و تفکیک اجزای هستی، نظام یافته و مبتنی بر قوانین فیزیکی و سیر تحول ماده است؛ این نظام تنها به منظومه شمسی و سیارات وابسته آن در کهکشان ما خلاصه نمی شود، بلکه خود کهکشانها نیز، جزئی از نظام برتر و گسترده تری هستند که در شکل دیگری- همانند منظومه شمسی- پیرامون هسته مرکزی خود در گردش اند.

دکتر «موریس بوکیل» در دوره های اخیر دیدگاهی را بنیان نهاده که با دیدگاه برخی از

ص: 265

1- انبیاء/30.

2- فصلت/11.

علمای مسلمان درباره شکل گیری هستی، بر اساس آیات قرآن کریم همسوئی و قرابت دارد. او با اشاره به «اندیشه تفکیک کلّ به اجزای پرشمار» می گوید: «جدائی و تفکیک همیشه از هسته مرکزی واحدی است که عناصر آن در ابتدا به هم پیوسته هستند.» یعنی همان که در آیه شریفه با واژه: «رتق» یعنی بسته و پیوسته، و: «فتق» یعنی باز و جدا، آمده است.

برابر نظریه علمی معاصر، آنچه به عنوان «انفجار هستی» (1) شناخته می شود، نتیجه حادثه ای واحد، در زمان واحد و با درجه حرارت بالا به شکلی استثنائی بوده است؛ و فرض آن است که در هنگام این انفجار تمام هستی عبارت از جزئی واحد در نقطه ای واحد بوده و این جدائی در آن پدید آمده است. جز آنکه قوانین فیزیکی نتیجه این انفجار نیست. این نظریه از حیث داده ها و معلومات، مشابه معلوماتی است که در قرآن کریم آمده است.

آنچه شگفتی را افزون می کند این است که قرآن کریم بیش از 1400 سال پیش پرده از این راز برداشته است؛ در هنگامی که هیچ گونه بحث علمی اینگونه مطرح نبوده است! همان گونه که قرآن کریم از حقایق آمده در نظریه «هابل» پیرامون گسترش هستی نیز، پرده برداشته و در آیه کریمه سوره ذاریات (47) می فرماید:

وَ السَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ .

آسمان را با قدرت بنیان نهادیم و همواره آن را وسعت می بخشیم!

ما هنگامی که در پی فهم و درک توسعه و گسترش هستی بر اساس نظریه جدید برآئیم، در می یابیم که «هیدروژن» موجود در خورشید همواره در حال بدل شدن به عنصر «هلیوم» با عمل ذوب هسته ای است، و غبار نورانی (2) یعنی آنچه که پشته ای از ستارگان خیلی ریز همانند ذرات غبار می نماید، چیزی جز شعله های هسته ای پر حرارت نیستند.

بدین گونه، همه هستی گرد آمده یا بنا شده بر قدرت و توان باروری است، و همواره در حال توسعه و گسترش. این نتایج روی فرضیه ای استوار است که می گوید: انتقال یا تحوّل .

ص: 266

. BIGBANG -- 1

. STARDUST -- 2

سرخ (1) نتیجه تأثیر متقابل اجسام بر نور- با امکان سنجش سرعت- می باشد.

ما در این باره، یعنی درباره گسترش هستی، به قرآن مجید که مراجعه می کنیم واژه بسیار مهمی با عنوان «عالمین» [جهانها] را می یابیم که دهها بار در قرآن کریم تکرار شده است. مانند:

1- وَ لَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ .

ولی خداوند نسبت به «عالمین» لطف و احسان دارد. (2)

2- قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

بگو: نماز و عبادت و زندگی و مرگ من همه از آن پروردگار «عالمین» است. (3)

3- أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ .

آگاه باشید! آفرینش و تدبیر از آن اوست. بلند مرتبه است خداوند، پروردگار «عالمین». (4)

4- وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ .

تو را جز رحمتی برای «عالمین» نفرستادیم. (5)

5- إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ .

منم خداوند، پروردگار «عالمین».

آیاتی که آوردیم اشاره به آن دارد که، سرور و خالق و حافظ و نظم آفرین عالم به معنای وسیع آن، خداوند سبحان است، و واژه «عالمین» به معنای تعدد در هستی یا جهانها اشاره دارد.

در این عوالم میلیونها کهکشان وجود دارد که در هر یک از منظومه های پرشمار یک کهکشان میلیونها ستاره ثابت و سیار با یکدیگر پیوستگی و ارتباط دارند، و اگر یکی از/.

ص: 267

1- REDSHIFT --

2- بقره 251/.

3- انعام 163/.

4- اعراف 54/.

5- انبیا 107/.

ستاره های موجود در میان ملیاردها ستاره کهکشانی «راه شیری» با یکی از سیارات، مثل سیاره خودمان (زمین) پیوسته و مرتبط باشد، معنایش آن است که میلیون ها سیاره امکان پیوستن به زمین را دارند؛ و بر اساس دانش جدید «هستی شناسی» امکان ارتباط و پیوند ناگهانی با سیارات دیگر در آینده مورد نظر بعید نیست.

دکتر «موریس بوکیل» معلومات علمی تازه ای درباره ضخامت و گستردگی هستی فراروی ما قرار داده است. مثلاً: اشعه و نور خورشید برای رسیدن به «پلوتون» یکی از سیارات منظومه شمسی - با سرعت سیر نور در هر ثانیه سیصد هزار کیلومتر - نزدیک به شش ساعت زمان می خواهد. بنابراین، نور ستارگان دور دست آسمانها تا رسیدن به ما باید میلیون ها سال نوری را سپری کرده باشند!

این بررسی فشرده از عالم طبیعت، تا حدی ما را به فهم این آیه شریفه نزدیک می کند:

«وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» .

آسمان را با قدرت بنیان نهادیم و همواره آن را وسعت می بخشیم. (1)

و چون سخن از «خاکستر و دود» در بدو تاریخ طبیعت و هستی باشد، قرآن کریم پرده از راز آن نیز گشوده و می فرماید: «ثُمَّ اسَّ تَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ» . سپس به آفرینش آسمان پرداخت در حالی که دود بود. (2)

وجود «دخان» در ابتدای پیدایش «طبیعت و هستی» اشاره به آن است که، ماده موجود در هستی در آن وقت، حالت گازی داشته است. پژوهشگران در دانش جدید، تئوری «ابر سدیمی» (3) را مطرح می کنند و می گویند: طبیعت و هستی در مرحله اولی اش چنین بوده است.

قرآن کریم می فرماید:

قُلْ أَ إِنكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَ تَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا .

ص: 268

1- ذاریات 47/.

2- فصلت 11/.

3- NEBULA .



ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ\* وَ جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا... \* ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ .

بگو: آیا شما به آن کس که زمین را در دو روز آفرید کافر می شوید و برای او همانندهایی قرار می دهید؟! او پروردگار «عالم ها» است! او در زمین کوههای استواری قرار داد... سپس به آفرینش آسمان پرداخت در حالی که به صورت دود بود. (1)

ما هنگامی که این آیات را تلاوت کنیم در می یابیم که عمل شکل گیری «طبیعت و هستی» نتیجه انبوهی و انباشتگی ابرهای «سدیمی» اولیه و سپس جدائی آن از هم بوده است. این چیزی است که قرآن کریم با روشنی از آن پرده برمی دارد و با اشاره به عملیاتی که پیوستگی و سپس جدائی را در «دود و دخان» آسمانی پدید می آورد، راز خلقت را به روی ما می گشاید؛ و این همان است که دانش جدید به شرح و بسط آن درباره اصل «طبیعت و هستی» می کوشد. 1.

ص: 269



تهیه و تنظیم: سردار نیا

ص: 271





ابن بطه: 542

ابن تيميه: 544, 545

ابن حجر: 266

ابن حزم: 519, 520, 541

ص: 273

ابن حبان: 267

ابن خزيمة: 542

ابن خلکان: 264

ابن رشد: 544, 545

ابن زياد: 535

ابن سعد: 266, 327, 328, 512, 132, 136, 165, 229, 264, 265

ابن سيناء: 544

ابن طفيل: 544

ابن طولون: 565

ابن عباس: 508, 509, 527, 11, 195, 217, 228, 229, 473

ابن عباس جوهرى: 565

ابن عساكر: 452, 527

ابن قدامه: 542

ابن كثير: 437, 507, 509, 549, 195, 229, 297, 340, 371, 434

ابن كلبى: 329

ابن ماجه: 405, 433, 434, 478, 509, 544

ابن منظور: 38

ابن هشام: 298, 369, 541

ابو الحسن اشعري: 548

ابو الحق: 543

ابو بكر (خليفه): 291

ابو حاتم: 267

ابو حنيفه: 274

ابو داود: 20,136,405

ابو طالب تجليل: 565

ابو عبیده: 291

ابو ملك بن يربوشت: 269

ابو منصور ماتريدي سمرقندی: 548

ابو هاشم جبائی: 557

ابو هذيل علاف: 546

ابو هريره: 265

ابو الهيثم: 38

ابو وائل: 507

احمد صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم: 12

احمد آرام: 551

احمد امين: 541

احمد بن حنبل: 12, 20, 136, 169, 227, 327, 328, 405, 420, 433, 477, 508, 509

احمد خان ہندی: 551

احمد محمود صبحی: 550, 539, 543, 544, 549

اخطل شاعر: 452

اخنوخ: 228, 230

ادريس عليه السلام: 228, 229, 230, 231, 235, 495



ادوين پاول هابل: 578

ارسطاطاليس: 545

ارسطو: 544,545,551

اسامة بن زيد: 279

اسباط عليه السلام: 154,332,338

اسحاق عليه السلام: 152,206,235,332,338,366

اسرائيل عليه السلام: 366,369,370,371,375, 11,12,268,270,349,362

اسرافيل عليه السلام: 406

اسماعيل عليه السلام: 374,495, 331,332,335,338,345,346,355, 14,154,162,206,235,250

ص: 274

اصحاب، صحابي: 439، 374، 274، 273، 7، 568، 566، 543، 541، 540، 507

العازار كاهن: 232

آلفرد بل: 549

اقبال لاهورى: 551

الياس عليه السلام: 235

امام ابو الحسن عليه السلام: 419

امام الحرمين: 543

امامان اهل بيت عليه السلام: 521، 515، 513، 501، 529

امام جعفر صادق عليه السلام: 296، 143، 115، 114، 425، 419، 418، 413، 404، 329، 297، 513، 476، 474، 448، 433، 428

514، 563، 531، 529، 515

امام حسن مجتبي عليه السلام: 527

امام حسين عليه السلام: 535، 59

امام زين العابدين عليه السلام: 425

امام على بن ابي طالب عليه السلام: 139، 137، 132، 433، 421، 418، 256، 142، 141، 140، 571، 554

امام على بن موسى الرضا عليه السلام: 240، 144، 114، 530، 514، 476، 432، 295، 292

امام كاظم عليه السلام: 432

امام محمد باقر عليه السلام: 419، 143، 142، 113، 515، 514، 513، 425

امير المؤمنين على عليه السلام: 432، 390، 295، 257، 554، 527

انس بن مالك: 297، 274، 273، 267، 263

انصار: 383، 340

انوش: 230، 228

اوریا: 269، 268، 263، 262، 261، 258، 247، 297، 296، 295، 294، 275، 271، 270، 298

اهل البيت عليهم السلام: 552، 545، 540، 439، 434، 565، 563، 561، 558، 557، 554، 553، 568، 567

ای، کریسی مریسون: 34

ایوب علیه السلام: 250، 135، 154

«ب» بحرانی: 10

بخاری: 434، 420، 405، 329، 291، 218، 20، 552، 542، 508

بشر بن مروان: 452

بطلمیوس: 96

بلقیس: 240، 117

بوارد: 230، 229

بیگ بانگ: 578

بیہقی: 542

«پ» پطرس: 234

پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم: 136، 112، 98، 84، 60، 58، 224، 223، 217، 211، 192، 182، 141، ، 267، 263، 258، 232

، 290، 273، 354، 352، 349، 347، 336، 297، 292، 505، 448، 393، 380، 374، 368، 357، ، 554، 543، 541، 540، 508

572، 565، 568

ص: 275

«ت» تابعین: 273،507

ترمذی: 20،132،136،434،512

تمیم داری: 273

توماس رابینسن: 196

«ث» ثقفی: 141

«ج» جاحظ: 546

جبائیان: 546

جبرئیل علیہ السلام: 263،144،143،140،66،69،407،406،328،264

جعفر بن محمد الصادق علیہ السلام: 114،115،143،419،418،413،404،329،297،296،476،474،448،433،428،425

513،563،531،529،515،514

جعفر سبحانی: 549

جمال الدین اسدآبادی: 551

جواد علی.دکتر: 264

جورج لامیتر: 578

جوهری: 479

جوینی: 544

«ح» حارث محاسبی: 542

حافظ محمد سلیم: 577

حام: 230

حجاج بن یوسف: 265

حرّ عاملی: 565

حسن بصرى: 267، 266، 265، 264، 262، 277، 275، 274، 273، 272

حميرى: 264

حواء: 136، 135، 134، 132، 130، 119، 118، 208، 199، 198، 197، 145، 144، 143، 382، 328، 228

حواريون: 194، 195، 235

«خ» خاتم الانبياء، خاتم پیامبران صلّى الله عليه وآله وسلم: 94، 92، 73، 190، 182، 162، 159، 132، 108، 103، ، 232، 227، 216، 280، 255، 247، 242، 340، 337، 336، 325، 321، 298، 283، 372، 371، 369، 356، 355، 352، 351، ، 380، 378، 374، 373، 459، 432، 381

خازن: 275، 296

خديجه-ام المؤمنين عليه السلام: 278

خضر عليه السلام: 488، 428، 427، 285

خنوخ: 229، 230

«د» دارمى: 405

داوود عليه السلام: 233، 195، 168، 154، 116، 113، ، 260، 259، 258، 250، 247، 235، 234، ، 268، 267، 264، 263، 262، 261، 269، 295، 294، 293، 289، 288، 275، 274، 525، 515، 512، 371، 298، 297، 296

دكارت: 545

ص: 276

«ذ» ذو الكفل: 235، 250

ذو النون عليه السلام: 283، 292

«ر» راغب اصفهاني: 451، 479، 579، 580، 150، 163، 291، 358، 447

ربيعة بن الحرث بن عبد المطلب: 298

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم: 8، 9، 59، 78، 136، 168، 185، 190، 216، 218، 225، 227، 273، 274، 275، 277، 278، 418، 402، 412، 413، 416، 357، 373، 378، 380، 381، 384، 389، 292، 294، 295، 297، 319، 327، 351، 279، 280، 291، 554، 556، 564، 565، 567، 506، 508، 509، 512، 535، 540، 552، 425، 432، 434، 437، 439، 474، 477، 420، 421

روح الامين: 10، 72، 74، 141

روح القدس: 200، 342، 343، 348، 355، 58، 60، 67، 72، 73، 74، 141

ريچارد واتس: 131، 196، 349، 350

«ز» زعفراني: 542

زكريا عليه السلام: 56، 163، 235، 250، 495

زليخا: 249، 254

زهدي حسن جار الله: 547

زهير بن ابى سلمى: 274

زياد بن أبيه: 535

زيد بن ثابت: 264

زيد بن حارثه: 277، 278، 279، 280، 297، 298، 218، 247، 258، 275، 276

زيد بن محمد صلى الله عليه وآله وسلم: 279

زين العابدين امام على بن الحسين عليه السلام: 425، 275

زينب دختر جحش: 278، 279، 280، 297، 247، 258، 275، 277

«س» سام: 230،231

سامري: 131،360،361،474

سامي البدرى: 131

السبكي: 549

سعد بن ابى وقاص: 353

سفيان بن عيينه: 275

سكاكى: 312

سليمان عليه السلام: 102،103،113،114،115،117،118،119،120،121،122،123،124،125،126،127،128،129،130،131،132،133،134،135،136،137،138،139،140،141،142،143،144،145،146،147،148،149،150،151،152،153،154،155،156،157،158،159،160،161،162،163،164،165،166،167،168،169،170،171،172،173،174،175،176،177،178،179،180،181،182،183،184،185،186،187،188،189،190،191،192،193،194،195،196،197،198،199،200،201،202،203،204،205،206،207،208،209،210،211،212،213،214،215،216،217،218،219،220،221،222،223،224،225،226،227،228،229،230،231،232،233،234،235،236،237،238،239،240،241،242،243،244،245،246،247،248،249،250،251،252،253،254،255،256،257،258،259،260،261،262،263،264،265،266،267،268،269،270،271،272،273،274،275،276،277،278،279،280،281،282،283،284،285،286،287،288،289،290،291،292،293،294،295،296،297،298،299،300،301،302،303،304،305،306،307،308،309،310،311،312،313،314،315،316،317،318،319،320،321،322،323،324،325،326،327،328،329،330،331،332،333،334،335،336،337،338،339،340،341،342،343،344،345،346،347،348،349،350،351،352،353،354،355،356،357،358،359،360،361،362،363،364،365،366،367،368،369،370،371،372،373،374،375،376،377،378،379،380،381،382،383،384،385،386،387،388،389،390،391،392،393،394،395،396،397،398،399،400،401،402،403،404،405،406،407،408،409،410،411،412،413،414،415،416،417،418،419،420،421،422،423،424،425،426،427،428،429،430،431،432،433،434،435،436،437،438،439،440،441،442،443،444،445،446،447،448،449،450،451،452،453،454،455،456،457،458،459،460،461،462،463،464،465،466،467،468،469،470،471،472،473،474،475،476،477،478،479،480،481،482،483،484،485،486،487،488،489،490،491،492،493،494،495،496،497،498،499،500،501،502،503،504،505،506،507،508،509،510،511،512،513،514،515،516،517،518،519،520،521،522،523،524،525،526،527،528،529،530،531،532،533،534،535،536،537،538،539،540،541،542،543،544،545،546،547،548،549،550،551،552،553،554،555،556،557،558،559،560،561،562،563،564،565،566،567،568،569،570،571،572،573،574،575،576،577،578،579،580،581،582،583،584،585،586،587،588،589،590،591،592،593،594،595،596،597،598،599،600،601،602،603،604،605،606،607،608،609،610،611،612،613،614،615،616،617،618،619،620،621،622،623،624،625،626،627،628،629،630،631،632،633،634،635،636،637،638،639،640،641،642،643،644،645،646،647،648،649،650،651،652،653،654،655،656،657،658،659،660،661،662،663،664،665،666،667،668،669،670،671،672،673،674،675،676،677،678،679،680،681،682،683،684،685،686،687،688،689،690،691،692،693،694،695،696،697،698،699،700،701،702،703،704،705،706،707،708،709،710،711،712،713،714،715،716،717،718،719،720،721،722،723،724،725،726،727،728،729،730،731،732،733،734،735،736،737،738،739،740،741،742،743،744،745،746،747،748،749،750،751،752،753،754،755،756،757،758،759،760،761،762،763،764،765،766،767،768،769،770،771،772،773،774،775،776،777،778،779،780،781،782،783،784،785،786،787،788،789،790،791،792،793،794،795،796،797،798،799،800،801،802،803،804،805،806،807،808،809،810،811،812،813،814،815،816،817،818،819،820،821،822،823،824،825،826،827،828،829،830،831،832،833،834،835،836،837،838،839،840،841،842،843،844،845،846،847،848،849،850،851،852،853،854،855،856،857،858،859،860،861،862،863،864،865،866،867،868،869،870،871،872،873،874،875،876،877،878،879،880،881،882،883،884،885،886،887،888،889،890،891،892،893،894،895،896،897،898،899،900،901،902،903،904،905،906،907،908،909،910،911،912،913،914،915،916،917،918،919،920،921،922،923،924،925،926،927،928،929،930،931،932،933،934،935،936،937،938،939،940،941،942،943،944،945،946،947،948،949،950،951،952،953،954،955،956،957،958،959،960،961،962،963،964،965،966،967،968،969،970،971،972،973،974،975،976،977،978،979،980،981،982،983،984،985،986،987،988،989،990،991،992،993،994،995،996،997،998،999،1000

سليمان دنيا(دكتور): 550

سمعون: 234

سموئيل: 267

سميع عاطف الزين: 550

سواع: 231،328،329

سيوطى: 369،371،407،417،418،509،546 ،10،11،112،263،264،273،297

«ش» شافعى: 274،542

شعبه: 266

ص: 277

شعيب عليه السلام: 225,235,327,338,473

شفيق بن سلمه: 507

شمعون: 234

شوكاني: 543,546

شهرستاني: 519,520

شيخ صدوق: 227,292,117,136,168,418,416,405,402,393,296,295,513,474,440,438,427,425,419,515,  
527,530,562,563,565

شيخ مفيد: 564,562,561,557,546,515,565,567

«ص» صابوني: 543

صالح عليه السلام: 504,327,240,235,225,43

صدوق شيخ صدوق

«ط» طبري: 263,262,260,230,229,228,371,369,353,352,340,277,273,510,509,507,434,384,374

طيالسي: 512,328

«ع» عباس بن عبد المطلب: 297

عباسعلي براتي: 539

عبد الجبار بن احمد همداني: 547,546

عبد الحلیم محمود: 551,545

عبد الرزاق نوفل: 551

عبد الله بن عباس: 274

عبد الله بن عمرو عاص: 273

عبد المطلب: 278



عبد الملك مروان:452

عبد الوهاب بن احمد:550

عبيد الله بن حسن عنبري:543

عثمان-خليفه-273

عزرائيل عليه السلام:406

عزّي:50,51

عزير:52,58,60

على بن ابراهيم:218,514,515

على بن ابي طالب عليه السلام:421, 139,140,141,142,256,374,418, 72,86,132,137

على بن الحسين عليه السلام:275,425

على بن الحسين الموسوي:556

على بن جدعان:270

على بن جهيم:292,293,294,295

على بن زيد:265

على بن طاووس:553

على حسين الجابري:546

على سامي النشار:546

عمر بن خطاب-خليفه-:507, 264,273,291

عمر بن عبد العزيز:507

عمرو بن شعيب:540

عمرو بن عبيد:546

عيسى عليه السلام: 60, 58, 57, 56, 54, 53, 52, 12, 143, 141, 114, 112, 83, 72, 71, 67, 196, 194, 190, 180, 154, 153,  
200, 240, 239, 238, 235, 234, 206, 201.

ص: 278

375.376.495 ،342،343،355،369،370،371،374 ،250،321،327،329،330،332،338

عیسی مسیح علیه السلام:196

عیسی ناصری:196

«غ» غزالی:544،545،549،550

«ف» فارابی:544

فخر رازی:296،543

فرعون:193،226،21،22،23،37،38،44،309،314،337-245،285،286،301 ، 341،353،359،360،367،368،370 ،

376،422،458،460،505

فرید وجدی:551

فیروزآبادی:479

«ق» قایل:229،230،231

قاسم رسی:547

قاسمی:546

قرطبی:508،509،510 ،297،353،417،434،473،507

قمی:296

قنیان:228،229،230

«ك» كسری:264

كعب الاحبار:273

کلینی:553

کندی:544

«ل» لات:50،51

لقمان: 25,88,252,301

لمك: 229,231

لوط عليه السلام: 250,338,453,523,525, 21,22,23,64,65,206,235

«م» مك ميلان: 577

مالك: 20

مأمون خليفه عباسي: 144,292,546,547

متوشلخ: 229,230,231

متوكل خليفه عباسي: 547

مجلسي: 96,97,98,329,515

محمد صلى الله عليه وآله وسلم: 370,375,426,437, 280,293,321,327,330,351,356, 7,112,190,235,240,277

566,571,572, 439,459,493

محمد ابو زهره: 548

محمد بن علي الباقر عليه السلام: 425,513,514,515, 113,142,143,419

محمد بن بابويه: 562

محمد حميد حمد الله: 541

محمد سليم حافظ: 577

محمود شلتوت: 551

مخنف بن سليم: 256

ص: 279

مرتضى (الشريف): 556

مریم علیہ السلام: 21، 12-64، 60، 58، 52، 46، 23، 200، 196، 163، 141، 83، 72، 71، 67، ، 375، 374، 371، 370، 369، 201، 399، 496، 495، 493، 478، 463، 431، 408

مزی: 266

مستر هاکس آمریکایی: 232

مسعودی: 229، 231، 232، 570

مسلم: 420، 405، 327، 218، 217، 169، 20، 552، 508، 439

مسیح علیہ السلام: 196، 60، 58، 57، 56، 54، 53، 52، 545، 201، 200

معتصم خلیفہ عباسی: 547

معروف بن خربوذ: 419

مفید شیخ مفید

مقاتل بن سلیمان: 274

ملك الموت: 403، 402، 401، 114، 74، 68، 407، 406

منات: 51، 50

منصور حلاج: 549

منصور دوانقی: 546

موريس بوكيل: 584، 580

موسى علیہ السلام: 155، 154، 153، 37، 27، 24، 193، 190، 182، 180، 167، 163، 162، ، 227، 218، 217، 216، 213، 196، 232-286، 285، 250، 245، 240، 239، 235، 325، 321، 314، 310، 301، 292، 287، 340، 338، 337، 332، 330، 329، 327، 358، 356، 355، 352، 350، 344، 342، 380، 378، 374، 372، 370، 368، 366، 474، 460، 458، 428، 427، 384، 381، ، 478، 511، 504، 497، 495، 488

مهاجرین: 383، 340

مهلائيل: 228,229,230

مير جلال الدين حسيني: 141

مير داماد: 97

ميكائيل: 69,406,407

«ن» ناتان: 270,271

نبي اكرم صلى الله عليه وآله وسلم: 223

النديم: 310

نسائي: 509

نسر: 231,329

نسناس: 139

نصر بن مزاحم: 256

نظام: 546

نمرود: 337

نوح عليه السلام: 231,235,250,293,-224,229 , 132,153,168,180,190,192,195 , 21,23,41,82,83,89,94,131

321,328,329,331,336-338,374,461,463,457

«و» واصل بن عطاء: 265,266,546

واقدي: 256,291

وَدّ: 231,328,329

وهب بن منبه: 277, 260,264,267,272,274

ص: 280

«ه» هابل: 578،582

هارون عليه السلام: 154،167،232،239،245،250،310،309،308،306،303،302،286،376،370،361،360

هاشم: 278

هبة الله: 228

هود عليه السلام: 23،43،47،64،65،75،184،225،484،505،226،327،391،442،443،449،457

«ى» اليافعى: 549

يافت: 230

ياقوت حموى: 131

يتشبع دختر اليعام: 267،268

يحيى عليه السلام: 56،235،250،495

يرد: 228،230

يزيد بن معاوية: 298

يزيد رقاشى: 263،266،267،273،274،297

يسع: 227،235

يعقوب عليه السلام: 11،154،193،206،235،332،375،338،349،350،355،359،366،369

يعقوبى: 230

يعوق: 231،328،329

يغوث: 231،328،329

يؤاب: 268،269

يوسف عليه السلام: 9،150،189،235،249،250،253،254،282،283،290،293،294

يوشع بن نون: 231،233

يونس عليه السلام: 165، 158، 154، 89، 83، 25، 292، 283، 250، 226، 194، 193، 192، 492، 464، 450، 449، 379، 294، 293،  
494، 510، 511، 523، 559، 580

يهودا: 371، 195

ص: 281



## فهرست آیات کریمه بتوالی بر حسب صفحات کتاب

ردیف آیه کریمه اسوره صفحه

- 1 | إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا... ا يوسف 9
- 2 | نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ... اشعراء 72، 9
- 3 | كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ... آل عمران 11
- 4 | وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ... اصف 12
- 5 | وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ... الاعراف 17
- 6 | إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ... الاعراف 20
- 7 | ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ... اتحریم 21، 22
- 8 | وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ... اهودا 23
- 9 | وَ لَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ... الانبياء 24
- 10 | وَ اتَّلَّ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ... اشعراء 24
- 11 | قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ... ايونس 24
- 12 | وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ... امائده 25
- 13 | وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ... القمان 25
- 14 | وَ جَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ... ازخرف 25، 50، 63
- 15 | وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَوْمٍ... ازخرف 26
- 16 | فَذَكَّرْنَا إِيَّاهُ أَنْتَ مُذَكَّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ... اغايشه 28
- 17 | وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ... انحل 29

18 | وَ لَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ... احجرا 34.88،104

19 | وَ الْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا وَ أَلْقَيْنَا... احجرا 35

20 | إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ... ابقره 35

21 | أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ... افرقان 37

22 | أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَ أَصَلَّهُ اللَّهُ... اجاثيه 37

23 | وَ مَنْ أَضَلَّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ... اقصص 37

24 | لَئِنِ اتَّخَذَتِ الْهَاءَ غَيْرِي... اعراف 37

25 | وَ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَ تَدْرُ مُوسَى وَ... اشعراء 37

26 | الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ احجرا 38

27 | وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ امؤمنون 39،119

28 | وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ امؤمنون 41

29 | مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَ مَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ... امؤمنون 41

30 | أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهُ... ارعدا 42

31 | أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ... انحل 42

32 | ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ... الانعام 43

33 | يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ اهودا 43

34 | مِنْ خَالِقِ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ... افاطرا 43

35 | وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ... افرقان 43

36 | يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ... احج 43

37 | قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ... الانعام 45

38 | الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ اعراف 45

139 مَنْ إِلَهَ غَيْرِ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ... اقصص 45

140 ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ... ازمرا 45

141 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَ... ادخان 45

142 إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ... اطره 46، 474

143 أَفَلَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ... السراء 46

ص: 283

- 44 | وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا... امريم | 46
- 45 | ا اتَّخَذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ... ايس | 46
- 46 | أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا. الانبياء | 46
- 47 | وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ... ايس | 46
- 48 | فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي... اهود | 46
- 49 | إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ... انساء | 47
- 50 | لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ... امائده | 47
- 51 | وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلِهَيْنِ اثْنَيْنِ... انحل | 47
- 52 | إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي... اطه | 47
- 53 | وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ... الانبياء | 48
- 54 | أَمْنَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ... انحل | 48
- 55 | فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَ... اصفاف | 49
- 56 | أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَ... ازخرف | 50
- 57 | وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ... ازخرف | 50
- 58 | أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى... انجم | 50
- 59 | إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونُ... انجم | 51
- 60 | وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَ خَلَقَهُمْ انعام | 51
- 61 | وَ يَوْمَ يَخْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ... اسبا | 52
- 62 | وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ... اتوبه | 52
- 63 | يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ... انساء | 200، 52
- 64 | لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ... و ما امائده | 200، 54، 53

165 إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ... آل عمران 54

166 وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا... امريم 55

167 قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ... الخلاص 59، 55

168 إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِرَحْمَتِهِ... آل عمران 56

169 إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ... آل عمران 56

ص: 284

170 | الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ... افاطرا 63

171 | وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ... اشورى 64

172 | يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ... انحل 64

173 | فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا... امريم 141، 64

174 | وَ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى... اهودا 64

175 | إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ... انفال 65

176 | إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ... انفال 65

177 | إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ... آل عمران 66

178 | اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا... احج 66

179 | إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ... اتكويرا 66

180 | قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ... ابقره 66

181 | وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ نَزَلَ بِهِ... اشعراء 66

182 | قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ... انحل 73، 67

183 | وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ... ابقره 72، 67

184 | تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ... اقدرا 72، 67

185 | وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ... اق 67

186 | قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ... اسجده 68

187 | حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ... انعام 68

188 | الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ... انحل 68

189 | تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي... امعارج 72، 69

190 | يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا... انباء 140، 69

91 لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولَّوْا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ... ابقره 69

92 مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ... ابقره 69

93 فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ... احجرا 71

94 وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي... اتحریم 71

95 يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى... انحل 71، 140

ص: 285

- 196 وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ ... احج|71
- 197 ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ افصلت|75
- 198 وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ اهودا|75
- 199 أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي ... انحل|75,98
- 100 وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ ... ابقره|76
- 101 ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ ... ابقره|76
- 102 وَ مَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ ... انحل|76
- 103 يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ ... انبياء|76
- 104 هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ... ابقره|76,77,79
- 105 اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ ... اطلاق|77,80
- 106 وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ ... انحل|77
- 107 وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ... اهودا|78,184,449
- 108 إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ فِي ... ايونس|78,158,164,337,449,338
- 109 الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي ... افرقان|78,449
- 110 أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ كَانَتَا ... انبياء|79
- 111 قُلْ أَإِنكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ ... افصلت|79,158
- 112 أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خُلُقاً أَمْ السَّمَاءُ بِنَاهَا ... انازعات|80
- 113 وَ السَّمَاءِ وَ مَا بِنَاهَا، وَ الْأَرْضِ وَ مَا طَحَّاهَا ... اشمس|80
- 114 وَ الْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا ... احجر|80
- 115 الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ ... اطه|81,304
- 116 الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَ ... ابقره|81



117\ أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ... انوح|81

118\ أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ... اغاشيه|82,236

119\ أَمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ... انمل|82

120\ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ... النبياء|82

ص: 286

- 121\ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا... امرسلات\83
- 122\ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَ الْقَمَرَ آيُونَس\83,89
- 123\ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَ إِبْرَاهِيمَ... احديدا\83
- 124\ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ... امائده\84
- 125\ أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي... القمان\88
- 126\ وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ... احجرا\118,88
- 127\ إِنَّا زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ... اصافات\91,92,89,102
- 128\ وَ جَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَ جَعَلَ الشَّمْسَ... انوح\89
- 129\ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ... اتوبه\89
- 130\ وَ عِلْمَاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ... انحل\90
- 131\ وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا... انعام\90
- 132\ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا... اعرف\92
- 133\ وَ أَوْحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرْكُمْ... انعام\92
- 134\ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ... اقمر\94
- 135\ كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ... اذاريات\94
- 136\ وَ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي... انورا\177,100
- 137\ وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا طَائِرٍ يَطِيرُ... انعام\177,100
- 138\ وَ لِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ... انحل\100
- 139\ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ... انعام\101
- 140\ وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارِ الرَّحْمَنِ...101
- 141\ وَ الْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ احجرا\101

142\ في أممٍ قد حلت من قبلهم من الجن والإنس\ فصلت\ 102

143\ ومن الجن من يعمل بين يديه بإذن ربه\ اسبا\ 102

144\ قال عفریت من الجن أنا آتیک به قبل... انمل\ 102

145\ فلما قضينا عليه الموت ما دلهم على موته... اسبا\ 102

146\ والله كان يقول سفيها على الله اجن\ 103

ص: 287

- 147\ وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنَ... اجن\103
- 148\ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ... اجن\103
- 149\ وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا... اجن\103
- 150\ وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ... اجن\103
- 151\ وَأَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا... اجن\104
- 152\ وَأَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْفَاسِقُونَ فَمَنْ... اجن\104
- 153\ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا... املك\105
- 154\ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ... الانعام\105
- 155\ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ... الاعراف\105
- 156\ إِنَّ الْمُبْدُرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينَ وَكَانَ... الاسراء\105
- 157\ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ... ابقره\106
- 158\ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ... ابقره\106
- 159\ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ... انساء\106
- 160\ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ... امائده\106
- 161\ يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ... الاعراف\107
- 162\ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ اروم\107
- 163\ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ... كهف\180، 107
- 164\ وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ... اسبا\108
- 165\ فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ... الاعراف\108
- 166\ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ... ايس\108
- 167\ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا... افاطر\108

168\ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ابقره\112

169\ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ اتوبه\112

170\ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ احدى\112

171\ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ آل عمران\112

172\ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا... اسبا\114

ص: 288

- 173\ إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ\ اصافات\118
- 174\ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ\ الرحمن\118
- 175\ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ... اسجده\118
- 176\ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ... احج\119
- 177\ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ... امؤمنون\120
- 178\ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ\ اطارق\120
- 179\ خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا... ازمر\120
- 180\ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ... الانعام\120
- 181\ وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَهْدًا\120
- 182\ وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا... الاعراف\121,122,181
- 183\ قَالَ أَسْجُدْ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا... الاسراء\124
- 184\ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لِأُزَيِّنَ لَهُمْ... احجرا\211,124,249
- 185\ وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْاسْرَاءِ\506,125
- 186\ لَقَدْ كَانَ لِسَيِّئَةٍ فِي مَسْكَنِهِمْ... اسبا\126
- 187\ قُلْ أَذَلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي... افرقان\126
- 188\ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ... ابقره\127
- 189\ إِذْ هَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ... الاسراء\134
- 190\ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ... احزاب\135
- 191\ وَيَسْتَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ... الاسراء\141
- 192\ أَأَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ... ايوسف\150
- 193\ وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا... ايوسف\150

194\ اِتَّخَذُوا اَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ... اتوبه\ 151

195\ سَبَّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْاَعْلَى... اعلى\ 337, 153, 338

ص: 289

196| رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ... اطه| 303، 153، 337، 314، 470

197| خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا افرقان| 163، 153

198| وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ... ابقره| 153

199| شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا اشورى| 178، 153

200| إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ... انساء| 178، 154

201| نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا... آل عمران| 154

202| وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ اذاريات| 154

203| يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ... الانعام| 154

204| وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنَّ... الحقاف| 155

205| قُلْ أَوْحَى إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنَّ... اجن| 156، 155، 213

206| وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي... انحل| 163، 156، 176

207| خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ الرحمن| 177، 160

208| اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ... اعلق| 177، 160

209| وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى... افاطر| 161

210| وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ الاعراف| 161

211| لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ ما... اتحريم| 161

212| فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ... امريم| 163

213| إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ... الانعام| 163

214| وَأَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّ مُوسَى... اقصاص| 163

215| وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا... افصلت| 164

216| وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي... ابقره| 251، 166



217| وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي... اعراف|167

218| وَاللَّهُ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... اعراف|168

ص: 290

- 1219 | سِيَّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ | افتح | 168
- 1220 | أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ... | ابقره | 170
- 1221 | وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ... | اجاثيه | 171, 175
- 1222 | اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا... | امؤمن | 172
- 1223 | الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا... | ازخرف | 172
- 1224 | وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ... | الررحمن | 172
- 1225 | هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْسُوا... | املك | 172
- 1226 | أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ | احج | 172
- 1227 | وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ... | اسراء | 172
- 1228 | اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ... | الابراهيم | 173, 395
- 1229 | وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ... | انحل | 173
- 1230 | وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ | انحل | 174
- 1231 | وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ... | انحل | 176
- 1232 | وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ... | انحل | 176
- 1233 | يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَتَمَاثِيلَ وَاسْبَا | 182
- 1234 | وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَالْأَنْبِيَاءِ | 183
- 1235 | إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ | آل عمران | 180, 189
- 1236 | مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ | يوسف | 189
- 1237 | قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا | احجرات | 191
- 1238 | إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ... | امنافقون | 191
- 1239 | إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ... | انساء | 192

1240 | فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتِكُمْ مِنْ أَجْرٍ... اِيونس | 192

1241 | مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا... آل عمران | 192,333

1242 | وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ... ابقره | 193

1243 | مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ... احج | 193

1244 | فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ... اذاريات | 193

ص: 291

- 1245 | يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ... ايونس|193
- 1246 | رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ اعراف|193
- 1247 | حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنتُ... ايونس|194
- 1248 | إِنَّهُ مِن سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ انمل|194
- 1249 | يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَيُّكُمْ يَا تُبَيِّ بَعْرَشِهَا... انمل|194
- 1250 | وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ... امائده|194
- 1251 | فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي... آل عمران|194
- 1252 | فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ... ااروم|202
- 1253 | يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلُ... امائده|203
- 1254 | الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ... اعراف|203
- 1255 | فَأَمَّا الرِّبْدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً... ارعدا|204
- 1256 | وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ... احج|204
- 1257 | يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا... احج|204
- 1258 | يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا... ابقره|204
- 1259 | إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ... احجرات|205
- 1260 | وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ... الانبياء|491,206
- 1261 | وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ... امريم|206
- 1262 | وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ... امريم|206
- 1263 | يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا... ابقره|382,207
- 1264 | وَأَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ انساء|207
- 1265 | إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى... امائده|207

266 | وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ... ابقره | 208، 382

267 | وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا... اشمس | 209

268 | فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا اشمس | 210

269 | وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ... انازعات | 210

270 | فَأَمَّا مَنْ طَغَى وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا... انازعات | 210

ص: 292

- 271| أضاعوا الصلوة و اتبعوا... امريم|210
- 272| وقال الشيطان لما قضي الأمر إن الله... ابراهيم|211
- 273| فذكر إنما أنت مذكر... اغاشيه|211
- 274| إنا هديناه السبيل إما شاكراً... ابلد|212
- 275| لا إكراه في الدين قد تبين... ابقره|212
- 276| فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره... ازلزال|212
- 277| وإذ صرفنا إليك نفراً من الجن... احقاف|213
- 278| ويوم يحشرهم جميعاً يا معشر الجن قد استكثرتم... انعام|215
- 279| ما كان ليشر أن يؤتيه الله الكتاب... آل عمران|223
- 280| يا أيها النبي إنا أرسلناك شاهداً... الحزاب|223
- 281| النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم الحزاب|224
- 282| إنا أوحينا إليك كما أوحينا... انساء|224
- 283| كان الناس أمةً واحدةً فبعث الله... ابقره|224
- 284| ولقد فضلنا بعض النبيين على... السراء|224
- 285| وما أرسلنا من رسول إلا بلسان... ابراهيم|225
- 286| وإلى عاد أخاهم هوداً اعراف|225
- 287| وإلى ثمود أخاهم صالحاً اعراف|225
- 288| وإلى مدين أخاهم شعيباً اعراف|225
- 289| رسلاً مبشرين و منذرين لئلا... انساء|226
- 290| وما كنا معدنين حتى تبعث رسولاً السراء|226
- 291| ولكل أمة رسول فإذا جاء رسولهم... ايونس|226

292| فَعَصَا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ... احاقه 226

293| وَمَنْ يَعَصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأِنَّ لَهُ... اجن 227

294| ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِع... انحل 333، 227

295| الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ... امانده 227

296| خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ... اعنكبوت 236

ص: 293

236| 297 هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ... انحل

237| 298 إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلاَفِ اللَّيْلِ... ابقره

238| 299 وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ... آل عمران

241| 300 مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ إِنْ... اشعراء

242| 301 فَعَقِّرُوهَا فَاصْبَحُوا نَادِمِينَ اشعراء

242| 302 فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنْ فِي ذَلِكَ... اشعراء

242| 303 وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ... ابقره

243| 304 قُلْ لَنْ اِجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ... السراء

249| 305 وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ اِيوسف

250,560| 306 وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ ابقره

289,250,295| 307 يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي... اص

251| 308 يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا... ابقره

253| 309 تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ... انحل

253| 310 وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ... انفال

253| 311 يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ... انمل

254,491| 312 شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ... ابقره

255| 313 إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ اقدر

258| 314 اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عِبْدَنَا دَاوُدَ... اص

276,279| 315 وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ الْاِحزاب

280| 316 فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا... الاحزاب

280| 317 وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ... الاحزاب



318| فَجَعَلَهُمْ جُودًا إِلاَّ كَثِيرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ... انبياء| 281

319| فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي... ايوسف| 282, 290

320| وَذَا التُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ... انبياء| 283, 292, 293

321| إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا لِيُغْفِرَ لَكَ... افتح| 283, 290

ص: 294

- 322 | سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي... اكهف|285
- 323 | عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ... اتحریم|285,560
- 324 | وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى اطه|285,281,460
- 325 | وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنْ أَنْتِ الْقَوْمَ... اشعراء|286
- 326 | وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا اقصاص|286
- 327 | بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَسئَلُوهُمْ... الانبياء|290
- 328 | خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ اص|294
- 329 | لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَى... اص|295
- 330 | وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمُ الْقَمَانَ|301
- 331 | وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ... ازخرف|301
- 332 | وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ... ازخرف|301
- 333 | أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي... ازخرف|302
- 334 | إِذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى اطه|302
- 335 | أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى. النازعات|302
- 336 | أَجِئْنَا لِنُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ اطه|305
- 337 | فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ... اطه|306
- 338 | إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ يُرِيدُ أَنْ... اشعراء|307
- 339 | فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ اعراف|307
- 340 | إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ اشعراء|308
- 341 | لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ اشعراء|309
- 342 | أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتَانِ يَا إِبْرَاهِيمُ الانبياء|310

311\انعام\343 وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ... انعام\311

313\ابقره\344 أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ... ابقره\313

314\اشعراء\345 فَاتَّخَذُوا لِي إِلاَّ رَبَّ الْعَالَمِينَ اشعراء\314

314\اطه\346 وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ وَإِذَا مَرِضْتُ... اطه\314

328\انوح\347 إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ... انوح\328

ص: 295

- 329| شرع لكم من الدين ما وصى... انوح| 348
- 330| سلام على نوح في العالمين... اصافات| 349
- 331| احج| 350 واذ بؤنا لإبراهيم مكان... احج| 350
- 331, 346| ابقره| 351 واذ جعلنا البيت مثابة... ابقره| 351
- 332| انعام| 352 وقالوا كونوا هوداً أو نصارى... انعام| 352
- 333| آل عمران| 353 قل صدق الله فاتبعوا ملة إبراهيم... آل عمران| 353
- 333| انعام| 354 قل انني هداني ربي الى صراط... انعام| 354
- 338| ابقره| 355 اآمنا بالله وما أنزل إلينا وما... ابقره| 355
- 338, 380| ابقره| 356 ما ننسخ من آية أو ننسها... ابقره| 356
- 339, 347, 378, 355| انمل| 357 واذا بدلنا آية مكان آية... انمل| 357
- 340| انمل| 358 وادخل يدك في جيبك... انمل| 358
- 341, 345, 359| ابقره| 359 يا بني إسرائيل اذكروا نعمتي... ابقره| 359
- 342| ابقره| 360 ولقد آتينا موسى الكتاب وقفيننا... ابقره| 360
- 344| ابقره| 361 ولقد أنزلنا إليك آيات... ابقره| 361
- 344| ابقره| 362 ود كثير من أهل الكتاب لو يردونكم... ابقره| 362
- 345| ابقره| 363 واذ يرفع إبراهيم القواعد... ابقره| 363
- 346| ابقره| 364 قد نرى تقلب وجهك في السماء... ابقره| 364
- 346| ابقره| 365 وعهدنا إلى إبراهيم وإسماعيل... ابقره| 365
- 347| ابقره| 366 سيقول السفهاء من الناس ما... ابقره| 366
- 349, 362| انعام| 367 وعلى الذين هادوا حرمنا كل... انعام| 367
- 352| ابقره| 368 الذين آتيناهم الكتاب يعرفونه... ابقره| 368

369 | وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ... اعراف | 360

370 | وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ... ابقره | 361

371 | وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا... ابقره | 361

372 | وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا أَنْحُل | 362, 375

ص: 296

373| وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى... السرا|384،362

374| وَسَأَلْنَاهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ... اعراف|363

375| يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنَزِّلَ... انساء|363

376| إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ... انحل|364

377| وَقَطَعْنَا لَهُمْ اثْنَيْ عَشَرَ أَسْبَاطًا... اعراف|364

378| وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا... امائدة|365

379| إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ... البروج|366

380| إِنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ... آل عمران|371

381| الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ... اعراف|377،372

382| يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ... امجادله|373

383| إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ... امائده|377

384| وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْتُ... الانعام|379

385| قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ... ايونس|379

386| أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا... ابقره|380

387| وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ... ابقره|380

388| وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا... ابقره|380

389| فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا... اروم|382

390| وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ... ابقره|382

391| يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ... ابقره|382

392| يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ... ابقره|382

393| أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا ابقره|383

383|انفال|إن الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا... انفال|383

383|انفال|وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ... انفال|383

384|اسراء|وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ جَعَلْنَاهُ... اسراء|384

384|اسراء|إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ... اسراء|384

391,399,444|انجم|وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ انجم|391,399,444

ص: 297

399 | وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا... آل عمران | 391

400 | مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا... اهود | 391

401 | مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا... السراء | 391, 499

402 | وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ... آل عمران | 392

403 | وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ... انساء | 393

404 | إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ اذاريات | 394

405 | اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ... اروم | 394

406 | وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ... الانعام | 394

407 | وَكَائِنٌ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا... اعنكبوت | 395, 486

408 | وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي... انحل | 395

409 | وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ... انحل | 396

410 | يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ... ابقره | 397

411 | يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ... امائده | 397

412 | وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ... الاعراف | 398

413 | وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ... احج | 398

414 | إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا... امريم | 398

415 | فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا... ازلزال | 399

416 | فَالْيَوْمَ لَا تُظَلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا... ايس | 399

417 | وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ... اق | 401

418 | قُلْ يَتَوَفَّاكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ... اسجده | 401

419 | فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ... اواقعه | 402



420 | يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي ... افجرا 402

421 | حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ ... امؤمنون 403

422 | وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي ... ازمرا 406

423 | وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا كَهْفًا 407

424 | وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَنَزَعَ مَنْ فِي ... انمل 407

ص: 298

425| وَنُفِّخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ... ايس|407

426| وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا اكهف|408

427| يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ... اطه|408,430

428| يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ... امريم|408

429| أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ... امطففين|409

430| يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا... انباء|409

431| وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي... اسراء|409

432| وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ... اجاثيه|409

433| كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ... اجاثيه|410

434| فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ... احاقه|410

435| فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ... انشقاق|411

436| وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا... آل عمران|411

437| وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ... انحل|411

438| وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ... اغافر|411

439| حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاؤَهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ... افصلت|411

440| إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا... احج|414

441| وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى... امؤمن|414

442| مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ... انساء|414

443| وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى... ازمر|415

444| الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ازخرف|415

445| وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا... ازخرف|415

446 | وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ... اتوبه | 415

447 | وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ... اص | 418

448 | إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ... احجرا | 418

449 | وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ... اعراف | 420

450 | وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ... ابقره | 422

ص: 299

- 451 | لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ... ابقره|422
- 452 | إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي يَقُولُونَ... المؤمنون|423
- 453 | الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ... اقصص|423
- 454 | وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ... اارعدا|424
- 455 | وَلِيُخْشِيَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ... انساء|427
- 456 | فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَى أَهْلَ قَرْيَةٍ... اكهف|427
- 457 | لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ... امريم|430
- 458 | عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا... السراء|431
- 459 | لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى... الانبياء|431
- 460 | الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا... الاعراف|431
- 461 | وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ... الاعراف|436
- 462 | مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ... اتوبه|437
- 463 | وَمَنْ يَزِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ... ابقره|437
- 464 | إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ... امحمد|437
- 465 | يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ... احجرات|438
- 466 | يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صِدْقَاتِكُمْ... ابقره|438
- 467 | وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ... الانعام|441
- 468 | وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ... اجن|442
- 469 | قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَّمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ... الاعراف|442
- 470 | وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ... اهودا|442
- 471 | لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ... السراء|443

443| يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ ... ابقره

448| لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ ... اتوبه

448| وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا ... اعراف

449,456| فَابَيِّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ الرحمن

449| وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ۖ

ص: 300

- 4477 | تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ... الرحمن | 449، 457
- 4478 | وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ... اهودا | 449
- 4479 | إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ... ايونس | 449
- 4480 | الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ... اغافرا | 450
- 4481 | وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلٍ... ازمر | 450
- 4482 | وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةَ أَحَاقِه | 451، 453
- 4483 | اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ احديدا | 453
- 4484 | اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسَلِّ بِهِ... افرقان | 453
- 4485 | خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةٍ... اهودا | 453
- 4486 | وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَ... انحل | 454
- 4487 | وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَ... انحل | 454
- 4488 | وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ... ازخرف | 454
- 4489 | وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ... اجاثيه | 455
- 4490 | أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا... القمان | 455
- 4491 | يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَ لَكِنِّي رَسُولٌ... اعراف | 457، 458
- 4492 | قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ... اعراف | 458
- 4493 | آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ ابقره | 459
- 4494 | أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لا... امحمد | 459
- 4495 | فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ... اكهف | 459
- 4496 | فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا اعراف | 459
- 4497 | وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ... احاقه | 460

498| الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنا آمَنَّا... آل عمران|460

499| وَ ما كان قولُهُم إلا أن قالوا رَبَّنَا... آل عمران|460

500| رَبَّنَا فاغْفِرْ لنا ذُنُوبنا وَ كَفِّرْ عَنَّا... آل عمران|460

501| رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فاغْفِرْ لي... اقصص|460

502| وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تابُوا... اعراف|461

ص: 301

- 503 فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً انوح\461
- 504 فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ... ابقره\461
- 505 قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ... ازمر\461
- 506 لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّاتٍ... اسباء\462
- 507 وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ احجرا\462
- 508 مَا فَزَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ... انعام\462
- 509 إِنَّ حِسَابَهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي... اشعراء\463
- 510 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ افاتحه\463,495
- 511 إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَاداً... انباء\463
- 512 خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ... الرحمن\464
- 513 خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ... اعلق\464
- 514 ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ... انعام\465
- 515 اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى اطه\470
- 516 اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ارعدا\470
- 517 إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ اتوبه\470
- 518 لِيَجْزِيََهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ابقره\471
- 519 اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ابقره\471,474
- 520 وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْماً أَفَلَا... انعام\473
- 521 وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَ أَلْقَيْنَا عَلَىٰ... اص\474
- 522 يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي... ابقره\477
- 523 وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ... انحل\477



477\524 ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ... انحل

478\525 إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... امريم

478\526 فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ... اكهف

483\527 إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ... امزمل

483,484\528 أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ... افرقان

ص: 302

- 529| فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فِي النَّارِ لَهُمْ... اهودا|483
- 530| فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ... احزاب|485
- 531| لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... اشورى|486
- 532| وَكَأَيُّنَ مِنْ ذَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ... اعنكبوت|486
- 533| قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ... اسباء|524,487
- 534| وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَ... اسراء|487
- 535| قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ... آل عمران|488
- 536| وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ... اشورى|490
- 537| وَجَعَلْنَاهُمْ آيَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا... الانبياء|491
- 538| هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينٍ... اتوبه|491
- 539| شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ... ابقره|491
- 540| وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ... آل عمران|491
- 541| أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَلسَانًا وَشَفَتَيْنِ... ابلدا|491
- 542| وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى... افصلت|492
- 543| إِنَّمَا أَمْرٌ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ... انمل|492
- 544| قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ... ايونس|492
- 545| مَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَ... اسراء|493
- 546| وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا... امريم|493
- 547| وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى... امحمدا|493
- 548| وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ... اعنكبوت|493
- 549| وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا... انحل|494

1550 فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ... اعراف|494

1551 وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ابقره|494

1552 مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَمَنْ يَشَأْ... انعام|495

1553 إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ... اقصاص|495

1554 صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ افاتحه|495

ص: 303

- 495| 555 أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ... امريم
- 496| 556 وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ... ابقره
- 496| 557 وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ... آل عمران
- 497| 558 وَاتَّخَذْنَا لِنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً... اعراف
- 498| 559 اِفْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ... الانبياء
- 499| 560 إِنَّ هَؤُلَاءِ يُجِبُّونَ الْعَاجِلَةَ... انسان
- 503| 561 وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ... ارعدا
- 504, 506| 562 وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ... ارعدا
- 504| 563 ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ... اشعراء
- 505| 564 فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي... اشعراء
- 505| 565 فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالجِرَادَ... اعراف
- 505| 566 فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ... السراء
- 506| 567 وَيَمْحُ اللَّهُ البَاطِلَ وَيُحِقُّ الحَقَّ... اشورى
- 506| 568 وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا... السراء
- 509-513, 515-516| 569 يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ... ارعدا
- 507| 570 وَإِنَّمَا نُرِيَّتَكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ... ارعدا
- 508, 524| 571 هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ... الانعام
- 510| 572 فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةً آمَنَتْ فَفَنَعَهَا... ايونس
- 511| 573 وَوَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً... اعراف
- 511| 574 وَإِذْ وَاوَعَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً... ابقره
- 515| 575 وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجْلُهَا... امنافقون

576| إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... اىونس|523

577| وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ... احجرا|523

578| وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ... اسراء|523

579| وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ... ابقره|524

580| أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ... ايس|524

ص: 304

- 524| ٥٨١ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَ... ابقره
- 525| ٥٨٢ وَ فَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى... اقمر
- 525| ٥٨٣ فَالْتَجَيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا... انمل
- 525| ٥٨٤ أَنْ اَعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَ قَدَّرْ فِي السَّرْدِ... اسباء
- 525| ٥٨٥ وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ... احجرا
- 526| ٥٨٦ أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ... امرسلات
- 526| ٥٨٧ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ... احزاب
- 533| ٥٨٨ كَلَّا نُمَدُّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ... اسراء
- 534| ٥٨٩ أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا... اعراف
- 535| ٥٩٠ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ابقره
- 552| ٥٩١ فَطَرَتِ اللَّهُ التِّي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا... اروم
- 553| ٥٩٢ يَمْئُونُ عَلَيْكَ أَنْ اسْلَمُوا قُلْ... احجرات
- 553| ٥٩٣ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ مَا زَكَى مِنْكُمْ... انورا
- 556| ٥٩٤ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أَوْلِي الْأُمْرِ... انساء
- 558| ٥٩٥ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اشورى
- 558| ٥٩٦ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ... الانعام
- 559| ٥٩٧ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ الانعام
- 559| ٥٩٨ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ اصافات
- 559| ٥٩٩ إِنَّ اللَّهَ لَا يُظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ انساء
- 559| ٦٠٠ إِنَّ اللَّهَ لَا يُظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَ لَكِنَّ... ايونس
- 559| ٦٠١ وَ مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يُغْلَى وَ مَنْ يُغْلَى... آل عمران

1602| قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي انعام|559

1603| وَ لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ... احاقه|560

1604| عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ... اتحریم|560

1605| وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ ... ابقره|560

1606| أَدْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ... انحل|564

ص: 305

- 607 | إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ ... الحزاب | 564
- 608 | يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا... اتوبه | 565
- 609 | وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ... انعام | 565
- 610 | وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا... اعراف | 568
- 611 | بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَى... ابقره | 579
- 612 | هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ انعام | 579
- 613 | هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا... ايونس | 580
- 614 | أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ... احقاف | 580
- 615 | أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ... الانبياء | 581
- 616 | ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ افصلت | 581, 584
- 617 | وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ اذاريات | 582, 584
- 618 | وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ابقره | 583
- 619 | قُلْ إِن صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ... انعام | 583
- 620 | أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اعراف | 583
- 621 | وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ الانبياء | 583
- 622 | قُلْ أَيْنَ كُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ... افصلت | 584



## ملل و نحل و شعوب و قبایل و موضوعات پراکنده

«الف» آئین حنیف ابراهیم: 227

آرامی: 131

اباضیه: 546

اسرائیلیات: 539, 98, 99, 272, 273, 274, 298

اسلام: 273, 203, 213, 215, 218, 219, 227, 228, 193, 195, 201-187, 189, 190, 191, 8, 9, 13, 44, 90, 99, 157, 180, 546, 547, 492, 496, 507, 510, 535, 539, 544, 336, 338, 345, 356, 442, 464, 490, 280, 295, 297, 315, 317, 320, 551, 552

اسماعیلیه: 546

اشاعره: 319, 519, 541

«ب» بنی اسرائیل: 303, 305, 321, 325, 341, 342, 345, 230, 233, 238, 260, 262, 263, 302, 11, 12, 53, 194, 195, 200, 421, 422, 377, 383, 384-371, 374-364, 367, 349, 352, 354, 356, 359, 360, 362

بنی لیث: 298

«ت» تابوت الواح: 195, 263, 268, 294, 296, 376

تعلیمیّه: 543

«ث» ثمود: 225, 241, 242, 256, 459, 492

«ج» جاهلیت: 347, 357

«ح» حجة الوداع: 298

حشویه: 543

حنبلی: 542, 543

«ز» زندقه، زندیق، زنداقه: 115, 116, 266, 542

ص: 307

زیدتیہ: 546,557

«س» سباء(قوم): 462,525 ,102,103,108,126,183,194:

سریانی: 264

«ش» شیعه: 546,562

«ص» صابئین: 292,312

صلح حدیبیہ: 296

صوفی: 549,550

«ع» عاد: 225,256

عباسی: 547

عبری و عبرانی: 472 ,56,131,196,198,233

عرب: 535 ,209,290,337,406,430,452,473 ,9,10,36,38,40,75,149,150

عمالقه: 353,368,370,371,376

«غ» غزوه بدر: 65,292

غزوه تبوک: 256

غزوه خندق: 83

«ف» فتح مکہ: 340,351,383

فرانسوی: 545

«ق» قدریہ: 546

قریش: 357,379,380,381,506 ,27,60,111,242,243,244,291

«ك» کلدانی: 198,233

«ل» لوح محفوظ: 504

«م» مجوس: 20,292,552

مرجئه: 557,567

مسلمانان، مسلمين: 7,10,67,73,189,190, 192,194,219,275,279,292,347, 348,354,356,357,424,438,442

582, 516,526,539,540,545,551,555

مسيحيت: 196

مشبهه: 557

مشركين، مشركان: 39,42,43,51,52,58, 311,314, 60,90,135,219,292,294,310

معتزله، اعتزال: 562,567, 265,520,546,547,548

ص: 308

مكتب اشعري: 541,548,549

مكتب اهل البيت عليه السلام: 515,321,297,132,560,559,558,555,554,552,545,568,567,566,562

مكتب جبر: 266

مكتب حسي و تجريبي: 541,551

مكتب خلفا: 296,274,272,264,132,545,515,501,321,297

مكتب ذوقي و اشراقي: 541,549

مكتب سلفي: 542,543,546,555

مكتب عقلي محض: 541,546

مكتب فطري: 541

مكتب قدرية: 265,266

مكتب نقلي محض: 541,542

«ن» نصراني: نصاري: 187,151,60,58,52,20, 315,292,273,201,200,195,192, 356,345,344,335,333,332, 357,552,539,404,384,381,380

«و» وقعة صفين: 83

«ه» هذيل: 298

«ي» يوناني: 198,233,264

يهود، يهودي: 187,151,60,58,52,20, 292,264,207,201,200,195,192, 348,345,344,335,333,315,301, 349, 362,357,356,355,354,353, 381,380,378,375,370,369,363, 552,539,404,384

ص: 309

## فهرست احادیث و روایاتی که در این کتاب آمده است.

ردیف | متن حدیث و روایت | معصوم | صفحه

- 1 | اسلیمان بن داود به یاران خود فرمود: خدای تبارک و تعالی مرا... | امام باقر علیه السلام | 113
- 2 | برای اینکه مردم تمامیّت و کمال قدرت خدا را بدانند و... | امام صادق علیه السلام | 114
- 3 | (بهشت آدم) باغی از باغهای دنیا بود که ماه و خورشید بر آن... | امام صادق علیه السلام | 115
- 4 | خداوند تعالی آدم علیه السلام را از مشتی خاک که از همه اطراف... | رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم | 136
- 5 | درنگ آدم و حوا در بهشت تا هنگام خروج هفت ساعت... | رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم | 136
- 6 | این روح، روحی است که خدا خود آن را انتخاب... | امام باقر علیه السلام | 142
- 7 | خدای متعال چون خواست از آدم درگذرد، جبرئیل را... | امام صادق علیه السلام | 143
- 8 | خدای تبارک و تعالی به آدم فرمود: تو و همسرت در بهشت ساکن... | امام رضا علیه السلام | 144
- 9 | او حدیثی که با هم تعارض دارند، آن را که با اخبار عامه... | امام صادق علیه السلام | 297
- 10 | (و درباره داستان اوریا و داود) فرمود: این چیزی است که عامه می گویند | امام صادق علیه السلام | 297
- 11 | اصله الرحم تزید فی العمر و تنفی الفقر... | رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم | 389

ص: 310

- 12 اصله الرحم تزيد في العمر، و صدقه السر... ارسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم | 389
- 13 اصله الرحم فانها مثرأة في المال و منسأة في الاجل و... الامير مؤمنان عليه السلام | 390
- 14... و صلة الرحم منماة للعدد الامير مؤمنان عليه السلام | 390
- 15 اصوم رجب يهون سكرات الموت ارسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم | 402
- 16 امن مات و لم يحج حجة الاسلام دونما... امام صادق عليه السلام | 404
- 17 اطولكم قنوتا في دار الدنيا... ارسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم | 412
- 18 اذا سجد احدكم فليباشر بكفيه الارض... الامير مؤمنان عليه السلام | 412
- 19 امن بغى على فقيرا و تطاول عليه و استحقره... ارسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم | 413
- 20 ان المتكبرين يجعلون في صورة الذر... امام صادق عليه السلام | 413
- 21 اربعة يؤذون اهل النار على ما بهم من الاذى... ارسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم | 416
- 22 ابهشت هشت در دارد، و جهنم هفت در... ارسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم | 417
- 23 آيا مي دانيد درهاي جهنم چگونه اند؟... الامير مؤمنان عليه السلام | 418
- 24 ابراي هر دري از درهاي جهنم گروه معيني از اهل... الامير مؤمنان عليه السلام | 418
- 25 اهر كس مؤمني را خشنود كند، خدای عز و جل از دين... امام صادق عليه السلام | 418
- 26 اهر كس اندوهي را از مؤمن بزدايد، خداوند غمهاي... امام صادق عليه السلام | 419
- 27 اخدا را در زمين بندگان است كه هميشه در پي... امام ابو الحسن عليه السلام | 419
- 28 اهيچ مسلماني نياز مسلمان ديگري را برآورده نمي كند مگر... امام صادق عليه السلام | 419
- 29 اهر مؤمني كه در دنيا به مصيبي دچار شود در حال مصيبت... امام باقر عليه السلام | 419
- 30 اخداوند فرمود: هيچ بنده اي را وارد بهشت نمي كنم مگر آنكه... ارسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم | 419
- 31 اهيچ مسلماني نيست كه دچار مصيبت گردد، مگر آنكه... ارسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم | 420
- 32 اهيچ مصيبي به شخص مسلمان نمي رسد مگر آنكه... ارسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم | 420

33 اهیچ مسلمانی نیست که خراش خاری یا سخت تر از آن... ارسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم | 420

34 اهیچ گونه رنج و سختی، درد و مرض، مصیبت و اندوه... ارسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم | 420

ص: 311

- 35|الصبر ثلاثة، صبر عند المصيبة، وصبر على الطاعة... ارسول خدا صلّى الله عليه وآله وسلّم|421
- 36|هنگامی که پرونده های اعمال گشوده و ترازوها... امام صادق علیه السلام|425
- 37|هنگامی که خداوند همه اولین و آخرین را گرد آورد... امام زین العابدین علیه السلام|425
- 38|هر کس نابینا از دینا رود در حالی که برای خدا... امام باقر علیه السلام|425
- 39|من لم يؤمن بحوضي - الحوض الكوثر - فلا اوردوه... ارسول خدا صلّى الله عليه وآله وسلّم|432
- 40|الصيام و القرآن يشفعان للعبد يوم القيامة... ارسول خدا صلّى الله عليه وآله وسلّم|433
- 41|اثلاثة يشفعون الى الله عز و جل فيشفعون... ارسول خدا صلّى الله عليه وآله وسلّم|433
- 42|يشفع يوم القيامة ثلاثة. الانبياء، ثم العلماء، ثم... ارسول خدا صلّى الله عليه وآله وسلّم|433
- 43|ان رسول الله صلّى الله عليه وآله وسلّم يومئذ يختر ساجدا فيمكث ما شاء الله... امام صادق علیه السلام|433
- 44|اشفاعتى لا هل الكبائر من امتى... ارسول خدا صلّى الله عليه وآله وسلّم|434
- 45|هر کس بگوید سبحان الله، خدای عز و جل، ارسول خدا صلّى الله عليه وآله وسلّم|438
- 46|ان فرطكم على الحوض من ورد شرب و من... ارسول خدا صلّى الله عليه وآله وسلّم|439
- 47|اليردنّ على الحوض رجال ممن صحبتني... ارسول خدا صلّى الله عليه وآله وسلّم|439
- 48|ان المرأى يدعى به يوم القيامة باربعة اسماء... ارسول خدا صلّى الله عليه وآله وسلّم|440
- 49|من اطاع رجلا في معصية فقد عبده امام صادق علیه السلام|476
- 50|من اصغى الى ناطق فقد عبده... امام رضا علیه السلام|476
- 51|من خرج الينا من العبيد فهو حرّ... ارسول خدا صلّى الله عليه وآله وسلّم|477
- 52|تعس عبد الدرهم و عبد الدينار ارسول خدا صلّى الله عليه وآله وسلّم|478
- 53|من سرّه، ان يبسط له في رزقه و ينسأ له في... ارسول خدا صلّى الله عليه وآله وسلّم|508
- 54|ان الرجل ليحرم الرزق بالذنب ارسول خدا صلّى الله عليه وآله وسلّم|509
- 55|ان الدعاء و القضاء ليعتلجان بين السماء و... ارسول خدا صلّى الله عليه وآله وسلّم|509



56| ان الله ارى آدم ذريته، فرأى رجلا ازهر... ارسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم| 512

57| اما بعث الله عز وجل نبيا حتى يأخذ عليه ثلاث... امام صادق عليه السلام| 513

58| اما بعث الله نبيا قَطَّ حتى يأخذ عليه ثلاثا... امام صادق عليه السلام| 513

ص: 312

- 59| اما تنبأ نبي قط حتى يقرّ لله تعالى... الامام صادق عليه السلام|513
- 60| اما بعث نبيا قط إلا بتحريم الخمر... الامام رضا عليه السلام|514
- 61| ان كان ليلة القدر، نزلت الملائكة و الروح... الامام صادق عليه السلام|514
- 62| اتنزل فيها- ليلة القدر- الملائكة و الكتب الى السماء... الامام باقر عليه السلام|514
- 63| ازمانى كه اجل فرود آيد و نويسندگان آسمان... الامام باقر عليه السلام|515
- 64| من زعم ان الله عز و جل يبدو له فى شىء... الامام صادق عليه السلام|515
- 65| افو الله ما علوتم تلعة، و لا هبطتم بطن واد... الامير مؤمنان عليه السلام|527
- 66| ان الناس فى القدر على ثلاثة اوجه. رجل زعم... الامام باقر عليه السلام|529
- 67| ان الله عز و جل لم يطع باكراه و لم يعص... الامام رضا عليه السلام|530
- 68| الا جبر و لا تفويض و لكن امر بين امرين الامام صادق عليه السلام|531
- 69| اهلك المتعمقون، هلك المتعمقون، هلك... ارسل خدا صلى الله عليه و آله و سلم|543
- 70| اكل مولود بولد على الفطرة، فابواه يهودانه و... ارسل خدا صلى الله عليه و آله و سلم|552
- 71| انك لم تعرف الحق فتعرف من اتاه... الامير مؤمنان عليه السلام|554
- 72| الو لا الله ما عرفنا، و لو لا نحن ما عرف الله... الامام صادق عليه السلام|563
- 73| افسطح الارض على ظهر الماء و اخرج من الماء دخانا... الامير مؤمنان عليه السلام|571
- 74| أنشأ الخلق إنشاء و ابتدأه ابتداء... الامير مؤمنان عليه السلام|572

## فهرست اشعاری که در این کتاب آمده است

إذا ما بنو مردان ثلثت عروشهم و اودت کما اودت ایاد و حمیر

چونابوده شد ملک مروانیان فروریخت چون حمیر و ایدیان

451

قد استوی بشر علی العراق من غیر سیف أو دم مهراق

452

و فی کل شیء له آیه... تدل علی الله واحد

504

انت الامام الذي نرجوا بطاعته يوم النجاة من الرحمن غفرانا

اوضحت من دیننا ما كان ملتبسا جزاك ربك عتاً فيه إحسانا

فلیس معذرة فی فعل فاحشة قد كنت راكبها فسقا و عصیانا

تو همان امام حقی که به یمن طاعت او به قیامت آرزویم کرم خدات باشد

توز دین ما به یکدم همه شبهه رازدودی مگر از خدات خواهیم که بر او جزات باشد

پس از این بیان روشن نسزد گناه بر من که نه معذرت توانم نه مرا نجات باشد

ص: 314

## فهرست اسامی مؤلفین و مصنفین

«الف» آصف محسنی: 552

آمری: 543

ابن ابی الحدید: 138

ابن اثیر: 229، 230

ابن بابویه: 563، 566

ابن بطه: 542

ابن تیمیه: 544، 545

ابن حجر: 266

ابن حزم: 519، 520

ابن حبان: 267

ابن خزیمه: 542

ابن خلکان: 264

ابن رشد: 544، 545

ابن سعد: 132، 136، و...

ابن سیناء: 544

ابن طفیل: 544

ابن طولون: 565

ابن عباس جوهری: 565

ابن عساکر: 452، 527

ابن قدامه: 542

ابن كثير: 195، 229 و...

ابن كلبى: 329

ابن ماجه: 405، 433 و...

ابن منظور: 38

ابن هشام: 298، 369 و...

ابو اسحاق: 543

ابو الحسن اشعري: 548

ابو حاتم: 267

ابو حنيفه: 274

ابو داود: 136، 20 و...

ابو طالب تجليل: 565

ابو منصور ماتريدى: 548

ابو هاشم جبائى: 546

احمد آرام: 551

احمد امين: 541

احمد بن حنبل: 136، 20 و...

احمد خان هندى: 551

احمد محمود صبحى: 539، 543 و...

ادوين پاول هابل: 578

ارسطاطاليس: 545

ارسطو: 544، 545 و...



- اقبال لا هوری: 551
- الفرد بل: 549
- امام الحرمین: 543
- ای کریسی مریسون: 34
- «ب» بحرانی: 10
- بخاری: 20، 218، ...
- بطلمیوس: 96
- بیگ تانگ: 578
- بیہقی: 542
- «ت» ترمذی: 132، 20، ...
- توماس رابینسن: 196
- «ث» ثقفی: 141
- «ج» جاحظ: 546
- جبائیان: 546
- جورج لامیتر: 578
- جعفر سبحانی: 549
- جمال الدین اسدآبادی: 551
- جواد علی - دکترا: 264
- جوہری: 479
- جوینی: 544
- «ح» حارث محاسبی: 542

حافظ محمد سليم: 577

حرّ عاملی: 565

حسن بصری: 264، 262، ...

حمیری: 264

«خ» خازن: 296، 275

«د» دارمی: 405

دکارت: 545

«ر» راغب اصفهانی: 163، 150، ...

ریچارد واتس: 196، 131، ...

«ز» زعفرانی: 542

زهدي حسن جار الله: 547

«س» السبکی: 549

سامی البدری: 131

سکاکی: 312

سلیمان دنیا-دکتر: 550

سمیع عاطف الزین: 550

سیوطی: 11، 10، ...

ص: 316



«ش» شاخصی: 274,542

شوکانی: 543,546

شهرستانی: 519,520

شیخ صدوق رحمه الله: 117,136,...

شیخ مفید: 515,546,...

«ص» صابونی: 543

«ط» طبری: 228,229,...

طیالسی: 328,512

«ع» عباسعلی براتی: 539

عبد الجبارین احمد همدانی: 546,547

عبد الحلیم محمود: 545,551

عبد الرزق نوفل: 551

عبد الوهاب بن احمد: 550

عبید الله بن حسن عنبری: 543

علی بن الحسین الموسوی: 556

علی بن طاووس: 553

علی حسین الجابری: 546

علی سامی النشار: 546

«غ» غزالی: 544,545,...

«ف» فارابی: 544

فخر رازی: 296,543

فرید وجدی: 551

فیروز آبادی: 479

«ق» قاسم رسی: 547

قاسمی: 546

قرطبی: 297، 353، ...

قمی: 296

«ك» کلینی: 553

کندی: 544

«م» مالک: 20

مجلسی: 96، 97، ...

محمد ابو زهره: 548

محمد بن بابویه: 562

محمد حمید حمد اللہ: 541

محمد سلیم حافظ: 577

محمود شلتوت: 551

مخنف بن سلیم: 256

مرتضی (الشریف): 556

مزی: 266

مستر هاکس آمریکائی: 232

مسعودی: 229، 231، ...

مسلم: 20، 169، ...



معروف بن خربوذ: 419

مفيد (شيخ): 515, 546, ...

مقاتل بن سليمان: 274

مك ميلان: 577

منصور حلاج: 549

موريس بوكيل: 580, 584

مير جلال الدين حسيني: 141

مير داماد: 97

«ن» النديم: 310

نسائي: 509

نصر بن مزاحم: 256

نظام: 546

«و» واصل بن عطاء: 265, 266, ...

واقدي: 256, 291

وهب بن منبه: 260, 264, ...

«ه» هابل: 578, 582

«ي» اليافعي: 549

ياقوت حموي: 131

يعقوبي: 230

ص: 318

## اماكن جغرافيايى

«الف» آرال:131

اروپا:512,327,266,265,264,229,36,551

امريكا:578

اندلس:545

اورشليم:195,269

«ب» بابل:131,132,256

بازار عكاظ:217,218

بدر:65,292

بصره:59,264,452,548

بغداد:256

بيت الله الحرام:71,132,328,336,381

بيت المقدس:384,132,353,357,365,381

بيروت:539,231,232,262,264,277,296

«ت» تبريز:566,567

تبوك:256

تهامه:212,217

تهران:84,539,553,563

«پ» پاكستان:577

«ج» جزيرة العرب:546

جيحون:131,196

«ح» حجر (ديار ثمود): 256,462,525

حديبه: 291

«خ» خوارزم: 131

خيمه اجتماع: 371

ص: 319

«د» دجله: 131، 132

دمشق: 452، 577

«ر» رود نیل: 304

روم: 107، 180، 202، 382، 394، 552

«س» ساعیر: 350

سبأ: 525، 102، 103، 108، 126، 183، 194، 462

سیناء: 232، 350، 351، 368، 376

«ش» شام: 117، 256، 353، 370، 527، 535، 546

شنعار: 132

«ص» صرأة: 256، 257

صفا: 318

صفین: 83

«ع» عدن: 198، 199

عراق: 546، 551، 130، 131، 132، 256، 452، 527، 535

عرفات: 132، 256، 318، 334، 374

«غ» غار حراء: 351

«ف» فاران: 50، 351

فراة: 130، 131، 132، 196

فلسطین: 102

فیشون: 131

«ق» قاهره: 369

قم: 84,553,565

«ك» كعبه: 357,571,572, 111,159,331,334,336,345,346

كوفه: 132,256,535

كوه ابو قبيس: 131

كوه سعير: 351

كوه سيناء: 351

كوه صهيون: 195

كوه طور: 342,361,363,368,369,370

«ل» لندن: 131,198,233,349,350

«م» مديترا نه: 368

مدين: 225

مدينه: 256,279,340,357,380,383

ص: 320



مروه:318

مسجد الحرام:346,357,381

مشعر الحرام:318,334,374

مشهد:84

مصر:370,353,308,305,304,302,254,479,546,551

مقام ابراهيم عليه السلام:332,334,335,336

مكة:292,291,244,218,159,132,131,379,357,356,351,340,318-381,383

منى:374,335,334,318,255,144,132

موصل:510

«ن» ناصره:196

نجد:546

نجف اشرف:132,131

نصيبين:113

نينوا:510

«و» وادى القرى:256

وادى مجنه:218

«ه» هند:44,132,551

هيكل سليمان:371

«ى» يمن:102,112,117,264

ص:321

«الف» اثبات الوصية: 232

اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات: 565

احياء تفكر ديني در اسلام: 551

اخبار الزمان: 229, 231

اخبار مكة: 327

ارشاد الفحول: 543, 546

ارغنون: 544

اسد الغابة، 279

اسرائيليات و اثر آن در كتابهاى تفسير: 296

اصول كافى: 418, 419, 476

اكمال الدين (صدوق): 515

الاحكام فى اصول الاحكام: 534

الارشاد الى قواطع الادله: 544

الاسلام فى عصر العلم: 551

إلجام العوام عن علم الكلام: 544, 549

امالى شيخ مفيد: 515

امالى صدوق: 295, 440

امتاع الاسماع: 256

انجيل: 352, 372, 377, 384, 491, 497, 536, 11, 27, 154, 203, 232, 234, 351

اوائل المقالات: 567, 546, 557, 561, 562, 566

«ب» البداية و النهاية:549

البرهان:10

بحار الانوار:132،131،117،115،114،16 ، 140،137،136-227،218،145،143 ، 368،329،328،296،295،275،240،  
515،532-440،451،508،513 ،434-407،418،419،421،425،432

بصائر الدرجات:257

«ت» تاج العروس:448

تاريخ ابن اثير:230،229

تاريخ ابن كثير:297،229،195

تاريخ ابن عساكر:527

تاريخ الجهميه و المعتزله:546

تاريخ العرب قبل الاسلام:264

تاريخ المذاهب الاسلاميه:548

ص: 322

تاريخ بغداد: 273

تاريخ دمشق: 452

تاريخ طبري: 229

التحقيق في كلمات القرآن: 451

تصحيح الاعتقاد: 564، 566

تفسير ابن كثير: 340، 371، 434، 507، 509

تفسير القرآن الكريم محمود شلتوت: 551

تفسير الميزان: 277

تفسير تبيان: 330

تفسير خازن: 275، 296

تفسير سيوطي: 509 ، 297، 369، 371، 417، 418

تفسير طبري: 507، 509، 510 ، 352، 353، 369، 371، 374، 384، 434 ، 262، 263، 264، 297، 340

تفسير علي بن ابراهيم: 218، 514، 515

تفسير فخر رازي، 296

تفسير قرطبي: 509، 510 ، 297، 353، 418، 434، 507

تفسير قمي: 143، 296

تنزيه الانبياء: 296

التوحيد الخالص: 545، 551

توحيد صدوق: 530، 527، 513، 474، 143 ، 531، 563

تورات: 11، 12، 27، 131، 132، 154، 196 ، 198، 199، 203، 207، 219، 232، 233 ، 234، 262، 267، 274، 349، 351، 352 ،

380، 384، 491، 497، 536 ، 378-372، 376-354، 359، 368، 369

تهافت التهافت: 545

تهافت الفلاسفة: 545

تهذيب التهذيب، 266، 267، 274، 507

تهذيب الكمال مّرى: 266

«ث» ثواب الاعمال: 412، 405، 404، 402، 393، 439، 438، 426، 425، 419، 413

«ح» الحنفية في نظر الغزالي: 550

«خ» خصال شيخ صدوق: 428، 227، 136، 117، 429

«د» دائرة المعارف مك ميلان: 577

الدر المنثور سيوطي: 340، 274، 113، 86، 10، 418، 417، 407

دو مكتب در اسلام: 10

«ر» رسائل الشريف المرتضى: 556

رسائل العدل و التوحيد: 547

رسالة الرد على المنطق: 544

رسالة تحريم النظر في علم كلام: 542

رسالة عقيدة السيف و اصحاب الحديث: 543

«ز» زبور داود: 261، 260

ص: 323

«س» سفينة البحار: 20,390,405

سنن ابن ماجه: 405,433,434,478,509

سنن ابو داود: 20,136,405

سنن ترمذى: 20,132,136,434,512

سنن دارمى: 405

سيره ابن هشام: 298,369,541

«ش» الشامل: 543

الشذرات الذهبية: 565

شرح الاصول الخمسه: 547

شرح الترتيب: 543

شرح نهج البلاغه: 138

«ص» صحيح بخارى: 434,508,552, 218,291,329,405,420

صحاح جوهرى: 479

صحيح مسلم: 420,439,508,552, 20,169,217,218,327,405

صراط الحق: 552

الصوفيه فى نظر الاسلام: 550

صون المنطق و الكلام: 546

«ط» طبقات ابن سعد: 265,266,327,328,512, 132,136,195,229,264

طبقات الشافعيه: 549

«ع» عبد الله بن سبأ: 538

العروة الوثقى: 551

عقاب الاعمال:416

علل الشرايع:515,217,240,140,114

عيون اخبار الرضا عليه السلام:295,240,145,114, 296,432,477

«غ» الغارات:141

«ف» الفرق الاسلاميه فى شمال الافريقى:549

الفصل فى الممل و الاهواء و النحل:520,519, 541

الفكر السلفى عند الاثنى عشرية:546

فتوحات مكيه:550

فجر الاسلام:541

فرهنگ دو مكتب:228

فصل المقال بين الحكمة و...:545

«ق» قاموس قرآن:163

قاموس كتاب مقدس:195,132,131,130, 196,232,234,371

قاموس اللغة:479

القرآن الكريم و روايات المدرستين:98,8, 297,341,347

قرآن:7-43,39,38,36,29,21,14,11, 47,59,44-71,67,66,61-75,73,

ص: 324

163، ، 128،149،150،152،155-157،162 ، 98،107،112،113،117،118،127 ، 77،78،84،85،88،90،92،94-96  
302،304، ، 254،255،258،267،273،275،285 ، 206،213،217،219،235،243،244 ، 175،182،184،190،192،195  
447،449،457، ، 355،359،383،424،433،436،443 ، 327،329،338،341،349،351-353 ، 309،313،315،319-321  
553،558،568،577، -503،504،526،536،539،540،551 ، 474،483،484،490،491،497،501 ، 458،462،470،471  
579-585

قصص الانبياء:264

«ك» كافي: 407،418،531،553

كتاب مقدس عهد عتيق: 128،233

كشف الظنون:264

كشف المحججه:553

كمال الدين و تمام النعمه:563

الكنى و الالقاب:266

«ل» لسان العرب: 38،163،331،451

«م» مجمع البيان: 418،510 ، 290،295،330،368،384

مجموع الفتاوى:544

مجموعة الوثائق السياسييه:541

مرآة الجنان:549

مروج الذهب:572

المسائل الجاروديه:562،565

المسلمون و العلم الحديث:551

مسند احمد بن حنبل: 512،540،552 ، 327،328،405،420،433،477،508 ، 20،136،169،227

مسند طيالسي: 328،512



معالم المدرستين: 10,297,393,535

معانى الاخبار صدوق: 143,168,227,418

معجم البلدان: 131,132

معجم الفاظ القرآن: 168,183,330,479

معجم المفهرس: 449

معجم الوسيط: 163,390,451

المعتزله (كتاب): 547

مغازى واقدى: 256,291

مفردات الفاظ القرآن راغب: 291,447,451,479,579, 163,167,168

مقالات الاسلاميين: 541

مقتضب الاثر فى النص على...: 565

الملل و النحل: 519,549

مناهج البحث عن مفكرى الاسلام: 546

من لا يحضره الفقيه: 97

موطأ مالك: 20

ميزان الاعتدال: 265,274

«ن» نقش ائمه در احياء دين: 8,273

نور الثقلين: 295,296

ص: 325

نهج البلاغه: 572، 555، 554، 390، 95، 86

«و» وسائل الشيعة: 477

وفيات الاعيان: 274، 266، 264

وقعه صفين نصر بن مزاحم: 257

«ى» يكصد و پنجاه صحابی ساختگی: 351، 266

اليواقيت و الجواهر فى...: 550

ص: 326

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

